۲۵۰

...ت چون نعت رسالت پناه صلی الله علیه و آله الصلوة
...ین و اما بعد چنین گوید مولف این کتاب شیخ امام
...ابو نصر حسن بن الفضل الطبرسی رحمه الله که چون حق
...صلی الله علیه و آله کلید رضای خود ساخت لقوله
...اسوة حسنة و موجب محبت خود گردانید ان کنتم
...یحببکم الله باعث شد مرا این کلام عظیم و ذکر مکارم
...و مکارم اخلاق آنحضرت صلی الله علیه و آله چنانکه
...مکارم الاخلاق یعنی فرستاده شدم جهت آنکه اخلاق
...ت هر چند بسیار [illegible] چون [illegible] و [illegible]
...[illegible] الله [illegible] ابی طالب علیه السلام
...بیشتر محتوی بر حقیقت روش انبیا علیهم السلام
...[illegible] که در حال خوف و رجا [illegible]
...آن [illegible] و [illegible]
...خطبه امیر المومنین علیه السلام که در نهج البلاغه
...پیش [illegible] عظیم و بزرگ نمود [illegible] جای [illegible]
...ت و از خدا [illegible] و بدنیا پیوست [illegible]
...ی بود و دلیل روشن بر ذم دنیا و عیب [illegible]

۲

او جه آنکه خدای تعالی اسباب دنیا از ...

رو بیم اگر خواهی پیروی موسی علیه السلام کنی ...

انزلت الی من خیر فقیر و ... که در خوا...

شاول کند از جهه آنکه گیاه میخورد و از غایت ...

شکمش بیرون می نمود و اگر خواهی که ...

کنی که صاحب آواز خوش و قاری اهل جنت ...

چیزها می بافت و همنشینان میگفت که همین از ...

جوین از بهاء آن میخورد و اگر خواهی بچهارم عیسی ...

او خشت در زیر سر می نهاد و جامها درشت ...

چراغش در شب ماهتاب بود و پاپوش در ...

آنچه از زمین میرست جهه حیوانات بود و او را زنی نبود ...

داشت که بسبب او محزون گردد و نه مالی که ...

خوار و ذلیل شود فرشش پایش بود و خدمتکارش ...

له پاکیزه تربیت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله بدر ...

و رسول اوست و او دوستترین بندگان نزد الله ...

به غمر خود کرد او بدنیا کار نمیکرد و از همه کس ...

بود دنیا بر او عرض کردند از قبول آن ابا نمود که ...

نداشت پس او نیز دنیا را دشمن داشت همچو که رسول صلی الله علیه و آله می نشست
بر زمین چون بندگان و غلامان و نعلین خود بدست خود درفش میزد و جامه خود
بدست خود پینه میکرد و بر دراز گوش بی پالان سوار میشد و دیگری را از عقب خود
سوار میکرد و اگر در خانه پرده دیدی که نقشی داشتی بخادم فرمودی که آن را از
چشم من دور گردان هرگاه نظرم برین می افتد زخارف و آرایش دنیا بخاطرم
میرسد پس دل از دنیا اعراض کردی و از نفس خود دنیا را محو ساختی و دوست
نمیداشتی که از نظر مبارکش دور شود چنانکه از دل پاکش دور بود تا از آن زینت
قبول نفرماید و اعتقاد و قرار و امید اقامت در او نکند پس دنیا از خاطر بیرون کرد
و از مقابل چشم دور ساخت و همچنین است که هر چه را دوست ندارد هرگز نخواهد
آن را ببیند و یا آن نخواهد که پیش او کنند و یقین که در احوال حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله چیزها ظاهر است که دلالت بر عیوب دنیا و بدیهای او کند مثل آنکه
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در دنیا گرسنگی کشید او و خواص او
با وجود قرب او و علو منزلتش نزد الله تعالی پس نظر کند
نظر کننده عاقل بچشم عقل که از کرامت و عزت پیغمبر بود صلی الله علیه و آله نزد
الله تعالی که او را دنیا نبود یا از اهانت و ذلت بود و اگر کسی گوید از جهه اهانت
و خواری بود دروغ گوی باشد بحق خدای بزرگوار عظیم و اگر گوید بجهه تعظیم و تکریم بود
... بتحقیق بداند که غیر او را اهانت کرد که دنیا داد و دور کرد دنیا را از ...

نزدیکان خود باید که اقتدا کنند به پیغمبر خود و پیروی او بجای آورند و اگر نه از
هلاک ایمن نمانند پس هر رستی که الله تعالی پیغمبر ما را نشانه قیامت و بشارت دهنده
بهشت و بیم کننده از عقوبت گردانید بیرون رفت از دنیا شکم تهی با حرت رسید
هرگز خشتی بر روی خشتی ننهاد تا بعالم آخرت پیوست و دعوت حق را اجابت نمود
چه بزرگست نعمت الهی بر ما و نزد ما این که انعام و احسان فرمود بوجود مبارک او که
پیشوا شد و ما تابع او شدیم و او رهبر ست ما در عقب او میرویم بخدا سوگند که چندان
پینه کردم این جامه خود را که شرم میدارم از دوزنده اش و گوینده من گفت
دور نمیکنی این جامه را از خود گفتم دور رو از من که هر که شبگیر کند صباح که بمنزل رسید
ستایش مر خود کند و این خطبه کافیست در مقصود ما بر طریق اجمال و ما بعد ازین
بتفصیل بیان مکارم اخلاق نبوی صلی الله علیه و آله کنیم در جمیع حالات و تصرفات
و سفر و حضر و نشستن و برخاستن و خوردن و آشامیدن آنحضرت و هرچه دیگر ائمه
معصومین صلوات الله علیهم اجمعین وارد شده از احوال و اخلاق نسبت بکافه امم
مذکور خواهد شد و از خداوند توفیق میخواهم در اتمام این کتاب که آسان کردن و آید
هر کار دشوار بر وی آسانست بر دوازده باب ترتیب داده شد **باب اول**
در خلق مبارک حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سایر احوال او و در نه فصل یاد کرده میشود
فصل اول در خلقت مبارک او و خلق و سیرت او **فصل دویم**
در بعضی از احوال و اخلاق او از کتاب شرف النبی [illegible]

فصل چهارم در اطوار او در آشامیدن **فصل پنجم** در ذکر مجملی از دیگر
احوال او **باب دویم** در آداب پاکی و خوشبویی و سرمه کشیدن و روغن
مالیدن و مسواک کردن مشتمل بر سه فصل **فصل اول** در پاکی و خوشبویها و مانند اینها
فصل دویم در سرمه کشیدن و روغن مالیدن **فصل سیم** در مسواک کردن
باب سیم در آداب حمام رفتن و آنچه بدان متعلق است و این در شش فصل یاد کرده میشود
فصل اول در کیفیت دخول حمام **فصل دویم** در ستر عورت **فصل سیم**
در مالیدن کیسه و روغن زیت و سبوس **فصل چهارم** در سر تراشیدن و موی بعضی
اعضا ستردن **فصل پنجم** در سر شستن با خطمی و برگ کنار **فصل ششم** در نوره مالیدن
باب چهارم در ناخن چیدن و بروت گرفتن و موی شانه کردن و در آینه دیدن
و حجامت کردن و فصد و این مشتمل است بر چهار فصل **فصل اول** در ناخن چیدن
فصل دویم در بروت گرفتن و اصلاح محاسن کردن و در آینه دیدن **فصل سیم**
در موی سر شانه کردن و آنچه بدان متعلق است **فصل چهارم** در حجامت کردن
باب پنجم در موی رنگ کردن و زینت و انگشتری و آنچه متعلق است
و این در شش فصل مذکور است **فصل اول** در رنگ کردن محاسن و ذکر صنایع آن
فصل دویم در رنگ محاسن بسیاهی کردن **فصل سیم** در رنگ کردن
محاسن بحنا و دست عورات بحنا رنگ کردن **فصل چهارم** در کراهیت
[illegible] حایض را **فصل پنجم** در انگشتری و آنچه متعلق است بآن و غیر آن

فصل ششم در آرایش و زیور زنان باب ششم در آداب لباس
پوشیدن و ترتیب مقام و مسکن رعایت کردن و آنچه بدان متعلق است و این در ده
فصل مذکور است فصل اول در لباسهای خوب پوشیدن و کیفیت آن فصل دوم
در جامه ته کردن و پاک نگاه داشتن فصل سیم در پوشیدن انواع ملبوسات
والوان آن فصل چهارم در ذکر خز پوشیدن و حله و غیر آن فصل پنجم در منع از
خود پرستی از جامه و ملبوس و تواضع و افتادگی فصل ششم در کراهت لباس
شهره و نکته چند در آن فصل هفتم در دستار و طاقیه فصل هشتم در پوشیدن
پیچ و موزه و نعلین و کفش فصل نهم در مسکن و ماوا و آنچه بدان متعلق است فصل دهم
در جامهٔ خواب و فراش و یراق خانه باب هفتم در آداب خوردن
و آشامیدن و آنچه بدان متعلق است و آن در سیزده فصل مذکور است فصل اول
در فضیلت طعام دادن و نیکویی کردن و روزه گشتی کردن فصل دوم
در آداب دست شستن فصل سیم در آداب خوردن فصل چهارم
در آداب آشامیدن فصل پنجم در آداب دندان خلال کردن فصل ششم
در فضیلت نان بر بسیار ماکولات فصل هفتم در منافع آنها فصل هشتم
در منافع گوشتها فصل نهم در ذکر شیرینها فصل دهم در ذکر میوه‌ها
فصل یازدهم در ذکر سبزیها فصل دوازدهم در یاد کردن حیوانات
فصل سیزدهم در خوردنیها غیر مکرر باب هشتم در باب کدخدایی

کردن و آنچه بدان متعلق است و این در ده فصل مذکور است فصل اول در
رغبت نکاح و برکت بعضی زنان و شومی بعضی از ایشان فصل دوم در
اصناف زنان و اخلاق ایشان فصل سیم در نکاح که همسر و مناسب شخص
که باشد فصل چهارم در آداب عروسی و مباشرت فصل پنجم در حق زنان و شوی
با یکدیگر فصل ششم در ذکر فرزندان و آنچه بدان متعلق است فصل هفتم در ذکر
عقیقه کردن و طعام دادن جهت مولود فصل هشتم در ذکر سنت کردن فرزندان
فصل نهم در ما یحتاج زنان فصل دهم در نکته چند در باب نکاح
باب نهم در آداب سفر و آنچه بدان متعلق است و این در هشت فصل
یاد کرده میشود فصل اول در سفر کردن و وقتهای نیک دانستن فصل دوم
در احتیاج بصدقه دادن و خیر کردن فصل سیم در وقت بیرون آمدن از خانه
و آنچه بدان عمل مستحب است فصل چهارم در مکارم اخلاق در سفر فصل پنجم
در حفظ اسباب و اموال و استخاره کردن و طلب حاجات از حضرت خدا
فصل ششم در آداب راه رفتن و کراهت تنها بودن در سفر فصل هفتم
در خدمت و محافظت چارپایان و حق ایشان بر صاحب فصل هشتم در کلمهای
نادره که در سفر واقع است باب دهم در آداب ادعیه خواندن و
آنچه بدان متعلق است و این در سه فصل مذکور است فصل اول در فضیلت دعا
خواندن و کیفیت آن فصل دوم در دعاهای شبانروزی از ادعیه گزیده

فصل سیم در ذکر درود بر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فصل چهارم در دعاهائی
که جهت حصول مهمات گذارند فصل پنجم در گریه و استغفار و فضیلت آن
باب یازدهم در آداب مریض و معالجه کردن و آنچه بدان متعلق است
و این در پنج فصل مذکور است فصل اول در آداب بیمار و پرسش کننده
علاج آن فصل سیم در شفا طلب کردن بصدقه و دعا و نماز فصل چهارم
در طلب شفا بخواندن دعوات و اسماء الله و غیر آن بخواندن و دمیدن و نوشتن
و نگه داشتن فصل پنجم در حرزها و دعاهای لایق بدین کتاب باب دوازدهم
در نکتهها نادره این کتاب و این در هفت فصل یاد کرده میشود فصل اول در
حقوقی که بر آدمی لازم است منقول از کلام حضرت امام زین العابدین علیه السلام فصل دوم
در ذکر بعضی از کلام حضرت نبوی صلی الله علیه و آله فصل سیم در وصایایی
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بامیر المؤمنین علی علیه السلام فرموده فصل چهارم
در موعظه که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بعبد الله مسعود کرده فصل پنجم
در وصیتی که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بابوذر غفاری فرموده فصل ششم
در اختیارات روزهای ماه که از حضرت امام جعفر علیه السلام مرویست
فصل هفتم در ختم این کتاب بنخبه از کلام امیر المؤمنین علی علیه السلام
باب اول در خلق حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بروایت امام حسن و امام حسین
علیهما السلام منقول از کتاب محمد بن ابراهیم طالقانی که از امام حسین علیه السلام

در یاد کردن ... [illegible]

[illegible]

اول

و هر کس بخدمت آنحضرت رفتی چون از خدمتش بیرون آمدی دانشی و معرفتی را حاصل
نمودی ببرکت صحبت او و فرمود که از پدر پرسیدم که حضرت چون از خانه بیرون آمدی
چه میکردی فرمود که زبان مبارک دایم خموش داشتی مگر آنچه ضرور شدی تکلم کردی
و اصحاب را با هم الفت و یاری ترغیب کردی و از نفرت و جدایی دور داشتی و اکابر
هر قوم را حرمت داشتی و ریاست و سروری آن قوم بدو تفویض کردی و از مردم
حذر کردی و احتراز نمودی و بر روی همه کس بشاش و خندان بودی و دایم تفحص
احوال اصحاب خود کردی و احوال و اطوار مردم از مردم پرسیدی و آنچه نیک و
پسندیده بودی تحسین کردی و تقویت فرمودی و آنچه بد بودی از آن
ترهیب کردی و منع نمودی و از احوال مردم غافل نبودی و از جاده اعتدال
و نهج استقامت عدول نکردی و آنچه محض حق بودی آن کردی بی زیاده و نقصان
و آنکسانی که دایم گرد او بودندی اخیار و برگزیدگان قوم او بودندی
و بهترین مردم نزد او کسانی بودند که معاش ایشان بمدارا و مواسا بودی
و دیگر فرمود که از پدر پرسیدم که نشستن آنحضرت در مجلس با مردمان چون بودی
فرمود که هیچ نشستی و برنخاستی الا آنکه ذکر حضرت حق تعالی کردی و
چون بمجلسی درآمدی هرجا که جای دیدی نشستی و از بالا و شیب تفاوت ننهادی
و با یاران و همنشینان همچنین امر کردی و با همنشینان نوعی اختلاط و سلوک کردی
که هیچکس گمان بردی که حضرت از و دوستتر کسی نداشتی و هر که در صحبت او نشستی و با او

جهة مهمی ایستادی آنحضرت از انجا رفتی و هرکه حاجتی زد او بردی اگر توانستی
پیش بردی و حاجتش برآوردی و اگر معذور بودی چندان لطف فرمودی که
آنکس خود بر خاستی پژمان نشدی آنگه آنحضرت از انجا رفتی و خاطر جوئی فرمودی
و تسلی شدی و در کنف خلق عظیم او همه کس را جای بودی و با مردم در مهربانی
چون پدر بودی و هیچکس را بر کسی زیادتی و تفضیل ننهادی و همه را در راه حق مساوی
و یکسان داشتی و دانستی مجلس محتوی بحلم و حیا و صبر و سخا و امانت بودی
آواز از مجلس بلند نشدی کس را از مرده بلند گفتن نبودی و کس فحش و دشنامی نیارستی
گفت و کس را سهو الفلتات ببرکت صحبت مبارکش واقع نشدی و همه باهم در صحبت و مجلس
و برابر بودند و براستی و تواضع سخن گفتندی و پیران را حرمت داشتندی و جوانان را
مرحمت کردندی و غریبان را نگهداشت کردندی و حاجتمند را ایثار کردندی و
حاجت برآوردندی و دیگر حضرت امام حسین علیه السلام فرمود پرسیدم از
پدر خود که روش حضرت و سیرت او با همنشینان چون بود گفت حضرت دایم
بروی بشاش کردی و خوش خلقی نمودی و اینکه و نرمی ظاهر کردی و نبودی ترش
روی و درشت خوی و فحش گوی و غیبت کننده و مدح کننده و از انچه نخواستی
تغافل فرمودی و کس را از خود محروم و نومید نکرده داشتی سه چیز نسبت بخود ترک داشت
و سه چیز نسبت بمردم نداشت اول آنکه کس را مذمت کردی دوم سرزنش کسی نکردی
دیگر عیب کس نجستی و سخن نگفتی مگر در انچه ثواب در ان داشتی و چون سخن کردی

حاضران

حاضران پیش وی چنان نشسته مستمع بودندی و هیچکس از سر و گفتار نماندی و چون خاموش
شدی حاضران متکلم شدندی و هیچکس در سخن نزاع نکردی و یارای آن نداشتی
و هر که سخن گفتی همه مستمع بودندی که چه میگوید و در چیزی که همنشینان خنده
کردندی حضرت نیز خندیدی بموافقت ایشان و از انچه تعجب داشتندی او نیز تعجب
فرمودی اگر غریبی رسیدی در مجلس گفتار چیزی درخواستی آنحضرت تحمل کردی و حاجتش
برآوردی امر کردی اصحاب را که حاجتمندی چون ببینید در برآوردن حاجتش
سعی نمایید و جهد بجای آورید و از هیچکس هیچ چیز قبول کردی تا مکافات
عوض آن فایده ده برابر رسانیدی و سخن کسی در میان نبریدی و چندان گوش بسخن
کردی که صاحب سخن سخن خود تمام کردی دیگر فرمود که از پدر خود پرسیدم
که سکوت حضرت چه نوع بودی فرمود که سکوت و خاموش بودن آنحضرت
مبنی بر چهار چیز بود بر حلم و بر حذر و بر تقدیر و بر تفکر و حلم و تمکین و تفکر او را
خشم و غضب عارض نگشتی اما حذر در چهار صورت نمودی اول در امور خیر و نیکی
ظاهر کردن تا امت اقتدا او بکنند دوم در بطالت و ترک عبادت و دور داشتن
دیگر در ترک قبایح و بدیها امر فرمودی تا از شر و نقصان محفوظ باشند و دیگر
در اجتهاد و تدبیرها در چیزی که صلاح کار امت در ان بودی و دیگر در اسباب که
مهمات و قیام بامور که خیر دنیوی و ثواب اخروی امت را شامل بودی
و بر تقدیر نمودی یعنی تسویه نظر در میان مردم و استماع کلام ایشان و همچنین و تفکر

امور باقی آخروی و فانی دنیوی نمودی فصل دویم در ذکر بعضی از احوال و
اخلاق آنحضرت صلی الله علیه و آله که از کتاب شرف النبی منقول است
این از صفت تواضع آنحضرت صلی الله علیه و آله و حیای او مرویست که حضرت رسالت
صلی الله علیه و آله عیادت بیماران بذات خود فرمودی و هر که او را خواندی
همراه او شدی اگرچه غلامی بودی و با جنازه همراهی کردی و جسم ودی
و بر دراز گوش سوار شدی و در روز غزاة خیبر و غزاة قریظه و نضیر بر دراز گوشی
سوار بود که پالان و افسار آن از لیف خرما بود و دوست نداشتی که کسی از
جهت وی قیام کند و هر کس از اصحاب وی را دوست داشتی قیام کردی که قیام
موجب کراهت خاطر مبارک آنحضرت شدی و نیز مرویست که آنحضرت صلی الله علیه و آله
بر جمعی کودکان سلام میکردی و بر جمع عورات نیز چون گذشتی سلام کردی و نیز
مرویست که شخصی بخدمت حضرت آمد چون سخن آغاز کرد لرزه بر اندام او افتاد
رسول صلی الله علیه و آله از روی مرحمت و مهربانی فرمود که باک مدار و خوش باش که
من پادشاهی نیستم بلکه من فرزند عورتی هستم که گوشت قدید خوردی و روایت کنند
بعضی از صحابه که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله در میان ما و باقی اصحاب چنان
نشستی که اگر غریبی آمدی ندانستی که پیغمبر کدام است درخواست کردیم که محلی از جهة
آنحضرت معین سازیم که ممتاز و پیدا باشد صفه ساختیم که بر آنجا نشستی و یاران در حوالی
او نشستندی تا اگر غریبی آمدی بشناختی و چون بخانه آمدی جامه خود پینه کردی و نعلین پاره

خود دوختی و بهترین صنعتها نزد او خیاطی بود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
مرویست که زن بد زبانی نزد رسول آمد و آنحضرت صلی الله علیه و آله طعام
تناول میکرد و آن زن گفت یا محمد خوردنت چون خوردن غلامانست و نشستنت چون
نشستن غلامان فرمود که وای بر تو ای جاهل از من بنده تر و غلامی تر
هست زن گفت از آن طعام لقمه بمن ده لقمه برداشت که بدو دهد زن گفت از آنچه
میخواهم که در دهان داری حضرت آن لقمه از دهان بیرون آورد و بدو داد او گرفت
که تا آن زن زنده بود هرگز زبانش به بدی و فحش گشوده نشد و کسی از وی نمی شنود
تا از دنیا رفت و از انس روایت میکنند که گفت هیچ بوی خوشتر از بوی حضرت رسول
صلی الله علیه و آله نشنیدم و گوید که از آداب آنحضرت بود که بر کار کسی و خدمتکاری
تعرض نکند و گوید آن کار را چرا کردی و آن نبایستی کرد و اگر کسی دست مبارک او گرفتی
او دست نکشیدی و اگر کسی پیش او نشستی تا آنکس برنخاستی آنحضرت برنخاستی و
مرویست که آنحضرت روزی در راهی میگذشت اعرابی بوی رسید و ردای
مبارک او کشید بنوعی که اثر کنار ردا بر گردن مبارک آنحضرت ظاهر شد و درشت
و گفت یا محمد امر فرمای از مال خدای که نزد تست بمن چیزی دهند آنحضرت بوی
بوی نگرد و تبسم فرمود و گفت تا چیزی بوی دادند و از ابو سعید خدری روایت
کنند که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله حیا داشت که هر کس از وی خواهش کردی نه نگفتی
و قبول کردی و از ابن مسعود روایت کنند که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم

میفرمودند که باید هیچکس از شما نگوید از پیش من غیبت کسی نکند و بد نگوید که چنان
دوست دارم که نزد شما آیم سلیم القلب باشم و با همه خاطرم صاف باشد
حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام روایتست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
دست گشاده تر بود و جوانمردتر و با خلق در معاشرت گرامی تر بود و عزیزتر با هر که
اختلاط کردی آنکس او را از همه کس دوستتر داشتی و عبد الله عباس رضی الله عنه
روایت میکند که رسول صلی الله علیه و آله فرمود که معلّم من و مؤدّب من خدای تعالی
باشد و من معلّم و مؤدّب علی ابن ابی طالب علیه السلام شدم و امر فرمود خدای تعالی به نیکوکاری
و سخاوت و نهی کرد از بخل و زناکاری و هیچ خصلتی نزد خداوند تعالی بدتر از بخل و بدخلقی نیست
و این دو خصلت زشت عمل نیک را چنان ضایع میکند که خل عسل را
ضایع کند و هم از حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام مرویست فرمود وقتی که اوصاف فضایل
آنحضرت را میشمرد میگفت که رسول بود صلی الله علیه و آله کریم تر و سخی تر مردمان کف
و گشاده دل تر بود از همه مردم از خلق نیک و راستگوی تر بود از همه کس در گفتگوی
و حق گذارتر بود از همه کس در ابرار ذمت و نرم تر در اختلاط و معاشرت بود
از همه کس و هر که با او ناگاه رسیدی هیبتی داشتی و هر که را کار در شدی چون با او انس
آمدی اختلاط کردی الفتی و موانستی یافتی که از جان و دل محبت و دوستدار او گشتی و
فرمود که ندیدم هیچ چون آن حضرت نه قبل از و و نه بعد از و و از ابن عباس مرویست
که ابوسفیان بعد از فتح مکه در میان مردم قدری نبود و کسی از مردمان با وی اختلاط

نمیکرد

نمیکردند و از بیمی تنگدل بود روزی نزد آنحضرت صلی الله علیه و آله آمد و گفت
سه درخواست دارم آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود که عرض کن گفت
اول آنکه دختری دارم بغایت زیبا و محبوب میخواهم بنکاح حضرت شما آنحضرت
قبول فرمود و دیگر گفت میخواهم که همچنانکه در زمان سابق با مسلمانان جنگ میکردم
در این زمان با کافران محاربه کنم قبول فرمود و دیگر گفت پسرم معاویه میخواهم کاتب
مجلس باشد قبول فرمودند و اگر ابوسفیان این درخواستها نکردی آنحضرت این
سه کار نکردی چون خلق و کرم آنحضرت آنچنان بود که هرگز سوال هیچ سایل رد
نمیکرد و بواسطه آن قبول فرمود در بیان شجاعت حضرت رسالت پناه صلی الله
علیه و آله مرویست از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام که روز بدر
زدوگیر بود ما همه پناه بحضرت رسول صلی الله علیه و آله می بردیم و او از همه
بجنگ دشمن نزدیکتر بود و هیچکس از و دلیرتر و شجاع تر نبود و هم آنحضرت
فرمود که شبی در مدینه غوغای بر آمد همه مردم روی بدان حضرت آوردند
و آشوبی میان مردم پیدا شد ما هم بدان طرف روی آوردیم حضرت را
دیدیم بر اسب ابی طلحه انصاری سوار و شمشیر برهنه در دست و روی با ما
کرده میگفت هیچ مکروهی نیست ساکن و آسوده باشید و مردم را دل آرام
می آمد در علامت رضا و غضب آنحضرت صلی الله علیه و آله روایت
کنند که چون حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله شادمان شدی روی مبارکش چون

ماه شب چهارده براو رخشتی و چون قهر کردی رنگ مبارکش سرخ و متغیر گشتی
و حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله خبری رادده
دلخوشی گفتی الحمد لله الذی بنعمته تتم الصالحات در مهربانی آنحضرت
صلی الله علیه و آله در حق امت مرویست که اصحاب رسول صلی الله علیه و آله
اگر کسی سه روز بخدمت نیامدی تفقد احوال وی کردی و پرسیدی
و اگر در سفر بودی دعاش کردی و اگر حاضر بودی بزیارتش رفتی و اگر بیمار بودی
بعیادتش حرمودی جابر بن عبد الله انصاری گفت حضرت رسالت صلی الله
علیه و آله بیست و یک غزا کردند در همه همراه بودم مگر در دو غزا یکبار در غزا
میرفتیم در شب شترم مانده بود و من حیران و سرگردان مانده بودم حضرت
در عقب کاروان می آمد آواز من شنید پرسید چه کسی گفتم جابر فدای تو باد
مادر و پدر من گفت چه حال گفتم شترم مانده فرود آمد و پای مبارک بر پای شتر نهاد
و شتر مرا مهار بگرفت و برانگیخت و باز خوابانید و مرا گفت سوار شو
چون سوار شدم باز شترم را برخیزانید روان شد شتر من سبقت گرفت در
شتران دیگر و در آن شب بیست و چند بار استغفار از جهت من کرد و آمرزش
طلبید و از من پرسید که از پدرت چند فرزندان مانده اند گفتم هفت دختر
مانده اند یا رسول الله گفت قرض گذاشته گفتم بلی فرمود که چون بمدینه رویم
از قرضخواهان درخواست کن تا با تو مدارا کنند و چون وقت خرما بریدن شد

نزد من آی و دیگر پرسید که زن خواسته یا نه گفتم بلی یا رسول الله فرمود از
کجا گفتم فلان بیوه در مدینه بود فرمود چرا دختر کوچکی نخواستی که با وی بازی کنی
و او با تو بازی کند گفتم خواهرانم کوچک بودند خواستم عاقله باشد که
ضبط احوال ایشان نماید فرمود که خوب کردی و رشد نمودی و فرمود که شترت را
بچند خریدی گفتم به پنج اشرفی فرمود که با پنج اشرفی قبول کردم چون بمدینه
باز آمدیم پس شتر نزد رسول بردم فرمود بلال که پنج اشرفی بوی ده و پنج
دیگر مزید کن و شتر را نیز بوی باز ده تا قرض خود دهد بلال همچنان کرد و من شتر
و اشرفی بقرضخواهان دادم و از من پرسید که با قرضخواهان قطع و فصل کردی گفتم
یا رسول الله گفت پس موقوف کن تا وقت خرما بریدن رسد پس نزد من آی
چون وقت خرما بریدن رسید بخدمت رسول صلی الله علیه و آله آمدم پس بنخلستان
خرما آمد و دعا کرد جهت او خرما بریدم هر قرضی که بود ادا کردم و از برای ما ماند
آنچه نصیب هر ساله ما بود و زیاده تر حضرت صلی الله علیه و آله فرمود بردارید و کیل
و وزن مکنید تا دو سال بخوردیم بکیل و مدت مدید از آن بخوردیم مرویست که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله هرگاه چیزی می پرسید بامحی نگفت تکرار می فرمود تا به سه نوبت تا
سامعان بفهمند و بفهمانند و چون کسی گفتی یا رسول الله فرمودی لبیک و روایت کنند از
ثابت که ما چون در خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله می نشستیم اگر از احوال دنیا
یا آخرت از خوردن و آشامیدن سخنی گفتیم او نیز در آن سخن با ما موافقت میکرد و از آن

میگفت • و ابو جحیفه گوید بیعت کردم با نبی صلی الله علیه و آله پیش از مبعث
و با وی وعده کردم در مقامی و از خاطرم رفت و شبانروزی آن گذشت
پس روز سیم بمقام موعد آمدم حضرت را دیدم گفت ای جوان مرا انتظار کردی
من سه روز است که اینجاام • جریر بن عبد الله روایت کند که یکروز بحضرت
نبی صلی الله علیه و آله بخانه وی در آمدم با یاران خانه پر مردم شد جریر بیرون
نشست که مردم انبوه بودند حضرت عبای مبارک خود در هم نوردید و نزد جریر انداخت
و فرمود که بر بالای این عبا بنشین جریر برداشت و بوسید و بر روی مالید و
سر نهاد و نزد آنحضرت آورد • و منقولست از سلمان فارسی که روزی نزد حضرت
رسول صلی الله علیه و آله رفتم و آنحضرت تکیه بر بالش کرده بودند چون مرا دیدند
بالش نزد من انداختند و گفتند یا سلمان هر مسلمان که نزد برادر مسلمان خود
آید و بالش را از روی تعظیم و اکرام بدو دهد خدای تعالی او را بیامرزد • در مزاح و تبسم
آنحضرت صلی الله علیه و آله مرویست که حضرت صلی الله علیه و آله فرمود بدرستیکه
من مزاح میکنم و اما نمیگویم غیر حق شخصی پرسید از ابن عباس رضی الله عنه که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله مزاح میکرد گفت بلی مزاح میکرد • و حضرت امام حسن علیه السلام
فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وقتی که غضب کردی روی گردانیدی
و چون شاد گشتی چشم مبارک برهم نهادی • و بیشتر خنده او تبسم بودی • و چون تبسم
دندان مبارکش نمودی چون در مکنون بودی • گاهی چنان تبسم کردی که دندان مبارک

نمودی

نمودی • و نیز مرویست از یونس شیبانی که گفت امام جعفر علیه السلام از من پرسید که
که چگونه است مزاح و مبازحی بعضی از شما با بعضی گفتم واقع میشود گفت چنین کنید که
بازی و مزاح از حسن خلقست و میرسی که برادر مسلمان را ببازی شاد میتوانی ساخت و
حضرت رسول صلی الله علیه و آله مزاح میکرد و چون میخواست شخصی شادمان شود •
در بیان گریه حضرت صلی الله علیه و آله مرویست که چون ابراهیم پسر رسول الله صلی الله علیه و آله
جان میداد حضرت گریه میکرد و میگفت چشم اشک میریزد و دل محزون اندوهگین شود •
و لیکن ما نمیگوییم غیر آنچه رضای حق در آنست • و ما بجهة تو ای ابراهیم اندوهگین
و غمگینیم • و مرویست که زید بن حارثه در غزا شهید شد حضرت رسول صلی الله علیه و آله
بخانه وی بتعزیت • دختر زید را چون چشم بر حضرت افتاد بیاد گریه کرد آنحضرت نیز
گریه میکرد بعضی اصحاب که همراه بودند گفتند یا رسول الله این چه گریه بود فرمود که
این شوق دوستست بدوست • در بیان رفتار آنحضرت صلی الله علیه و آله مرویست از حضرت
امیر المؤمنین علی علیه السلام که فرمود راه رفتن حضرت رسالت پناه چنان بودی
و خوش آینده بودی که گویی نهالی از نسیم صبا متحرک بودی یا آنکه بر روی سبزه بر بالا (?)
بودی هرگز مثل آن رفتار ندیدم • و نیز مرویست که چون حضرت رسول صلی الله
علیه و آله براه رفتی اصحاب در پیش رفتندی عقب ملائکه گذاشتندی و چون
چون حضرت صلی الله علیه و آله براه رفتی چنان نمودی که ظاهر شدی که از رفتن عاجز است
و چون نشستی اصحاب حلقه زدی • و اگر سوار بودی چون یکی همراه شدی در عقب

خود پیدا کردی و اگر آن شخص ابا کردی فرمودی که پس تو پیشتر رو و در جای که میخواهی
قرار گیر و مراد یاب ❁ در مدینه روزی شخصی حضرت را مهمان طلب کرد و طعامی مهیا
کرده بود از جمله رسول صحبتی از اصحاب بوی چون حضرت متوجه شد که بدانجا
رود در راه یکی دیگر همراه شد و یاران شش شدند چون بدر خانه رسیدند حضرت
فرمود شخص ششمین اگر اینجا قرار گیر که ترا نطلبیده اند تا ما از صاحبخانه اجازت طلب
کنیم و جای تو مقرر بسازیم پس در آمدی در بیان احوال و اخلاق آنحضرت صلی الله علیه و آله مرویست از
امیر المؤمنین علی علیه السلام که حضرت با هر که مصافحه کردی دست مبارک خود
نکشیدی تا آنکه آن شخص دست باز کشیدی و کسی تفویض مهمی بخدمت وی کردی
که چون سخن گفتی آنحضرت از آن مهم و از آن حاجت باز نیامدی و پس نگردیدی و در پیش تقدیم
نکردی و پای پیش پای او دراز نکردی تا آن شخص بازگشت نمودی و ترک آن نکردی
و کسی که سخن گفتی چندان گوش کردی که خود بس کردی و هرگز دو کار پیش نیامدی
الا آنکه دشوارتر بودی آن را اختیار کردی و هرگز تکیه کرده طعام نخوردی تا وقت
مفارقت از عالم و هرگز در خواست ابا نکردی که گفتی نه و هر که حاجتی بر زدی وی
یا حاجتش بر آوردی یا بخلق و زبان خوش شادمانش کردی و در عبارت سبکتر
و در معنی تمامتر از همه کس بود و در کلام مبارکش بیفایده و بیهوده نبود و قسمی که روی
بطرفی آوردی از نکهت او و بایع همه کس معطر شدی و معلوم گشتی که آنحضرت
می آید و با قوم چون طعام تناول فرمودی اول کسی که دست سوی طعام بردی او

بودی و آخر کسی که دست باز کشیدی هم او بودی و از نزد خود خوردی و اگر مثل
خرما و رطب بودی دست مبارکش بهر طرف که رسیدی میل کردی و چون آب
نوشیدی بسه نفس نوشیدی و آب از کناره مکیدی نه آنچنان که فرو ریختی
و بدست راست خوردن و آشامیدن و گرفتن و دادن عادت داشتی و
بدست چپ هر چه غیر اینها بودی کردی و چون کسی را طلب کردی سه نوبت
طلبیدی و چون رخصت طلبیدی در مهمی سه نوبت فرمودی و فرموده او
فصل کلام بودی هر که شنیدی و چون سخن بر آمدی نوری از میان دو دندان
پیش او شعله زدی و هرگز با کسی چنان سخن نگفتی که کراهتی در خاطر او پیدا شدی
و فرمود که بهتر شما آنست که خلق او بهتر باشد و خبری که چشیدی هیچ
نگذاردی و مذمت نفرمودی و یاران را در خدمت منازعه در حدیث نگذاشتی
و گویند که این اخبار گوید ندیدم بچشم خود مثل او و قبل از وی و بعد از وی
مرویست از امام جعفر علیه السلام که در همه شب تاریک حضرت رسول صلی الله علیه و آله
دیده شدی و در چشم بیننده از وی نوری پیدا آمدی که گوییا پاره ماهیست از ماه
و دیگر حضرت امام علیه السلام فرمود که جبرئیل علیه السلام نازل شد بر حضرت
و گفت خدایت سلام میرساند و میگوید که کوه بطحا را از برای تو اگر خواهی
طلا کردم پس حضرت روی بسوی آسمان کرد و سه نوبت گفت نه یا رب میخواهم که
روزی گرسنه باشم و از تو درخواست کنم و روزی سیر باشم و شکر نعمتهای تو کنم

وهم امام علیه السلام روایت کند که آنحضرت بر دراز گوش پالانی سوار گشتی و در
زمین با غلامان طعام خوردی • روایت کند جابر بن عبد الله که حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله را خصلتی چند بود که مخصوص وی بود اول آنکه راهی که رفتی
الا آنکه هر که از پی وی رفتی دانستی که بوی خوش آنحضرت و نسیم است که از آنجا
میوزد • و بر سنگی و درختی نمیگذشت الا آنکه سنگ و درخت او را سجده میکردند •
مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را از رنگ خیار و رخسار و تابان بود که
گویا در صفا چون ز مضمون بود • و ثابت بن انس گوید که هرگز بوی خوش نشنیدم از
مشک و عنبر خوشتر از بوی آنحضرت صلی الله علیه و آله و هیچ حریر و دیبا نرمتر
و لطیفتر از کف مبارک آنحضرت نبود زیرا که

جریر بن عبد الله گوید وقتی که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
بحلقه در نشسته و شده رفتم بیعت کنم پس گفت ای جریر جهت چه آمدی گفتم آمدم
که بر دست تو مسلمان گردم پس مرا خلعت خود مشرف گردانید پس روی با صحاب
خود کرد و گفت چون بزرگ قومی نزد شما آید عزیز و مکرم دارید • و مرویست
از حضرت امام جعفر علیه السلام که فرمود حضرت رسول صلی الله علیه و آله
شخصی را وعده کرد در بالای سنگی و گفت اینجا تم تا بیائی بعد از زمانی که آفتاب
بلند شد و هوا گرم گشت بعضی از اصحاب گفتند یا رسول الله بسایه گرد تا
چه باشد گفت من وعده اینجا کرده ام روا نباشد که خلاف وعده کنم • خاتم

گفت

گفت از حضرت رسول صلی الله علیه و آله سؤال کردم که یا رسول الله شما بخلا
در میروید و من از عقب شما آمدم و چیزی ندیدم از جنس فضلات غیر از آنکه بوی
مشک می شنیدم گفت ما جمع انبیا با تخمیر طینت از ارواح اهل جنت کرده اند از
ما چیزی که زمین فرو نبرد بیرون نمی آید • روایت کنند از ابن عباس که روزی
یکی از اصحاب نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و او بر حصیری تکیه کرده بود
که اثر آن حصیر بر پهلوی مبارکش ظاهر بود • آن صحابه گفت یا رسول الله اگر وقتی بالشی
بر آن پهلوی مبارک نهید دور نباشد فرمود که مرا با دنیا هیچ کاری نیست مثل من
مثل دنیا همچون سواریست که در تابستان گرم راه رود و ساعتی در زیر سایه درختی آرام گیرد
و بعد از آن روی براه آورد • از ابن عباس مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
وفات کرد و جوشن او نزد یهودی مرهون بود به سی صاع جو که جهت قوت اهل و عیال
گرفته بود • منقولست از ابو رافع که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هرگاه
نام محمد باشد او را بد نگویید و بروی نزنید و او را لعنت مکنید مبارک آن خانه که در آن
مجلس محمد نامی باشد و مبارک آن رفقائیکه که در میان ایشان محمد نامی باشد •
در بیان نشستن آنحضرت صلی الله علیه و آله با صحابه و آداب آن • مرویست که طفلان که
از ملاء متولد میشدند بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله می آوردند تا دعا کرده
و نام می نهاد و در کنار خود میگرفت جهة تعظیم پدر و مادرش و گاه بودی که طفل
بر جامه آنحضرت بول کردی و بعضی که آن دیدندی بانگ بر آوردندی آنحضرت

میگفتی که هیچ مگویید و همچنان میگذاشتی تا صبی بول تمام کردی و بعد ازان آب
تسمیه کردی و اظهار خوشحالی و بهجت فرمودی تا خاطر آن مردم ملول نگردد
و برابر ایشان نشستی و التفات بشستن کردی چون ایشان رفتندی برخاستی
روزی شخصی بمسجد درآمد آنحضرت نشسته بودند چون نزدیک آمد که پهلوی
رسول نشیند حضرت رسول جای نمود و خود را یکسو کشید آنشخص گفت یا رسول الله جای
گشاده هست شما آسوده نشینید آنحضرت فرمود که حق را در مسلمان بر مسلمان حقی
چون بیند که نزد وی می نشیند خود را یکسو کشد از جهة تکریم او و در خبرست که
رسول صلی الله علیه وآله فرموده که هر که دوست دارد که مردم نزد او بایستند
پیش بکند که بر جای او در دوزخ باشد و فرمود رسول صلی الله علیه وآله تا مایستند
پیش بکند مگر چنانکه بعضی از اعاجم نزد بعضی می ایستند و مرویست از امام جعفر صادق
علیه السلام که چون رسول صلی الله علیه وآله مجلسی رفتی در پایین مجلس آنجا که خالی بودی
نشستی و هم ازو مرویست که نشستن حضرت بیشتر روی بقبله بودی و رسول صلی الله
علیه وآله فرمود که از شما کسی که در مجلس رود آنجا نشیند که جای او آنجا منتهی شود
باشد و فرمود که یکی از شما که بمجلس رود سلام گوید چنانکه در اول درآمد و سلام گوید که
آمدن و رفتن تفاوت ندارد در سلام و فرمود که هر که از شما از مجلسی بیرون رود
چون باز آید اولی آنست که بجای خود نشیند و مرویست از رسول صلی الله علیه وآله
که فرمود بایستید حق مجالس را گفتند حق مجالس چیست فرمود اول آنکه چشم فرو دارد

و هر که سلام کند جواب گویید و او را مدد دهید و امر معروف کنید و اگر
منکری باشد نهی ازان کنید و مرویست که نشستن حضرت رسول الله صلی الله
علیه وآله بسه نوع بود اول هر دو ساق مبارک بر داشتی و دستها پیش آن در آوردی
و دستی بر ساعد نهادی و گاهی بدو زانو نشستی و گاهی یک پای پیش سینه نهادی
و یکی بر زمین نشسته و هرگز مربع ننشستی و بر سر دو زانو نشستی و تکیه کردی

فصل سیم در طور طعام خوردن آنحضرت صلی الله علیه وآله مرویست که حضرت رسول
صلی الله علیه وآله از اصناف و انواع طعام تناول فرمودی و آنچه حضرت
حق سبحانه و تعالی حلال کرده با اهل بیت و خدمتکاران یکجا خوردندی و هر که
از مسلمانان او را دعوت کردی اجابت فرمودی و بر زمین با ایشان طعام
خوردی و اکثر اوقات با مهمان طعام تناول فرمودی و طعامی که او دوست داشتی
دستهای بسیار بران آمدی و روزی اصحاب نزد حضرت رسول صلی الله
علیه وآله آمدند فرمود بارخدایا منم اسم از فضل تو و رحمت تو که غیر تو مالک
این دو چیز کسی نیست در میان این حال شخصی آمد و گوسفندی آورد و گفت
بگیرید این را از فضل خدا و ما منتظر رحمتیم و چون خوردنی نزد آنحضرت آوردندی
فرمودی که بسم الله اللهم اجعلها نعمة مشکورة تصل بها نعمة الجنة و بسیار بودی که
بطعام مشغول شدی هر دو پای مبارک و زانو ها جمع کردی چنانچه نماز گزار
الا آنکه پای بر بالای پای و زانو بر بالای زانو نهاده بودی فرمودی که من بنده ام چنان

خوردنی نیم گرم کند کان غلامان خورند و چنان می نشینم که بندگان نشینند
مرویست از امام جعفر علیه السلام که فرمود حضرت رسالت صلی الله علیه و آله
تکیه زده هرگز طعام نخوردی و چون دست مبارک سوی طعام بردی گفتی
بسم الله بارک لنا فیما رزقتنا و علیک خلفه مرویست از امام جعفر صادق
علیه السلام که چون آنحضرت صلی الله علیه و آله افطار فرمودی گفتی
اللهم لک صمنا و علی رزقک افطرنا فتقبل منا ذهب الظماء و ابتلت
العروق و بقی الاجر و فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون
افطار نزد قومی کردی گفتی بر سبیل عذرخواهی افطار کردند نزد شما روزه داران
و خوردند طعام شما را نیکوکاران فرمود که دعا روزه داران مستجابست
وقت افطار و مرویست که حضرت بخرما افطار کردی و اگر شکر یافتی ازان
افطار کردی و مرویست از امام جعفر علیه السلام که گفت رسول صلی الله
علیه و آله افطار بشیرینی کردی و اگر نیافتی بآب نیمگرم افطار کردی و فرمود که
آب نیمگرم جگر و معده را پاک میکند و بوی دهان خوش میکند و دندانها
قوی میکند و حدقه را نور بینایی فزاید و گناهان میشوید و تسکین رگهای
مضطرب میکند و صفرا می نشاند و قطع بلغم میکند و حرارت از معده می نشاند
و درد سر میبرد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله طعام گرم نخوردی با دام که
سرد نشدی و فرمودی که الله سبحانه و تعالی آتش بخورد ما نمیدهد بدرستیکه طعام

گرم بی برکت پس اورا بپرد کنید و حضرت چون طعام خوردی نام خدا
بردی و از پیش خود خوردی و پیش از قوم بطعام مشغول شدی و بسه انگشت خوردی
ابهام و سبابه و انگشت میانین و گاهی بچهار انگشت نیز تناول فرمودی و هیچگاهی
بتمام کف خوردی و هرگز بدو انگشت نخوردی و فرموده است که بدو انگشت
خوردن عادت شیطانست روزی بعضی از اصحاب پالوده نزد حضرت آوردند
چون ازان تناول فرمود گفت از چه چیز پخته اند این ای یا اباعبدالله گفت
فدای تو باد مادر و پدر من روغن و عسل در دیگ کردیم و بر سر آتش نهادیم تا جوشید
بعد ازان نشاسته بر وی ریختیم بعد ازان بر هم زدیم تا پخته شد پس آنحضرت گفت که
می پسندید پس فرمود که طعام خوبست و گاهی بود که آرد جو نبخته نان کردندی
و آنحضرت تناول کردی و گاهی بر سبیل سفوف میخوردی و عیص بن القاسم روایت
کنید که گفتم بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام که از پدر شما مرویست که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله از نان گندم سیر نخورد آیا راستست حضرت
جواب فرمودند که نه حضرت در عمر خود نان گندم نخورد و از نان جو هرگز
سیر نخورد و عایشه گوید هرگز رسول صلی الله علیه و آله دو روز متواتر نان جو
سیر نخورد تا از دنیا رفت و گویند هرگز بر خوان طعام نخورد و هرگز نان تنک نخورد
و مرویست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود اما طعام حضرت
رسول صلی الله علیه و آله جو بود تا از دنیا مفارقت نمود و از پس مالک که

حضرت رسول اجابت دعوت ملوک کردی و بر پس مرکب خود سوار کردی و
طعام خود بر زمین نهادی خیار با رطب تناول فرمودی و خیار با نمک خوردی و
و میوه ها را تحلیل کردی و از میوه ها خربزه و انگور دوست داشتی و خربزه با نان و گاهی
با شکر تناول کردی و گاهی خربزه و رطب خوردی با هم و گاه هر دو بهم
مدد کردی روزی آنحضرت نشسته و رطب تناول میفرمود و هدایت
و استخوان رطب بدست چپ گرفتی و بر زمین نیفکندی ناگاه گوسفندی
میگذشت نزدیک با آنحضرت پس اشارت فرمود باستخوان رطب که در دست
داشت پس بدست راست رطب میخورد و استخوانها بدست چپ بگوسفند میداد
تا گوسفند از دست مبارک او آن استخوانها بخورد و چون پیغمبر صلی الله علیه و آله
روزه داشتی افطار برطب فرمودی در موسم رطب و انگور دانه دانه خوردی
و گاهی از خوشه بدندان مبارک خوردی چنانچه قطره های آن بر محاسن مبارک چون
در مکنون بچکیدی و حضرت رسول صلی الله علیه و آله چنگال خوردی خرما تناول
کردی و بر روی آن آب خوردی و بیشتر طعام آنحضرت خرما و آب بودی و بیشتر صبح کردی
میان خرما و شیر نان و این هر دو را طیبین نام نهاده بود و بیشتر آنچه خوردی
هریسه بودی و بدان سحور کردی و گویند جبرئیل علیه السلام از بهشت هریسه
جهت آنحضرت آورده و آنحضرت در خانه جو خوردی که مردم خورندی و گوشت
پخته تناول فرمودی با نان و گاهی بریان خوردی با نان و گاهی ترید تناول کردی

تنها و گاه با نان خوردی و دوستترین طعامها نزد وی گوشت بودی و فرمود که
گوشت در قوت سمع و بصر می افزاید و فرمود که گوشت سید و بهترین طعامهاست
در دنیا و آخرت و اگر من از خدا خواستمی که هر روز طعام من گوشت بودی هر آینه
چنان کردی و رسول صلی الله علیه و آله ترید با گوشت و کدو تناول کردی و کدو را
دوست داشتی و فرمودی که درخت برادرم یونس است و حضرت رسول صلی الله
علیه و آله مرغ خانگی خوردی و گوشت وحش و گوشت پرنده که صید کرده باشند
خوردندی و صید نکردی اما دوست داشتی که صید کرده نزد او آوردندی و
دوست داشتی خوردن نان و روغن و از گوشت شانه و سپر دوست
داشتی و از ما تخورد شها پرکه و از سبزیها کاسنی و بادروج و کلم و حضرت رسول
صلی الله علیه و آله سیر و پیاز و کرفس و عسل که در بقایای درخت که کمی از رگ
آن خوردی و اثر آن در وی پیدا بودی که موجب بوی دهان شدی نخوردی و هر طعامی
مدح و ذم نکردی و چشیدی اگر خوشش آمدی خوردی و اگر نه بگذاشتی و حضرت
هیچ چیزی خوش نکردی و دیگران هم حرام نکردی و دستش و چون از طعام خوردن
فارغ گشتی سه انگشت مبارک خود لیسیدی و اگر چیزی از انگشت مبارکش مانده بودی
نالیسیده ناپاک کردی دست خود بدستمال پاک نکردی تا انگشتان لیسیدی و
فرمود که معلوم نیست که برکت طعام در کدام انگشت است و حضرت رسول صلی الله
علیه و آله چون بزرگ آمدی از آن خوردی و اصحاب او تفقد کردندی و حضرت

فرمود که این خوردن دندانها را پوسیده آرد و حضرت بعد از طعام دست
شستی چندانکه بوی طعام را اثر نماندی و چون نان و گوشت تناول فرمودی
جامه دستها شستی و بقیه آنچه که در دستش بودی بدان روی مبارک خود
مسح کردی و هرگز تا ممکن بودی طعام تنها نخوردی و فرمود که شما را خبردار کنم
بدان شما گفت آنکه تنها خورد و بنده و مملوک را زند و منع عطیه کند فصل یازدهم
در آداب آب آشامیدن حضرت صلی الله علیه و آله از امام جعفر علیه السلام
مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون آب آشامیدی ابتدا بنام خدا
کردی و قدری کم نفس آشامیدی گاهی دو نفس آشامیدی پس کردی و حمد خداوند
بجای آوردی و باز معاودت فرمودی بنام خدای تعالی و قدری دیگر نوشیدی
و باز بس کردی و باز حمد خداوند کردی و آب خوردی و بسم الله و الحمد
گفتی و آب را مکیدی نه آنکه یکبار فرو ریختی و فرموده است که درد جگر از آب
خوردنست که یکبار فرو خورند و آنحضرت در ظرف آب نفس نزدی چون
خواستی که نفس زند ظرف آب از پیش دهان دور کردی و نفس زدی و گاهی
بیک نفس آب خوردی و آب از قدحهای شیشه خوردی که از شام می‌آوردند
و از ظرف چوبین و از ظرفی که از پوست ساخته بودند آب خوردی و از سفال آب
نوشیدی و گاهی بکف هر دو دست نیز آب خوردی و فرمودی که هیچ
ظرفی بهتر از کف دست نیست و از دهن قرابه و مشک آب نوشیدی و دهان

مشکرا

مشک را از آن پیچیدی که آب از آن نوشیدی و فرمودی که پیچیدن آن در حین
آب خوردن آن را بدبوی میگرداند و گاهی آب را ایستاده و گاهی سوار
نوشیدی و از قرابه و از سبو و از ادوات دیگر که اتفاق افتادی آب
خوردی و آنچه نیز خوردی که بر او شیر دوشیدی و آنچه که جو یا گندم [illegible]
را کوفته بر روغن ریخته بودندی نوشیدی که او را بعربی سویق و بفارسی قاووت
گویند و دوستترین آشامیدنی نزد آنحضرت آن بودی که شیرین بودی و در روایتی
که دوستترین شربتی نزد آنحضرت شربت سرد بودی و آنحضرت آب بالای عسل
نوشیدی و گاهی در حین آب کردندی و نان دران ریزه کردندی آنحضرت میل
فرمودی و فرمود که بهترین شربتها در دنیا و آخرت آبست و انس بن مالک گوید
حضرت رسول صلی الله علیه و آله یک آب در وقت افطار نوشیدی گاهی
وقت سحر و گاهی شیر کی اختصار فرمودی و گاه بودی که آن شیر بودی
و انس بن مالک گوید که شبی جهت آنحضرت نان در شیر کرده بودم که چون از مسجد
فرمایند افطار کنند زمانی دیر شد و نیامد مرا ظن آن شد که یکی از اصحاب او را
دعوت کرد بخانه خود با طعامی جهت آنحضرت بمسجد آورده من آنرا خوردم بعد از
پاره‌ای آنحضرت آمد از کسی که همراهش بود پرسیدم که حضرت از کسی چیزی خورد
یا طعامی تناول فرمود در مسجد گفت نه من بغایت غمگین شدم مرتبه که خدا داند
از بیم آنکه مبادا آنحضرت خوردنی طلب کنند حضرت هیچ نگفت و بر روی من

نیاورد و شب گرسنه خواب کرد و چون جاچتی دیگر برآمد ظرفی پر شیر از
جای دیگر آوردند دران حال ابن عباس بر دست راست و خالد ولید
بر دست چپ آنحضرت نشسته بودند چون از ان شیر قدری آشامید
گفت بعبد الله عباس که آنچه در ظرف هست حق تست اگر تو رخصت میکنی بخالد
دهم که او از تو بسال بزرگتر است فرمود که نه بخدا که فضیلت نیمخورده حضرت را
بکسی نمیدهم و گرفت و آشامید و گویند ابن خویلد می برد حضرت رسول
صلی الله علیه و آله ظرفی آوردند که دران عسل و شیر بود آنحضرت از خوردن آن
ابا فرمود و گفت دو شربت در یک شربت و دو ظرف در یک ظرف نمیخورم
و هر کس این را حرام نمیکنم و لکن مکروه دارم فخر و حساب بزیادتیهای دنیا فردا
و دوست میدارم تواضع را بدرستی که هر که تواضع کند از برای خدای تعالی
او را بلند گرداند **فصل پنجم در بیان خلق آنحضرت صلی الله علیه و آله**
در استعمال بوی خوش و روغن و پوشیدن جامه و پیراستن و غیر آن حضرت
رسول صلی الله علیه و آله چون سر و محاسن مبارک شستی با برگ کنار شستی **در
بیان طریق روغن مالیدن آنحضرت صلی الله علیه و آله** حضرت رسول روغن
مالیدن دوست داشتی چرا که ژولیدگی موی بردی و فرمود که روغن مالیدن
بر اعضا دفع حزن و اندوه میکند و با اصناف روغن تدهین کردی
و چون روغن مالیدی ابتدا از سر و محاسن کردی و روغن بنفشه بسیار کردی

دو بوی دی

و فرمودی که افضل روغنها است و چون تدهین کردی ابتدا بهر دو ابرو کردی
بعد از ان بهر دو شارب و بعد از ان در بینی قدری بچکاندی و بوییدی و بعد
از ان بر سر مالیدی و رسول صلی الله علیه و آله جهت درد سر ابروها روغن مالیدی
و شاربها تدهین روغنی غیر آن روغن کردی که محاسن را تدهین کردی **در
بیان طریق شانه کردن آنحضرت صلی الله علیه و آله** سر و محاسن مبارک را
شانه زدی گاهی حرمهای آنحضرت شانه زدندی و موها که او فتادی نگاه
داشتندی گویند موهای که در دست مردمست آن موهاست اما موی که
در حج و عمره تراشیدی جبرئیل علیه السلام آنها را باسمان بردی و گاهی بودی که
یک دو بار دو نوبت محاسن شانه زدی و چون شانه زدی در زیر بالش نهادی و
فرمودی که شانه زدن دفع وبا میکند و چون شانه زدی از زیر بجانب بالا
چهل نوبت زدی و از بالا هفت نوبت بجانب زیر و فرمودی که این ذهن
زیاده میکند و قطع بلغم میکند **در بیان بوی خوش آنحضرت صلی الله علیه و آله**
بمشک تطییب فرمودی و بر فرق سر مالیدی و بهترین طیبها تطییب کردی بعد
که آن مشک است و عنبر و حرمهای آنحضرت با غالیه یعنی بوی شد گاهی آنحضرت را
تطییب کردندی و بعود قماری بخور کردندی و در شب تاریک بی آنکه کسی او را
ببیند از بوی خوش او و بر او دانسته شدی و گفتندی اینست پیغمبر صلی الله علیه و آله
و مرویست از امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله

به بوی خوش بیشتر اتفاق و چنان بودی که بطعام و فرمودی امام محمد باقر
علیه السلام که سه خصلت پیغمبر صلی الله علیه و آله را بود که در غیر او نبود
اول او را سایه نبود و دیگر چون از راهی گذشتی بعد از دو روز یا سه روز کسی که
از آن راه گذشتی بوی مبارک عرق او دانستی که رسول صلی الله علیه و آله از آنجا
گذشته و دیگر هیچ سنگی و درختی نگذشتی که آن سنگ و درخت او را
سجده نکردی و هیچ بوی خوش بر وی عرض نکردندی الا آنکه از آن چیزی
قبول کردی و آن تطییب فرمودی و گفتی بوی خوش بویش خوبست و [illegible]
و اگر تطییب نکردی انگشت مبارک بدان زدی و بدهان بر روی لعق فرمودی
و فرمودی که لذت از دنیا در زن ... بوی خوش و نور چشم من در نماز است و روزه
در بیان سرمه بچشم کردن حضرت رسول صلی الله علیه و آله سرمه در چشم راست
سه نوبت و در چشم چپ دو نوبت کشید و اگر کم و زیاده ازین کنند باک نیست
گاهی اکحال فرمودی و بروز بودی و او را صلی الله علیه و آله بود که در شب
بدان سرمه کشیدی و کحل وی سرمه بود در بیان نگریستن آنحضرت صلی الله علیه و آله
در آینه میگریست و بر روی محاسن دستی فرو کشیدی و ترتیب موی سر نمودی و شانه
میکرد و گاهی در آب نظر می انداخت و تزیین خویش مینمود از آنکه نزد اهل خود رفتی
و این اعمال گفت وقتی که چون بیرون رفتندی اصحاب بوده یکره نظر در کوزه
می انداخت که در آن آب میبود و بدان مشاهده تزیین و کحل و ترتیب آن حسن و جمال مینمود

فعل

و عایشه گفت پدر و مادرم فدای تو باد که در کوزه چون آینه روی خود دیدی و
راست کردی خود را فرمود که دوست میدارد خداوند تعالی از بنده خود که
چون نزد برادران خود رود تهیه و تجمل کند یعنی خود را بلباس خوب و زینت
و تزیین آراسته دارد در بیان مالیدن چیزها بر جسد مبارک رسول صلی الله
علیه و آله امر فرمودی بدیگری تا طلا کردی و از بالا جسد تا محل ستر آن مالیدی
و از آن پایین تر بدست مبارک خود مالیدی و مرویست که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله در هیچ سفری از خود شیشه روغن و سرمه دان و مقراض و آینه و مسواک و
شانه دور نکردی و در روایتی هست که با او سوزن و ریسمان بودی که جامه
پاره دوختی و حضرت صلی الله علیه و آله چون مسواک کردی بعرض مسواک کردی
در بیان لباس آنحضرت صلی الله علیه و آله شمله پوشیدی و از آن ازار ساختی
و گلیم دو رنگ که او را مرکو نیز گویند از آن نیز ازار ساختی و از آن زیبا و خوش آینده بود
زیرا که سیاهی نهر با سفیدی آنچه ظاهر بود در جسد مبارک ایشان از ساق و قدمین
بغایت متناسب بود و گویند تا وقتی که حضرت حق تعالی قبض روح مطهر وی کرد
او را ازاره بود که در بنی عبد الاشهل می بافتند آن را پوشیدی و چون از عالم رحلت
فرمود آن ازار و ماند و چون با مردم نماز کردی شمله پوشیدی و اکثر گویند که
بسیار بودی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم با ما نماز ظهر کردی و شمله
داشتی که بر دوش افکندی و سر دو طرف در زیر کتف مبارکش بودی در بیان طاقیه

و دستار آنحضرت صلی الله علیه و آله طاقیه در زیر دستار پوشیدی و گاهی
هم بطاقیه بر سر بستی و طاقیهای سفید هم پوشیدی و طاقیهاکه روز جنگ بر سر
نهادی گوشها از دو طرف داشتی و بعضی سبز بودی گاه بودی که طاقیه از سر گرفتی
و در پیش خود نهادی و نماز بران کردی و در سفرها گاه عمامه از خز سیاه بر سر بستی
و در غیر سفر گاهی بی بستی و بر بالای دستار نیز چیزی میپوشیدی چنانچه از برفی
گوش و گردن بدان پوشیده بودی و گاهی بودی که دستار بستی و عصابه بستی
محکم یعنی گرد بر سر بستی یا بر پیشانی چیزی بر بستی و از خواص آنحضرت عصابه
بستن بودی و آنحضرت را دستاری بودی که آنرا سحاب گفتندی و آنرا
در حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام پوشانیدی گاهی که حضرت امیر نزد وی
آمدی با اصحاب گفتی که علی آمد در سحاب یعنی در آن عمامه که وی بخشیده بود و حاشیه
گفت وقتی حضرت رسول صلی الله علیه و آله عمامه صوف و جبه صوف پوشیده
بود بیرون رفت و در خطبه فرمود من ندیدم از خلق خدا هیچکس بدان زیبائی که
آنروز او را دیدم در بیان رخت پوشیدن آنحضرت صلی الله علیه و آله
چون لباس پوشیدی گفتی الحمد لله الذی کسانی ما یواری عورتی و اتجمل
به فی الناس و چون از تن بیرون کردی از جانب چپ ابتدا کردی و
عادت وی بود که چون لباس نو پوشیدی حمد خداوند بجای آوردی و مسکینی
طلبیدی و کهنه خود بوی دادی و فرمود که هر که مسلمانی را جامه کهنه خود پوشاند

علی

خاص از برای رضای خدا در ضمان خدای تعالی باشد و احیاء و در پناه و جوار او
و او را نزد خدای تعالی ها وی باشد در مردگی و زندگی و حضرت رسول صلی الله
علیه و آله چون لباس نو پوشیدی بر خاستی و چون راست ایستادی پس از آنکه
از جامه بیرون آمدی گفتی اللهم بک استترت و الیک توجهت و بک
اعتصمت و علیک توکلت اللهم انت اعلم بمنی عز جارک و تقدس ثناؤک
و لا اله غیرک اللهم زودنی التقوی و اغفر لی ذنبی و وجهنی للخیر حیث ما
توجهت بک اعتصمت و علیک توکلت و بعد از آن بیرون رفتی و آنحضرت را
دو جامه بودی یکی جبه روز جمعه و یکی جبه غیر جمعه و آنحضرت را خرقه و فوطه بودی که
روی مبارک بعد از آن خشک کردی و گاهی فوطه با وی نبودی روی مبارک
بکنار ردا و گوشه که داشتی پاک میکردی در بیان انگشتری آنحضرت صلی الله علیه و آله
انگشتری از نقره در انگشت کردی و نگین بطرف کف دست گردانیدی و انگشتری
در انگشت داشتی که معاذ جبل بهدیه آورده بود و نقش کرده در و محمد
رسول الله و گاهی استنجا کردی بدست چپ آن انگشتری بدست راست داشت تا نام
عالم معا عارق کرد و گاهی انگشتری در انگشت میانه کردی و در بند دوم
و گاهی در انگشت سبابه کردی و گاه بودی که نزد اصحاب آمدی و در انگشتری
ریسمان بسته بودی تا آن بذکر وی باشد و بر کتاب مهر کردی و فرمودی که مهر بر
مکتوبها امانت است از تهمت در بیان نعلین رسول صلی الله علیه و آله نعلین پوشیدی

بر مثال کفش که میان باریک و پاشنه جمع کرده و پنجه آن پهن بودی پیشتوری
که در شام میدوزند و چون ابتدا به پوشیدن نعلین فرمودی از یمین ابتدا کردی
و چون کندی ابتدا از یسار کردی گاه امر فرمودی به پوشیدن نعلین هر دو با هم
و کندن با هم زیرا که مکروه میداشت که یکی پوشند و یکی نه و از مسح منع فرمودی
در بیان جامهٔ خواب آنحضرت صلی الله علیه و آله در وقتی که از دنیا رحلت
فرمود از پلاسهای ادی الصری بود و از پشم شتر پر کرده و دو گز نیمه
درازی دو گز شرعی بود و پهنای آن گزی و وجبی بود و مرویست از امیر المؤمنین
علیه السلام که جامهٔ خواب حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله عبائی بود و متکای او
بود پر از لیف خرما شبی بر آن خواب کرد صباح فرمود که مرا جامهٔ خواب از
نماز شب منع فرمود که یکتا کردند و جامهٔ خوابی نیز داشت از پوست پر از لیف خرما
بود و گویند پیغمبر صلی الله علیه و آله را فراشی بود از عبا تا از دنیا نقل فرمود بیانی
بود که بالش از پوست می نهاد که پر از لیف خرما بود و او را قالیچه بود که گاه گاهی
مبارک بر آن نهادی بداب خشوع فرمودی و گلیمی داشت از موی که بر آن نشستی
و گاهی بر آن نماز کردی **در بیان خواب** مرویست که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله خواب کردی بر روی حصیری که هیچ چیز زیر او نبودی و چون
خواستی که خواب کند مسواک کردی و بجای خواب فرمودی و چون بجای خواب
رفتی بر پهلوی راست خسپیدی و دست راست در زیر روی داشتی و گفتی اللهم

قنی عذابک یوم تبعث عبادک و در دعا نیز و رفتن در جامهٔ خواب
روایات مختلف است از آنجمله گویند چون حضرت در جای خواب رفتی
گفتی اللهم انی اعوذ بمعافاتک من عقوبتک و اعوذ برضاک من سخطک
و اعوذ بک منک اللهم انی لا استطیع ان ابلغ فی الثناء علیک و لو حرصت
انت کما اثنیت علی نفسک وقت خواب کردن گفتی الحمد لله الذی احیانی
بعد موتی ان ربی لغفور شکور و آیة الکرسی خواندی فرموده است که جبرئیل
مرا خبر داد که عفریتی از جن در کمین تو گردیده است که در خواب بر تو ظفر یابد بر تو نگاه
وقت خواب آیة الکرسی بخوان و مرویست از امام محمد باقر علیه السلام که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله هرگز از خواب برنخاستی الا آنکه سر بسجده نهادی
خدای تعالی را بخضوع و خشوع نمودی و گویند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
خواب نکردی تا مسواک بر بالای سر نهادی و چون سر بر داشتی اول مسواک
کردی و فرمودی که مامور شده ام بمسواک کردن تا بمیترسیدم که بر من واجب گردد
و حضرت چون از خواب برخاستی گفتی اللهم انی اسالک خیر هذا الیوم و
نوره و هداه و برکته و ظهوره و معافاته اللهم انی اسالک خیره و خیر
ما فیه و اعوذ بک من شره و شر ما بعده و گفتی بسم الله اموت و احیا و الی الله
المصیر اللهم آمن روعتی و استر عورتی و اد عنی امانتی **در بیان مسواک** آنحضرت
صلی الله علیه و آله هر شب سه نوبت مسواک فرمودی یکنوبت پیش از خواب

و یکنوبت در محل برخاستن از خواب و یکنوبت پیش از آنکه نماز صبح بیرون
فرمودی بچوب اراک مسواک کردی و فرمود که جبرئیل علیه السلام مرا
بدین امر کرده است و مرویست از حضرت امام جعفر علیه السلام که گروهی از [امم؟]
که مردی بسیر [دوستی؟] از پیش حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرو گذاشتند

باب دویم در نظافت و بوی خوش کردن و سرمه کشیدن و مانند آن

و درین سه فصلست **فصل اول** در تنظیف و مانند آن مرویست که حضرت
امیر المؤمنین علی علیه السلام گفت که پاکی کنید بآب از بوی گنده بدرستی که
الله سبحانه و تعالی دشمن است بدکان مردار را و هم از حضرت مرویست که
کسی که پاکیزه جامه پوشد غم ببرد و پاکیست از جهت نماز و حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله
فرمود با انس که یا انس طهارت بسیار کن تا که خداوند تعالی در عمرت زیاده کند
و اگر توانی که چنان کنی شب و روز بطهارت باشی که اگر بطهارت بمیری شهید باشی
و از حضرت امام جعفر علیه السلام مرویست که هر کس وضو سازد و روی خشک کند
او را یک حسنه در دیوان اعمال نویسند و مرویست از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام
که گفت چهار خلق است که از انبیاست اگر بوده است یکی خوشبوی بودن
و یکی پاک بودن لباس و بدن و یکی نوره بر جسد نهادن و یکی بسیار نزد زنان رفتن
در بیان بوی خوش آنحضرت مرویست از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله
که بوی خوش را قوی میکرده اند و مرویست که حضرت امام جعفر علیه السلام

فرمود که خداوند تعالی دوست میدارد جمال و تجمل یعنی نیکویی و زینت و کروه
میدارد گرفتگی و ترش رویی و چرکنی را و خداوند تعالی چون بنده را نعمتی کرد
دوست دارد که اثر آن بروی ظاهر باشد پرسیدند که چونست آن ظهور
اثر انعام الهی فرمود آنکه جامه پاک دارد و بوی خوش بکار برد و خانه را گچ کند
و بناهای خوب مستحکم بنا کند و چراغ پیش از غروب آفتاب منع فقر میکند و در عمر می افزاید
مرویست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که چهار خصلت از سنتهای پیغمبرانست
مسواک کردن و حنا و بوی خوش و زن و هم از امام علیه السلام مرویست که رسول
صلی الله علیه و آله هر روز جمعه بوی خوش بکار بردی و اگر یافت نشدی از انواع خوش
خانه زنان گرفتی و آب بر وی افشاندی و بر جبه مبارک خود مالیدی و تطییب فرمودی
و هم از و مرویست که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که قبول کردم از دنیا الا بوی خوش
و زن و فرمود که آنچه در بوی خوش صرف کنید اسراف نیست و فرمود که شما چون
ریحان برسد بوی کنید و بر چشم نهید به درستی که آن از بهشت است و مرویست که
شخصی نزد امام جعفر علیه السلام [مرو؟] ریحانی آورد و حضرت امام علیه السلام گرفت و
بوسید و بر چشم نهاد و گفت هر کس از ریاحین چیزی ببوید و بر چشم نهد و بگوید
اللهم صل علی محمد و آل محمد نیز تا خداوند تعالی گناهان و بیامرزد و مرویست از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله که چون برادر مسلمان ریحان نزد شما آورد رد
مکنید که آن از بهشت بیرون آمده است و مرویست از حضرت امام علی ابن موسی الرضا

علیه السلام که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود که بوی خوش تعویذست
و غسل تعویذست و نظر بر سبزه تعویذست و سواری تعویذست و مرویست
از حضرت امام رضا علیه السلام که جای امام جعفر علیه السلام و موضع سجود او
در مسجد از بوی خوش او معلوم و معروف بود و حضرت صادق علیه السلام فرمود
که دو رکعت نماز با بوی خوش که ادا کنند بهتر از هفتاد رکعت که بی بوی خوش گذارند
و هم از وی مرویست که سه چیز از خصایل نبوتست موی ستردن و بوی خوش بکار بردن
و بسیار مباشرت با زنان و مرویست از امام جعفر علیه السلام که رد مکنید بوی
خوش را اگر آن را کراهت داشته باشید منع مکنید الا کسی که عقل او مثل عقل خر باشد و فرمود که
شاربین خوشبوی کردن از اخلاق انبیا و کرام الکاتبین است و هم از حضرت امام
مرویست که نبی را صلی الله علیه و آله نافه از مشک بود که چون وضو ساختی آن را
بدست گرفتی و دست مبارکش تر بودی و چون بیرون فرمودی معلوم شدی که
حضرت رسولست که بیرون آمده است و مرویست از حضرت امام رضا علیه السلام
که امام علی ابن الحسین را علیه السلام عطردانی از رصاص بود که با خود داشتی و در او
مشک بود و چون تطییب کردی از آن بیرون آوردی و بر اعضا مالیدی و مرویست که
حضرت امام رضا علیه السلام بعود هندی بسیار بخور کردی و بعد از آن گلاب و مشک بر
افشاندی و مشک بکار بردی و مرویست که رسول صلی الله علیه و آله فرمود که بر
شما باد باین عود هندی بدرستی که در وی هفت شفاست و خوشبوترین عطرها

بار

مشک است و روایت کند امام جعفر صادق علیه السلام که رسول صلی الله
علیه و آله بوی خوش اختیار کردی پیش از طعام و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که
یا علی بر تو باد بوی خوش در هر روز جمعه بدرستی که آن از سنتهای منست و
مینویسد ثواب آن را چندانکه آن بوی خوش از تو می آید و سزاوار آنست که
بکار برد بوی خوش را در هر روزی یکبار و اگر قادر نباشد در هر دو روز یکبار
و اگر قادر نباشد در هر روز جمعه یکبار و از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر زن که
بوی خوش بکار برد و از خانه بیرون آید ملعونه باشد چندانکه بخانه رود **در بیان**
بوهای خوش سوختن در مجمره مرویست از مرازم که بابی الحسن علیه السلام رفتم چون
بجامه کن بیرون آمد مجمره طلب کرد و بخور کرد و گفت از مجمره نصیب بگیرید و
مرویست از امام جعفر علیه السلام که گفت سزاوارست مرد که بخور کند جامه
خود را چون قادر باشد و مرویست که بعد از امام حسن علیه السلام
به ولیمه طعام امام علیه السلام ابا کرد از انجهت که روزه داشت پس آن جمع گفتند
تحفه ما بیاوردم که روزه دار از الایق باشد آنحضرت روغن بر محاسن مالید
و جامه را بخور کرد و حضرت امام علیه السلام فرموده که تحفه زن آنست که شانه
کند موی را و بخور کند جامها را و مرویست از امام جعفر علیه السلام که او گفته که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله گفت بوی خوش زنان آنست که رنگش ظاهر باشد
و بوی مخفی و بوی خوش مردان آنست که بوی ظاهر باشد و رنگ مخفی **در بیان**

مرویست

گل و عرق آن مرویست که چون حضرت رسالت صلی الله علیه و آله بمعراج رفت
زمین از رفتن حضرت رسول صلی الله علیه و آله ملول و محزون شد و گریه آورد
و چون باز آمد خوشحال و شادمان گشت گل بر آورد پس هر که خواهد که بوی پیغمبر
صلی الله علیه و آله بشنود گل بوید و انس روایت کند که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرمود که گل سفید شب معراج از عرق من مخلوق شد و گل سرخ از عرق
جبرئیل و گل زرد از عرق براق و مرویست از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
که گلاب آب روی افزاید و منع درویشی کند و مرویست از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله که هر کس گلاب بر روی مالد از روز او راندی و درویشی نرسد
و هر که خواهد گلاب بکار برد بر روی و دست بمالد و صلوات بر حضرت آن او
بفرستد و مرویست از حسن ابن علی علیه السلام که وی فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله
بهر دو دست گل در پیش من ریخت و گفت این سید ریاحین است در دنیا
و آخرت در بیان نرگس مرویست از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود نرگس را
فضایل بسیار و ثواب بیشمار است در بوییدن و روغن او مالیدن و فی الحکم ابن جمعه
حضرت از علیه السلام فرمود چون حق سبحانه و تعالی انار و خنک و پیاسلات کرد و نرگس را
در آن وقت رویانید در بیان مرزنگوش انس مالک روایت کند که رسول صلی الله
علیه و آله فرمود که بر شما باد بوی خوش مرزنگوش بدرستی که آن نیکو رایحت
نافعست و روایت کنند که اگر گلی و ریحانی نزد آنحضرت آوردندی بوییدی تا راس

داروی خیر از مرزنگوش که آن را کمهدانستی و مرویست از امام موسی علیه السلام
که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود نیکو ریحانیست مرزنگوش رسته است
زیر ساق عرش و آب او چشم را شفاست فصل دویم در سرمه کشیدن
مرویست از حضرت امام محمد باقر علیه السلام اکتحال بسرمه کردن مژه را
رویاند و چشم را تیز کند و در بسیاری سجود یاری دهد و مرویست از امام جعفر علیه السلام
که ابو بصیر به حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد نام او قلیت و چشمهای او تر بود
حضرت فرمود چشمهای تو تری میکند ای قلیت بر تو باد سرمه بدرستی که آن
چراغ چشمست و مرویست که حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود که سواک دفع
بوی دهن میکند و سرمه جلای دیده میدهد و مرویست که حضرت امام رضا علیه السلام
که هر که را ضعف بصر باشد اکتحال کند از سرمه هفت میل از سرمه بدرستی که سرمه
موی مژه میرویاند و جلای بصر میدهد و دفع میدهد از پی بال و هم از او مرویست که
هر که ایمان بروز قیامت دارد پس سرمه بکشد و بر تو باد سرمه کشیدن و هم از او
مرویست که هر که را ضعف بصری رسید پس در وقت خواب هفت میل سرمه کشد
چهار در چشم راست و سه در چشم چپ و مرویست از حضرت امام جعفر علیه السلام
که سرمه کشیدن موی میرویاند و اشک چشم باز میدارد و آب دهن خوش میکند
و وقت بینایی را می افزاید و جلا میدهد و هم از وی مرویست که سرمه در وقت
باه می افزاید و هم فرمود که گل بصر دهان خوش میکند و هم فرمود که سرمه

کشیدن در شب بوی دهن خوش میکند و منفعت آن تا چهل صباح میشود
و مرویست که مکحل آنحضرت صلی الله علیه و آله در شب بود و در هر چشمی سه میل
میکشید و مرویست هم از حضرت امام علیه السلام که در چشم سرمه کشیدن
امانیست از آب که بچشم فرود می آید و مرویست که رسول صلی الله علیه و آله
سرمه در وقتی که بجامه خواب رفتی کشیدی و مرویست از ابن فضال که
چون چهم میلی از آهن بود و گفت این از حضرت امام ابی الحسن علیه السلام است
و بآن سرمه کشید و من هم بآن سرمه کشیدم و مرویست که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله فرمود که هر که سرمه کشد طاق باید کشد که بغایت خوبست و اگر
چنین هم نکنند باکی نیست و مرویست از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که هر که
سرمه کشد طاق و هر که بخور کند طاق کند و هر که استنجا کند طاق کند و هم استنجا
کند حضرت حق عز و علا کند و دیگر فرمود که بر شما باد بسرمه کشیدن و بدرستی که بوی
دهن خوش کند و بر شما باد بمسواک که بصر را جلا میدهد پس شخصی پرسید که چگونه یا
رسول الله فرمود که چون مسواک میکنی بلغم از دماغ فرود می آید و بصر جلا میدهد
و چون سرمه میکشی بلغم میبرد و دهان خوش میکند و دعائیکه در وقت سرمه کشیدن
کند اینست اللهم انی اسالک بحق محمد و آل محمد ان تجعل النور فی بصری
والبصیرة فی دینی والیقین فی قلبی والاخلاص فی عملی والسلامة فی نفسی والسعة
فی رزقی والشکر لک ابدا ما ابقیتنی فصل سیم در بیان روغن مالیدن

مرویست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت روغن مالیدن نرم میکند بشره را
و زیاده میکند در دماغ و آسان میکند راه آب و منع خشکی میکند و فرمود که هر گاه
که روغن کاری کند مسلمانی بنویسد الله سبحانه از جهة او بعدد هر موی نوری روز
قیامت و هم از و مرویست که روغن مالیدن منع سکته و حزن میکند و فرمود که روغن
بنفشه سید روغنهاست و در وصایا که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
بحضرت امیر المومنین علی علیه السلام فرموده گفته یا علی زیتون بخور و روغن
زیتون بمال بدرستی که هر که زیتون خورد و روغن زیتون مالد شیطان نزدیک
او نتواند آمد تا چهل صباح و حضرت امیر علیه السلام روایت کند از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که روغن بنفشه بمالید بدرستی که آن سرد است در تابستان
و گرمست در زمستان و هم حضرت امیر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که فضل روغن بنفشه بر روغنهای دیگر همچو فضل منست بر سایر انبیا و در روایت
دیگر آمده که فضل روغن بنفشه بر روغنهای دیگر همچو اسلامست بر سایر ادیان در بیان
مسواک پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که مسواک زیاده میکند فصاحت مرد را
و فرموده‌اند که چون روزه باشید بامداد مسواک کنید و در آخر روز مسواک مکنید
زیرا که هر روزه دار که لبان او خشک باشد در آخر روز نوری از روی او
تابان باشد در روز قیامت و فرموده‌اند که چهار چیز است که از سنت رسولان
خدا است حنا و بوی خوش و نکاح و مسواک و امام موسی کاظم علیه السلام

فرموده که شیعهٔ ما را ضرورتست از چهار چیز سجاده از برگ خرما که نماز بران
گذارند و انگشتر و مسواک و تسبیحی که از خاک قبر امام حسین علیه السلام سی و
سه دانه باشد که اگر بذکر خدا گردانند حق سبحانه و تعالی چهل حسنه کرامت نماید
و اگر سهو کرده باشند بهرحال بیست حسنه و امام جعفر علیه السلام فرموده اند که چون
مردم بدین در می آمدند جماعه جماعه و قبیله آمدند در دل ایشان تکبر و دهان ایشان
پاکتر بود گفتند جماعتی که یا رسول الله پاکی دهان ایشان از جهت فرمود که مسواک
میکنند در دین خود و فرمود که هر چیز را پاک کننده ایست و پاک کننده دهان مسواکست
و امام محمد باقر علیه السلام فرمود که پیغمبر صلی الله علیه و آله مسواک بسیار فرمودی
و واجب نیست پس اگر گاهی ترک کرده شود باکی نیست و مکروهست مسواک
کردن در حمام زیرا که بدندان زیان دارد و فرموده اند که دو رکعت نماز
بمسواک فاضلترست از هفتاد رکعت نماز بی مسواک و فرموده اند که ترک مکنید اگرچه
در هر سه روز اگرچه یکبار باشد و امام جعفر علیه السلام فرموده اند مسواک [illegible]
شصت سالگی جهت ضعف دندان و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده اند که اگر مشکل نبودی
بر امت من امر میکردم که مسواک کردن نزد وضو و در سر نمازی و مرویست که جبرئیل
شکوه کرد بخدای تعالی از نفسهای مشرکین که باو میرسید پس حق تعالی وحی کرد باو
که جهت تو ایشان را بدل میکنم بقومی که پاک کرده باشند دهان را بمسواک چون
حضرت صلی الله علیه و آله نبی شد جبرئیل آمد و مسواک و خلال آورد و امام جعفر

فرموده

پاکیزه ترا

فرموده اند که در مسواک دوازده خصلت هست از سنت و پاک کننده دهن است
و زیاده کننده نور چشمست و راضی میکند رحمن را و سفید میکند دندانها را و زردی دندان را
زایل میکند و گوشتی که در حوالی دندانست محکم میکند و حسنات می افزاید و ملائکه از آن
خرم میشوند و امام رضا علیه السلام خریطه داشتند در آن پنج مسواک بود و در هر یکی
نام یک نماز از نمازهای پنجگانه نوشته بود و در آن نماز مسواک بدان میکردند
و مرویست که فرموده اند مسواک چشم روشن میکند و موی سیاه و نماند و اشک
چشم می برد و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند که پاک کنید راه قرآن را
گفتند که راه قرآن کدامست فرمودند که دهنهای شماست گفتند بچه پاک کنیم فرمودند که بمسواک و
مرویست از امام جعفر صادق علیه السلام که امیر المؤمنین علی علیه السلام فرموده اند که
سه چیز است که بلغم میبرد و در حفظ می افزاید مسواک و روزه و قرائت قرآن

باب سیم در حمام است و آنچه بدان تعلق دارد و این باب شش فصل است

فصل اول

در رفتن بحمام امام جعفر صادق علیه السلام فرموده اند که در حمام چون
جامه از بدن بیرون کنید بگویید اللهم انزع عنی ربقة النفاق و ثبتنی علی الایمان
و چون بخانه اول روید بگویید اللهم انی اعوذ بک من شر نفسی و استعیذ
بک من اذاه و چون بخانه دویم روید بگویید اللهم اذهب عنی الرجس
و طهر جسدی و قلبی و بعد از آن فرا گیرید آب گرم را و بر میان سر ریزید
و پایها و اگر توانید جرعه از آن بیاشامید که مثانه را پاک می کند و بعد از حاجتی

مسواک کنید که

بنشینید و چون بجای نسیم روید بگویید که نعوذ بالله من النار و نسأله
الجنة و باید که اجتناب کنید از آب سرد خوردن و فقاع که موجب فساد
معده است و آب سرد بر بدن مریزید که سبب ضعف بدنست و چون خواهی
آب سرد بر قدم بریزید که دردها از بدن بیرون کند پس چون از حمام بیرون آید
جامه بپوشید و بگویید اللهم ألبسني التقوى وجنبني الردى و چون بر این طریق
عمل کنید محفوظ شوید از تمام دردها و فرمودند که جایز نیست در حمام قران بخوانند
مادام که مقصود از آن آواز خوانا شد و ازار بسته باشند و سوال کردند از امام جعفر
علیه السلام که حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام منع میفرمودند از قرآن
خواندن در حمام جواب فرمودند که منع در وقتیست که برهنه باشند و چون ازار
بسته باشند جایز است و حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند که بد
خانه ایست حمام که آتش دوزخ را بیاد میدهد و چرک از بدن میبرد و فرمودند که
بد خانه ایست حمام که کشف عورت میکند و حیا میبرد و حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرمودند که هر که ایمان دارد بخدا و روز قیامت زنان خود را
منع میکند از رفتن بحمام و امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند که بحمام مروید
وقتی که شکم شما پر از طعام باشد و فرمودند که در حمام به پشت مخوابید که
پیه گرده را میگدازد و فرمودند که بحمام مکرر باید رفت و مکرر نرفتن و
منقولست که حضرت امام حسین علیه السلام چون از حمام بیرون میشدند کسی با ایشان گفت

طاب حمامک منع فرمودند که جمیع عرقت سوال نمودند که چگونه بگوییم فرمودند که بگو
طاب ما طهر کی یا طاب سنک و امام جعفر علیه السلام فرمودند سه چیز بدن را
فربه میکند گوشت مرغ و ماهی بسیار خوردن و هر روز بحمام رفتن و امام محمد باقر و امام جعفر
صادق علیهما السلام چون از حمام بیرون میفرمودند دستار می‌بستند در زمستان
و تابستان و میفرمودند که موجب امان از درد سر است و امام علی رضا علیه السلام فرمودند
که ناخن بگیرید روز سه شنبه و حجامت کنید روز چهارشنبه و بحمام روید روز پنجشنبه
و بوی خوش بکار برید روز جمعه **فصل دویم در پوشانیدن عورت** پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرمودند که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد بحمام نرود الا با ازار و بدرستی که
جماعتی از ملائکه بر آب گماشته اند و سوال نمودند از امام جعفر علیه السلام از غسل
کردن برهنه بی ازار فرمودند که چون کسی او را نبیند رواست و امیر المؤمنین
علیه السلام منع فرمودند از فرو رفتن در آب بی ازار و امام جعفر علیه السلام
فرمودند

فصل سیم در مالیدن سفال و زیت و آرد

و غیر آن بر بدن امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند که سفال بر پای مالیدن که
سبب جذام میشود و امام جعفر علیه السلام فرمودند که بیرون از حمام روی خشک
کنند که تازگی یا روی میبرد و امام رضا علیه السلام فرمودند که روغن زیت و آرد
و مانند آن و هر چه که بر بدن مالند و در چیزی که نفع به بدن میرسد اسراف نیست ابدا

تلف مالیست در چیزی که مضرت ببدن میرساند • امام جعفر صادق علیه السلام
فرمودند که بوی خوش بکار بردن در حمام روا است • و سوال نمودند از امام جعفر
علیه السلام که چون کسی در حمام استعمال نوره کرده باشد زیت با آرد بر بدن مالد
جواب فرمودند بلی • و از امام جعفر علیه السلام سوال نمودند که در حمام بعد از
نوره آرد مالیدن بر بدن روا است و اسراف نیست • فرمودند آنچه صلاح
بدنست اسراف نیست • اسراف تلف مالست چیزی که ببدن مضرت رساند
پس سوال نمودند که اقتار چیست جواب فرمودند که نان با نمک خوری و حرص
توانا داشته باشی • پس سوال نمودند که قصد چیست فرمودند که نان با گوشت
خوری و با شیر نیز گاه بار و غن نیز • **فصل چهارم** در تراشیدن سر و زهار
و غیر آن پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که کسی که سر بتراشد در حال تو می افزاید • امر فرمودند
بتراشیدن موی شکم • و امیر المؤمنین علی علیه السلام نهی فرمودند از تراشیدن قزع
و قزع آنست که محلی تراشند و محلی بگذارند • و مرویست که پیغمبر صلی الله علیه و آله
امام حسن و امام حسین را علیهما السلام در روز هفتم سنت کرد و سر تراشید
بقدر موی ایشان نقره بصدقه داد • و مرویست که چون سر تراشید از طرف
پیشانی ابتدا کنید و این دعا بخوانید • بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله
اللهم اعطنی بکل شعرة نورا یوم القیمة • و چون فارغ شود بگوید اللهم زینی
بالتقوی و جنبنی الردی • و امام جعفر علیه السلام فرمودند که چون موی

بینی بکنید روی نیکو می‌آید • و دیگر پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که هر که
ایمان بخدا و روز قیامت دارد موی زهار نگذارد زیاده از چهل روز •
و دیگر فرمودند که زنان حلال نیست که موی زهار بگذارند زیاده از بیست روز •
و مرویست از امام جعفر علیه السلام که فرمود که هر که ایمان دارد بخدا و
رسول و روز قیامت موی زهار زیاده از یک جمعه نگذارد • و بهر ماه یکبار
نوره بنهند و زیاده نگذارد • پس هر که زیاده ازین بگذارد نمازش
و امام علیه السلام فرمودند موی زیر بغل نیکوتر است از برکندن و
نوره طلا کردن بهتر • **فصل پنجم در شستن سر بخطمی و برگ کنار** • امام جعفر علیه السلام
فرمودند که شستن سر بخطمی هر روز جمعه موجب امان از برص است و جنون و
درویشی نمی‌رسد و رزق زیاده میکند • و فرمودند که بشوئید روی را به برگ کنار و
کسی شکوه کرد بامام جعفر علیه السلام از خارش سر فرمودند که آب مورد و کبر در
در سرکه خوب بکن و بر هم زن تا کف بر آورد و در سر و ریش بمال بمبالغه • و بعد از آن
روغن بنفشه بمال • **فصل ششم در نوره نهادن** • امام جعفر علیه السلام فرمود که کسی
خواهد که نوره نهد نزدیک بینی برد و بگوید • اللهم ارحم سلیمان بن داود
کما امرنا بالنوره • چون این دعا بخواند نوره او را نسوزد • و پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرمودند که کسی نوره طلا کند و بعد از آن حنا بنهد محفوظ شود از برص و جذام
و حکه تا نوره دیگر • و امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند که روز چهارشنبه نوره

منهید که روز پنجشنبه مستحب است و مرویست که نوره در روز جمعه موجب برص است
امام جعفر علیه السلام فرمود که حنا بعد از نوره امان از برص و جذام است
و مرویست که هر کس بنوره طلا کند و بعد از آن حنا بر تمام بدن بمالد خدای تعالی
درویشی از و ببرد **باب چهارم در بیان ناخن چیدن** بحضرت امام رضا
علیه السلام گفتند مردمان که سبلت گرفتن و اصلاح ریش نمودن و امثال آن
و درین باب چهار فصلست **فصل اول در ناخن چیدن** بحضرت امام رضا
علیه السلام گفتند مردمان چنین میگویند که سبلت گرفتن و ناخن چیدن در
روز جمعه باید فرمود که سبحان الله بلکه هر روزی که خواهند و پیغمبر صلی الله علیه
و آله فرمودند که هر کس روز جمعه ناخن بچیند حق تعالی از سر انگشتان او درد
بیرون برد و دوا بدهد و از امام جعفر علیه السلام منقولست که سبلت گرفتن و
ناخن چیدن در جمعه رزق می افزاید و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میفرمایند
که کسی روز پنجشنبه و چهارشنبه ناخن و سبلت بچیند از درد چشم و دندان محفوظ باشد
و امام محمد باقر علیه السلام فرمودند که در ناخن چیدن در جمعه ابتدا کنند از
انگشتان کوچک و تمام کنید با انگشت دست راست و سنت است که چون موی و ناخن را
و خون بگیرد در خاک دفن کنید و امام جعفر علیه السلام فرمودند که کسی که روز
جمعه خون بگیرد و ناخن و سبلت بچیند بگوید بسم الله و علی سنة محمد و آل
محمد حق تعالی به هر تار موی از آن و در آن ثواب آزادی بنده کرامت فرماید **فصل دوم**

در کوتاه کردن

در کوتاه کردن سبلت و گرد کردن ریش و مانند آن پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که
سبلت را دراز مکنید که شیطان در و پنهان میشود و هر کس که سبلت نچیند
از ما نیست و فرمودند که شش سنت است از سبلت بر گرفتن تا لب پیدا شود
امام جعفر علیه السلام فرموده اند کسی که ریش او از یک قبضه بیش باشد در آتش است
و فرمودند که سبکی ریش از نیکبختیست و فرمودند که عقل مردمان از موی زنخ
درازی ریش نقص انگشتری کجاست و امام محمد باقر علیه السلام فرمود بحجام که اصلاح
ریش ایشان میکرد که مدور بساز و مرویست که نزد حضرت رسول آمد مردی و
موی سفید در ریش او بود آنحضرت فرمود که هر کس پیر شود در اسلام او را نوری
باشد در روز قیامت و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که روا است
کندن موی سفید از ریش و پیغمبر صلی الله علیه و آله نهی فرمود از آنکه ریش را در روزی
دو نوبت شانه کنند و آنحضرت ریش را شانه میفرمودند به آب و پیغمبر صلی الله
علیه و آله در وصیت با علی علیه السلام فرمودند که چون نظر کنی در آینه بگو اللهم
حسنت خلقی فحسن خلقی و رزقی و امام جعفر علیه السلام فرمودند که الحمد لله الذی
زان منی ما شان من غیری واکرمنی بالاسلام **فصل سیوم در موی شانه کردن**
امام جعفر علیه السلام فرمودند که موی سر را شانه کردن دندانها را محکم میکند
و امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند که چون موی ریش شانه کنید شانه
را بر سینه بمالید که دفع غم و وبا میکند و امام جعفر علیه السلام فرمودند که هر کس

هفتاد نوبت ریش را شانه کند شیطان نزدیک او نرود و پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرمودند که کسی که ایستاده ریش شانه کند بقرض گرفتار شود و امام جعفر علیه السلام
فرمودند که کسی که ریش را آورده ماند که نیکو تربیت کند یا کوتاه کند و فرمودند که
تمام ریش را شانه نکنید که موی سنگ میشود و فرمودند که ریش را شانه کردن
درویشی و درد می‌برد و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که موی سر را بروغن چرب
کردن تنگی میبرد و سوال کردند از امام جعفر علیه السلام که شانه و ظرف روغن
از استخوان فیل باشد بحث شد بی فرمودند مکروه که از نقره شیشه است و سوال نمودند از ظروف
طلا و نقره که روغن در ان باشد فرمودند که روا نیست پس گفتند بعضی روایت
کرده اند که ابی الحسن علیه السلام را آینه بود که بنقره پوشیده بود فرمودند که
نه بلکه بود آن از حلقه نقره و امام محمد تقی علیه السلام فرمودند سر را شانه کردن
بشانه عاج موی در سر میرویاند کرم از دماغ میبرد و امام موسی علیه السلام
فرموده بپای ایستاده موی سر شانه کردن موجب ضعف دل است و نشسته
موجب قوت و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که ریش را شانه کردن از عقب
هر وضو درویشی میبرد فصل چهارم در حجامت کردن از امام جعفر علیه السلام
منقولست که روزه دار در غیر رمضان هر وقت خواهد حجامت کند و اما در
ماه رمضان پس سوزن در بدن در برد و خون بیرون نیاید الا وقتی که مضرت
بوی رسید بعد از ان فرمودند که حجامت در ماه رمضان بشب است و در غیر آن

بروز یکشنبه

بروز یکشنبه و حجامت مواظب ما روز دوشنبه است و فرمودند که بعد از طعام
حجامت بکنید زیرا که چون مرد سیر است و حجامت میکند خون درو بهتر بیرون
می آید و در دم نمی ماند و مرویست که امام جعفر علیه السلام چون حجامت میکردند
یک انار میخوردند و چون از حجامت فارغ میشدند اناری دیگر طلب میکردند
و میخوردند و سوال کردند از امام موسی کاظم علیه السلام که چه چیز بخورند بعد از
حجامت فرمودند که کاسنی و سرکه و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که حجامت
روز سه شنبه هفدهم و نوزدهم و بیست و یکم ماه موجب شفا از رنجها تمام سالست
و فرمودند حجامت کنید روز پنجشنبه دهم ماه و هفدهم و بیست و یکم و نهی فرمودند
از حجامت روز چهارشنبه که آفتاب در عقرب باشد و امام جعفر علیه السلام
فرمودند که خون جمع میشود در محل حجامت روز پنجشنبه پس چون وقت پیشین شود
متفرق میگردد و باید که پیش از زوال حجامت کنید و نهی فرموده اند از حجامت کردن
در پیشین روز جمعه و فرموده اند که آیة الکرسی بخوانید در هر وقت خواهید حجامت
کنید و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که جبرئیل علیه السلام وصیت نمود مرا
بحجامت بمرتبه که گمان میبردم که واجبست و فرمودند که جبرئیل علیه السلام وصیت
نمود مرا بحجامت و فرمودند که حجامت زیاده میکند عقل را و قوت حافظه را
و شکوه کرد کسی بامام علی رضا علیه السلام از جرب فرمودند که جرب از بخار
گندیدست پس فصد کن از پای راست پس و درم روغن بادام شیرین با آش جو بخور

و ماهی و پیر که بخور چنان کرد صحیح شد **باب پنجم در بیان خضاب**
یعنی دست را حنا نهادن و زینت در انگشتری مانند اینها و درین باب فصلست
فصل اول در ترغیب بحنا پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند ریش را رنگ کنید
بحنا بدرستی که دیده را روشن میکند و موی میرویاند و بوی دهن خوش میکند
و امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند که ریش را بحنا رنگ کردن سنتست
کسی نزد رسول صلی الله علیه و آله آمد ریش رنگ کرده بود آنحضرت فرمودند
که نیکوست پس باز آمد بحنا رنگ کرده بود آنحضرت تبسم کردند و فرمودند که این نیکوترست
پس باز آمد و سیاه کرده بود خندیدند و فرمودند که این نیکوترست ازان هر دو و فرمودند
مر حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام را که یا علی یکدرم بخضاب صرف کردن نیکوترست از
صرف هزار درم بغیر آن در راه خداوند تعالی چه دران فواید بسیارست
دفع باد از گوش میکند و چشم را روشن میسازد و داغ را نرم میکند و بوی دهان
خوش میکند و وسوسه شیطان رفع میکند و ملائکه را فرح میرساند و مومنان را خرم میکند
و کافران را خشمناک میسازد و زینتست و بوی بد را بجای می آورد و در قبر خلاص میسازد و
امام رضا علیه السلام فرمودند که در خضاب ثوابست بدرستی که صورت را
خوب زیاده میکند و عفت و صلاح زنان را بسیار که یکی از شمار زنان از صورت خوب
می بیند خرم میشود بدرستی که حضرت سلیمان علیه السلام را هزار زن بود و در قصر
سیصد شش آزاد بودند و مهر کرده بود و هفتصد شش کنیز بودند و در هر روز و شب

جهة ایشان ناکبری میکرد **فصل دویم در خضاب بسیاهی** مرویست که مرد چون
ریش را سیاه کرد و پیش پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد مدح فرمودند که نورست و
اسلام و ایمان و خرمی زنان و ترس در دل دشمنان و جماعتی در رفتند امام
زین العابدین علیه السلام آنحضرت و سیه میباحشد سؤال ازان نمودند فرمودند
جهة ریش رنگ کردنست چه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در غزا امر فرمودند
اصحاب را که ریش سیاه کردند و امام محمد باقر علیه السلام فرمودند که زنان
دوست میدارند که زینت کنند مانند آنچه مردان دوست میدارند که زنان زینت
کنند آن **فصل سیم در خضاب بحنا و زردی** امام رضا علیه السلام فرمودند
که در خضاب ثوابست و زیادتی آنها و بدرستی که زن دوست میدارد که ببیند از
مرد صورت و زینت خوب و زنان بی اسپر اهل که از عفت و صلاح بغیر واقع شده
جهة آن بود که شوهران ایشان زینت کم میکردند و میکشند با ایشان اسپم از شما آنچه
شما میخواهید از ما و مرویست از یکی از ائمه علیه السلام که پیر او زینت زنان را
که دوست ایشان چنانکه باشد و اگر چه بیابید بران باشد و اگر چه زن پیر باشد
و پیغمبر صلی الله علیه و آله رخصت فرمودند که زنان را بیر خضاب سیاه رنگ کنند
فصل چهارم در بیان کراهت خضاب جنب و حایض را امام رضا علیه السلام
فرمودند که زنان حایض استعمال حنا نکنند اما زن زاییده را رواست و سؤال
نمودند از یکی از ائمه علیه السلام که روایت که زن موی سر را بموی دیگر پیوند کند

جواب فرمودند که از موی خود شش و هفت از موی غیر او نه

فصل پنجم در انگشتری امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که انگشتری پیغمبر
صلی الله علیه و آله از نقره بود که نوشته بودند در آن محمد رسول الله کسی
پرسید که نگین داشت آنحضرت فرمودند نی و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که
حضرت حق تعالی پاک میگرداند دستی که در و انگشتری باشد آهنی و امیر المؤمنین
علیه السلام فرمودند که رسول صلی الله علیه و آله منع فرمود از انگشتری طلا و آب
آشامیدن از ظروف طلا و نقره و مرویست که امیر المؤمنین علی علیه السلام
را چهار انگشتری بود از نقره یکی به نگین یاقوت سبز در دست میکردند در وقت
[illegible] و دیگری به نگین عقیق سرخ در دست میکردند جهت حفظ و دیگری به نگین فیروزه
در دست میکردند جهت ظفر و دیگری به نگین آهن چینی در دست میکردند جهت
قوت و نهی پیغمبر فرمودند شیعه را از انگشتری آهنی فرمودند در وصیت مرتضی را
کسی که در نقش انگشتری او اسم خدا باشد از دستی که بآن استنجا میکند تغییر کند
یعنی از دست چپ بیرون کند و در دست راست کند و پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرمودند که انگشتری عقیق در دست کنید که تا آن داشته باشید غم بشما نرسد
و فرمودند که جبرئیل علیه السلام از جهت من آورد از بهشت و گفت امت را
امر کن بآن و فرمودند که انگشتری یاقوت نفی فقر میکند و امیر المؤمنین علیه السلام
فرمودند که انگشتری عقیق در دست کنید تا برکت یابید و از بلا ایمن باشید و حقیقی

شکوه کرد پیش حضرت رسول صلی الله علیه و آله از دزدان که او را آزرده بودند
آنحضرت فرمودند که چرا انگشتری عقیق در دست نداشتی که آن نگاه میدارد مرد را
از هر آفتی و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که فقیر نشود دستی که انگشتری فیروزه
داشته باشد و مرویست که در دست امام موسی کاظم علیه السلام انگشتری نقره
بود به نگین فیروزه نقش او الله الملک بود و پیغمبر فرمودند که این را جبرئیل علیه السلام
بهدیه از جهت پیغمبر صلی الله علیه و آله آورد و حضرت بامیر المؤمنین علی علیه السلام
بخشید و نام او بفارسی فیروزج است و بعربی ظفر و امام جعفر علیه السلام
فرمودند که نگین خوب است بلور و منقولست که انگشتری زمرد و یاقوت زرد
نفی درویشی میکند و امام جعفر علیه السلام فرمود که نقش نگین پیغمبر صلی الله علیه و آله
محمد رسول الله بود و نقش نگین امیر المؤمنین علی علیه السلام الملک لله و نقش
نگین امام محمد باقر علیه السلام العزة لله و مرویست که نقش نگین امام جعفر علیه السلام
انت ثقتی فاعصمنی من خلقک بود و نقش نگین امام علی رضا علیه السلام حسبی الله
بود و نقش نگین امام علی نقی نعم القادر بالله بود و نقش نگین آدم علیه السلام
لا اله الا الله محمد رسول الله بود و نقش نگین حضرت ابرهیم صلوات الله علیه
شش حرف بود که جبرئیل علیه السلام آورده بود در وقتی که او را در منجنیق نهاده بودند
و در آتش می انداختند این شش حرف بود لا اله الا الله محمد رسول الله
توکلت علی الله استندت ظهری الی الله فوضت امری الی الله لا حول ولا

قوة الا بالله • نقش نگین حضرت سلیمان علیه السلام سبحان من الجم الجن بکلمته •
و نقش نگین حضرت موسی علیه السلام اصبر تؤجر اصدق تنج • و حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمودند که نقش نگین حضرت امام محمد باقر علیه السلام
این بود که ظنی بالله حسن و بالنبی المؤتمن و بالوصی ذی المنن و بالحسین و الحسن
و مرویست که چون انگشتری در دست کنید این عبارت خوانید • اللهم سمنی بسیماء
الایمان و توجنی بتاج الکرامة و قلدنی حبل الاسلام و لا تخلع ربقة الاسلام
من عنقی **فصل ششم در آرایش زنان بود** امام محمد باقر علیه السلام فرمودند که
حضرت فاطمه علیها السلام سیدة نساء اهل جنت است و مقنعه ایشان اندوش
فرود آمده بود و بیشتر دست را پوشیده • و حضرت امام جعفر علیه السلام
فرموده که مقنعه و دامن که بدن را بپوشاند زن مسلمان باید که بپوشد • و فرمودند
که سزاوار نیست که زن ترک زینت کند اگرچه قلاده باشد در گردن • امام محمد باقر
علیه السلام فرمودند که عادت پیغمبر صلی الله علیه و آله آن بود که چون بسفر میرفتند
سلام وداع میکردند بر کسی تا بفاطمه علیها السلام و از خانه فاطمه علیها السلام
روانه سفر میشدند و چون باز میگشتند اول بخانه حضرت فاطمه علیها السلام میرفتند
بعد از آن بدیگر خانها پس یکنوبت از سفر باز گشتند بخانه فاطمه علیها السلام آمدند
در آنوقت از غنیمت چیزی بامیر المؤمنین علیه السلام رسیده بود و فاطمه علیها السلام
دست برنجن نقره ساخته بودند و در دست داشتند • و یک پرده جهت در خانه

خریده بودند و آویخته • پس پیغمبر صلی الله علیه و آله چون این پرده بدید بجانب محل نشستند •
فاطمه علیها السلام بگذر افتاد و مکدر شد امیر المؤمنین حسن و امیر المؤمنین حسین علیهما السلام
را طلب نمود و دست برنجن از دست بیرون کرد و پرده را از در باز کرده بدیشان
داد و ببرد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرستاد که سلام من برسانید که
امر از شماست حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله امام حسن و امام حسین علیهما السلام
در کنار نشانید و بوسه بر سر و روی ایشان داد • فرمود که دست برنجن را دو کا
شکستند و آن پرده را چند وصله کردند و فرمود اصحاب صفه از مهاجران
که بغایت فقیر بودند طلب نمودند • و بدیشان قسمت کردند و فرمودند که
خداوند عز و جل رحمت کند بر فاطمه و در عوض این لباسها حلهای بهشت بوی
دهد • و مرویست که سوال کردند از امام جعفر صادق علیه السلام که
چون کسی را دندانی بیفتد جایزست که دندانی از طلا یا دندانی از گوسفند
بجای آن بنهد فرمود که اگر دندان گوسفند مرده باشد **باب ششم در**
لباس و مسکن و آنچه بدو متعلقست و درین باب ده فصلست **فصل اول در**
تجمل بلباس مرویست از امام جعفر علیه السلام که چون ابن عباس از
جانب امیر المؤمنین علیه السلام پیش خوارج میرفت پوشید بهترین جامها
ببوی خوش و به نیکوترین مرکوبها سوار شد و ایشان روی موافقت کردند
و گفتند ما خیال کردیم که تو ای خیر الناس چون در لباس و مرکوبات تجمل آمدی

امام فرمودند که لباس تجمل پوشید که الله تعالی جمیل است و جمال را دوست
میدارد که از حلال باشد و امام جعفر علیه السلام فرمودند مردی در خانه
پیغمبر صلی الله علیه و آله ایستاده که ایشان را ببیند آنحضرت در کوزه آب نظر میفرمودند
و موی لحیه را راست میکردند و بیرون فرمودند چون بخانه معاودت فرمودند
کسی سوال نمود که تو رسول خدایی و میپسندی که آدم روی لحیه می آرایی جواب
دادند که حق تعالی دوست میدارد که چون کسی نزد برادر خود رود تجمل کند و
امام علی رضا علیه السلام فرمودند که یوسف نبی علیه السلام کیمخا می پوشید
و ازار مذهب می بست و بر تخت می نشست و امام علی ابن الحسین علیه السلام در زمستان
دو جامه می پوشیدند که به پانصد دینار میخریدند و در زمستان جامه می پوشیدند
و در تابستان به پنجاه دینار میفروختند و تصدق میدادند و امیر المؤمنین علی
علیه السلام فرمودند که زینت کنید شما چنانچه برادری که نزد شما آید همچنانکه زینت
میکنید از برای غریبی که دوست میدارید که ببیند شما را بصورت خوب و مردی
جمعی از اهل خراسان آمدند نزد امام رضا علیه السلام و گفتند مردمان انکار میکنند
در این لباسهای فاخر که می پوشی جواب فرمودند که یوسف بن یعقوب علیه السلام نبی
بن نبی بود و کیمخا می پوشید و ازار زربفت می بست و بجای فرعون می نشست
و با مام و چه حاجت که حکم عدالت کند و بوعده وفا کند و سخن راست گوید امام جعفر
علیه السلام چون جامه نو می پوشیدند این دعا میخواندند اللهم اجعله ثوب یمن و برکة

اللهم ارزقنی فیه شکر نعمتک و حسن عبادتک و العمل بطاعتک الحمد لله الذی
رزقنی ما استر به عورتی و اتجمل به فی الناس و امیر المؤمنین علی علیه السلام
فرمودند که کسی که راضی شد از دنیا بآنچه او را کفایت کند قدر کفایت آسانترین
وجهی بوی میرسد و اگر راضی نشد آن هیچ وقتی نمی باید آنقدر که او را بس باشد
و فرمودند که طریق انبیا آنست که پیراهن و شب جامه پوشند ایستاده و
روی بقبله و فرمودند که چون کسی جامه نو بپوشد وضو بسازد و دو رکعت نماز
بگذارد و بخواند در آن فاتحه الکتاب و قل هو الله و آیة الکرسی و انا انزلناه و بعد
از آن حمد خداوند تعالی کند و امام جعفر علیه السلام فرمودند که اگر کسی جامه نو
بپوشد و سی و شش نوبت انا انزلناه بر ظرف آب بخواند و بر آن جامه بپاشد
رزق وی بسیار گردد تا آن جامه کهنه شود و مرویست از امام رضا علیه السلام
که چون جامه نو می پوشیدند قدحی آب میطلبیدند و ده نوبت قل هو الله احد
و ده نوبت قل یا ایها الکافرون بدان میخواندند و آن آب بدان جامه می پاشیدند و
فرمودند کسی که چنین کند در عیش باشد تا آن جامه باقی باشد فصل دوم در پوشیدن
انواع لباس حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند که لباس پشمینه
لباس حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم است و لباس ما و شیعیان ما
پشم نمی پوشیم الا بضرورت و فرمودند که الله تعالی جمیل و نکوست و دوست میدارد
زیبایی را و دوست میدارد که ببیند اثر نعمت خود بر بندگان و فرمودند که

کتان از لباسهای پنبه است و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که هیچ لباسی بهتر از پنبه
نیست پس آنرا بپوشید فصل پنجم در پوشیدن لباسی که در و ابریشم باشد
و روایتست که امام زین العابدین را علیه السلام در مزاج مبارک سرما بسیار
تاثیر کردی و در زمستان لباسی از موی خز که جانوریست در دریا می‌باشد که پوست
او را پوستین می‌سازند بافته بودند بهزار درم خریدی و چون زمستان بیرون
رفتی آن جامه را فروختی و قیمت آن را بصدقه دادی قتیبه بن محمد گوید که از
امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم که ما این لباس خز می‌پوشیم و تار
آن ابریشم است جایز باشد یا نه آنحضرت فرمودند که باکی نیست چون ابریشم
نیست و فرمودند که امام حسین علیه السلام را روزی که شهید کردند جبه پوشیده
بود که تار آن ابریشم بوده و پود آن موی خز قتیبه بن محمد گوید که گفتم ما جامه‌ها
می‌پوشیم که موی آن از حیوانات مرده است این جایز است یا نه آنحضرت
فرمود که در پشم جان نیست نمی‌بینی که گوسفند با وجود آنکه زنده است پشم آنرا
می‌برند و میفروشند و روایت کرده اند که امام زین العابدین علیه السلام
در تابستان جامه که می‌پوشید قیمت آن پانصد اشرفی بودی و در زمستان
جامه که از خز بودی می‌پوشید در تابستان میفروخت به پنجاه اشرفی و تصدق
میکرد و محمد بن سعید روایت کند که امام جعفر علیه السلام گفت پدرم جامه خز می‌پوشید که
قیمت آن پانصد درهم بود و چون یکسال بگذشت جامه را بصدقه میداد

کهنه

کهنه شد یا امام اگر بفروشی و قیمت آنرا بصدقه دهی بهتر نیست آنحضرت فرمود که
چون روا باشد جامه که نماز کرده ام در ان بفروشم اولی آنست که
بمستحقی دهم که آنرا بپوشد و نماز گذارد روایتست که شخصی از امام جعفر علیه السلام
پرسید که پوست خز میتوان پوشید فرمود آری آن شخص گفت یا امام
من خز را دیده ام مثل سگ آبیست آنحضرت فرمود که چون بیرون
آب نمی‌ماند باکی نیست روایتست که نزد امیر المومنین علیه السلام چند حله خوب
آوردند امام حسین علیه السلام یک حله که خوبتر بود طلب کرد حضرت فرمود
که دو حله عوض این میدهم و تا پنج حله عوض آن حله بداد امام حسین علیه السلام
همان حله را طلب کرد آنحضرت حله را با امام حسین علیه السلام داد و فرمود
که تو این را میپوشی و مردم ترا تعظیم میکنند و این امیر المومنین میخواهند
و دیگر آنکه یکبار دیگر پوشی چرکین میشود و ضایع میگردد و این را
میتوان فروخت و پنج حله از بهای آن خرید که پنج مسلمان بپوشند
روایتست از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که چون اسامه بن زید را دید که لباس
ابریشم پوشیده بود فرمود که این لباس کسیست که او را نصیبی از
آخرت نباشد پس فرمود که آنرا چند بخش کرده و معجر زنان ساخت
روایتست از امام جعفر علیه السلام که لباس حریر جایز نیست پوشیدن ولکن
در جنگ میتوان پوشید و اگر چه در ان صورتها بافته باشند روا نیست

از امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرا نهی کرد که انگشتری طلا
بر دست کنم یا زین پوش سرخ بر اسب افکنم یا در رکوع قرآن خوانم

فصل چهارم در باب منع از افتخار و تکبر و لباس خوب از
امام جعفر علیه السلام روایتست که هر که بر روی زمین بتکبر رود لعنت کنند
زمین بر او و در زیر پای او روایتست از امام محمد باقر علیه السلام که شخصی را
دید سیاه رنگ که دو حله پوشیده بود یکی ازار کرده و دیگری
ردا ساخته بود و بدانجا مباهات کنان میرفت آنحضرت فرمود که
این جبار است شخصی گفت یا امام این سائلست آنحضرت فرمود که
بتحقیق این مرد جبار است و از جمله وصیت که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله
باباذر غفاری فرمود یا اباذر اکثر دوزخیان متکبرانند ابوذر
گفت یا رسول الله هیچکس از کبر خلاصی تواند یافت حضرت فرمود
آری کسی که جامه پشمین پوشیده [illegible] و بر خر سوار
شود و گوسفند بدست خود بدوشد و همنشین شکستگان و محتاجان
باشد ای اباذر هر که آنچه از بازار خرد و جهت اطفال خود بردارد
و بخانه آورد از تکبر خلاص باشد ای اباذر هر که دامن خود بر زمین
کشد از روی تکبر روز قیامت حق نظر عنایت بدنشان
نکند روایتست که امیر المؤمنین علیه السلام روزی میرفت شخصی جامه

دراز

دراز پوشیده بود بانگ بر وزد که جامه خود را بردار و بگذار که
زمین او را بخورد روایتست از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله که بوی بهشت
از هزار سال ایستوان شنود و نشنود آن بوی را کسی که جامه
دراز پوشد از روی تکبر زیرا که تکبر خاصه خداست روایتست
که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که سه کسند که حق تعالی بدیشان نظر التفات
نکند اول آنکه دامن بر زمین کشد از روی تکبر دویم آنکه متاع خود
را بدروغ گویان فروشد سیم کسی که صفای دل او ترا خواهد
و او اعراض کند بواسطه حسد و کدورتهای نفسانی و آنحضرت
فرموده که هرگاه امت من سایلان را محروم سازند و بتکبر راه
روند حق تعالی سوگند یاد کرده که ایشان را بایکدیگر گذارم
روایتست از امام جعفر علیه السلام که فرمود روزی امام زین العابدین علیه السلام
جامههای فاخر پوشیده از منزل بیرون آمد و بازگشت و جامه
دیگر طلب کرد و آن جامه بیرون کرد و فرمود که این جامهها را
بخانه بر که من چنان پندارم که علی بن الحسین نیستم و از امام زین العابدین
روایتست که چون بدن جامههای نو پوشید سرکش میشود و روایتست
که امام جعفر علیه السلام جامه که امیر المؤمنین را در آن جامه شهید کرده بودند
روزی بیرون آورد و ملاحظه کرد دامن آن دوازده شبر بود

آن زر شب و فرمود که حضرت امیر علیه السلام دو پیراهن بخرید و غلام خود را مخیر نمود
که هر کدام میخواهی اول جهت خود بردار و یکی خود می‌پوشید و آستین
آن قدر که دراز بود می‌برید و شکر خدای تعالی بسیار گفتی
روایتست که روزی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بخرید سه درم
پیراهنی و لنگی و ردایی بعد از آن سر سوی آسمان کرد و شکر
خدای تعالی بجای آورد تا آن زمان که بخانه خود رفت و فرمود
که لباس لایق ما اینست لیکن این زمان اگر بپوشیم مردمان مرا دیوانه
خوانند یا گویند ریا میکند و لیکن قایم ما که محمد مهدیست علیه السلام ظهور کند
لباس لایق اینست روایتست از حضرت امام جعفر علیه السلام که فرمود پدرم
دو جامه خوب داشت چون نماز کرد از وی یکی پوشیدی چون از حق تعالی
حاجتی خواستی آنرا پوشیدی روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که روزی
مرتضی علی علیه السلام خطبه میخواند و جامه آنحضرت کرباس غلیظ بود و چنان که
بعضی جامه‌های او را پینه به پاره صوف کرده بود کسی سوال کرد که یا امیرالمؤمنین
چرا چنین کرده فرمود که درین لباس خضوع و خشوع زیاده میشود و مؤمنان
با پای پیروی میتوانند کرد و عبدالله عباس گفت که چون از بصره مال غنیمت
و بیت المال آورده در کوفه در آمدم امیرالمؤمنین را علیه السلام دیدم نشسته
در بازار و خود منادی میکرد که ای مردمان هر کرا پیراهن بعد از ین که ما ...

او را او بفروختیم بدین درهم نزدیک امیرالمؤمنین رفتم و سلام کردم حضرت
جواب داد و پرسید احوال من و دیدم که شمشیر خود را آنحضرت بمنادی کرد و
که ... درهم پیراهنی خرید و دو درهم جبه پشمینه در میان و پیراهن
کرباس درشت می‌پوشید کسی سبب آن پرسید فرمود که پدرم را دیدم
که چنین میکرد و ما بر کاه خانه که داریم درشت ترین جامه‌ها بپوشیم روایتست
از حضرت امام رضا علیه السلام که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که پنج چیز
که تا مردن ترک آن نکنم خوردن بشرکت غلامان و سواری خر برپالان و
دوشیدن بز بدست خود و پوشیدن پشمینه و سلام بر طفلان تا از من
سنت در امت باقی باشد فصل ششم در مکروه بودن لباس شهرت
از امام جعفر علیه السلام روایتست که همین محنتی بس باشد کسی را که جامه
شهرت بپوشد و سوار جهت شهرت شود روایتست که عباد بصری پیش
حضرت امام جعفر علیه السلام آمد و جامه‌ها جهت شهرت پوشیده بود امام فرمود
که این چه جامه‌هاست عباد گفت یا امام این جامه‌ها چه زیست فرمود که
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که هر که در دنیا جامه‌های شهرت پوشد او را
در آخرت حق تعالی جامه‌های مذلت بپوشاند روایتست از امام موسی علیه السلام
که نزد او دشمن‌تر از جامه شهرت نبود و چون جامه نو خریدی آنرا با آب
فرو بردی تا طراوتش شکسته شدی و بعد از آن پوشیدی فصل هفتم

در دستار و طاقیه روایتست که پیغمبر صلی الله علیه و آله دستار حضرت
امیر المومنین علیه السلام را بست و از پیش گوشه او آویخت و از عقب کوتاه
کرد و فرمود که چنین است دستار فرشتگان روایتست از حضرت امام موسی
علیه السلام که من ضامنم که هر که بسفر رود و تحت الحنک بندد از
سه چیز ایمن باشد از سوختن و غرقه شدن و دزدان و دعائیکه در وقت
دستار بستن خواندی اللهم سومنی بسیما الایمان و توجنی بتاج الکرامة
و قلدنی حبل الاسلام و لا تخلع ربقة الایمان من عنقی و پشت نهست که
دستار ایستاده نبندند با تحت حنک روایتست که امام زین العابدین علیه السلام
طاقیه خز بر سر نهاد و استر آن سمور بود و روایتست که پیغمبر صلی الله علیه و آله
طاقیه یمان و طاقیه سفید و طاقیه مصریان و طاقیه دو گوشه دار بر سر
مبارک نهادی و روایتست که امام موسی علیه السلام جهه خود طاقیه فرمود
و گفت کمی باید که با خز در وچیزها پیانند که مثل مرشید بر الاوس شاب
که طاقیه که در وچیزها سیاحه تا نه پوشند فصل هشتم در موزه و کفش روایتست که
پیغمبر صلی الله علیه و آله و امیر المومنین علیه السلام موزه پوشیدندی
نقلست که امیر المومنین علیه السلام در سفر هنوز شب باقی بودی که سوار شدی
شبی چون خیار سفر فت و یکموزه پوشیده خواست که موزه دیگر پوشد
مرغی از آسمان آمد و آن موزه را بهوا برد چون روز شد موزه را انداخت

در اندرون

در اندرون موزه ماری بود روایتست که موزه سیاه پوشیدن
سنت است و فرمود که موزه سرخ شعار جباران است و سفید طریق
پادشاهانست و روایتست که در سفر موزه سرخ پوشیدن ممنوع نیست
و امام جعفر علیه السلام در راه مکه پوشیده بود و از ائمه علیهم السلام
مرویست که موزه پوشیدن جهة حفظ نور چشم خوبست و منقولست که
روزی پیغمبر صلی الله علیه و آله بر خاست شخصی کفش آنحضرت پیش نهاد
آنحضرت دعا کرد که اللهم ان عبدک بذا تقرب الیک فقربه و اویه
و گفته اند روزی آنحضرت مضمضه فرموده و آن آب در ظرفی ریخت شخصی
جست و آن آب را خورد حضرت دعا کرد که اللهم ان عبدک تحبه الیک
فاحببه و سنت است که اول کفش پای راست پوشند و در
وقت بیرون کردن اول از پای چپ و دعائیکه در وقت کفش و موزه پوشیدن
خوانند اینست اللهم صل علی محمد و آل محمد و وطئ قدمی فی الدنیا و الآخرة
و ثبتهما علی الصراط یوم تزل فیه الاقدام و چون کفش بیرون کند این دعا
بخواند بسم الله و الحمد لله رزقنی ما اوقی به قدمی من الاذی و در
کتاب طب الائمه آورده که کفش سیاه نپوشند و کفش زرد پوشند که
کفش سیاه پوشیدن شعار جبارانست و کفش زرد پوشیدن طریق انبیا است
و موجب سرور خاطر است فصل نهم در مسکن و آنچه لایق است

روایت از پیغمبر صلی الله علیه و آله که سعادت مرد در چهار چیز است
و شقاوت او در چهار چیز است • اول چهار چیز که سعادت در اوست
زن صالحه و خانه گشاده و همسایه خوب و مرکوب خوب • و چهار که
شقاوت است عکس چهار اول • و مرویست که بلندی بنای خانه می باید که زیاده از
هفت ذرع نباشد و در بعضی روایات از هشت ذرع اگر زیاده باشد مسکن
جن شود و مرآیة الکرسی بنویسند که جن ضرر نکند • و مستحب است که چون بنای
منزل کنند گوسفندی ذبح کنند و فقرا را ضیافت کنند و این دعا بخوانند
اللهم ادحر عنی و عن اهلی و ولدی مردة الشیاطین و بارک فیه و نزل
که آن خانه مبارک گردد • و جاروب کردن خانه موجب زیادتی رزق شود
و در حدیث است که غسل کاسه و کوزه و جاروب کردن سبب زیادتی رزق است
روایت است که چون در تابستان از خانه بیرون روید باید که روز پنجشنبه
بیرون روید • و چون در زمستان بخانه روید روز جمعه روید • و عبدالله عباس
روایت کند که پیغمبر صلی الله علیه و آله شب جمعه در تابستان بیرون آمدی
و شب جمعه در زمستان درون رفتی • و سنت است که در خانه کبوتر نگاه دارند
و گوسفند که دفع شیطان است و زیادتی برکت • و روایت است که در خانه
سه چیز می باید که باشد خروس و کبوتر و گربه • و مرویست که خروس سفید
در خانه دفع سحر و کهانت و کفر است فصل سوم در دوش و آنچه

روزه میداشتند و بعد از آن چنان شد که از ماهی پنجشنبه اول و چهارشنبه
میانه و پنجشنبه آخر روزه میداشتند • و فرمودند که این سه روز ثواب
روزه تمام سال دارد • و امام جعفر علیه السلام فرمودند که هر کس این
سه روز از هر ماه روزه دارد از وسوسه خلاص شود چون روزه
باشد باید که با مردم کینه و مجادله نکند و تندی نکند و دلیر نباشد • و اگر کسی
بوی ناملایمی گوید تحمل نماید • و از آن حضرت سوال کردند که این سه روز از هر ماه
بروزه نتوانند رفت فدا چه دهد • فرمودند که هر روزی مدی از طعام بصدقه
دهد • و فرمودند که اگر روزه داری نزد برادر خود رود و افطار کند و
نگوید که بروزه ام که منت بروی باشد الله تعالی ثواب یکساله روزه
بوی دهد • و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم زمانی که روزه میگشودند این
دعا میخواندند اللهم لک صمت و علی رزقک افطرت فصل دوم
در آداب دست شستن در کتاب من لا یحضره الفقیه منقولست که پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم فرمودند که هر که خواهد که برکت طعام او بسیار باشد
وقت طعام خوردن دست بشوید • و فرمودند دست شستن پیش از طعام
فقر میبرد و بعد از طعام گناه صغیره میبرد و بصر را می افزاید • و امام جعفر
صادق علیه السلام فرمودند که هر کس پیش از طعام دست بشوید و بدستمال
خشک کند تا دست او تر باشد طعام برکت باشد • و فرمودند که دست شستن

پیش از طعام بنیاد کند صاحب خانه و از طرف راست او و بعد
از طعام از طرف چپ او بنیاد کنند و فرمودند که ملائکه طلب آمرزش
میکنند جهت کسی که در آخر طعام خوردن انگشت بلیسد و فرمودند که هر کدام
از شما که دست بشوئید بعد از طعام دست تر را بر چشم بمالند امنیت از
درد چشم و در کتاب موالید الصادقین منقولست که پیغمبر صلی الله علیه و آله
چون دست می شستند بعد از طعام دست تر را بر روی می مالیدند

فصل سیوم در آداب طعام خوردن و آنچه بدان متعلق است از کلمات ائمه

علیهم السلام مرویست از امیر المؤمنین علی علیه السلام که فرمودند که چون
طعام خورید یاد خدا کنید و سخن بفایده مگویید چه طعام نعمت خداست
و جهت رشما از نعمت شکر گفتن و صحبت او نیکو دارید بدرستی که نعمت
میرود نزد خدا و گواهی میدهد به آنچه صاحب آن کرده و فرمودند که
چون یکی از شما طعام خورد و باید که بنشیند و بر زمین طعام خورد و مربع ننشیند
زیرا که خدای تعالی از آن خشم میکند و امام جعفر علیه السلام فرمودند که
بخوانید حاضر شدن خوان طعام بدرستی که آن ساعتیست که از عمر شما نمی شمرند
و در کتاب من لا یحضره الفقیه منقولست بروایت امام جعفر علیه السلام از
امام حسن علیه السلام که فرمودند در طعام خوردن دوازده خصلتست و سزاوار است
که هر مسلم بداند چهار از آن واجبست شناختن خدای تعالی و رضای او و نام

ادن

بردن و شکر او کردن و چهار سنت است و دست شستن پیش از طعام
و نشستن بطرف چپ و طعام خوردن به سه انگشت و لیسیدن انگشتان و
چهار از او ادبست خوردن از طرف خود و لقمه کوچک گرفتن و نیک
جاویدن و کم نگریستن بروی مردم و منقولست که کسی در مدینه نزد
امام محمد باقر علیه السلام رفت و خوان طعام حاضر بود و سوال نمود که آداب
خوردن چیست فرمودند که چون بر زمین نهی بسم الله بگوی و چون
برداری حمد خدا بگوی و برچین آنچه بر حوالی خوان ریخته باشد و مرویست
که کسی گفت نزد امام علی نقی علیه السلام طعام میخوردم چون فارغ شدم و
خوان برداشته شد غلام برچید طعام ریخته آنحضرت فرمود که چون طعام
خورید اگر در صحرا باشد بگذارید آنچه ریخته باشد اگر چه گوسفندی بود و اگر
در خانه باشد برچینید و منقولست که امام جعفر علیه السلام مکروه میدانستند
که بدست چپ طعام خورند یا آب آشامند یا چیزی بردارند و مرویست
از امیر المؤمنین علی علیه السلام که فرمودند چون طعام خورید ابتدا بنمک
کنید و اگر مردم بدانستندی فایده آن هر آینه اختیار کردندی بر تریاق
مجرب و امام جعفر علیه السلام فرمودند که در طعام خوردن ابتدا بنمک
کنیم و ختم بنمک کنیم برکت و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که چون خوان طعام
حاضر کنید چهار ملک با وی حاضر میشوند و چون بنده گوید بسم الله

میگویند ملایکه بشیطان خطاب میکنند که ای فاسق بیرون رو که ترا درینجا
راه و حکم نیست • و چون فارغ میشوند ملایکه الحمد لله میگویند این جماعتی اند که
خدای تعالی نعمتی بدیشان داد او شکر کردند و اگر بسم الله میگویند ملایکه بشیطان
میگویند که ای فاسق نزدیک شو با ایشان و طعام بخور و چون بعد از فراغ الحمد
لله نگویند ملایکه میگویند که جماعتی اند که خدا بدیشان نعمت داد خدا را فراموش
کردند • و مرویست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند که هر کس
طعام خورد و بسم الله نگوید ضمان او میشوم که المی بایدش • پس حرث اعور گفت
ای امیر من دوش طعام خوردم و بسم الله گفتم و الم بمن رسید از طعام
آنحضرت فرمودند که تو چند نوع طعام خورده و نزد بعضی بسم الله گفته
و نزد بعضی نه ای ملعون • و مرویست که امام جعفر علیه السلام فرمودند که
هر کس فراموش کند گفتن بسم الله را بانواع طعام بگوید بسم الله علی اوله
و آخره • و فرمودند که در هیچ وقت مرا طعام تخمه نشد زیرا که در اول
بسم الله و در آخر الحمد لله گفتم • و فرمودند که شکم چون پر شد طغیان و نافرمان
برداری حق میکند • و روایتست از امیر المؤمنین علیه السلام که با امام حسن علیه السلام
گفتند که ای پسر من هر لقمه از طعام گرم و سرد که خوری و هر جرعه آب که
آشامی پیش از آن بگو که اللهم انی اسالک فی اکلی و شربی السلامة من
وعکه و القوة به علی طاعتک و ذکرک و شکرک و ان تلهمنی حسن التحرز من

معصیتک

معصیتک • پس بدرستی که چون این دعا بخوانی از زحمت و الم آن طعام ایمن
شوی • و مرویست که علی زین العابدین علیه السلام چون طعام میخوردند
این دعا میخواندند • الحمد لله الذی اکلنا و سقانا و کفانا و ایدنا و آوانا
و انعم علینا و افضل • و بهترین دعاها اینست الحمد لله الذی یطعم و لا یطعم
و در کتاب طب الائمه منقولست که امام جعفر علیه السلام فرمودند
که وقتی که براه روید طعام مخورید که مضطر باشید بآن • و در کتاب
بصایر منقولست که عاصم گفت با جماعتی بحج رفتیم پس بمدینه بخانه فرود
آمدیم امام موسی کاظم علیه السلام خواستند که مهمانی کنند پس طشت آب
آوردند و ایشان دست نشستند بعد از آن نمک آوردند و فرمودند که
بخورید و بسم الله الرحمن الرحیم بگوئید و بعد از آن سرکه آوردند بعد
از آن شانه گوسفند بریان کرده آوردند و فرمودند که بخورید و بسم الله
بگوئید بدرستی که این طعامیست که پیغمبر صلی الله علیه و آله دوست داشتند
بعد از آن آش سرکه آوردند و فرمودند که امیر المؤمنین علی علیه السلام این را
دوست میداشتند بعد از آن قلیه باذنجان آوردند و فرمودند که امام
حسن علیه السلام این را دوست میداشتند بعد از آن ترید شیر برنج
آوردند و فرمودند که امام حسین علیه السلام این را دوست میداشتند
بعد از آن گوشت سرد شده آوردند و فرمودند که امام زین العابدین علیه السلام

این برا دوست میداشتند • بعد ازان گوشت پهلوی زیر شانه آوردند •
فرمودند که امام محمد باقر علیه السلام این را دوست میداشتند • بعد
ازان طرفه آوردند که دروی تخم مرغ بود که چون خاگینه پخته بودند فرمودند که
امام جعفر صادق علیه السلام این را دوست میداشتند • بعد ازان حلوا آوردند
و فرمودند که من این را دوست میدارم • و بعد ازان خوان برداشتند و ما
قصد کردیم که طعامی که ریخته بود برچینیم • آنحضرت فرمودند که اگر در خانه
طعام ریخته شود بردارید اما در صحرا بگذارید که جهه مرغان و حیوانات •
و بعد ازان خلال آوردند • و فرمودند که زبان در دهان بگردانید •
و طعامی که بزبان آید فرو برید • و آنچه بخلال آید بیرون اندازید • بعد ازان
طشت و آب آوردند و از طرف یسار آنحضرت ابتدا کردند تا جمیع مردم
دست شستند • پس فرمودند که ای عاصم شما در نیکوئی با یکدیگر چگونه اید • عاصم
گفت به نیکوئی • آنحضرت فرمودند هر کدام از شما چنین هستید که چون
حاجتی داشته باشید بخانه برادر دینی روید و آنچه خواهید بردارید و آن برادر
دیگر بداند و دلگیر نشود • عاصم گفت نه • آنحضرت فرمودند شما نیستید چنانچه
حق در نیکوئی با یکدیگر • و امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند که آنچه از خوان
طعام میریزد شفاء مؤمنانست • و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که باد
دمیدن بر طعام برکت ازان می برد • و پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible] که

طعام از خوان ریخته بود و برمیچید • دعاء برکت بروی کردند و فرمودند
که هر کس چنین کند خدای تعالی او را از جذام و برص و حمق نگاه دارد • و
مرویست از امام محمد باقر علیه السلام که سه چیزست که مؤمن بر آن
حساب نمیکنند • طعامی که میخورد و جامه که میپوشد و زن صالحه که یاری
او میکند در دین او و نگاه میدارد • و منقولست که امیر المؤمنین علی
علیه السلام منع فرمودند که طعام گرم را بگذارند تا سرد شود که پیغمبر صلی الله
علیه و آله فرموده که برکت در طعام سردست • و در طعام گرم برکت
نیست • و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که هر کس بعد از طعام [illegible]
ملائکه صلوات بروی فرستند و دعاء برکت رزق بروی کنند • و
حسنات او زیاده شود • و از امام جعفر علیه السلام مرویست که چون
میوه تر نزد رسول صلی الله علیه و آله می آوردند می بوسیدند و بر چشم
می نهادند و این دعا میخواندند که اللهم ادیتنا اولها فارنا آخرها
و منقولست که کسی گفت یا رسول الله ما طعام میخوریم و سیر نمیشویم
آنحضرت فرمودند که شما جدا از یکدیگر طعام میخورید • بعد از این جمع شوید
بر طعام و نام خدا بگوئید تا برکت باشد شما را • و مرویست که پیغمبر صلی الله
علیه و آله فرمودند که چون کسی طعام خورد از پیش صاحب و از بالای طعام
برندارد که برکت از بالای آن می آید • و دست باز ندارد از طعام

اگر چه سیر باشد شاید مصاحب او خجل شود و ترک طعام کند تا آنگه خواهد و
مرویست که پیغمبر صلی الله علیه و آله همیشه بر روی سفره طعام تناول میکرد و
میفرمود که بیشتر مردم که در دنیا از طعام سیر شوند در قیامت گرسنگی ایشان بیشتر شود
فرمودند که نور حکمت گرسنگی است و دوری از خدا سیر خوردنست و نزدیکی بخدا
محبت درویشان و مسکینانست و دوری بدیشان و فرمودند که دلهای مرانید بسیاری آب و طعام
و فرمودند که هر کس حلال بخورد ملکی بر سر او می ایستد و از برای او استغفار میکند تا
از طعام خوردن فارغ میشود و اگر لقمه حرام در شکم او برسد تمام ملائکه آسمان و زمین
لعنت بر او میکنند و تا آن لقمه حرام در شکم اوست خدا نظر رحمت بر او نمیکند
و در غضب خداست پس اگر توبه کند خدای می پذیرد و اگر نه سزاوار آتش دوزخ است

فصل چهارم در آداب آب آشامیدن

و آنچه بدو متعلق است از امام جعفر صادق
علیه السلام منقولست که فرمودند که سزاوار نیست که بیاشامند از ظرف طلا
و نقره و قدحی که وصله از آن داشته باشد پس اگر ضرورت شود دهان بالا از آن وصله
بگردانند و فرمودند که مکروهست که شانه طلا و نقره داشته باشند و استعمال کنند
و از آنحضرت سوال کردند که توان آب بیکنفس آشامید جواب فرمودند که اگر کسی که
تو داده باشد و تست بر یکنفس بخورد و اگر بنده تو نیست بیکنفس و بر ادای جواب فرمودند
آشامیدن آب به سه نفس فاضلتر است از یکنفس و مرویست که در آشامیدن آب
این دعا بخوانند الحمد لله الذی نزل الماء من السماء و صرف الامر کیف

یشاء بسم الله خیر الاسماء و مرویست که امام موسی کاظم علیه السلام
فرمودند که حق آب خوردن آنست که یاد کنند خدا را و سه نوبت نفس برآری
و در هر نفسی یاد کنی خدا را و از لب شکسته آب نخوری نه از طرف گوشه
شیطان از آن آب میخورد و بعد از آن دعا بخوانند که الحمد لله الذی سقانی
ماء عذبا و لم یجعله ملحا اجاجا بذنوبی و سوال کردند از رسول صلی الله
علیه و آله که آب ایستاده بیاشامند فرمودند که نه پس سوال کردند از طعام
خوردن ایستاده فرمودند که بدتر و از امام جعفر علیه السلام سوال کردند
که آب چه طعم دارد فرمودند که آب بیاشامید بیکنفس بشکر آن شاید
و یکجا حمد را اندر کشید و یکجا حمد شفا و الم اندرون و عبد الله عباس گفته
که من دیدم که رسول صلی الله علیه و آله آب می آشامید و بیکنفس و پیغمبر
صلی الله علیه و آله فرمودند که چون مگس در ظرف شما افتد او را غوطه دهید و
بدور اندازید بدرستی که در یکی از پرهای او دردیست و در دیگری دوا
پس باید که تمام او در طعام در برند و بعد از آن بیرون آرند و بدور اندازند

فصل پنجم در آداب خلال کردن

مرویست که امام جعفر صادق علیه السلام
فرمودند که سرمه بوی دهان خوش میکند و خلال رزق زیاد میکند و منقولست که
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که پاک کنید دندانهای خود را بخلال که
جای آن ملک است که نگهبان شما اند و ثبت عمل شما میکنند و آب آن

و بسیار مکروه میدارند که طعام در دهن بماند • و مرویست از امیر المؤمنین
علی علیه السلام که خلال مکنید بچوب نار و ساسپرغم که ایشان باد جذام
بحرکت می آرند • و فرمودند که رسول صلی الله علیه و آله خلال میکردند
می گفتند الا کرک خرما و نی • و مرویست که امام موسی کاظم علیه السلام
فرمودند که منادی میکند ملکی در آسمان که • اللهم بارک فی الخلالین و المتخللین
بار خدایا برکت ده بر جماعتی که خلال میکنند • و در خانه ایشان برکت
ده • در صحیفه امام رضا علیه السلام وارد است از امام حسن علیه السلام
فرموده که چون ما خلال میکردیم امیر المؤمنین علیه السلام میفرمود که آب
بیاشامیم الا وقتی که سه بار دهانرا بشوییم

فصل ششم در بیان آنچه آمده در بیان نان

مرویست از امیر المؤمنین علیه السلام که فرمودند نانرا گرامی دارید و خورده کنید و
و پای بر وی منهید • و چون حاضر شود انتظار غیر آن مکشید پس بدرستی که
خدای تعالی آنرا از برکات آسمان فرستاده • و از برکات زمین آنرا بیرون آورده
و پیغمبر صلی الله علیه و آله دعا فرمودند که برکت فرما در نان ما و از ما
دور مکن پس اگر نه نان میبود ما نماز نمیکردیم و روزه نمیداشتیم و ادای واجب
حق تعالی نمیکردیم • و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که قوت رسول
صلی الله علیه و آله از جو بود • و حلوای ایشان خرما بود • و ناخورش زیت
• و امام رضا علیه السلام فرمودند که فضیلت جو بر گندم همچون فضیلت ما بر مردم

ونم

و تمام انبیا طلب نموده اند خوردن جو و برکت بران و هیچ شکم که درش
بیرون آمد از ان تمام دردها • و جو قوت انبیاست و طعام نیکوکاران •
و امام جعفر علیه السلام فرمودند که اگر میدانستی خدا که از طعامی غیر جو قوت
بیشتر است آنرا قوت انبیا میگردانید • و فرمودند که نیکو دوست
برنج سرد صحیح و سلامتی از تمام دردها • و مرویست از علی ابن یحیی از اصحاب
علیه السلام که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که سید طعام دنیا و آخرت
گوشتست و برنج • و امام جعفر علیه السلام فرمودند که نان جو در سبک است
و چون شیر رفتست و نافع در معده

فصل هشتم در منفعت آبها

امام جعفر
صادق علیه السلام فرمودند که آب سید شراب اهل جنت است • و مرویست که
ابو طیفور طبیب گفت رفتیم نزد علی ابن موسی الرضا علیه السلام و منع او کردم از آب
آشامیدن فرمودند که چرا منع میکنی از آب و حال آنکه آن طعام را هضم میکند
در معده و صفرا میبرد و حرارت را فرو می نشاند و عقل را افزاید • و امام
جعفر علیه السلام میفرمودند که آب زمزم شفای هر دردیست که بجهت آن
بخورند • و روایتیست که امان از همه خوفهاست • و مرویست که کسی گوش
از ماهی را وحی گرفت بمرتبه که بمرگ افتاده بود و امام جعفر علیه السلام در
و حال پرسیدند که آن افتاده را چیست گفتم در نزدیک بمرگ فرمودند که
اگر من آنجا میبودم و آب باو دادن کعبه بوی میدادم صحیح میشد پس ناگاه

باران شده وقدحی از آب ناودان کعبه بوی آشامانیدند صحیح شد چنانچه
سویق جو خورده • و امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند که آب باران
بخورید که بدن را پاک میکند و مرضها را میبرد • و امام جعفر علیه السلام فرمودند
بجماعتی که اگر من نزد شما میبودم هر روز از آب فرات غسل میکردم و یکبار از
قریه سوری میخوردم • و امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند که آب رود نیل
دل را میمیراند و روی را بان مشوئید که موجب بری و بی قوتیست • و
پیغمبر فرمودند که هر کسی که تب گرم داشته باشد آب سرد بریزید که گرمی
او را می نشاند • و در صحیفه رضویه از امیر المؤمنین علی علیه السلام مرویست
که فرمودند مراد از نعیم که در آیه کریمه ثم لتسألن یومئذ عن النعیم
رطب و آب سرد است یعنی در آخرت ازین نعیم سوال خواهند کرد • و
و مرویست از امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند که چون کسی تخمه بود
دو سه کف آب گرم بخورد الم از بدن او میبرد و در روی او می افزاید •
و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که آب بسیار مخورید که موجب همه
دردهاست • و فرمودند که کسی در روز ایستاده آب بخورد طعام وی هضم شود
و اگر در شب ایستاده آب بخورد مرض استسقا پیدا کند • و اگر در شب آب
آشامد سه نوبت بگوید علیک السلام من ماء زمزم و ماء الفرات
مضرت نیابد • و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که چون آب آشامید

بگو

بمکید و بگلو مبندازید **فصل هشتم در بیان گوشتها** و آنچه بدو متعلق است
در صحیفه رضویه علیه السلام مرویست که نزد رسول شکایت گوشت کردند
آنحضرت فرمودند که هر مقدار از آنکه در معده واقع شود در دو روز شفا
پیدا شود • و فرمودند که چون طعامی کشید آنرا باده کنید و بهمسایه برسانید •
و امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند که سید طعامها در دنیا گوشت است
و فرمودند پیغمبر صلی الله علیه و آله که ما گروه انبیا گوشت معتادیم و
منقولست که گاهی گفت با امام جعفر علیه السلام که بمن رسیده این خبر که الله تعالی
خشم میکند بر خانه که گوشت بسیار میخورند • آنحضرت فرمودند که آن نیست که گوشت
مردم میخورند و چه پیغمبر صلی الله علیه و آله دوست میداشتند گوشت را و هر که
چهل روز گوشت نخورد بد خلق میشود • و هر که بد خلقیت گوشت بخورد تا
نیکو خلق شود • و فرمودند که هر کس ضعفی در دل داشته باشد گوشت گوسفند
بشیر بپزد بخورد • و مرویست که کسی در رفت بر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
دید ریش و نان خشک تناول میفرمودند از ان حال سوال کرد • فرمودند که پیغمبر
صلی الله علیه و آله نان ازین خشک تر میخوردند • و جامه ازین زبره تر می پوشیدند
و من نیز چنان کردم از ترس آنکه مبادا باو ملحق نشوم • و فرمودند که نبی از انبیا
از ضعف امت شکایت کرد بخدای پس مامور شد بانکه گوشت و شیر بخورند
پس قوت مند شدند • و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که هر کس چهل روز گوشت نخورده

باشد باید که قرض کند جهة آنکه شخصی گفت مردم میگویند که هرکس پیه با گوشت
میخورد دنبه خلق میشود • و مرویست که کسی گفت مر علی موسی الرضا را
علیه السلام را که مردم من گوشت گوسفند نمیخورند که موجب صفرا است و
صداع • جواب فرمودند که اگر خداوند میدانست که چیزی بهتر از
گوسفند هست آنرا فدای اسمعیل علیه السلام میکرد • و امام جعفر علیه السلام
فرمودند که گوشت گاو درد است و روغن او شفاست و شیر او دوا است •
و فرمودند که در گوسفند ده چیز است که نباید خورد • آنچه در معده اوست
و خون • و مازه • و سپرز • و دشبند • و قضیب • و خصیتان • و بچه دان
در کنار کردن • و ده چیز از گوسفند فرود هکت • شاخ • سم • استخوان
دندان • مایه • شیر • پشم • پیه • بیضه • و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند
که بر شما باد که گوشت شتر بخورید که هر مومن که مخالف یهود است میخورد •
و امام جعفر علیه السلام فرمودند که پیه خر بدن را ضعیف میکند و کاهست
هلاک میکند • خوردن گوشت قدید بوی ناک • و حمام رفتن و جماع با زنان پیر •
و مرویست که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند باکه لو اکراه گوسفند نگاه دار
و فقیرا را • و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که هرکه شکوه دارد از دل بسیاری
غم داشته باشد گوشت در آب بخورد که خوش میشود • و امام جعفر علیه السلام
فرمودند ماهی بسیار خوردن سبب مرض سل است • و پیغمبر صلی الله علیه و آله

میکوشد

هرگاه

هرگاه ماهی بخورند این دعا بخوانند • اللهم بارک لنا فیه و ابدلنا خیرا
منه یعنی ای بار خدایا برکت کن ما را درین طعام و عوضی خوبتر بده •
و مرویست که شخصی گفت امام موسی کاظم علیه السلام را اعلام کردم
که ضعف مزاج دارم و خون و صفرا هر دو غالبست اگر حجامت میکنم
صفرا غلبه میکند و اگر حجامت نمیکنم خون غالب است پس آنحضرت جواب فرمودند
که حجامت بکن و ماهی تازه بخور • مکرر این حال اعلام کردم همان جواب فرمودند
پس حجامت کردم و ماهی تازه خوردم شفا یافتم • و منقول است که کسی سوال کرد
از امام موسی کاظم علیه السلام از ماهی سقنقور که با پوست و دنبال درمیان
میکنند فرمودند که جایز نیست • و مرویست که کسی با امام رضا علیه السلام
شکایت کرد از آنکه طعام در معده او کم هضم میشود فرمودند که زرده تخم مرغ
بخور • و امام جعفر علیه السلام فرمودند که کسی که او را فرزند نشود تخم مرغ
بسیار بخورد • و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که جبرئیل علیه السلام آمد
و امر کرد مرا بخوردن هریسه تا پشت من قوی شود و قوت بطاعت
داشته باشم • و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که اگر چیزی مرگ را مانع شدی آن
مشک میبود • و آن طعامیست که از برنج و نخود و باقلا خورد کرده و بشیر پخته
و سوال کردند از امام جعفر علیه السلام که از مرغان کدام حلالست
فرمودند که آنچه در حال پرواز بالهای خود را بهم زند حلالست • و فرمودند که خاکی

خاکی

معلوم نباشد که از کدام مرغست اگر پرها مساوی باشد حرامست و الا حلالست
و مرغی که از آن صید میکنند اگر چنانچه در پای او سیخست و در شکم او سنگدان
هست حلالست **فصل نهم در حلاوات** و مرویست از امام جعفر علیه السلام
که پیغمبر علیه السلام عسل را دوست میداشتند و فرمودند که لیسیدن عسل
شفا از همه دردهاست و علی ابن موسی الرضا علیه السلام فرمودند که کسی که
ضعف پشت داشته باشد شیر و عسل بخورد و مرویست که شخصی گوید
قدری ریسمانی بمن داد که بمکه برم و جامه کعبه از آن بسازند چون بمکه رفتم
نخواستم بمجاوران کعبه دهم چه ظن خیانت داشتم پس چون بمدینه رفتم آنرا
را بامام محمد باقر علیه السلام عرض کردم فرمودند که بآن عسل و زعفران بخر
و با قدری از خاک امام حسین علیه السلام در آب باران شربت کن و بر شیعه
قسمت کن تا خستگان را بدان مداوا کنند و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود
که هر کس که عسل بیاشامد در سه ماهی یک نوبت عافیت یابد از سی و هفت مرض
و امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند که رسول صلی الله علیه و آله فرمود
سه چیز است که قوت حافظه را می افزاید و بلغم و نسیان را می برد مسواک و روزه
و قرآن خواندن عسل و شیر و امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که
خاک قبر امام حسین علیه السلام شفای همه دردهاست پس چون برداری بگوی
بسم الله اللهم اجعله رزقا واسعا و علما نافعا و شفاء من کل داء و انک

علی کل شیء قدیر و فرمودند که اگر شیعه ما بخورد شفاء همه دردهاست و
اگر عدوی ما بخورد میگدازد و چنانکه میگدازد دنبه و فرمودند که چون
یکی از شما خواهد که آنرا بخورد مقدار نخودی بسر انگشتان بردارد و ببوسد
و بر چشم بنهد و بر تمام اعضا بمالد و این دعا بخواند اللهم بحق هذه التربة
و بحق من حل فیها و ثوی فیها و بحق ابیه و امه و اخیه من ولده و
بحق الملائکة الحافین به الا جعلتها شفاء من کل داء و برء من کل آفة و حرزا مما
اخاف و احذر بعد از آن بخورد و از آن حضرت سؤال نمودند که گل از برای
جهه وجع شکم خوردن جایزست فرمودند که نی لیکن الا گل قبر ذو القرنات
و خاک قبر امام حسین علیه السلام بهتر از آنست و فرمودند که خوردن گل
حرامست و هر کس که بخورد و بمیرد و نماز بروی نمیکنند الا گل قبر امام حسین
علیه السلام و امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند که خرما بخورید که شفا از همه
رنجی است و فرمودند که خرما را ناشتا بخورند حضرت نبی باشند و فرمودند
که هر کس که هر روز پیش از طعام هفت خرما بخورد دانه زهر و سحر و شیطان
مضرت نیابد و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که خانه که در وی خرما باشد
اهل آن همه گرسنه نباشند و فرمودند که جبرئیل علیه السلام آمد و خرما
برنی از بهشت آورد و گفت زنان حامله را ده که زنی که این خرما بخورند فرزند
نیکو خصال باشند و در صحیفه علی ابن موسی الرضا علیه السلام منقولست که پیغمبر صلی الله علیه و آله

چون خرما میخوردند استخوان بر پشت دست مینهادند و می انداختند
و امام حسین علیه السلام نقل فرمودند از پدر خود که رسول صلی الله علیه و آله
چون روزه بودند ابتدا در طعام بخرما مینمودند

فصل دهم در میوها

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که چون آدم از بهشت بیرون آمد حق تعالی
از میوهای بهشت بوی داد و آموخت طریق ترتیب آن پس میوها شما
از میوهای بهشت است ولیکن از آن حال متغیر شده و امام جعفر علیه السلام
فرمودند که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که هر اناری یک دانه انار
بهشت دارد و آن دانه بمعده هر مسلمانی که برود چهل صباح نورانی کند
و پیغمبر صلی الله علیه و آله در شب انار شاول میفرمودند و امیر المومنین علی علیه السلام
فرمودند که انار را با پیه بخورید که معده را پاک میسازد و چون انار بخورند
دستاری افکنند و بخشند جهة آنکه دانه بهشت دارد و جمعی گفته که ای
امیر المومنین یهودان و نصرانیان آنرا میخورند فرمودند که الله تعالی ملکی
میفرستد و آنرا بر میدارد و امام جعفر صادق علیه السلام فرموده
که هیچ نوع از میوهای بهشت در دنیا نیست انار ملیس و سیب شامی و انگور
و به و رطب و فرمودند که هر مومنی یک انار تمام بخورد خدای تعالی
پریشانی دل او را ببرد و صد روز اگر به عدد بخورد حق تعالی شیطان را
از وسوسه خاطر او دور کند چهل سال پس گناه نکند و بهشت برود و حضرت

امام زین العابدین علیه السلام فرمودند که هر کس صباح روز جمعه پیش از
طعام یک انار بخورد چهل صباح دل او نورانی باشد و وسوسه شیطان
از او دور شود و معصیت نکند و شیخ ابو جعفر طوسی رحمه الله گفته که اطفال را
انار دهید که موجب فصاحت زبانست و مرویست که پیغمبر صلی الله
علیه و آله فرمودند که به بخورید که موجب قوت دلست و شجاعت و بخیل را
راضی میسازد و فرمودند که به را بکسی که مریض است دهید که چشم روشن میکند و محبت
در دل می افکند و در زمان آبستنی بدهید که سبب نیکوئی صورت و سیرت میشود
و امام جعفر علیه السلام فرمودند که هر کس به بخورد حق تعالی چهل روز زبان او
بحکمت گویا کند و بوی او بوی انبیاست و مرویست که الله تعالی
هر نبی را که او را بهشت به دست او بوده و مرویست که امام جعفر علیه السلام
پسر خوبروئی دید و فرمود که پدر او به خورده باشد و فرمود که بوی
انبیا و دارد و بوی حوریان و گل بوی ملایکه و مرویست که
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که سیب پیش از طعام صباح بخورید که
معده را قوت میدهد و موسی ابن جعفر علیه السلام از جد خود نقل میکند که
ما اهل بیتیم که درد و اسکنیم تب را با آشامیدن آب سرد و خوردن سیب
و منقولست که کسی گفت با برادر بمدینه رفتیم و مردم را خون بسیار از بینی
می آمد برادر و در من نیز چنین شد پس بخدمت امام جعفر علیه السلام رفتیم فرمود که

برادرت را سبب بدوش داده می شد • و مرویست که طبقی انجیر
هدیه نزد رسول صلی الله علیه و آله آوردند آنحضرت فرمودند که اگر
بگویم میوه از بهشت می آید میگویم که انجیر است پس بخورید که دفع بواسیر میکند
و نقرس را نافعست • و فرمودند که انجیر تر و خشک در وقت جماع می افزاید
و مرویست که امام جعفر علیه السلام فرمودند که نوح علیه السلام شکوه
کردند بخدا وحی آمد که انگور سیاه بخور که غم ببرد • و فرمودند که دو
چیز است که هر دو دوست میباید خورد انگور و انار و حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله فرمود که انگور را یکدانه یکدانه بخورید • و فرمود که بهار امت من
انگور است و خربزه • و امام رضا علیه السلام فرمود که علی ابن الحسین علیه السلام
انگور دوست میداشتند پس کنیزی خوشه انگور نزد ایشان آورد •
درویشی آمد و طلبی کرد خوشه انگور را بوی دادند • باز کنیز برفته بود
رفت و آن انگور را از سائل خرید و نزد ایشان آورد • سائلی دیگر آمد
بوی دادند • باز کنیز خرید و همچنین سه نوبت • و در نوبت چهارم تناول
فرمودند • و مرویست از امیر المومنین علی علیه السلام که فرمودند امرود
معده را پاک میسازد • و دل را روشن میکند • و دردهای اندرونی تسکین میدهد
و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که امرود دل را قوت میدهد
و معده را پاک میکند • و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که هر کس دو سیر روز

منقولست که فرمودند در میان قطار شتر شیطانیست ایستاده که میگوید
قول در احوال اسب حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده اند که
خیرات پیشانی اسبها تا امانت تا روز قیامت • و کسی که اسب از راه
راه خدا رعایت میکند حکم آنکس دارد که هرگز صدقه ترک نکند • و روایتست
از حضرت امام رضا علیه السلام که فرمود در پهنی هر اسبی شیطانی مجاور است
هرگاه که خواهید لجام کنید نام خدا ببرید • و روایتست از حضرت امام
علیه السلام که فرمود هر گوی که سخت سر و بد چشم باشد در گوش او بخوانید
افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات والارض طوعا
و کرها و الیه یرجعون فصل هشتم در بعضی چیزها که متعلق است به سفر حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله منع فرموده که پیش از آنکه مسافر خبر کند اهل
خود را بخانه در آید وقتی که شب رسیده باشد • و فرموده اند که سفر
پاره ایست از عذاب باید که هر کسی که در سفر بیماری نماید زود باز گردد •
و هم آنحضرت فرموده که هر کس یاری و مددکاری کند مسافر مومن را
خدای تعالی از وی هفتاد و سه غم و محنت ببرد در دنیا و قیامت راحت
عظیم او را روزی فرماید • و هم فرموده اند وقتی که مسافر گشت باید ترتیب
سفر نماید • و روایتست از حضرت امام موسی علیه السلام که سفره
را دید که حلقه های زر در او بود فرمودند که بیرون کنید و حلقه آهنی بگذارید

کنید که بخاصیت نیک **باب دهم در دعا و چیزی که بر دعا خواندن**
تعلق دارد و این در پنج فصل مذکور میشود **فصل اول در فضیلت دعا و کیفیت**
خواندن آن حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرمود که هیچ چیز پیش خدای تعالی
بهتر از دعا نیست و همچنین فرمود که سلاح مومنست و ستون دین و نور
زمین و آسمان و فرمود که شما را دلالت کنم بسلاحی که از دشمنان نگاه دارد
و رزق شما زیاده گرداند حاضران گفتند بلی فرمود که شب و روز دعا کنید که
دعا سلاح مومنست و عاجزترین مردم کسی است که از دعا عاجز آید و
بخیل ترین مردم کسی است که در جواب سلام بخل کند و فرمود مسلمانی نیست که
بخدای تعالی دعائی کند که بخویشان آزار و ضرری نرسد و طلب معصیتی
در آن نباشد مگر آنکه خدای تعالی یکی از سه چیز کرامت فرماید دعا قبول کند یا
در آخرت او را عوض دهد یا بلایی از او دفع کند و حضرت امام جعفر علیه السلام
فرموده است که دعا موجب قبولست همچنانچه ابر سبب بارانست
و روایتست از حضرت امام رضا علیه السلام که فرمود یک دعا پنهانی
به از هفتاد دعا که بر ملا باشد و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که
حضرت عزت حاجات شما را میداند لیکن حاجات را عرض کنید و دعا نمائید
فرموده است که خدای تعالی گروهی را دوست میدارد که از خلق طلب کنند لیکن دوست
میدارد که از او طلب کنند **قول در اوقاتی که امید داری قبول دعاست**

روایتست از امام جعفر علیه السلام که فرمود در چهار وقت دعا کنید وقتی
که باد سخت آید و وقت زوال و وقتی که باران آید و وقتی که خون شهید
بر خاک ریزد که درهای آسمان درین اوقات گشاده میشود و هم آنحضرت
فرموده است که در هفت موضع دعا مقبولست در نماز وتر و بعد از
صبح و بعد از پیشین و بعد از شام و وقت بانگ نماز و وقت باران
و وقتی که در غزا صفها راست شود و در روایتست از امام محمد باقر علیه السلام
که فرمود خدای تعالی دوست میدارد بندگان مومن را که دعا کنند پس دعا
کنید از سحر تا طلوع آفتاب که در آن وقت درهای آسمان گشاده است
و رزق را در آن وقت بخش میکنند و حاجتها در آن وقت روا میشود و
روایتست از حضرت امام جعفر علیه السلام که فرمود هرگاه طلب رزق
میکنید در دعا کفهای دست را بجانب آسمان بگشائید و چون از خدای تعالی
پناه جوئید از شر کسی کفهای دست را بجانب قبله کنید و در حالت
تضرع و زاری دست را از سر بگذرانید و چون دل را از دنیا گردانیده
بجانب خدای تعالی آرید انگشتان شهادت را حرکت دهید **قول در**
آنچه پیش از دعا باید کرد روایتست از امام جعفر علیه السلام فرمود که
پیش از دعا حمد و ثنای خدای تعالی بجای آرید و صلوات بر حضرت رسالت
و آل آنحضرت صلی الله علیه و آله بفرستید بعد از آن دعا کنید و در روایت

از امیر المومنین علی علیه السلام که فرمود پیش از دعا بگویید • یا من هو اقرب
الی من حبل الورید یا من یحول بین المرء و قلبه یا من هو بالمنظر الاعلی
یا من لیس کمثله شیء • و از حضرت امام جعفر علیه السلام روایتست که فرمودند
هرگاه یکی از شما طلب حاجت کنید ثنای خدای تعالی بجای آرید که شخصی که
از پادشاه طلب حاجت کند اول سخن خوب تقرب پیدا کند • بعد از آن
طلب میکند و می باید که در وقت طلب حاجت این دعا بخواند که • یا اجود
من اعطی یا خیر من سئل یا ارحم من استرحم یا واحد یا احد یا صمد یا من
لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد یا من لم یتخذ صاحبة و لا ولدا یا من
یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و یقضی ما احب یا من یحول بین المرء و قلبه یا من هو
بالمنظر الاعلی یا من لیس کمثله شیء و هو السمیع البصیر • و نام خدای بسیار
ببرد و صلوات بر محمد و آل محمد فرستید • و روایتست از امام جعفر صادق
علیه السلام که هرگاه چهل کس جمع شوند و دعا کنند خدای تعالی البته دعای
ایشان را قبول کند • و اگر چهار کس باشند هر یکی ده بار دعا کنند آن دعا
مستجاب میشود • و اگر یکی چهل بار دعا کند خدای تعالی دعای او را قبول کند
و هم از آنحضرت علیه السلام فرمودند که پدرم هرگاه که از چیزی غمگین میشد عورتان
و اطفال را جمع میفرمود و دعا میکرد و ایشان آمین میکشیدند • و نیز فرموده اند که
دعا محجوبست مادام که صلوات بر محمد و آل محمد نفرستید • و روایتست از

از

حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرمود که در مجلسی که جماعتی صحبت دارند
ذکر خدا نکنند و صلوات بر من و آل من نفرستند آن صحبت وبال و حسرت
باشد بر ایشان • و روایتست از حضرت امام جعفر علیه السلام که فرمودند
دعای سه کس مستجابست کسی که در راه مکه الله باشد • و کسی که بغزا رود •
و کسی که بیمار باشد • و هم از آنحضرت روایتست که فرمود پدرم فرموده
که چند کس اند که دعای ایشان مردود نیست یکی امام عادل • و یکی مظلوم
که خدای تعالی در جواب آن دعا میگوید داد ترا از ظالم بستانم اگرچه
بعد از مدتی باشد • دیگر فرزند صالح که جهت پدر و مادر خود دعا کند •
و دیگر دعای صالح جهة فرزند و مومنی که از برای برادر مومن طلب حاجتی
کند کرامت میکنم • و نیز از آنحضرت علیه السلام روایتست که فرمودند
از دعای مظلوم پرهیز کنید که دعای او باسمان میرسید • و روایتست از
امام جعفر علیه السلام که شخصی سوال کرد که من دو آیت در کلام الله
می یابم که آنچه از وی می طلبم نمی یابم آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند که
کدامست گفت • ادعونی استجب لکم یعنی دعا کنید که مستجاب کنم •
و حال آنکه من دعا میکنم و مستجاب نمیشود • امام علیه السلام فرمود
که گمان تو اینست که خدای تعالی خلاف وعده میکند • آنکس گفت نه •
پس امام علیه السلام فرمود که چه خیال کرده • آنکس گفت که یا امام من

پسر این شنیده‌ام امام علیه السلام فرمود که من ترا آگاه کرده‌ام از سر این
آیت که دعا مشروطست بآنکه اول تحمید و تمجید حق تعالی کنند و ذکر
نعمتهای وی کرده شکر نعمتهای آورید پس صلوات فرستید بعد از آن
یاد گناهان خود کرده و اقرار بران کنید و استغفار کنید پس هرکه چنین کند و دعا کند
از چیزی که صلاح باشد الله مستجاب کرده و بعد از آن امام علیه السلام
گفت دیگر کدام است گفت و ما انفقتم من شیء فهو یخلفه یعنی شما آنچه
صدقه میکنید خدای تعالی عوض میدهد و حال آنکه ما صدقه میکنیم و
عوض نمی‌یابیم حضرت فرمود که گمان تو آنست که خدای تعالی خلاف وعده
خود میکند گفتم نه حضرت امام فرمود که چه گمان و چه خیال کرده گفتم یا امام
پس آن شنیده‌ام فرمود که اگر مال از جهت حلال بدست آرید و صدقه دهید
خدای تعالی عوض میکند که فرمود خدای تعالی شرم میدارد که کسی دستها
بجانب او بردارد و ناامید باز گرداند فصل دویم در دعاهایی که بشب
و روز تعلق دارد اما دعاء صبح و شام روایتست از حضرت امام جعفر علیه السلام
که هرکه ده نوبت قبل از طلوع آفتاب و بعد از غروب بگوید لا اله الا الله
وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت
بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر کفارت گناهان او میشود و در آن روز
و هم آنحضرت فرموده است که نوح در صبح و شام این دعا ده بار میخوانده

اللهم انی اشهدک انه ما اصبح وامسی بی من نعمة وعافیة فی دین
او دنیا فمنک وحدک لا شریک لک لک الحمد ولک الشکر بها علی
حتی ترضی وازین جهة خدای تعالی ورا عبدا شکورا نام کرده و نیز
روایتست از آنحضرت علیه السلام که چون از نماز سنت صبح فارغ شدید
دست بجانب آسمان بر باید داشت و میفرمود اصبحنا واصبح الملک لله
اللهم انی عبدک اللهم احفظنا من حیث نحتفظ ومن حیث لا نحتفظ
اللهم استرنا من حیث نستتر ومن حیث لا نستتر اللهم استرنا بالغنی
والعافیة اللهم ارزقنا العافیة والشکر علی العافیة و شخصی از امام جعفر علیه السلام
روایت میکنند که فرمود شیعه ما را پناه دوستی ماست اگر در دریا باشند
یا صحراها و کوهها یا در میان شیران و گرگان درنده و دشمنان جن و
انس هرکس که هر صبح این دعا بخواند اصبحت اللهم معتصما
بذمامک المنیع الذی لا یطاول ولا یحاول من شر کل غاشم وطارق
من سایر من خلقک وما خلقت من الصامت والناطق فی جنة من کل مخوف
بلباس سابغة ولاء اهل بیت نبیک محتجبا من کل قاصد لی الی اذیة بجدار
حصین الاخلاص فی الاعتراف بحقهم والتمسک بحبلهم جمیعا موقنا
ان الحق لهم ومعهم وفیهم وبهم اوالی من والوا واجانب من جانبوا
واحارب من حاربوا وصلی الله علی محمد وال محمد واعذنی اللهم بهم

من کل شر ما اتقیه یا عظیم یا عظیم بحرمت الهادی حمی بدیع السموات
والارض انا جعلنا من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم
لا یبصرون و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و در محل شام
سه بار بخواند و بجای اصبحت امسیت بگوید در پناه خدا باشد • و روایت
از امیر المومنین علیه السلام که فرمود بیکی از یاران که از خود و فاطمه تو
بگاهی بگویم گفت بلی • فرمود که جمیع کارهای خانه حضرت فاطمه بدست
مبارک خود میکرد تا خانه جاروب کردن و آتش پختن این حال را
بحضرت رسالت عرضه داشت کرد و خدمتکاری طلب فرمود حضرت
صلی الله علیه و آله فرمود که ترا چیزی تعلیم کنم که از خدمتکار تنگ نباشی در
هر صبح سی و چهار بار الله اکبر و سی و سه بار الحمد لله و سی و سه
سبحان الله بگوی پس فاطمه علیها السلام سر سوی آسمان کرد و فرمود که
راضی شدم از خدا و رسول خدا • و روایت از امام جعفر صادق
علیه السلام که فرمود موسی علیه السلام هرگاه نماز میگذارد روی
از قبله میگردانید تا طرف روی راست و روی چپ بخاک
نمی مالید • و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده است که خدای تعالی
وحی فرستاد بموسی علیه السلام که آیا میدانی که چرا از ادمیان ترا برگزیدم
و با تو سخن گفتم موسی علیه السلام گفت نه خداوندا فرمود که در میان

بندگان

بندگان بسیار طلب کردم از تو در عبادت خود خوارتر نیافتم که تو
هر بار که نماز گذاردی روی بر خاک مذلت نهادی • و امام جعفر علیه السلام
فرمود که بنده هرگاه سجده کند و بگوید یارب یارب تا آنزمان که نفسش
بگیرد حضرت خداوند فرماید لبیک ای بنده چه حاجت داری • و
روایت از امام جعفر علیه السلام که هر مسلمانی که بعد از نماز سجده بکند که
موجب تمامی نماز و رضای خدا و تعجب ملایکه است • و فرمود که بنده
هرگاه نماز گذارد و بعد از آن سجده شکر کند خدای تعالی میان او و
ملایکه رفع حجاب میکند و با ملایکه میگوید که ببینید بنده من ادای فرض نمود
و بعد از آن سجده شکر کرد • و حضرت امام زین العابدین علیه السلام
در سجده این دعا میخواندند که • اللهم ان کنت قد عصیتک فانی قد اطعتک
فی احب الاشیاء الیک و هو الایمان بک منا منک علی لا منا منی
علیک و ترکت معصیتک فی ابغض الاشیاء الیک و هو ان ادعوا
لک شریکا منا منک علی لا منا منی علیک و عصیتک فی اشیاء
علی غیر وجه مکابرة و لا معاندة و لا استکبار عن عبادتک و لا
جحود لربوبیتک و لکن اتبعت هوای و استزلنی الشیطان بعد الحجة
و البرهان فان تعذبنی فبذنوبی غیر ظالم و ان تغفرلی و ترحمنی فبجودک یا
ارحم الراحمین • و حضرت امام جعفر علیه السلام با شخصی گفت هرگاه که ترا حاجتی

و پشت خود را در موضع پهلو خود بمال و بعد از آن بطرف چپ و
و از جانب پیشانی بطرف راست و سه نوبت بگو که بسم الله الذی
لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم اللهم اذهب عنی الغم
والحزن **قول در دعایی که تعلق بحال خواب و بیداری دارد** روایت از
امام جعفر علیه السلام که فرمود هر کس که وضو بسازد و در جامهٔ خواب
در آید آن جامه بخواب حکم مسجد دارد و همچنین است هر گاه و اندکه وضو
دارد پس چون با وضو باشد در جامه خواب همیشه در نماز و با ذکر خداست
و هم از آنحضرت روایتست که فرمود هر گاه که چراغ را نشانید این دعا
بخوانید که اللهم اخرجنا من الظلمات الی النور و از امام جعفر علیه السلام
روایتست که فرمود که هر گاه که ترا در وقت خواب پریشانی روی نماید
معوذتین و آیة الکرسی بخوان و هم از آنحضرت روایتست که فرمود
در وقت خواب کردن قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون بخواند
که سبب دوری از شرکست و قل هو الله موجب قرب خدای تعالی
و نیز آنحضرت فرموده که هر کس در وقت خواب سه بار این دعا بخواند که
الحمد لله الذی علا فقهر والحمد لله الذی بطن فخبر والحمد لله الذی
ملک فقدر والحمد لله الذی یحیی الموتی و یمیت الاحیاء و هو علی کل شیء قدیر
از گناهان پاک میشود همچنانچه روزی از مادر بوجود آمده و هر کس که

در شب جزعی روی نماید این دعا بخواند که اعوذ بکلمات الله من
غضبه و من عقابه و من شر عباده و من همزات الشیاطین ان یحضرون و
روایتست که هر کس را دزد ترسید اندر وقت خواب آیت قل ادعوا الله
او ادعوا الرحمن تا آخر سوره بخواند و روایتست از حضرت امام جعفر
علیه السلام که فرمود هر که از جنابت ترسد چون در جامه خواب در آید
بخواند که اللهم انی اعوذ بک من الاحتلام و من سوء الاحلام و من
ان یتلاعب بی الشیطان فی الیقظة والمنام و هر کس را بیداری آید
در وقت خواب این دعا بخواند که سبحان الله ذی الشان دائم السلطان
عظیم البرهان کل یوم هو فی شان بعد از آن بگوید یا مشبع البطون
الجائعة یا کاسی الجسوم العاریة یا ساکن العروق الضاربة یا منوم
العیون الساهرة سکن عروقی الضاربة و ائذن لعینی نوما عاجلا
و دعای دیگر جهة دفع بیداری بکار آیة الکرسی بخواند و دیگر
اذ یغشیکم النعاس امنة منه و دیگر و جعلنا نومکم سباتا و
هر کس که از فرود آمدن خانه بترسد این آیه را بخواند ان الله یمسک
السموات والارض ان تزولا و لئن زالتا ان امسکهما من احد
من بعده انه کان حلیما غفورا و از امام محمد باقر علیه السلام مرویست که

فرمود هر کس این کلمات را بخواند که اعوذ بکلمات الله التامات کلها التی
لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر ما ذرا و من کل دابة الا هو آخذ بناصیتها
ان ربی علی صراط مستقیم از همه گزندها ایمن باشد • و از ائمه علیهم السلام مرویست
که هرگاه در بنات النعش نگاه کنید و در میان آن ستارهٔ خوردی که
در عرب او را سها گویند و به چند پی نوبت این دعا بخوانید • اللهم
اسلم وصل علی محمد و آل محمد و عجل روحهم سلمنا من کل ذی شر • از
شر جمیع گزندها ایمن باشد • و از امام جعفر علیه السلام روایتست که فرمود
هر بنده که آخر سورة الکهف بخواند در وقت خواب کردن هرگاه
که خواهد بیدار شود • و حضرت رسالت صلی الله علیه و آله هرگاه که تکیه
میفرمودند به پهلوی راست میفرمودند و دست راست زیر روی
مینهادند از طرف راست • و در روایتست که چون از خواب خیزید
این دعا بخوانید • الحمد لله الذی احیانا بعد ما اماتنا و الیه
النشور الحمد لله الذی رد علی روحی لاحمده و اعبده • و هرگاه
که نظر در آسمان کنی این دعا را بخوان که یا نور النور یا مدبر الامور •
یا من علی التدبیر و یمضی المقادیر امض مقادیری لومی بهذا الی
السلامة و العافیة • بعد از آن پنج آیه از آل عمران بخواند که ان

فی خلق السموات و الارض و اختلاف اللیل و النهار • تا لا تخلف المیعاد
و حضرت امام جعفر علیه السلام فرموده که چون آواز خروس را بشنوید
این دعا را بخوانید • که سبوح قدوس رب الملائکة و الروح سبقت
رحمتک غضبک لا اله الا انت سبحانک و بحمدک عملت سوءا و ظلمت
نفسی فاغفرلی انه لا یغفر الذنوب الا انت • و فرمود که پنج خصلت از
خروس بیاموزید اوقات نماز • و غیرت که نگاه دارد که خروس دیگر با
مرغان او نزدیکی کند • و سخاوت که دانه را بمرغان رها میکند • و جنگ
و شجاعت و مردی • و فرمود که از کلاغ سه خصلت را گیرید • پوشیده
جماع کردن • و صبح زود بطلب رزق رفتن • و از بد حذر کردن • روایت
از حضرت امام جعفر علیه السلام که فرمود که آنکس که پیاده بمسجد رود
بر هیچ تر و خشکی پای ننهد که ملائکه زمین او را تسبیح بگویند • و در توریه
نوشته که بشارت دهید جماعتی را که پیاده بمسجد روند بنوری تمام در
حشر • و حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرموده که خدای تعالی فرموده
که مرا در زمین خانها است خوشا حال آنکه خانه او مسجد باشد • و خوشحال آنکه
که در خانهٔ خود وضو سازد و بعد از آن بخانهٔ من آید پس حق است
پای او بیرون نهد و بگوید که بسم الله و بالله و الی الله خیر الاسماء

کلها لله توکلت علی الله لا حول ولا قوة الا بالله اللهم صل علی
محمد و آل محمد وافتح لی باب رحمتک و توبتک واغلق عنی ابواب
معصیتک واجعلنی من زوار بیتک وعمار مساجدک وممن یناجیک
باللیل والنهار والذین هم فی صلوتهم خاشعون وازجر عنی الشیطان الرجیم
وجنوده وابلیس اللعین بعد از آن آیة الکرسی و معوذتین بخواند و هفت بار
سبحان الله و هفت بار الحمد لله و هفت بار الله اکبر و هفت بار
لا اله الا الله بگوید و در مسجد بنشیند یا دو رکعت نماز سنت تحیة المسجد بگذارد
و چون روی بقبله آرد بگوید که اللهم الیک توجهت و رضاک طلبت و ثوابک
ابتغیت و بک آمنت و علیک توکلت اللهم صل علی محمد و آل محمد وافتح
مسامع قلبی لذکرک وثبتنی علی دینک ولا تزغ قلبی بعد اذ هدیتنی وهب لی
من لدنک رحمة انک انت الوهاب قول در شنیدن اذان چون بگوید
موذن اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله پس تو نیز
بگو و بعد از آن بگو اکتفی بها من کل من ابی و جحد واعین بها من اقر و شهد
و همچنین روایت کرده شد که چون موذن بگوید اشهد ان محمدا رسول الله
پس تو نیز بگو صلی الله علیه و آله الطاهرین اللهم اجعل علی بر و مودة
آل محمد فی قلبی مستقرا وادر علی الرزق چون موذن بگوید حی علی الصلوة
حی علی الفلاح تو نیز بگو لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم روایت که

هر که اذان را بشنود و بگوید همچنانکه موذن میگوید حق تعالی روزی او را زیاده
میکرداند قول نزد طلوع فجر چون صبح برآید و تو نظر کنی بسوی
او پس بگوی در آن حال که روی بسوی آسمان کرده اللهم انت ربنا
وولینا وصاحبنا فصل علی محمد و آل محمد وتفضل علینا بما انت اهله
وانقذنا مما نحن اهله اللهم بنعمتک تتم الصالحات فصل علی محمد و آل محمد
واتممها علینا بعد از آن بگوید سه بار اعوذ بالله من النار بعد از آن
بگوید یا فالقه من حیث لا اری و مخرجه من حیث اری صل علی محمد و آل محمد
واجعل اول یومنا هذا صلاحا و اوسطه فلاحا و آخره نجاحا بعد از آن بگوید
الحمد لله فالق الاصباح سبحان الله رب المساء والصباح اللهم صبح
آل محمد ببرکة وعافیة وقوة ورزق واسع اللهم انزل فی اللیل والنهار
ما تشاء وانزل علی وعلی اهل بیتی من برکة السموات والارض رزقا واسعا
تغنینی به من جمیع خلقک قول نزد اذان اللهم انی اسالک باقبال نهارک
وادبار لیلک وحضور صلواتک واصوات دعاتک ان تصلی علی محمد
وان تتوب علی انک انت التواب الرحیم قول در میان اذان
و قامت پس چون فارغ شوی از اذان سجده کن و بگوی لا اله الا انت
ربی سجدت لک خاضعا خاشعا ذلیلا و صل علی محمد و آل محمد واغفر لی
وارحمنی وتب علی انک انت التواب الرحیم و دعا دیگر اللهم اجعل

قبلی بارا او رزقی دارا او حبل بحضرت قبر رسول الله صلوات الله علیه وآله
یستغفر او قرارا • و فرمود پیغمبر صلی الله علیه وآله دو ساعتست که
در آن دو ساعت گشاده میشود درهای آسمان • کم باشد که رد کرده شود
دعا در آن دو ساعت وقتا وانست برای نماز • دیگر وقت صبح است
در غرار بانگ نماز • **قول بعد از سجده** • چون فارغ شوی از سجده پس بگو که
سبحان من لا یبید معالمه سبحان من لا ینسی ذکره سبحان من لا یخیب
سائله سبحان من لیس له حاجب یغشی ولا بواب یرشی ولا ترجمان
یناجی سبحان من اختار لنفسه احسن الاسماء سبحان من فلق البحر لموسی
سبحان من لا یزداد علی کثرة العطاء الا کرما وجودا سبحان من هو
هکذا الا هکذا غیره • **قول در فضیلت نماز** • روایت از ابی عبد الله
علیه السلام که فرمود حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که هیچ
نمازی نیست که حاضر شود وقت او مگر آنکه ندا کند فرشته میان مردم
یا خلایق برخیزید بسوی آتشهای که او وخته اید • در پشت خود بیرون برید
او را بنمازهای خود • یا بندگان خدای مرجعت کنید بسوی گناهان خود
همانکه حق سبحانه وتعالی فرموده ان الحسنات یذهبن السیئات
روایت از ابو یعقوب که گفت مرا ابی عبد الله علیه السلام فرمود که
چون بگذاری نماز را چون نماز کسی که نماز وداع میکند • و آنکسی که نماز وداع

میکند بتوجه تمام میگذارد • و تو نیز نماز بتوجه تمام بگذار • و بعد از آن
بگردان نظر خود را بموضع سجود خود چنانچه تو ندانی در چپ و راست تو
کیست • اگر چنین نماز بگذاری پس چنین میگردانی بحقیقت نیکو بها دریغ
میکنی بد بهای او • دیگر بدانکه تو پیش کسی واقع شده که او ترا می بیند
و تو او را نمی بینی • روایت از حضرت علیه السلام که نماز کننده را سه خصلت
چون برخیزد در نماز خود فرو ریزد خیر بر او از آسمان • دیگر ملایک گرد
او برمی آیند از قدم تا آسمان • دیگر فرشته ندا میکند که یا نماز کننده
اگر تو بدانی که مناجات با که داری هرگز التفات نکنی بغیر • دیگر روایتست
از آنحضرت علیه السلام که گفت کسی که دو رکعت نماز بگذارد و بداند که
چه میگوید در آن • بعد از آن حایلی نباشد الا آنکه بیامرزد حق تعالی
گناهان او را • در روایت از امیر المؤمنین علی علیه السلام که فرمود حضرت
رسالت صلی الله علیه وآله که دو رکعت نماز سبک بتفکر بهتر است از
تمام قیام شب • در روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که
گفت چون بنده شروع کند بنماز حق تعالی اقبال کند بسوی او بوجه
کریم • دیگر موکل گرداند فرشته را برو و بردارد قرآن را از دهن او •
چون بنده از نماز خود باز گردد حق سبحانه نیز از او باز گردد • و دیگر
آن بنده را تفویض میکند بفرشته • و چون بنده اقبال کند بسوی

نماز خود • حق سبحانه و تعالی نیز اقبال میکند با و بوجه کریم • تا آنکه مرتفع
نماز او کامل • اگر سهو کند در نماز یا غافل شود یا مشغول کرد و بغیر نماز
برداشته شود از و نماز • یعنی از ثواب نمازش آنقدار که توجه بغیر
نماز کرده است • و هر گز داده نشود بدل غافل چیزی از خیر • روایت
از آنحضرت علیه السلام که فضیلت وقت اول بر وقت آخر بهترست
برای مومن از فرزند و مالش • روایتست از آنحضرت علیه السلام که
فضیلت وقت اول بر آخر • همچون فضیلت آخرتست بر دنیا • قول در
ذکر بعد از فجر روایتست از امام حسن علیه السلام فرمود شنیدم
از پدرم که گفت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر بنده مسلمانی که
بنشیند در نمازگاه خود که نماز صبح گذارده است و ذکر الله تعالی
را گوید تا آنکه آفتاب طلوع کند می باشد او را از اجر همچو اجر کسی که طواف کند
بیت الله را • و دیگر گناههای او معفو باشد • و چون بنشیند در آن مکان
تا آنکه بگذرد ساعتی که حلال باشد در و نماز • بعد از آن دو رکعت نماز گذارد
و یا چهار رکعت آمرزیده شود او و گناه گذشته و دیگر می باشد او را
از اجر آنکس که طواف کند • روایتست از جابر و ابی جعفر علیه السلام
که فرمود رسول صلی الله علیه و آله که حق تعالی میفرماید با بنی آدم یاد کن مرا
بعد از نماز صبح ساعتی • و بعد از عصر ساعتی • پس کافیست ترا آنچه اهم است ترا

قول در بیان

قول در بیان آنچیزی که مختص است در عقب صلوة فجر • چون سلام

دهی فریضه صبح را سه بار بگو و دیگر بگوی • لا اله الا الله الهاً واحداً
ونحن له مسلمون لا اله الا الله ولا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین
ولو کره الکافرون لا اله الا الله ربنا و رب آبائنا الاولین لا اله الا
الله وحده وحده وحده • ونصر عبده و صدق وعده واعز جنده
وهزم الاحزاب وحده فله الملک وله الحمد یحیی و یمیت وهو حی لا یموت
بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر • اللهم اهدنی لما اختلف فیه من الحق
باذنک انک تهدی من تشاء الی صراط مستقیم • بعد از آن ده
سه بار • استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم ذو الجلال والاکرام
واتوب الیه • بعد از آن بگوی • اللهم اهدنی من عندک وافض
علی من فضلک وانشر علی من رحمتک وانزل علی من برکاتک سبحانک
لا اله الا انت اغفر لی ذنوبی کلها جمیعاً الا انت • بعد از آن تسبیح
حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بگوی • و آن سی و چهار تکبیر است
و تحمید و تسبیح سی و سه بار • روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام
که تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در عقب هر نماز دوسترست
پیش از هزار رکعت نماز در هر روز • و دیگر روایتست از امام جعفر
علیه السلام فرمود کسی که تسبیح کند الله تعالی را در عقب نماز

فریضه تسبیح حضرت فاطمه را علیها السلام صد بار و تابع گرداند
با و لا اله الا الله آمرزیده گردد گناهای او و بهتر او از آنست که
آماده شود برای تعداد تسبیح فاطمه علیها السلام تسبیح از تربت
حضرت امام حسین علیه السلام تحقیق روایت کرده شد از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر کس که بگرداند آن تسبیح که
از تربت امام حسین است علیه السلام با استغفار یا به غیر آن نوشته شود
او را هفتاد بار و سجود بر آن تسبیح بدرد هفت حجاب را دعا دیگر
این دعائیست که روایت کرد آن را معاویة بن عمار از ابی عبد الله علیه السلام
و دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم وصلی الله علی محمد
و اهل بیته الطاهرین الاخیار الاتقیاء الابرار الذین اذهب الله عنهم
الرجس و یطهرکم تطهیرا و افوض امری الی الله و ما توفیقی الا بالله علیه
توکلت و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله
لکل شیء قدرا ما شاء الله کان حسبنا الله و نعم الوکیل و اعوذ بالله
السمیع العلیم من الشیطان الرجیم من همزات الشیاطین و اعوذ بک
رب ان یحضرون و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم الحمد لله
رب العالمین کثیرا کما هو اهله و مستحقه و کما ینبغی لکرم وجهه و عز جلاله
علی ادبار اللیل و اقبال النهار الحمد لله الذی اذهب باللیل مظلما بقدرته

و جاء بالنهار مبصرا برحمته خلقا جدیدا و نحن فی عافیته و سلامته
و کفایته مرحبا بالخلق الجدید بعد از آن سه بار در عقب نماز صبح
پیش از آنکه سخنی گوید بگوید الحمد لله ملء المیزان و منتهی الرضا و زنة العرش
بعد از آن بگوید اللهم انی اسالک مسئلة العبد الذلیل ان تصلی علی
محمد و آل محمد و ان تغفر لنا ذنوبنا و تقضی لنا حوائجنا فی الدنیا
و الآخرة فی یسر منک و عافیة منقول است در عقب فجر چون بیدار شوی — مرویه
بخواند قل هو الله احد صد بار و دیگر بگوید استغفر الله و اتوب
الیه صد بار بگو لا اله الا الله الملک الحق المبین صد بار و دیگر بگوید
سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر صد بار و
دیگر بگوید ما شاء الله کان لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم صد بار
دیگر اسال الله العافیة صد بار استجیر بالله من النار صد بار اسال الله
الجنة صد بار اسال الله الحور العین صد بار اللهم قد رضیت بقضائک
و سلمت لامرک اللهم اقض لی بالحسنی و اکفنی ما اهمنی صد بار اللهم
اوسع علی فی رزقی و امدد لی فی عمری و اغفر لی ذنبی و اجعلنی ممن
تنتصر به لدینک اگر صد بار میسر نشود ده بار بخواند بعد از آن بگوید
پانزده بار لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله ایمانا و صدقا لا اله الا الله
عبودیة و رقا و دیگر آنچه ممکنست گفتن سبحان الله و بحمده سبحان الله العظیم

وبجده استغفر الله واسأله من فضله قول فرمود رسول صلی الله علیه وآله
مهاجرات را بر شما باد بتسبیح وتهلیل وتقدیس غافل مشوید از حق تا محو
بستان رحمت شوید بشمارید بانگشتها تحقیقا آنها سوال کرده خواهد شد
وبنطق خواهد در آمد • روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که هر
کسی که بگذارد صلوة فجر را و دیگر مکث کند تا آنکه آفتاب بر آید این بهتر
از آنکه تردد کند در باب رزق بگیاه قول در بیرون آمدن از مسجد هرگاه
خواهی که بیرون آیی از مسجد بگوی • اللهم دعوتنی فاجبت دعوتک
وصلیت مکتوبتک وانتشرت فی ارضک کما امرتنی فاسالک من فضلک
العمل بطاعتک واجتناب معصیتک والکفاف من رزقک برحمتک قول در
بازگشتن از نمازگاه • چون بخواهی که برخیزی از نماز صبح و یا از هر نمازی
بگوی • سبحان ربک رب العزة عما یصفون تا آخر سوره بتحقیق • روایت
کرده شد از امیر المومنین علی علیه السلام که فرمود که هر کس که خواهد
خیر را بپیماید بپیمانه عظیم • در آخر هر قول سبحان ربک تا آخر بگوید
قول دیگر مقدم دار پای چپ را در وقت بیرون آمدن از مسجد و بگوی
اللهم صل علی محمد وآل محمد وافتح لنا ابواب فضلک ورحمتک یا ارحم الراحمین
وجهد کن که سخن نگویی پیش از طلوع شمس و بذکر مشغول باش بدعا و دیگر بقرائت
قران وبتحقیق روایتست از نبی صلی الله علیه وآله که فرمود کسی که نشیند

در نمازگاه

در نمازگاه خود از نماز فجر تا بر آمدن آفتاب حق سبحانه وتعالی بپوشاند
او را از نار • و روایتست از امیر المومنین علی علیه السلام که فرمود که خواب
که ذکر حق بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب سریعتر است در طلب رزق از
تردد بشمشیر در روی زمین • روایت کرده جابر از ابی عبد الله علیه السلام
که فرمود لشکر ابلیس شب نمیخوابند مگر از وقت غروب آفتاب تا وقت
شفق • ولشکر روزش نمیخوابند مگر از طلوع اول صبح تا وقت بر آمدن
آفتاب صبح و دعا و دعا دل نیست که مستجاب نباشد در هیچ وقت • دیگر
مذکور شد که پیغمبر صلی الله علیه وآله میفرمود که زیاده کنند ذکر حق را
در ساعت بد بختی که درین دو ساعت وقت غفلت خود و بس است •
دیگر فرمود امام جعفر صادق علیه السلام خواب صبح شومست رد میکند
رزق را و زرد میکند روی را و تغییر میدهد بدو لون • التحقیق تقسیم رزقها
از طلوع صبح تا وقت بر آمدن آفتابست البته بپرهیزید از آن خواب
فرمود امام جعفر علیه السلام که خواب در اول روز بد بختیست • و خواب
چاشت نعمت است • و بعد از عصر حماقت • خواب میان شام و خفتن
حرام میکند رزق را • دیگر فرمود امام رضا علیه السلام که در این قول
الله تعالی که فرشتگان تقسیم میکنند روزی بنی آدم را که فالمقسمات امرا
از وقت طلوع فجر تا بر آمدن آفتابست • هر کس که خواب کند درین وقت آید

او محروم است از رزق • روایت است از عمر بن خلاق که فرمود ابو الحسن الرضا
علیه السلام که او در خراسان است چون نماز صبح میکذارد می نشست
در نماز گاه خود تا وقت بر آمدن آفتاب بعد از آن می آوردند خریطه
مسواک • بعد از آن مسواک میکرد تا آنها یکیک • بعد از آن می آوردند کندر را
و میخایید • و بعد از آن میکذاشت و بتلاوت قرآن مشغول میشد فصل
سیم در بیان ذکر صلوات بر نبی صلی الله علیه و آله و دیگر بیان استغفار
و ذکر تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر • روایت است از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت التفات کرد رسول صلی الله علیه و آله با صحابش و گفت پناهی
نمی خواهید اصحاب گفتند یا رسول الله این پناه از دشمن است • فرمودند و لیکن
این پناه از آتش است گوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر
تحقیقا آثار و منافع این کلمات روز قیامت از چپ و راست و پیش و پس
بشما خواهد رسید اینها اند خیرات باقیه • روایت است از ابی بصیر از
ابی عبد الله علیه السلام که فرمود تحقیقا رسول صلی الله علیه و آله
گفت با اصحاب خود روزی می بینید که اگر جمع کنید آنچه که پیش شماست
از جامه ها و آلات بعد از آن بنهید بعضی را بر بعضی دگر آیا می بینید که
بآسمان نمیرسد • اصحاب فرمودند که نه یا رسول الله • آنحضرت فرمود که
آیا شما را دلالت کنم بر چیزی که اصل او در زمین است و فرع او در آسمان

اصحاب گفتند بلی یا رسول الله فرمود که بگوید یکی از شما چون فارغ شود از
نماز فرض سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر سی بار
تحقیقا اصل اینها در زمین است و فرع در آسمان • و اینها اند که دفع میکند
افتادن و سوختن و از غرق شدن و افتادن در چاه • و از خوردن جانورها
درنده • و از بلاها که نازل میشود از آسمان بر بنده • و اینها اند باقیات
روایت است از ابی عبد الله علیه السلام از پدر خود و از آبای خود علیهم السلام
که فرمود حضرت رسول صلی الله علیه و آله چهار چیز است که هرگاه که
می باشد آن چهار چیز در کسی حق سبحانه و تعالی آنکس را از اهل جنت میگرداند
یکی آنست که عصمت او شهادت ان لا اله الا الله باشد دویم آنکه چون حق سبحانه
و تعالی نعمتها و کرامت فرماید او در مقابل آن نعمت الحمد لله گوید
سیوم آنکه چون او بمصیبتی برسد بگوید انا لله و انا الیه راجعون
روایت است از ابی عبد الله علیه السلام از آبای خود از حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله که آمدند فقرا بسوی رسول صلی الله علیه و آله
و گفتند یا رسول الله هست اغنیا را بندها که آزاد میکنند و مارا نیست
و دیگر ایشان را استطاعت حج هست و مارا نیست • و دیگر ایشان را مال و نعمت
هست که تصدق میکنند • و مارا نیست بعد از آن آنحضرت فرمود هرگاه
کسی صد بار تکبیر کند • یعنی الله اکبر بگوید این افضل از آنست که بنده

آزاد کند کسی که صد نوبت سبحان الله بگوید فضل است از صد اسب با
در راه حق با زین و لجام، و دیگر هر گاه کسی صد بار بگوید لا اله الا الله افضل
خلایق است از روی عمل مگر اگر کسی زیاده کند فقرا گفتند یا رسول الله رسیدند
اغنیا بآن چیز که گفتی فرمود این فضل حق است میدهد بهر که میخواهد، و
دیگر فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله
و الله اکبر گفتن دوستتر است من از آن چیزهایی که آفتاب بر آن تابیده است،
قول در تحمید روایت است از ابی عبد الله علیه السلام که گفت رسول
صلی الله علیه و آله حمد میکرد الله تعالی را در هر روزی سیصد و شصت بار
بعدد رگهای جسد و میگفت الحمد لله کثیرا علی کل حال، و در حدیث
دیگر چون شب میشد میگفت مثل این، و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله
که اول کسی که خوانده میشود بسوی جنت آن کسانند که حمد میکنند الله تعالی
را در روضها بهشت، سوال کردند از رسول صلی الله علیه و آله که چیست
روضهای بهشت آنحضرت فرمود ریاض بهشت مجلسهای ذکر است
دریابید مجلس ذکر را مروح کردید بذکر الله تعالی، فرمود امام جعفر صادق
علیه السلام که شکر نعمت هر چند بزرگ باشد آنست که تو حمد کنی، روایت است
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت خدای تعالی را بر بنده مؤمن
نعمتی عظیم که حمد کند آن بنده الله تعالی را بدان نعمت، الا آنکه حمد او فضل است و دیگر

اعظم است از آن نعمت، روزی استر ابی جعفر علیه السلام میان مکه
و مدینه گم گشت، گفت ابی جعفر علیه السلام که اگر الله تعالی رد کند استر مرا
او را شکر عظیم بگویم، پس بگرفت آن استر را و گفت الحمد لله رب العالمین
روایت است از ابی حمزه از پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت خبر دهم ترا بحمدی که کفایت
کند ترا از جمیع حمد، من گفتم بلی یا رسول الله، فرمود که بگوی اللهم لک الحمد
بمحامدک علی جمیع نعمتک کلها حتی تنتهی الحمد الی ما تحب ربنا و ترضی،
روایت است از ابی عبد الله علیه السلام که هر کس بگوید چهار بار در
وقت صبح الحمد لله رب العالمین بتحقیق ادا کرد شکر آن روز را، و اگر کسی
در اول شب الحمد لله بگوید بتحقیق ادا کرد شکر شب را، روایت است
از زید شحام از ابی عبد الله علیه السلام که گفت هر کس الحمد لله
بگوید مشغول میشوند کاتبان آسمان، من گفتم چون مشغول میشوند
کاتبان سما، گفت میگویند اللهم انا لا نعلم الغیب یعنی پروردگارا ما غیب
نمیدانیم، پس گفت الله سبحانه و تعالی بنویسید حمد او را همچنانکه
گفت بنده بر منست ثواب او، روایت است از ابی عبد الله علیه السلام
گفت فرمود رسول صلی الله علیه و آله هر گاه که کسی بگوید الحمد لله
بمحامده کلها ما علمنا منه و ما لا اعلم علی کل حال، حمد او برابری نعمة
یکانی فرزند کرده علی و علی جمیع خلقه میشمارد الله تعالی رسید بنده

برضا من هم میرساند بنده خود را برضای خود • روایت که بیامد شخصی
بخدمت ابی عبد الله علیه السلام گفت فدای تو گردم بدرستی که من
مرد پیرم تعلیم کن مرا دعای جامع • فرمود بگو حمد خدا را تحقیقا که چون
حمد خدا بگوئی حق سبحانه وتعالی حمد تو نیز قبول میکند • روایت از حضرت
مرتضی علی علیه السلام که فرمود رسول صلی الله علیه واله گفت در بنی ادم
سیصد وشصت رگست صد وهشتاد رگ ساکنست اگر چنانچه متحرک شوند
هلاک شوند • وصد وهشتاد دیگر متحرکست اگر چنانچه ساکن شوند هلاک شوند
فرمود پیغمبر صلی الله علیه واله هر روز چون بامداد شد سیصد وشصت نوبت
میفرمود • الحمد لله رب العالمین کثیرا طیبا علی کل حال قول در التمجید
روایت از زراره که گفت گفتم بابی جعفر علیه السلام که کدام عمل از
عملها دوستر است بخدا فرمود که تمجید حق • روایت از ابی عبد الله علیه السلام
که بدرستی الله تعالی تمجید میکند نفس خود را یعنی حمد خود میگوید در هر
شبانروز سه بار • هر کس که تمجید الله سبحانه وتعالی کند بان چیزی که خود
تمجید نفس خود میکند یعنی حمد خود میگوید • بعد از آن بگرداند از حال شقاوت
بسعادت میگرداند • روایت از پیغمبر صلی الله علیه واله فرمود که هر دعا که
تمجید نیست در آن دعا مقبول نیست اگر تمجید باشد پس بگوئی • اللهم انت
الاول فلیس قبلک شیء وانت الاخر فلیس بعدک شیء وانت الظاهر

فلیس

فلیس فوقک شیء وانت الباطن فلیس دونک شیء وانت العزیز الحکیم قول در
تسبیح روایت از یونس بن یعقوب گفت من گفتم بابی عبد الله علیه
السلام که گفتم صد بار سبحان الله آیا باشد از آنکسانی که ذکر الله تعالی
بسیار میگوید ابی عبد الله فرمود بلی • روایت از ابی جعفر علیه السلام فرمود که
کسی سبحان الله بگوید آیا باشد از کسانی بی تعجب حق سبحانه مرغی
از ان می آفریند که ان مرغ را حیاتی باشد وزبانی وتسبیح کند الله تعالی را
در سبحین تا روز قیامت وثواب ان از ان کس باشد والحمد لله ولا اله الا
الله والله اکبر همچنین مثل انست • روایت از امیر المومنین علیه السلام که
فرمود که تسبیح نیم میکند میزان را وحمد پر میکند آنرا والله اکبر پر میکند
زمین وآسمانرا • روایت از امیر المومنین علی علیه السلام که
فرمود هر کس که میگوید در حین شب فَسُبْحَانَ اللّٰهِ حِينَ تُمْسُونَ
وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا
وَحِينَ تُظْهِرُونَ • فوت نشود از و چیزی که در ان شب بگردد
از جمیع شر و هر گاه که کسی بگوید مثل این در حین بامداد فوت نشود
از و چیزی که می باشد در ان روز • و بگردد از وی جمیع شر قول در تهلیل
روایت از ابن عباس از پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم
که نیست کلمه دوستر بسوی خدای عز وجل از کلمه لا اله الا الله و

نیست هیچ بنده که بگوید لا اله الا الله و آواز خود را بهم بکشد و فرو هم بکند
مگر آنکه فرو ریزد گناهای او در زیر قدمهاش همچنانچه فرو ریزد برگهای
درخت روایت از امام جعفر علیه السلام از آبا خود که گفت رسول صلی الله
علیه واله وسلم بهترین عبادات کلمه لا اله الا الله است و در کتاب
عیون الرضا روایت از امام رضا علیه السلام که گفت رسول صلی الله
علیه واله بدرستی که حق تعالی ستونی آفریده از یاقوت سرخ سر او
در تحت عرش و پایین او در زمین هفتم چون بنده بگوید لا اله الا الله
بلرزد عرش و دیگر بحرکت آید آن ستون و ماهی پس بگوید الله تعالی ای ماهی
ساکن شو با عرش پس بگوید من ساکن نمیشوم تا آنکه بیامرزی گوینده این
کلمه را پس حق تعالی بگوید گواه باشید ای ملایکه سموات که آمرزیدم
گوینده این کلمه را روایت از حضرت رسالت صلی الله علیه واله وسلم
که فرمودند تلقین کنید مردگان خود را در وقت مردن و بعد از آن در
قبر بکلمه لا اله الا الله که گناهان او را نیست میکند جماعتی گفتند یا رسول الله
اگر در حال صحت گفته باشد گناهان او آمرزیده میشود فرمود بلی لا اله
الا الله سبب رستگاری مومنست در حال حیات و در وقت
مردن و در روزی که از گور بر می خیزد و هم فرموده است که هر کس که
کلمه لا اله الا الله بگوید با خلاص البته به بهشت رود و اخلاص کلمه لا اله الا الله

آنست که این کس از همه حرامها خود را نگاه دارد و نیز آنحضرت صلی الله
علیه واله فرموده است که از من و انبیایی که پیش از من بوده اند
افضل از کلمه لا اله الا الله صادر نشده قول در تکبیر روایتست از
حضرت امام زین العابدین علیه السلام که فرمود هر کس از اول شب
صد بار کلمه لا اله الا الله بگوید همچنانست که صد بنده آزاد کرده است
و روایتست که فرمود هر که لا حول و لا قوة الا بالله نود و نه بار بگوید
خدای تعالی نود و نه بلا از وی بگرداند و روایتست از پیغمبر صلی الله
علیه واله که فرمودند هر کس صباح از خانه بیرون رود و بگوید که
بسم الله لا حول و لا قوة الا بالله توکلت علی الله و ملک بدو گوید که
مهمات تو جمع ساخته شد و ایمن شدی از هر بدی و راه راست
یافتی در این حال شیطان گوید من چه توانم کرد با بنده که کفایت شد
مهمات او و از هر شری ایمن گشت و راه راست یافت روایتست
از امام جعفر علیه السلام که فرمود هر که ده بار یا الله یا الله بگوید حق تعالی
او را جواب دهد و گوید لبیک چه مهم داری حاجت تو چیست و
فرمود که هر که ده بار بگوید یا رب خدای تعالی همچنان جواب میدهد لبیک
چه حاجت داری و فرمود که هر کس هفتاد بار بگوید ما شاء الله و لا قوة
الا بالله حق تعالی هفتاد بلا ازو دفع کند و هم آنحضرت فرموده است که

هر کسی هر روز صد بار لا اله الا الله الملک الحق المبین گوید غنا باو روی آورد •
و روایت از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله که فرمود که خانه که
در آن ذکر خدای تعالی میکنند مثل شخصی است که زنده باشد • و خانه که
در آن ذکر خدای تعالی نمیکنند مثل کسی است که مرده باشد • و هم فرمود که
هیچ جماعت بذکر خدای مشغول نمیشوند که ملائکه گرد ایشان فرو نگیرند و
خدای تعالی ایشان را به پرده رحمت نمی پوشاند • و سکون و آرام در میان
ایشان نمی فرستد • و تا زنده است ملایکه او را یاد نمیکنند • شخصی از حضرت
سوال کرد که از پستها بچه امر مشغول شوم • فرمود که می باید که دایم بذکر
خدای مشغول باشی **فصل در صلوات بر نبی و آل او علیهما السلام** روایت
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود هرگاه که نام حضرت
رسالت صلی الله علیه و آله بشنوی برو صلوات بسیار فرست • و
هر کس که یکبار بر حضرت رسالت صلی الله علیه و آله صلوات فرستد
خدای تعالی هزار رحمت برو کند • و هزار صف ملایکه جهة او آمرزش
نمایند از حضرت خداوند • و جمیع مخلوقات برو صلوات فرستند •
پس تقصیر مکنید در صلوات بر آن حضرت و آل او و صلوات الله
علیهم مگر جاهل مغروری که خدای تعالی و رسول از و بیزارند • و
روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود من در روز قیامت

در پیش میزان خواهیم بود • هر که گناهان او بر نیکوییهای او زیادتی کند صلوات که
بر او فرستاده بر روی نیکوییهای او می نهیم • تا آن زمان که نیکوییهای او بر بدیها
زیاده شود • و روایت از امیر المومنین علی علیه السلام که فرمود
هیچ دعا بی صلوات بر نبی و آل او علیهما السلام بسوی آسمان نمیرسد
و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که هرکه بر مصطفی صلی الله
علیه و آله صلوات فرستد خدای تعالی صد حسنه در نامه اعمال او بنویسد
و روایت از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله که نزدیکترین مردم
در روز قیامت بما کسی است که بر ما صلوات بسیار فرستاده باشد •
و فرمود که بخیل کسی است که نام من بشنود و صلوات بر من و آل من
نفرستد • و حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود که حضرت رسالت
صلی الله علیه و آله فرمود که هرگاه صلوات فرستید آواز بلند کردن که
آن نفاق را ببرد **فصل چهارم در استغفار و گریه کردن** روایت از
حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرموده که هر دردی را دوایست
و دوای گناهان استغفر الله گفتن است • و هم آنحضرت فرموده که
هر کس در محل خواب صد بار استغفر الله بگوید همچنانکه برگ از درخت
فرو میریزد از و گناهان فرو میریزد • و پاک از گناه خواب کند و صبح
پاک برخیزد • و شخصی از آنحضرت التماس کرد که مرا چیزی تعلیم کن که بان

قیام کنم در دنیا و آخرت با شما باشم • آنحضرت فرمود که اما از گناه بسیار
و استغفر الله بسیار بگوی • آنحضرت فرمود که حضرت رسالت صلی الله
علیه و آله فرموده خوشا حال کسی که در روز قیامت در نامهٔ اعمال خود پیش
هر گناهی استغفر الله نوشته یابد • و هم حضرت امام علیه السلام
فرموده است که هر که استغفر الله بسیار گوید نامهٔ اعمال او در روز
حشر درخشان باشد روایتست که حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام
شنید که شخصی استغفر الله میگفت • فرمود که میدانی معنی استغفر الله
چیست • بدانکه استغفر الله مرتبهٔ متقربانست • و در استغفار شش چیز است •
اول پشیمانی از آنچه گذشته است • دویم عزم کردن که بسر گناه باز نگردد •
سیم ادا کردن حقوق مردم • چهارم تلافی آنچه از عبادت فوت شده باشد •
پنجم گداختن بدنی که از لقمه حرام فربه شده باشد بمرتبه که پوست باستخوان
پیش نماند • ششم آنکه جسم را الم و تلخی طاعت بچشاند • چنانکه شیرینی
معصیت چشانیده • بعد از آن استغفر الله بگوی • روایتست از حضرت
امام جعفر علیه السلام که بعد از نماز فرض پیشین و پیش از نماز فرض پسین
پیش از آنکه روی از قبله بگرداند بگوید • استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم
ذو الجلال و الاکرام و اتوب الیه • خدای تعالی گناهان او را بیامرزد اگرچه
برابر کف دریا باشد • و روایتست از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام

که فرموده

که فرموده چشم اشکبار و دل ترسناک از خدای نشانهٔ مرحمت خدای تعالی
هرگاه که شما را این دو صفت حاصل شود دعا کنید • و فرموده که اگر در میان
جماعتی کسی شخصی را دیده گریان باشد حق سبحانه و تعالی بجهة او بر همه رحم کند •
و فرموده که اگر شما را گریه نیاید خود را بصورت مردمان گریان بر آرید •
روایتست از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله که فرمود هیچ چیز نیست
که بوزن و کیل در نیاید مگر آب چشم که خدای تعالی از آتش دوزخ نگاه میدارد
چشم را آب را که چون از دیده فرو ریزد و اگرچه آب روی نه بیند در دنیا
و آخرت که قطره از آب چشم دریاهای آتش را فرو می نشاند • روایتست از
امام محمد باقر علیه السلام که پیش پدرش امام زین العابدین علیه السلام
فرمود که آنحضرت را در عبادت بمرتبه یافت که هیچکس بآن مرتبه نرسیده •
رنگ مبارکش از بیخوابی زرد گشته • و کنارهای چشمش از گریه مجروح شده •
و پیشانی مبارکش از کثرت سجده همچو سینهٔ شتر شده • و ساقها و قدمهای
آنحضرت از بسیاری ایستادن جهة نماز اماس کرده • حضرت امام محمد باقر
علیه السلام میفرماید که چون آنحضرت را باین حال دیدم خود را از گریه
نتوانستم نگاه داشت • رحم آمد مرا بر حال آنحضرت • بسیار گریستم و آنحضرت
در من نگاه میکرد و متفکر بود در حال من بعد از لحظه روی مبارکش بمن کرد
و فرمود که ای فرزند بعضی از آن کتابها که احوال عبادتهای حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام

در انجا پیت پار حضرت امام محمد باقر علیه السلام میفرماید که کتاب جهه
آنحضرت آوردم در انجا ساعتی نگاه کرد و از انجا دعایی بخواند بعد ازان
کتاب به اینهاد عماکه گشته و فرمود که چه کس میتواند که مثل حضرت امیر المومنین علیه السلام
عبادت کند • و حضرت امام زین العابدین علیه السلام هرگاه که وضو
میساخت رنگ مبارکش متغیر میشد • پرسیدند که سبب این تغیر چیست
فرمود که نمیدانی که بخدمت که قیام خواهم نمود • روایت که حضرت
امام زین العابدین علیه السلام از ترس خدای تعالی چندان میگریست که
محاسن مبارکش تر گشتید **فصل پنجم در نمازهایی که جهة حصول مهمات**
گزارند **قول در نماز استخاره** حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
میفرماید که هرگاه کسی قصد کاری داشته باشید با هیچکس مشورت مکنید
با خدای مشورت کنید • شخصی گفت یا امام چگونه با پروردگار خود مشورت
کنم فرمود که صد بار بگو استخیر الله بعد ازان با مردم مشورت کن که
خدای تعالی خیر ترا بر زبان یکی از دوستان جاری میگرداند روایت
از حضرت امام جعفر علیه السلام که فرمود هرگاه قصد کاری کنید
شش پاره کاغذ بردارید و در سه پاره کاغذ بنویسید بسم الله
الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم و نام خود و نام پدر و مادر خود
بر انجا بنویسید • و بعد ازان کلمه افعل بنویسید • و در سه دیگر همین بنویسید و بجای

افعل

افعل لا تفعل بنویسید و بعد ازان در زیر جای نماز بنهید و دو رکعت نماز
بگذارید و چون از نماز فارغ شوید سجده کنید و دران سجده صد بار بگوید
استخیر الله برحمته خیرة فی عافیة • بعد ازان راست بنشیند و بگوید •
اللهم یسر لی فی جمیع اموری فی یسر منک و عافیة • بعد ازان دست دران
کاغذها زنید و بهم بر آرید و یکی ازان بیرون آرید • و بعد ازان یکی دیگر
و همچنین اگر سه کاغذ در پی افعل بر آید آن کار بکنید • و اگر سه در پی لا تفعل
بر آید ترک کنید • و اگر یکی افعل و دیگری لا تفعل بیرون آید تا پنج بار بیرون
آرید اگر بیشتر افعل باشد آن کار بکنید • و اگر بیشتر لا تفعل باشد ترک کنید • و ششم را
احتیاج بیرون آوردن نیست **قول در تفال کلام** می باید که نماز حضرت
امام جعفر علیه السلام بگذارد • و چون فارغ شود دعای آنحضرت بخواند
اللهم ان کان فی قضائک وقدرک ان تفرج عن ولیک وحجتک فی خلقک
فی عامنا هذا او شهرنا هذا فاخرج لنا راس آیة من کتابک نستدل بها
علی ذلک بعد ازان مصحف بگشاید و هفت ورق بشمارد و بنگرد که در سطر
یازدهم چه حال مینماید بعد ازان بچهار دیگر جهة حاجت خود بگشاید •
و بهمین طریق ورق و سطر بشمارد و حال خود را بداند **روایت** از
حضرت امیر المومنین علیه السلام که فرمود هر که بیرون رود از خانه
و نگین انگشتری از پشت دست بکف دست کرداند و بخواند انا انزلناه

بخواند و بعد از آن گوید که انت باعثه وحده لا شریک له آمنت بر آل محمد
و علانیتهم در آن روز باو مکروهی نرسد روایتست از حضرت امام جعفر
علیه السلام که فرمود چون یکی از شما خسته میشود

پس اگر کسی را مهمی پیش آید و تصدق کند بصدقه خواه اندک خواه بسیار
پس در مسجد آید و دو رکعت نماز بگذارد و خدا را حمد و ثنا گوید
و صلوات بر نبی و اهل بیت او علیهم السلام بفرستد پس بگوید اللهم
ان عافیتنی مما اخاف من کذا و کذا نماز دیگر وقتی که نصف شب در آید
غسل کرده دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول فاتحه و سوره اخلاص
پانصد بار و در رکعت دویم مثل آن بخواند و چون از قرائت رکعت
دویم فارغ شوی آخر سوره حشر و شش آیه از اول سوره حدید بخوان
و بعد از آن بگوی در حالتی که ایستاده باشی ایاک نعبد و ایاک نستعین
یکهزار نوبت پس رکوع و سجود کن و تشهد بخوان و ثنای خدای بگوی پس
اگر قضا شد تو حاجت نشود در بار دویم خواهد شد و الا در نوبت سیوم
نماز دیگر منقولست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت چون ترا حاجتی
و مهمی بخدای تعالی شود سه روز متوالی چهارشنبه تا جمعه غسل کن و جامه
نو بپوش و بر خانه بلند بالا رو و دو رکعت نماز در و بگذار و دستها

سوی آسمان بردار و بگوی اللهم انی احللت بساحتک لمعرفتی
بوحدانیتک و صمدانیتک و انه لا قادر علی حاجتی غیرک و قد علمت
یا رب انه کلما تظاهرت نعمتک علی اشتدت فاقتی الیک و قد
طرقنی هم کذا و انت بکشفه عالم غیر معلم واسع غیر متکلف فاسالک
باسمک الذی وضعته علی الجبال فنسفت و علی السماء فانشقت و
علی النجوم فانتثرت و علی الارض فسطحت و اسالک بحق الذی جعلته عند
محمد و عند الائمة ان تصل علی محمد و آل محمد و ان تقضی حاجتی و ان تیسر لی
عسیرها و تکفینی مهمها فان فعلت فلک الحمد غیر جائر فی حکمک
و لا متهم فی قضائک و روی خود بر زمین نه و بگوی اللهم یونس بن متی
عبدک دعاک فی بطن الحوت فاستجبت و انا عبدک ادعوک فاستجب لی
ابو عبد الله فرمود که هر گاه که مرا حاجتی میشود پس این دعا که میخوانم و
رجوع میکنم حاجت روا میشود نماز دیگر منقولست از موسی بن جعفر
علیهما السلام که گفت وقتی که ترا امر عظیمی پیش آید روز پنجشنبه
قیمت کن تصدق را بر هر مسکینی نیم صاع بصاع نبی صلی الله علیه و آله
از خرما و گندم و چون شب در آید در دو دانگ آخر غسل کن پس بپوش
ادنی جامه عیال خود در آی پس دو رکعت نماز بگذار در هر رکعتی قل هو الله احد
و قل یا ایها الکافرون بخوان و چون جبین خود را بر زمین نهی تهلیل و تقدیس

[illegible]

برای مجد

تعظیم و تحمید خدای کن پس گناهان خود را یاد آور پس نام هر آن گناهی که
میدانی و بآن اقرار کن و گناهی که نمیدانی مجملا بآن اقرار کن
پس سر بردار و چون برای سجدهٔ دویم جبین خود را بر زمین نهی استغفار کن
از خدا و حمد باز گوی اللهم انی استغیرک بحلمک پس دعا کن خدا را بهر امری
که خواهی و بگوی یا کاین قبل کل شیء یا مکون کل شیء یا کاین بعد کل شیء افعل بی
کذا و کذا در هر گاه که استخاره کنی روان شو بزانوها بسوی زمین و بردار
ازار را اما اگر کشف شود از زانوها و از پس میان و باطن ساقین امید دارم
قضای حاجت ترا ان شاء الله تعالی و بنیاد کن صلوات را بر نبی و آل
بیت او **نماز دیگر** منقولست از امام رضا علیه السلام که گفت چون ترا امر
سختی رسید دو رکعت نماز بگذار در رکعت اول فاتحة الکتاب و آیة الکرسی
و در دویم فاتحه و انا انزلنا پس مصحف بردار و بر بالای سر خود بر و
بگوی اللهم بحق من ارسلته الی خلقک و بحق کل آیة فیه و بحق کل من مدحته
فیه علیک و بحقک علیک و لا نعرف احدا اعرف بحقک منک یا
سیدی یا الله ده نوبت بحق محمد ده نوبت بحق علی ده نوبت بحق فاطمه
بحق عدد کن هر امامی را ده نوبت تا برسی بامام حق که امام زمانست و هنوز
از جای خود بر نخاسته باشی که حاجت تو روا شود **نماز دیگر** مقاتل بن مقاتل
گفت که گفتم بحضرت امام رضا علیه السلام که جانم فدای تو باد تعلیم کن

دعایی جهة قضاء حاجتها پس گفت وقتی که ترا با خدای قضاء حاجتی مهمی
باشد غسل کن و پاکترین جامههای خود بپوش و از بوی خوش بوی کن و تحت السما
ظاهرا نماز بگذار دو رکعت و بخوان فاتحة الکتاب و قل هو الله احد را پانزده
بار پس رکوع کن و پانزده بار بخوان بر نماز مثال تسبیح لیکن در این نماز قرائت
پانزده نوبتست پس سجده کن و در سجده بگوی اللهم ان کل معبود من
لدن عرشک الی قرار ارضک فهو باطل سواک علیک فانک انت
الحق المبین اقض حاجتی کذا و کذا الساعة الساعة و الحاح کن در مراد خود
چون حاجت تو روا شود بگذار **نماز شکر** روایت میکند هرون بن خارجه
از ابی عبد الله علیه السلام که او گفت در نماز شکر که وقتی خدا نعمتی دهد
بتو نعمتی دهد
دو رکعت نماز بگذار در رکعت اول فاتحة الکتاب و قل هو الله احد بخوان
و در رکعت دویم قل یا ایها الکافرون در رکوع و سجود رکعت دویم بگوی الحمد لله
الذی استجاب دعائی و اعطانی العافیة مسئلتی از کتاب روضة
الواعظین منقولست قال الصادق علیه السلام العافیة نعمة خفیة اذا
وجدت نسیت و اذا فقدت ذکرت و العافیة نعمة یعجز عنها الشکر
یعنی عافیت نعمتی است خفی و وقتی که عافیت یافت شود فراموش کرده
میشود و وقتی که عافیت نباشد یاد کرده می آید و عافیت نعمتی است که
شکر از وی عاجز است قال زین العابدین علیه السلام من قال الحمد لله فقد

شکر کل نعمة الله عز وجل • یعنی هر که الحمد لله گوید پس ادا کرده باشد
شکر جمیع نعمتهای خدا را عز وجل • دیگر هرگاه در نفس خود حاجتی فقر تنگی
پس دران وقت ترک مکن نماز عفو را • و آن دو رکعتست در هر رکعتی الحمد و
انا انزلناه یکبار و بعد از قرائت پانزده بار بگوی رب عفوک رب
عفوک پس رکوع کن و آن را ده بار بگوی • و نماز را تمام کن مثل نماز جعفر علیه السلام
دیگر منقولست از صادق علیه السلام که گفت • لیس من مؤمن یمر علیه اربعون
صباحا لا یحدث نفسه فلیصل رکعتین و یستعیذ بالله من ذلک • یعنی
نیست هیچ مؤمنی که چهل صباح بگذرد الا آنکه با نفس خود در سخن گوید پس باید
دو رکعت نماز بگذارد و بخدای تعالی پناه طلبد • و مرویست از امام جعفر
علیه السلام که • شکی آدم الی الله عز وجل حدیث النفس فنزل علیه جبرئیل
فقال لا حول و لا قوة الا بالله • یعنی شکایت کرد آدم علیه السلام بخدای
عز وجل از حدیث نفس پس جبرئیل نازل شد گفت بگو لا حول و لا قوة الا بالله
دیگر منقولست از امام محمد باقر علیه السلام که مردی پیش نبی صلی الله
علیه و آله شکایت کرد از وسوسه حدیث نفس و از دین و از عیال پس رسول
صلی الله علیه و آله او را گفت بگو • توکلت علی الحی الذی لا یموت الحمد لله الذی
لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره
تکبیرا • پس آن مرد چند بار تکرار کرد و دیری نشد که باز آمد پیش نبی صلی الله علیه و آله

دیگر

و گفت یا رسول خدای تعالی برد از من وسوسه را و ادا کرد دین مرا و مرا
غنی کرد • نماز استغفار و طلب رزق یعنی طلب آمرزش منقولست از نبی
صلی الله علیه و آله که گفت وقتی که در معاش خود تنگی یابی ترک مکن نماز را و استغفار
و آن دو رکعتست در هر رکعتی الحمد و انا انزلناه یک نوبت پس از قرائت پانزده بار
بگوی استغفر الله پس رکوع کن و بگوی استغفر الله ده بار بر هیأت نماز جعفر
علیه السلام که کار تو بصلاح می آید ان شاء الله تعالی • دیگر منقولست از صادق
علیه السلام که گفت دو رکعت نماز بگذار و سلام بده و سجده کن و حمد
و ثنای خدای بگوی یا محمد یا جبرئیل یا محمد یا جبرئیل اکفیانی فانکما کافیانی
احفظانی باذن الله فانکما حافظان • هر که بر قدح آب سی و یکبار انا انزلناه
بخواند و بر جامه خود افشاند وی همیشه در سعت باشد تا آنکه جامه کهنه شود •
دیگر منقولست از حضرت امام رضا علیه السلام که گفت بگذارد دو رکعت
نماز در هر رکعتی الحمد یکبار و انا انزلناه سیزده بار و چون فارغ شود سجده
کند و بگوید • اللهم یا فارج الهم و یا کاشف الغم و یا مجیب دعوة المضطرین
رحمن الدنیا و رحیم الآخرة صل علی محمد و آل محمد و ارحمنی رحمة تطفی بها
عنی غضبک و سخطک و تغنینی بها عن رحمة من سواک • پس خد راست
بر زمین نهد و بگوید • یا مذل کل جبار و معز کل ذلیل قد و حقک بلغ المجهود
منی فی امر کذا ففرج عنی • پس خد چپ را بر زمین نهد و بگوید مثل این را

عود بسجده کند و بگوید مثل این و دیگر سجده کند و بگوید مثل این الله سبحانه
و تعالی او را از غم رهاند و حاجتش روا کند دیگر منقولست از
امیر المؤمنین علی علیه السلام که گفت نماز بگذارد و در رکعت اول الحمد و
قل هو الله احد هزار بار و در رکعت دویم الحمد و قل هو الله احد یکبار
پس تشهد و سلام و بدعاء قدح دعا کند و بگوید اللهم یا من لا
العیون و لا تخالطه الظنون یا من لا یصفه الواصفون یا من لا تغیره الدهور
یا من لا یخشی الدوائر یا من لا یذوق الموت یا من لا یخشی الفوت یا من لا
یضره الذنوب و لا ینقصه المغفره یا من یعلم مثاقیل الجبال و کیل البحور و
عدد الامطار و ورق الاشجار و دبیب و لا یواری منه سماء سماء
و لا ارض ارضا و لا بحر ما فی قعره و لا جبل ما فی وعره یعلم خائنة
الاعین و ما تخفی الصدور و ما اظلم علیه اللیل و اشرق عنه النهار یا سمک
المکنون الذی فی علم الغیب عندک استخصت به لنفسک استغیث
باسمک فانک انت الله لا اله الا انت وحدک لا شریک لک الذی
اذا دعیت به اجبت و اذا سألت به اعطیت و اسالک بحق انبیائک
المرسلین و بحق حملة عرشک بحق ملائکتک المقربین و بحق جبرئیل و میکائیل
و اسرافیل بحق محمد و عترته صلواتک علیهم ان تصلی علی محمد و آل محمد
و ان تجعل خیر عمری آخره و خیر اعمالی خواتیمها و اسالک مغفرتک

دیگر چهار رکعت بگذارد فاتحه الکتاب یکبار و سوره اخلاص هفت بار
و آیة الکرسی یکبار چون سلام دهد بگوید صلی الله علی محمد و آله النبی الامی
علیهم السلام تسبیح و تهلیل و تحمید و تکبیر کند الله تعالی آنچه وعده کرده است
او را عطا کند دیگر نقل کرده حضرت از جبرئیل علیهما السلام دو رکعت نماز بگذارد
اول الحمد یکبار و انا اعطیناک سه بار و سوره اخلاص سه بار و در رکعت
دویم الحمد یکبار و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس سه بار دیگر
دیگر روایت کرد مبشر بن عبد العزیز که پیش ابی عبد الله علیه السلام بودم
یکی از اصحاب او در آمد و گفت فدای تو شوم من فقیرم ابو عبد الله علیه السلام
گفت روزه گیر سه روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه و چون چاشت جمعه شود
پس زیارت کن رسول الله را صلی الله علیه و آله از بالا تر بام خود یا در صحرا که
هیچکس ترا نبیند پس جامه آنجا بمار بگذار پس زانو در آی و دو زانو بر زمین
روان شو در حالتی که روی بقبله باشی و دست راست تو بر بالای دست
چپ تو و بگوی اللهم انت الی قطع الرجاء الا منک و خابت الامال الا
فیک یا ثقة من لا ثقة له غیرک اجعل لی من امری فرجا و مخرجا و ارزقنی من
حیث احتسب و من لا احتسب پس سجده کن بر زمین و بگوی یا مغیث اجعل لی
رزقا من فضلک پس هرگز روز شنبه بر تو طلوع نکند مگر برزق جدید
نبی را صلی الله علیه و آله چون تنگی پیش آمدی باهل خود و ندا کردی اهل الله صلوا

صلوة دیگر چهار رکعت در رکعت اول الحمد یکبار و ده بار ربنا واجعلنا
مسلمین لک ومن ذریتنا امة مسلمة لک وارنا مناسکنا وتب علینا
انک انت التواب الرحیم و در رکعت دویم الحمد ده بار و رب
اجعلنی مقیم الصلوة ومن ذریتی ربنا وتقبل دعاء ربنا اغفرلی ولوالدی و
للمؤمنین یوم یقوم الحساب و در رکعت سیوم الحمد ده بار ربنا
هب لنا من ازواجنا الآیه و در رکعت چهارم الحمد و ده بار و رب
اوزعنی ان اشکر نعمتک التی انعمت علی وعلی والدی وان اعمل صالحا ترضیه
واصلح لی فی ذریتی انی تبت الیک وانی من المسلمین چون سلام دهد ده بار آیه
کرسی ربنا هب لنا تا آخر آیه دیگر دو رکعت در اول فاتحة الکتاب و ده بار
رب اغفرلی ولوالدی وللمؤمنین یوم یقوم الحساب و در رکعت دویم فاتحه
ده بار و رب اغفرلی ولوالدی ولمن دخل بیتی مومنا وللمؤمنین والمؤمنات
وبعد از سلام ده بار بگوید رب ارحمهما کما ربیانی صغیرا دیگر دو رکعت
بگذارد و در هر رکعتی فاتحه یکبار و بیست بار رب ارحمهما کما ربیانی صغیرا
چون فارغ شود سجده کند و این آیه ده بار دیگر بخواند دیگر دو رکعت در هر
رکعتی فاتحه و ده نوبت قل اللهم مالک الملک تا آخر آیه و چون سلام گوید
ده بار بگوید که رب اغفر وارحم وانت خیر الراحمین و ده بار اللهم صل علی
محمد و آل محمد پس سجده کند و بگوید رب اغفرلی وهب لی ملکا لا ینبغی لاحد

لجمد

من بعدی انک انت الوهاب دیگر دو رکعت در هر رکعتی فاتحه و سوره قریش
وبعد از آن سلام دهد و ده بار صلوات بر نبی و آل او علیهم السلام بفرستد
پس سجده کند و ده بار بگوید اللهم اغننی بفضلک عن خلقک دیگر چهار
رکعت بگذارد در اول الحمد یکبار و معوذتین ده بار و قل هو الله احد ده بار
و در رکعت دویم الحمد و آیة الکرسی ده بار و قل یا ایها الکافرون ده بار و
آمن الرسول ده بار چون سلام دهد تسبیح کند چنانکه مثبت است و در
رکعت سیوم الحمد یکبار و الهکم اله واحد سه بار و در رکعت چهارم الحمد
یکبار و انا انزلناه سه بار و اذا زلزلت سه بار و چون سلام دهد سجده کند
و در سجده تسبیح کند چنانکه مثبت است دیگر چهار رکعت در رکعت اول
فاتحه یکبار و معوذتین ده بار و در رکعت دویم فاتحه یکبار و قل یا ایها الکافرون
ده بار و آیة الکرسی ده بار و آمن الرسول ده بار و چون در رکعت دویم
سلام دهد ده بار بگوید سبحان الله الاحد الاحد سبحان الله الابد
الابد سبحان الفرد الصمد سبحان الله رافع السموات بغیر عمد المتفرد
بلا صاحبة ولا ولد و در رکعت سیوم فاتحة الکتاب یکبار و الهکم سه بار
و در رکعت چهارم فاتحة الکتاب و انا انزلناه و اذا زلزلت سه بار و چون
فارغ شود سجده کند و در سجود هفت بار بگوید اللهم انی اسألک تیسیر
کل عسیر فان تیسیر العسیر علیک یسیر پس سر بردارد و ده بار بگوید فلله الحمد

رب السموات والارض تا آخر سوره • دیگر منقولست از ابی عبد الله
علیه السلام که گفت هر که گرسنه باشد دو رکعت نماز بگذارد و بگوید •
رب اطعمنی فانی جائع • الله تعالی او را در ساعت طعام دهد • و فرمود علیه السلام
ان الرجل لاخیه لیظهر العیب فیجر الیه الرزق و یدفع عنه البلاء • یعنی چون
کسی برای برادر خود که کند عیب او را اظهار سازد • رزق را بسوی او میکشد
و بلا را از او دفع میکند • و فرمود که فاطمه علیها السلام نزد نبی صلی الله علیه و آله
آمد و از جوع شکایت کرد و گفت • یا مشبع البطون الجایعه و یا رافع الوضعة لا تجع فاطمة
بنت محمد و او را امر کرد که باین دعا دعا کند • دیگر مردی پیش نبی صلی الله
علیه و آله آمد و گفت یا رسول الله من عیال بسیار دارم و بر من دین
گرده و حال من سخت شده • پس تعلیم کن مرا دعایی که بآن دعا کنم و خدا تعالی
مرا آنقدر رزق دهد که دین خود را قضا کنم و بر عیال خود نفقه کنم • پس
رسول صلی الله علیه و آله فرمود وضو بساز و اسباغ وضو کن • و
دو رکعت نماز بگذار و رکوع و سجود تمام کن پس بگوی یا ماجد یا واحد
یا کریم اتوجه الیک بمحمد نبیک نبی الرحمة یا محمد یا رسول الله انی اتوجه بک
الی الله ربک و ربی و رب کل شیء و اسأله ان یصلی علی محمد و اهل بیته
و اسألک نفحة کریمة من نفحاتک و فتحا یسیرا و رزقا واسعا الم به شعثی
و اقضی بها دینی و استعین به علی عیالی • دیگر بهر حاجت منقولست از حضرت

ابی عبد الله علیه السلام که گفت چون ثلث شب بگذرد برخیز و دو رکعت
نماز بگذار بسوره ملک و تنزیل سجده پس دعا کن و بگوی • قد نامت العیون
و غارت النجوم و انت الحی القیوم الذی لا تاخذه سنة و لا نوم لن یواری
منک لیل داج و لا سماء ذات ابراج و لا ارض ذات مهاد و لا بحر لجی
و لا ظلمات بعضها فوق بعض یا صریخ الابرار و غیاث المستغیثین یا صریخ
المستغیثین صل علی محمد و آله و اقض لی حاجتی کذا و کذا و لا تردنی خائبا
و لا محروما یا ارحم الراحمین • و فرمود که انها فی قضاء الحاجة کالاخذ بالید
یعنی این نماز در بر آمدن حاجات همچو گرفتن بدستست • دیگر امام موسی کاظم
علیه السلام فرمود که دو رکعت نماز بگذار چنانکه خواهی • چون فارغ شوی
روی خود بر زمین نه و سه بار بگوی • یا قوة کل ضعیف • و یا مذل کل جبار
قد وحدک بلغ خوفک مجهودی ففرج عنی • پس بگردان خد چپ را
و مثل این سه بار بگوی • بعد از آن پیشانی را بر زمین نه و سه بار بگوی • اشهد
ان کل معبود من دون عرشک الی قرار ارضک باطل الا وجهک عظمت
کربتی ففرج عنی بعد از آن بنشین در حالی که مترسل باشی و سه بار بگوی که • اللهم
انت الحی القیوم العلی العظیم الخالق الباری المحیی الممیت البدیع لک الکرم
و لک الحمد و لک المن و لک الجود وحدک لا شریک لک یا واحد یا احد
یا صمد یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد • و همچنین الله ربی بسه بار

وصل علی محمد و آل محمد الصادقین و افعل بی کذا و کذا دیگر دو رکعت نماز
بگذارد و بخوان از قرآن آنچه خواهی و صلوات بر محمد و آل محمد بفرست
آنقدر که توانی پس بگوی که اللهم ان لک یوما تنتقم فیه للمظلوم من الظالم
لکن هلعی و جزعی لا یبلغان بی الصبر علی اناتک و حلمک و قد علمت ان فلانا
ظلمنی و اعتدی علی بقوته علی ضعفی فاسألک یا رب العزة و قاصم الجبابرة
و ناصر المظلومین ان تریه قدرتک اقسمت علیک یا رب العزة الساعة
الساعة دیگر محمد بن الحسین الصفار مروی است که گفتم امام را علیه السلام
که فلانی ظالم منست گفت اسباغ وضو کن و دو رکعت نماز بگذار و خدا را
ثنا کن و صلوات بر محمد و آل محمد بفرست و بگوی اللهم ان فلانا ظلمنی و بغی
علی فابله بفقر لا تجبره و بسوء لا تستره پس گفت چنین کردم رسید او را انچه
یعنی بلای روشن دیگر آمده است که مامن مؤمن ظلم فتوضأ و صلی رکعتین
ثم قال اللهم انی مظلوم فانتصر و سکت الا عجل الله تعالی له النصر یعنی هیچ
مؤمن نیست که مظلوم شده باشد پس وضو بسازد و دو رکعت نماز بگذارد
پس بگوید که اللهم انی مظلوم فانتصر مگر آنکه خدای تعالی تعجیل او در نصرت دهد
دیگر مروی است که علی بن الحسین را علیهما السلام چون امری پیش آمدی که از آن
جامها خود را اوپوشیدی و اسباغ وضو کردی و بر بالاترین بام خود رفتی
بعد از آن چهار رکعت نماز کردی و در رکعت اول الحمد و اذا زلزلت و در دوم

الحمد

الحمد و اذا جاء نصر الله و در سیم الحمد و قل یا ایها الکافرون
و در چهارم الحمد و قل هو الله احد بعد از آن دستها را بسوی آسمان
برداشتی و بگفتی اللهم انی اسألک باسمائک التی اذا دعیت بها علی ابواب
السماء للفتح انفتحت و اذا دعیت علی مضایق الارض للفرج انفرجت و
اسألک باسمائک التی اذا دعیت علی العسور تیسرت و اسألک باسمائک
الذی اذا دعیت بها علی ابواب العسر للتیسیر تیسرت صل علی محمد و آل محمد
و اقض لی بقضاء حاجتی علی بن الحسین علیهما السلام فرموده که هنوز قدم بر
نداشته باشد که قضای حاجت او شود دیگر مروی است از صادق علیه السلام
که گفت دو رکعت نماز بگذارید به هر کیفیت که باشد پس این دعا بخوانید که
اللهم اثبت رجاء من سوال عنی لا ارجو الا ایاک و لا امن الا بک دیگر
منقول است از امیر المؤمنین علی علیه السلام که گفت وقتی که فرزند خواهی
وضوی تمام بساز و دو رکعت بوجه حسن بگذار و بعد از نماز سجده کن
و هفتاد بار بگوی استغفر الله و بعد از آن با زن جمع شو و بگوی که اللهم
ان رزقتنی ولدا لاسمیه باسم نبیک علیه السلام بتحقیق الله تعالی فرزندیم داد
پس فرمود که امر کردم بطهارت زیرا که خدای تعالی فرموده است که
و یحب المتطهرین یعنی خدای دوست میدارد طهارت کنندگان را و امر
کردم بنماز زیرا که شنیدم که رسول صلی الله علیه و آله گفت اقرب ما یکون العبد

من به او از آن راه رکعا سجدا یعنی نزدیکتر بودن بنده بخدای وقتیست که
او در رکوع و سجود باشد و امر کردم ترا با استغفار زیرا که الله تعالی
فرموده است استغفروا ربکم انه کان غفارا یرسل السماء علیکم مدرارا
ویمددکم باموال وبنین یعنی طلب آمرزش کنید از خدای که او تعالی
آمرزنده است میفرستد بر شما ابر کثیرة المطر و عطا میکند شما را زینت دنیا
از مال و فرزند و جای دیگر خطاب فرمود که یا نبی ان تستغفر لهم سبعین مرة
فلن یغفر الله لهم یعنی اگر بسیار دعا کنی از برای منافقان هرگز ایشان را
خدای نمی آمرزد از امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که گفت چون غمگین شوی
دو رکعت نماز بگذار و کشف زانوهای خود کن و صد بار بگوی یا حی
یا لا اله الا انت برحمتک استغیث فصل علی محمد وآل محمد وان تلطف لی
وان تغلب لی وان تمکر لی وان تخدع لی وان تکفینی مؤنة فلان بلا مؤنة
فان هذا کان دعاء النبی یوم احد دیگر منقولست از ابی عبد الله علیه السلام
که هر کرا حاجتی باشد بخدا شب جمعه بعد از نصف شب غسل کند و دو رکعت نماز
در مصلای خود بگذارد و در رکعت اول الحمد بخواند چون برسد بانجا که ایاک نعبد و
ایاک نستعین صد بار تکرار کند و در رکعت دوم صد بار الحمد بخواند و قل هو الله
احد یکبار بخواند پس رکوع و سجود کند و در آنها هفت هفت تسبیح کند و در
رکعت دوم بهمین هیات و باین دعا کند البته حاجت او روا شود

هرچه باشد مگر آنکه در قطع رحم دعا کند و دعا اینست اللهم انی اطعتک
فالمحمدة لک وان عصیتک فالحجة لک منک الروح ومنک الفرج
سبحان من انعم وشکر سبحان من قدر وغفر الهی ان کنت قد عصیتک
فانی قد اطعتک فی احب الاشیاء الیک وهو الایمان بک لم اتخذ
لک ولدا ولم ادع لک شریکا منا منک به علی لا منا منی به علیک قد عصیتک
یا الهی علی وجه المکابرة ولا الخروج عن عبودیتک ولا الجحود لربوبیتک
ولکن اطعت هوای وازلنی الشیطان فلک الحجة علی والبیان فان تعذبنی
فبذنوبی غیر ظالم وان تغفر لی وترحمنی انک جواد یا کریم یا کریم
تا آنکه نفس منقطع شود پس بگوید که یا آمنا من کل شیء وکل شیء منک خائف
حذر اسألک بامنک من کل شیء وخوف کل شیء منک ان تصلی علی محمد وآل
محمد وان تعطینی امانا لنفسی واهلی وولدی وسایر ما انعمت به علی حتی لا اخاف
احدا ولا احذر من شیء ابدا انک علی کل شیء قدیر وحسبنا الله ونعم الوکیل
یا کافی ابراهیم نمرود ویا کافی موسی فرعون اسألک ان تصلی علی محمد
وآل محمد وان تکفینی شر فلان بن فلان وطلب کفایت شر کسی که ترسد
از شر او نماید که کفایت شود باذن الله تعالی پس سجده نماید و حاجت خود را
سوال کند و تضرع بخدای کند مرویست که هیچ مؤمن و مؤمنه نیست که این
نماز گذارد و باین دعا دعا کند خالصا الا آنکه درهای آسمان وی گشوده شود

و در همان وقت یا در شب او مستجاب شود هرچه باشد و ذلك
فضل الله یؤتیه علینا و علی الناس مروی است منقول است از کسی که مرفوع الی
الصادقین آنکه کتابت نماید بزعفران الحمد و آیة الکرسی و انا انزلناه و
یس و الواقعه و سبح لله و حشر و یسبح لله و تبارک و قل هو الله احد
و معوذتین در ظرف پاک بعد از ان بشوید با آب زمزم یا با آب باران
پاک بعد از ان بیندازد در ان دو مثقال شیر دو مثقال عسل و ده مثقال شکر
و در زیر آسمان بشب نهد و بر سر او آهنی بگذارد و پس آخر شب دو رکعت
نماز بگذارد و در هر رکعتی الحمد و قل هو الله پنجاه و یکبار و چون فارغ شود آنگاه
آب موصوف را بخورد پس مجرب است از برای حفظ دیگر شب جمعه یا روز جمعه
چهار رکعت نماز بگذارد در رکعت اول فاتحة الکتاب و یس و در رکعت دوم
الحمد و حم دخان و در رکعت سیم فاتحه و حم سجده و در چهارم تبارک الذی
بیده الملک و بعد از سلام حمد و ثنای خدای بگوید و صلوات بر نبی
و آل او و فرستد صد بار از برای مؤمنان استغفار کند و بعد از ان بگوید
اللهم ارحمنی بترک معاصیك ابدا ما ابقیتنی و ارحمنی من ان اتکلف طلب ما لا یعنینی
و ارزقنی حسن النظر فیما یرضیك عنی اللهم بدیع السموات و الارض ذو الجلال
والاکرام و العزة التی لا ترام اسالك یا الله یا رحمن بجلالك و نور وجهك
ان تلزم قلبی حفظ کتابك القرآن المنزل علی رسولك کما علمتنی و ارزقنی ان اتلوه

ارحمنی

علی النحو

علی النحو الذی یرضیك عنی اللهم بدیع السموات و الارض ذو الجلال و الاکرام
و العزة التی لا ترام یا الله یا رحمن اسالك بجلالك و نور وجهك ان
تنور بکتابك بصری و تطلق به لسانی و تفرج به قلبی و تشرح به صدری و
تستعمل به بدنی و تقوینی علی ذلك و تعیننی علیه فانه لا یعین علی الخیر غیرك و
لا یوفق له الا انت لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم دیگر روایت کرد
جابر رضی الله عنه که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم تعلیم کرد حضرت
امیر المؤمنین علی و فاطمه را علیهما السلام این دعا و گفت اگر شما را مصیبتی رسد
و یا پادشاهی جور نماید و یا از شما چیزی گم شود پس وضوی نیکو بسازید و
دو رکعت نماز بگذارید و دستها با آسمان برید و بگویید یا عالم الغیب
و السرائر یا مطاع یا علیم یا الله یا الله یا الله یا هازم الاحزاب لمحمد صلی الله علیه
و آله یا کاید فرعون لموسی یا منجی عیسی من ایدی الظلمة یا مخلص قوم نوح من الغرق
یا راحم عبده یعقوب یا کاشف ضر ایوب یا منجی ذا النون من الظلمات یا فاعل
کل خیر یا هادی الی کل خیر یا دال علی کل خیر یا آمر بکل خیر یا خالق الخیر و یا اهل الخیر انت الله
رغبت الیك فیما قد علمت و انت علام الغیوب اسالك ان تصلی علی محمد و آل محمد
پس سوال کنید حاجت خود را اجابت شود ان شاء الله دیگر بنویس بدست
چپ خود با انگشت سبابه دست راست محمد علی الحسن الحسین با ائمه معصومین
صلوات الله علیهم اجمعین و بنویس قل هو الله احد بعد از ان بگوید اللهم الناس اذا

نظروا الی الهلال نظر بعضهم الی وجوه بعض و میسر گ بعضهم بعض و انی نظرت
الی اسمائک و اسم نبیک و ولیک و اولیائک علیهم السلام و الی کتابک
فاعطنی کل الذی احب من الخیر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم دیگر
بنویس بقلمی که سرخ رو نباشد میان سطور کتاب یا رقعه که مشتمل بود بر حاجت
چنانکه هیچ سطری از آن سطور از حرفی ازین حروف خالی نباشد
محمد و علی و آل آنحضرت علیهم السلام ابو تراب بسم الله الرحمن الرحیم
الملک الحق المبین ان الله وعد الصابرین مخرجا مما یکرهون و رزقا من
حیث لا یحتسبون ان الله هو السمیع العلیم جعلنا الله و ایاکم من الذین
لا خوف علیهم و لا هم یحزنون اللهم انی اسالک بحق محمد و علی و فاطمه و الحسن
و الحسین تا آخر گوی و الحجة الخلف القایم المنتظر صلوات الله علیه و علیهم و سلم
تسلیما ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تبرا امری و تسهله و تعطینی و ترزقنی
خیره و تصرف عنی شره برحمتک یا ارحم الراحمین دعاء ختم قران مروی است
از امیر المومنین علی علیه السلام که گفت امر کرد مرا حبیب من رسول الله
صلی الله علیه و آله که نزد ختم قران این دعا کنم اللهم انی اسالک اخبات
المخبتین و موافقة الابرار و استحقاق حقایق الایمان و الغنیمة من کل بر
و السلامة من کل اثم و وجوب رحمتک و عزایم رحمتک و الفوز بالجنة و النجاة
من النار دعاء در بر گرفتن مصحف ابو عبد الله علیه السلام چون مصحف قران

خواندن

خواندن کردی پیش از آنکه مصحف بر دارد و این دعا خواندی که اللهم
انی اشهد ان کتابک المنزل من عندک علی رسولک محمد بن عبد الله
و کلامک الناطق علی لسان نبیک جعلته هادیا منک الی خلقک و حبلا
متصلا فیما بینک و بین عبادک اللهم انی نشرت عهدک و کتابک اللهم
فاجعل نظری فیه عبادة و قرائتی فیه فکرا و فکری فیه و جنبت معاصیک
و لا تطبع عند قرائتی علی قلبی و لا علی سمعی و لا تجعل علی بصری غشاوة و
لا تجعل قرائتی قراءة لا تدبر فیها بل اجعلنی اتدبر آیاته و احکامه اخذا بشرایع
دینک و لا تجعل نظری فیه غفلة و لا قرائتی هذرا انک انت الرؤف الرحیم
عند قرائت القران اللهم انی قد قرات ما قضیت من کتابک الذی
انزلت علی نبیک الصادق صلی الله علیه و آله فلک الحمد ربنا اللهم اجعلنی
ممن یحل حلاله و یحرم حرامه و یومن بمحکمه و متشابهه و اجعلنی انسا فی قبری
و انسا فی حشری و اجعلنی ممن ترقیه بکل آیة قراها درجة فی اعلی علیین آمین
رب العالمین دیگر هر گاه که عزایم قران خوانده میشود و سامع و قاری را سجده
واجب شد در سجده تلاوت گفته است و دعا این است لا اله الا الله حقا حقا
لا اله الا الله ایمانا و تصدیقا لا اله الا الله عبودیة و رقا لا مستنکفا و لا مستکبرا
انا عبد ذلیل ضعیف خایف مستجیر بعد از آن سر بر دارد و تکبیر گوید
من قراها یه ایة ای آیة القران شاء ثم قال سبع مرات یا الله فلو دعا

علی الصخر قلعها یعنی هرکه صد آیه از قرآن از هر آیه که خواهد بخواند بعد از ان
هفت بار یا الله اکبر بگوید اگر بر سنگهای بزرگ خواند قلع کند دیگر
از معاذ جبل که گفت مرا روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله از پی عبد
سلام فرستاد پس حاضر شدم نزد رسول صلی الله علیه و آله آمدم و جمعی اصحاب
بودند پس فرمود یا عبد الله خبر ده مرا از دو کلمه که خدای عز و جل تعلیم
ابراهیم علیه السلام کرد روزی که او را در آتش انداختند آیا در توریه
این کلمات یافتی عبد الله گفت پدر و مادرم فدای تو باد و آیا بر تو در باب
این کلمات چیزی نازل شده است کسی در توریه ثواب این کلمات را
نیافتم و آن ده دعاست که دران اسم اعظم است بعد از ان رسول صلی الله
علیه و آله فرمود که آیا این کلمات را خدای بموسی علیه السلام تعلیم کرده است
عبد الله گفت غیر از ابراهیم خلیل را تعلیم نکرده است بعد از ان نبی صلی الله
علیه و آله فرمود که چه یافتی ثواب این کلمات در توریه گفت یا رسول الله
کرا استطاعت آنست که بثواب این کلمات برسد لیکن در توریه
نوشته یافتم که هیچ بنده نیست که خدای تعالی بر و منت کرده این کلمات را
در قلب او نهاده باشد مگر آنکه نور را در بصر و یقین را در قلب او
او نهاده باشد و سینهٔ او را برای ایمان نرم گشاده کرده باشد
و از برای او نوری از مجلس او تا عرش تابان کرده باشد و مباهات کنند

بچها

ملایکه که با او ملایکه روزی دو بار رحمت را از زبان او جاری گردانند و چنان کلام
را روزی او بسازد و اگر چه بران حریص نباشد و او را بعلم دین عالم گرداند
و محبت او را در دل بندگان خود جای دهد و ایمن گرداند او را از عذاب
قبر و فتنهٔ دجال و بزرگترین فزع روز قیامت و او را با شهدا حشر کنند
و عطا کنند او را آنچه عطا کرده است انبیا را او ترسد گاهی که مردم ترسند
و محزون نشود وقتی که مردم محزون شوند و از صدیقان نویسند چون
او را حشر کنند دل او مطمئن شده باشد و از جمله کسانی بود که با ابراهیم
علیه السلام جلد پوشیده باشد و هر چه با ین دعوات از خدا خواهد خدا
او را عطا دهد و هر سوگند که بخدای خورد راست سازد و همسایهٔ
خدای تعالی در خانهٔ حلالی بود و او را اجر هر شهیدی دهند که از روز
آفریدن دنیا شهید شده باشد پس آنحضرت صلی الله علیه و آله گفت یا ابن سلام
خانهٔ حلال کدام است گفت جنات عدن که موضع عرش رحمن است ابن سلام
گفت یا رسول الله مرا تعلیم کن و بر من منت نه چنانکه خدای تعالی بر تو
منت نهاد و پس نبی صلی الله علیه و آله گفت خدا را سجده کنند پس همه
سجده کردند و چون سر از سجده برگرفتند نبی صلی الله علیه و آله گفت بگوید
یا الله یا الله یا الله انت الموهوب منک جمیع خلقک یا نور النور
انت الذی احتجبت دون خلقک فلا یدرک نورک نور یا الله یا الله

انت الرفیع الذی ارتفعت فوق عرشک من فوق سماواتک فلا تصف
عظمتک احد من خلقک یا نور النور قد استنار بنورک و اهل سماواتک
و استضاء بضوئک اهل ارضک یا الله یا الله یا الله انت الذی لا اله
الا غیرک تعالیت ان یکون لک شریک و تعظمت عن ان یکون لک ولد
و تکرمت عن ان یکون لک شبیه و تجبرت عن ان یکون لک ضد فانت
المحمود بکل لسان و انت المعبود فی کل مکان و انت المذکور فی کل اوان
و زمان یا نور النور کل نور خامد لنورک یا ملیک کل ملک یفنی غیرک
یا الله یا الله یا الله الرحمن الرحیم ارحمنی رحمة تطفی بها غضبک و تکف
بها عذابک و ترزقنی بها سعادة من عندک و تحلنی بها دارک التی سکنها
خیرتک من خلقک یا ارحم الراحمین یا من اظهر الجمیل و ستر علی القبیح یا من
لا یؤاخذ بالجریرة و لم یهتک الستر یا عظیم العفو یا حسن التجاوز یا واسع المغفرة
یا باسط الیدین بالرحمة یا صاحب کل نجوی یا منتهی کل شکوی یا کریم الصفح یا
عظیم العفو یا مبتدی النعم قبل استحقاقها یا ربناه یا سیداه و یا مولاه و
یا غایة رغبتاه اسألک یا الله یا الله یا الله ان لا تشوی خلقی فی النار
عبد الله سلام گفت یا رسول الله چیست ثواب کسی که این کلمات را گوید
گفت هیهات هیهات اگر ملائکه هفت آسمان و هفت زمین جمع شوند که
وصف این کلمات کنند تا بروز قیامت نتوانند که از هزار جزو یک جزو

مبتدیا بالنعم

و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود این کلمات را ثواب بسیار است
که درین کتاب ذکر آن نگنجد برین قدر اختصار کردیم از خوف تطویل دیگر
هر که خواهد از خانه بیرون رود در وقت بیرون آمدن بگوید بسم الله و
لا حول و لا قوة الا بالله توکلت علی الله و الحمد و قل اعوذ برب الفلق و
قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی بخواند از پیش و پس و
چپ و راست و بالا و زیر و چون بخانه باز آید بگوید بسم الله و اشهد ان
لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله و سلام
دهد بر اهل خانه اگر کسی باشد و اگر نباشد بجای سلام گوید السلام علی
محمد بن عبد الله خاتم النبیین الهادین المهدیین السلام علینا و علی
عباد الله الصالحین و چون در بازار رود بگوید اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله و دیگر لا اله الا الله
وحده لا شریک له الحلیم الکریم لا اله الا الله وحده لا شریک له له
العلی العظیم الحمد لله الذی تتم بنعمته الصالحات یا هو یا من هو یا من
لیس هو الا هو یا هو یا من هو هو یا من لا اله الا هو منقولست از ابی عبد الله
علیه السلام که گفت چون پدرم را حاجتی بودی سجده کردی بی قرائت
و رکوع پس گفتی هفت نوبت که یا ارحم الراحمین و هیچ مومنی این را نگوید که
خدای تعالی رسول صلی الله علیه و آله فرمود

یا علی هرگاه از منزل خود بیرون آیی بقصد حاجتی آیة الکرسی بخوان که حاجت
تو بر آید ان شاء الله تعالی منقولست از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت هر که در پی حاجتی رود با وضو اگر حاجت او روا نشود ملامت نکند
الا خود را • از کتاب عیون الاخبار منقولست از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت او روایت کرد از آبا و اجداد خود از امیر المؤمنین علی علیه السلام که
گفت چون کسی را حاجتی بود صباح روز پنجشنبه در طلب آن رود و چون از
خانه بیرون آید آخر سوره آل عمران و آیة الکرسی و انا انزلناه و فاتحة
الکتاب بخواند که حوائج دنیا و آخرت او روا شود • و نیز منقولست از حضرت
امیر المؤمنین علی علیه السلام که گفت هرگاه کسی را کربتی باشد یا شدتی از او
و پا عدها خود را برهنه کند و بر زمین نهد و جبهه را نیز بر زمین نهد پس حاجت کند
و دیگر گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام پسر خود را که هرگاه نازل شود
بتو امر عظیمی در دین یا دنیا وضو بساز و دستها بردار و بگوی یا الله
یا الله هفت بار که مستجاب شود و دیگر از ابو الحسن منقولست که
گفت هیچکس نیست که او را غمی یا کربتی رسید پس سر خود با آسمان برداری
و سه بار بگوید که بسم الله الرحمن الرحیم مگر آنکه غم و کرب او زایل شود
منقولست از حسین بن خالد که گفت مرا در بغداد سیصد هزار درم
دین شد • و مرا چهار صد هزار دیگر دین بود • و قرضخواهان مهلت نمیدادند

وقا در نبودم که نزد امیر المؤمنین روم و احوال خود عرض نمایم • کتابتی
نوشتم • و در آن وصف حال خود کردم که مرا قرضی چندیست و مالی نیست
پس جواب نوشت که بگوی در پس هر نمازی • اللهم انی اسألک یا لا اله الا انت
بحق لا اله الا انت ان ترحمنی یا لا اله الا انت اللهم انی اسألک یا لا اله الا
انت بحق لا اله الا انت ان ترضی عنی یا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت اللهم انی
اسألک یا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت ان تغفر لی یا لا اله الا انت •
سه نوبت اعاده کند بعد از نماز هر فریضه که حاجت تو قضا شود ان شاء الله تعالی
راوی گوید که مداومت کردم والله که چهار ماه نگذشت که دین من قضا شد •
و صد هزار درم دیگر فاضل آمد منقولست از رسول صلی الله علیه و آله
وقتی که بترسی از کسی و خواهی که دفع شر او کنی طلب هلال کن چون هلال را
ببینی پس بایست در حالی که اعتماد بر قدمها کنی و بروجه خطاب بهلال بگوی •
ایود احدکم ان تکون له جنة من نخیل و اعناب تجری من تحتها الانهار
له فیها من کل الثمرات و اصابه الکبر و له ذریة ضعفاء فاصابها اعصار
فیه نار فاحترقت • پس ایما و اشارت بکلمهٔ فاحترقت بجانب خانهٔ کسی
که از وی میترسی و از ایذاء او تو میگریزی • و سه نوبت بگوی فاحترقت پس
در شب دویم و سیم ماه مثل این بگوی • و چون در ماه اول مراد حاصل
نشود در ماه دویم و سیم مثل این عمل کن البته در ماه چهارم احتیاج باین

عمل نخواهد شد باذن الله تعالی • مردی نزد امام جعفر صادق علیه السلام
شکایت کرد از ظالمی که بدو ظلم کرده بود • فرمود بگو • یا ناصر المظلوم الغنی
علیه ان کان فلان بن فلان ظلمنی وبغی علی فابتله بفقر لا تجبره وبلاء
لا تستره • و هرکس که این سه نوبت بر ظالم خود این دعا کند در پیشانی او
علامت بلا ظاهر شود • و بعد از ان بفقر مبتلا شود • و دیگر چون بر
سلطان روی بگوی • خیرک خیرک من عینیک وشرک تحت قدمیک
وانا استعین بالله علیک التوفیق دیگر منقولست از امام رضا علیه السلام
هرگاه کسی دعا کند بر دشمن خود پس بگوید • اللهم اطرقه ببلیة لا اخت
لها واتح حریمه یا من یکفی من کل شی ولا یکفی منه شی صل علی محمد و آل محمد •
واکفنی سوء منه بلا جریه دیگر چون از کسی ترسی بگوی • حسبی الله لا اله الا
هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم امتنع بحول الله وقوته من حولهم
وقوتهم امتنع برب الفلق من شر ما خلق ما شاء الله لا قوة الا بالله •
منقولست از حضرت امام رضا علیه السلام که کسی نزد ابو عبد الله
شکایت کرد از فقر • فرمود که بانگ نماز بگوی چنانکه موذن گوید وقتی که
آواز اذان بشنوی • منقولست از امام جعفر صادق علیه السلام
گفت چون در سفر و صحرا باشی • از جن و آدمی ترسی • دست راست را
بر سر بنه • و به آواز بلند بخوان • افغیر دین الله یبغون وله اسلم من

فی السموات والارض طوعا وکرها والیه ترجعون • مرویست در خاصیة
این آیه چون چهارپای بدلجام بود در گوش او این آیه بخوانند • اللهم سخرها
و بارک فیها بحق محمد و آله • و سوره انا انزلناه بخواند امیر المومنین علی
علیه السلام فرمود که چهارپای من هرگز بسر در نیاید • پرسیدند که بچه جهت
گفت زیرا که هرگز در زراعت نراندم منقولست از ابی عبد الله علیه السلام
که چون از شیر ترسند که او بگوسپند او مضرت رساند پس دایره
بر آنها بکشد و این دعا بخواند که اللهم رب دانیال والجب و کل [illegible]
احفظنی واحفظ اهل عینی وغنمی منقولست از نبی صلی الله علیه و آله که گفت
یا علی هرگاه که شیر بینی و کار بر تو سخت شود سه بار بگوی که الله اکبر الله اجل
واجل واعظم من کل شی والله اکبر واعز من خلقه واقدر اعوذ بالله من الشیطان
الرجیم ومن شر ما اخاف واحذر • شر شیر کفایت کرده منقولست که
نبی صلی الله علیه و آله فال خوب را دوست داشتی • و فال شوم را مکروه
و امر میفرمود که کسی چیزی را پسند و شوم دارد بگوید که • اللهم لا توفی
الخیر الا انت ولا یدفع السیئات الا انت ولا حول ولا قوة الا بک دیگر
منقولست از صادق علیه السلام که در وقتی پیش منصور رفت و او را
غضب سخت بود و این دعا را بخواند غضب او ساکت شد • یا عدتی
عند کل شدتی و یا غوثی عند کل کربتی احرسنی بعینک الذی لا تنام واکنفنی

برکتک الذی لا یرام و دعا بخواند بر قفل و بندها • قل ادعوا الله وادعوا
الرحمن • تا آخر سوره • منقولست از صادق علیه السلام که گفت چون کسی را
غضب آید ایستاده باشد بنشیند غضب از وی پاک شود • دهم از منقولست که
در وقت غضب این دعا خواندی • اللهم اذهب عنی غیظ قلبی و اغفر لی ذنبی
واجرنی من فضلات الفتن اسالک جنتک واعوذ بک من نارک
اسالک الخیر کله واعوذ بک من الشر کله • اللهم ثبتنی علی الهدی والصواب
وجعلنی راضیا مرضیا غیر ضال و لا مضل حدیث قدسی وارد است که
یا بن آدم اذکرنی حین تغضب اذکرک حین الغضب فلا امحقک • یعنی ای فرزند
آدم مرا یاد کن چون ترا غضب آید که ترا یاد کنم چون مرا غضب آید پس ناپدید
کردانم ترا در میان کسانی که ایشان را از غضب ناپدید میکنم • قال ابو عبد الله
من کف غضبه عن الناس کف الله عنه غضبه یوم القیمة • یعنی هر که غضب خود را
از مردم باز دارد خدای غضب خود را از وی باز دارد • و نیز در غضب صلواة
بر نبی و آل او بفرستد و بگوید • و یذهب غیظ قلوبهم اللهم اغفر ذنبی
فاذهب غیظ قلبی واجرنی من الشیطان الرجیم و لا حول و لا قوة الا بالله العلی
العظیم • مرویست که مردی از وحشت پیش رسول صلی الله علیه و آله آمد و
شکایت کرد • گفت بسیار گوی • سبحان الله رب الملک القدوس
رب الملائکة و الروح خالق السموات و الارض ذی العزة و الجبروت

خدای

خدای تعالی وحشت را از وی زایل کرداند • منقولست که رسول صلی الله
علیه و آله و سلم فرمود که هر که این دعا کند که • اللهم انی عبدک وابن عبدک
وابن امتک ناصیتی بیدک ماض فی حکمک عدل فی قضائک اسالک
بکل اسم هو لک سمیت به نفسک و انزلته فی کتابک او علمته احدا من خلقک
او استاثرت به فی علم الغیب عندک ان تجعل القرآن ربیع قلبی و
نور صدری و جلاء حزنی و ذهاب همی • خدای تعالی هم او را ببرد
و در مکان حزن فرح بدل او رساند • منقولست که هر که مبتلا شود باید بخواند که
الحمد لله الذی عافانی مما ابتلیه و لو شاء فعل • گفت هر که این دعا
بخواند هرگز بدان بلا نرسد • قال رسول الله صلی الله علیه و آله
اذا رایتم اهل البلاء فاحمدوا الله فلا تسمعوهم فان ذلک یحزنهم • یعنی
هر وقتی که اهل بلا را بینید پیش حمد و ثنای خدای مگویید و ایشان را مشنوانید
که غمگین میگردند • منقولست که علی بن الحسین علیهما السلام و می که
جنازه را دیدی گفتی • الحمد لله الذی لم یجعلنی من السواد المخترم • و نیز گفتی الحمد لله
لم یجعلنی تعزز بالقدرة و قهر عباده بالموت • مرویست که هر کرا همی
پیش آید و خواهد که بداند که وجه حیلت در وی چیست وقتی که بخوابگاه خود
رود و این دو سوره • و اللیل اذا یغشی • و الشمس و ضحیها • هر یک هفت
نوبت بخواند • منقولست از رسول صلی الله علیه و آله • اللهم انی اسالک

العافیة وشکر العافیة وتمام العافیة فی الدنیا والآخرة قال رسول الله
صلی الله علیه وآله من رأی یهودیا او نصرانیا او مجوسیا او واحدا
علی غیر ملة الاسلام قال الحمد لله الذی فضلنی علیک بالاسلام دینا
وبالقرآن کتابا وبمحمد النبی وبعلی اماما وبالمؤمنین اخوانا وبالکعبة قبلة
لم یجمع الله بینه فی النار یعنی هر که جهودی را یا ترسایی را یا مجوسی را
یا غیر مسلمانی را ببیند پس بگوید الحمد لله تا والکعبة قبلة خدای تعالی ایشان را در آتش
جمع نکند با ایشان دیگر در حمد در سؤال و مستحب است دعا کننده را حمد کردن
در سؤال زیرا که نبی صلی الله علیه وآله فرمود لا یقل احدکم اللهم اغفر لی
ان شئت اللهم ارحمنی ان شئت لیعزم المسألة فانه لا مکره له یعنی باید که
هیچ یک از شما در دعا نگوید خدایا بیامرز مرا اگر خواهی رحمت کن مرا اگر
خواهی بلکه باید که بگوید الحمد لله و در دعا جد کند زیرا که خدای تعالی هیچ
مکره نیست و وقتی که دعا مستجاب شود باید که بگوید الحمد لله بعزته
تتم الصالحات و چون در اجابت توقف شود باید که بگوید الحمد لله علی
کل حال و مکروه است که دعا کننده در اجابت تعجیل کند باید که بر دعا
مواظبت نماید و پشیمان نشود زیرا که نبی صلی الله علیه وآله فرموده که
دعای بنده مستجاب میشود مادام که تعجیل نکند و بگوید دعا کردم مستجاب نشد
هرگاه قصد حاجتی کنی این دعا بگوی که اللهم انی اسالک باسمک الاعلی الاکبر

الاغر الاجل الاکرم ان تفعل بی کذا مرویست از نبی صلی الله علیه وآله که
امیر المؤمنین
مر علی را علیه السلام گفت هرگاه در مهم بلایی افتی این دعا بگوی تا دفع شود
بسم الله الرحمن الرحیم لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ایاک
نعبد وایاک نستعین روایت کند از علی بن الحسین علیهما السلام که
سالی در عقب هر نماز دعا میکردم که خدای تعالی مرا اسم اعظم تعلیم کند
روزی نماز صبح گذاردم نشستم خواب بر چشمم غالب شد مردی پیش خود
ایستاده دیدم مرا گفت که از خدای اسم اعظم میخواهی گفتم بلی گفت بگوی
اللهم انی اسالک باسمک یا الله یا الله یا الله یا لا اله الا هو رب العرش
العظیم والله دعا کردم باین دعا آن چیزی الا که روا دیدم دعا چون
آواز رعد بشنوی و صاعقه بینی بگوی که اللهم لا تقتلنا بغضبک ولا تهلکنا
بعذابک وعافنا من قبل ذلک چون باران آید بگوی هنیئا هنیئا منقولست از
صادق علیه السلام که گفت چون باد بوزد تکبیر بسیار بگوی و بگوی
اللهم انی اسالک خیر ما هبت به الریاح وخیر ما فیها واعوذ بک من شرها
وشر ما فیها اللهم اجعلها علینا رحمة وعلی الکافرین عذابا اللهم صل علی محمد
وآله منقولست از ابی جعفر علیه السلام که چون خواهی زراعت کنی
قبضه تخم بردار بدست خود و روی بقبله کن و سه بار بگوی که افرأیتم ما تحرثون ءانتم تزرعونه
ام نحن الزارعون پس بگوی که اللهم اجعله حرثا مبارکا وارزقنا فیه

والتمام و جعله حجابا ستراً لنا و لا تحرمني خير ما اتقي و لا تفضني بما يفتني بحق محمد
و آله الطيبين پس این قبضه را دیگر یا ارض ربی و ربک اعوذ
بالله من شرک و شر ما فیک و شر ما خلق منک و من شر ما خلق فیک
و من شر ما تحرک علیک اعوذ بالله من شر کل اسد و اسود و حیة و عقرب
من ساکن البلد و من والد و ما ولد افغیر دین الله یبغون و له اسلم
من فی السموات و الارض و الیه ترجعون الحمد لله بنعمته و حسن بلائه
علینا اللهم صاحبنا فی السفر و افضل علینا فانه لا حول و لا قوة الا بالله
بعد از آن سوره الهیکم تا آخر بخواند هیچ درنده و پرنده و عقرب گزنده
گزند نرساند اگرچه بر بالای مار خفته باشد در موعظه منقولست که گفت
ابی عبد الله علیه السلام هر کس که عطسه بشنود و حمد و ثنای خدا بگوید و
صلوات بر رسول و اهل البیت او صلوات الله علیهم اجمعین بفرستد هرگز
چشم و دندان او درد نکند بعد از آن گفت اگر بشنود و میان ایشان دریای بود
باید که ترک نکند منقولست از امیر المومنین علی علیه السلام که گفت هر کرا
عطسه آید و بگوید الحمد لله رب العالمین علی کل حال هرگز درد گوش و دندان
نیابد منقولست از ابی جعفر علیه السلام که چون کسی را سه بار عطسه آید
تشمیت کنند یعنی حمد و ثنا بگوید و چون بعد از آن عطسه دهد ترک کنند حضرت
امیر المومنین علی علیه السلام از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله نقل کرده

چون برادر شما را عطسه آید و شما ترک تشمیت او کنید روز قیامت شما
دعوی خواهد کردن و برای او حکم خواهد شدن رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که چون کسی عطسه دهد او را علتی باشد که بخواند الحمد لله گفتن و
سکوت کند ملائکه از جانب او الحمد لله رب العالمین گویند ملائکه گویند
یغفر الله یعنی خدای تعالی بیامرزد ترا منقولست از تسهم خادم حسن بن علی
علیهما السلام که گفت بعد از ولادت صاحب الزمان شبی پیش او رفتم
و مرا عطسه آمد من گفت یرحمک الله تسهم گوید که شاد شدم تا آن گفتن
بعد از آن گفت بشارت دهم ترا گفتم بلی گفت عطسه امانست از مرگ تا سه روز
منقولست از ابی مریم که شخصی نزد ابی جعفر علیه السلام عطسه زد ابی جعفر
گفت خوب چیزیست عطسه در وی راحت بدن است باید که در وقت عطسه خدا را
یاد کنند و صلوات بر نبی و آل او بفرستند گفتم که محمد [illegible] ایشان نکنند
در سه موضع صلوات نمی باید فرستاد در وقت عطسه و در وقت ذبح و در
وقت جماع پس ابو جعفر علیه السلام فرمود ای ابا رضا اگرچه این جماعت
دروغ گفته باشند شفاعت حضرت محمد رسول الله روزی ایشان نکن و
منقولست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت هر که عطسه بشنود و بگوید الحمد لله
علی کل حال ما کان من امر الدنیا و الآخرة و صلی الله علی محمد و آله درد دندان
نبیند و نیز از نبی صلی الله علیه و آله نقل میکنند که چون کسی عطسه دهد هر که شنود آن

کس الحمد لله گوید در دشکم دیگر کشد منقولست از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت چون آدمی عطسه دهد و الحمد لله گوید دو فرشته که بر وی موکلند گویند
رب العالمین کثیر الاثر نیک که پس چون آدمی او را گویند آن دو ملک گویند
صلی الله علی محمد و آله چون آدمی آنرا گوید آن دو ملک گویند صلی الله علی محمد و آله
رحمک الله مرویست از امیر المؤمنین علی علیه السلام در حدیثی طویل که چون
یکی از شما عطسه دهد الحمد لله بگوید پس چون رحمکم الله بگویند یغفر الله لکم و
یرحمکم زیرا که خدای تعالی در کلام مجید فرموده که و اذا حییتم بتحیة فحیوا
باحسن منها او ردوها یعنی که شما را تحیتی فرستند شما بهتر از آن فرستید یا همان را
باز فرستید منقولست از ابی عبد الله بن ابی یعفور که گفت حاضر شدم در
مجلس ابو عبد الله علیه السلام گفت رحمک الله اهل مجلس تنگ رد نکردند پس امام علیه السلام
فرمود که بگویید اعلی الله ذکرک و روایت دیگر منقولست از ائمه علیهم السلام
که چون کسی را عطسه آید انگشت سبابه بر سر بینی نهد و بگوید الحمد لله رب العالمین
و صلی الله علی محمد و آله اجمعین ارغم الله انفی لله رغما داخرا صاغرا غیر
مستنکف و لا مستحسر و چون دیگری عطسه زند بگوید رحمک الله یکبار
یا دو بار یا سه بار و چون از سه بار زیاده شود بگوید شفاک الله و ذمی
را بلاک الله و نبی و امام را صلی الله علیک و چون رد کند گوید که
یغفر الله لنا و لکم روایت میکند ابو بصیر از ابو عبد الله علیه السلام که گفت

بسیاری

بسیاری عطسه رها ند صاحب عطسه را از پنج چیز اول جذام دویم باد خبث
در سر و روی سیوم نزول آب در چشم چهارم سده در خیشوم پنجم
بر آمدن موی در چشم ابو عبد الله علیه السلام گفت چون عطسه زیاده شود و خواهی که
کم گردد دوائی از روغن مرزنگوش در دماغ کن راوی گوید چنین کردم
عطسه از من رفت دیگر از و منقولست که گفت عطسه در مرض امانیست از
مرگ در آن مرض و هم گفت که خمیازه از شیطانست و عطسه از رحمن هم
از ابو عبد الله منقولست که رسول صلی الله علیه و آله فرمود که بدرستی
و راستی عطسه مریض دلیل عافیت است و راحت بدن و دفع فراموشی نکوئی
از ابی عبد الله علیه السلام نقل میکند که شیطان چیزی که ترا فراموش کند دست خود
بر پیشانی خود بنه و بگوی که اللهم انی اسالک یا مذکر الخیر و فاعله و الامر
به ان تصلی علی محمد و آل محمد و تذکرنی ما انسانیه الشیطان باب یازدهم
در آداب مریض و علاج مرض و آنچه بدان تعلق است و درین باب پنج فصل است
این باب اختیار کرده شده است از طب الائمه علیهم السلام و از مجموع
دعوات پدر من علیه الرحمه فصل اول در آداب مریض و علاج مرض
و ثواب کسی که پرسش مریض کند روایت میکند ابو عبد الله علیه السلام
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که گفت حمی خبر دهنده مرگست و گرمی
او از جهنم است حظ هر مؤمنست از آتش رسول صلی الله علیه و آله و می گوید

و ثواب مریض

و زندان خدا است در زمین

که در بدن خود شره میدید بپاره سجده‌ای میرد پس گفت یا رسول الله از
باکی نیست رسول صلی الله علیه و آله گفت چون خدا خواهد که کوچک را بزرگ
سازد بزرگ میکند و چون خواهد که بزرگ را کوچک کند میکند منقولست
از ابو عبد الله علیه السلام که گفت هیچ مرضی صداعی نیست مگر بسبب گناه
چنانکه در کتاب کریم وارد شده ما اصابکم من مصیبة فبما کسبت ایدیکم و یعفو
عن کثیر یعنی هر مصیبتی که بشما رسید آن مصیبت بسبب کسب دست شماست
و از بسیاری عفو میکند بیشتر از انست که بآن مواخذه میکند علی بن الحسین علیهما السلام
فرمود نعم الوجع الحمی یعطی کل عضو قسطه من البلاء و لا خیر فیمن لا یبتلی یعنی
خوش دردیست حمی که عطا میکند بهر عضوی قسط او را از بلا و هیچ خیر در
کسی نیست که نیست مبتلا ببلا و هم از و منقولست که چون کسی را حمی شود
گناهان او همچو برگ از درخت میریزد و در بستر ناله او تسبیح است و آواز
تهلیل است و گردیدن او در فراش کسی ماند که در غزا شمشیر زند منقولست از
ابی الحسین علیهما السلام که حمی یک شبی کفارت پیش و پس آن شب است و هم از
آنحضرت علیه السلام منقولست که هر که یک شبی خسته شود و بقبول آن تلقی نماید
و شکر او را ادا کند کفارت گناه شصت ساله او گردد راوی گوید که پرسیدم
که قبول او چیست گفت صبر کردن بر دردی که در ان درخستگی است منقولست
از امام محمد باقر علیه السلام که گفت بیداری یک شب در مرض افضل از عبادت یک سال

زراره نقل میکند از یکی از ایشان که بیداری یکشب از مرض یا وجع فاضلتر و بزرگتر است
پیش خدای تعالی از روی اجر از عبادت یک سالی و حمی دو شب برابری
میکند از عبادت دو سال و حمی سه شب برابری میکند با عبادت هفتاد سال
ابو حمزه گفت که پرسیدم که اگر بهفتاد سالگی نرسید گفت که پدر و مادر او را
باشد گفتم اگر پدر و مادر باقی نباشد گفت خویشان او را باشد گفتم
اگر خویشان او نباشند هفتاد ساله گفت همسایه او را بود منقولست از
امام رضا علیه السلام که گفت مرض مؤمن را پاک شدن و رحمتست و کافر را
عذاب و لعنت است و مرض با مؤمن می باشد تا آنکه در وی هیچ گناه نماند
منقولست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت درد سر یکشب محو میکند
همه گناهان را مگر گناه کبیره ابو ابراهیم علیه السلام روایت میکند از
رسول صلی الله علیه و آله که گفت مریض را چهار خصلت است اول رفع قلم از وی
دوم امر خدای تعالی ملک را که بنویسد هر فضل را که کرده باشد سیم بیرون
آوردن قرض گناهان را از هر عضوی که در جسد او است چهارم آنکه
میرد آمرزیده میرد و اگر میزید آمرزیده میزید روایتست از نبی صلی الله
علیه و آله که چون مسلم مریض گردد خدای تعالی در دیوان عمل او بنویسد بهتر
از آن عملی که در صحت میکرد و بریزد گناه او چنانکه برگ از درخت میریزد
منقولست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت خدای تعالی چون بنده را

دوست دارد و نظر میکند بسوی او و چون نظر کند بسوی او یک تحفه از سه تحفه می‌فرستد
یا حمی یا درد سر یا درد چشم منقولست از امام موسی کاظم علیه السلام که گفت چون
مؤمن مریض شود خدای عز و جل باصحاب شمال وحی کند که منویسید گناهان و
سیئات بنده مرا که در صحت او می نوشتید در صبر در علت روایت کنند
ابو جعفر علیه السلام از رسول صلی الله علیه و آله که خدای عز و جل میفرماید که
چون بنده خود را مبتلا گردانم و او صبر کند تا سه روز نزد جمعی که بعیادت آیند
شکایت نکند از بیماری گوشتی بهتر از گوشت او و پوستی بهتر از پوست او
و خونی بهتر از خون او عوض دهم و اگر بمیرانم برحمت خود میمیرانم و اگر عفو کنم از
گناهش پاک سازم و منقولست از نبی صلی الله علیه و آله که بنده را معصیتها میرسد
تا آنکه بر زمین میرود و بر او هیچ گناهی نمانده ابو عبد الله علیه السلام فرمود که عیادت
کنید خستگان خود را و از ایشان دعا طلب نمایید که دعا ایشان برابر دعای ملائکه است
و هر که یک شب مریض گردد و آن مرض را قبول نماید حق تعالی مرض او را بعبادت شصت سال
نویسد پرسیدند که قبول او چیست فرمود از درد خود شکایت نکنند ابو عبد الله
علیه السلام فرمود که شکایت آنست که مریض گوید که مبتلا شدم ببلایی که هیچکس نشده
و شکایت آن نیست که بگوید دوشینه بیداری کشیدم و امروز تب دارم حضرت
امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود که در مرض هیچ نیست اجری و لیکن گناهان را
که مرض آنرا محو میکند و نیست اجر مگر بقول و زبان و عمل بدست و پای [illegible]

بسبب صدق نیت و خلوص طویت بسیاری از بندگان را ببهشت میبرد و منقولست
که نبی صلی الله علیه و آله فرمود از حق مسلمان بر مسلمان آنست که هرگاه بمسلمانی رسد
سلام دهد و چون خسته شود پرسش کند و چون بمیرد مشایعت جنازه او کند و بدرستیکه
رسول صلی الله علیه و آله فرمود که تمام عیادت مریض آنست که دست خود
بر مریض نهند و گویند که چونی و صباح چون شد و شب چون گذشت و تمام
تحیت شما مصافحه است و منقولست از ابو عبد الله علیه السلام که گفت باید
که مریض یاران خود را از مرض خود خبر کند که عیادت او کنند تا او و یاران
او اجر برند پرسیدند که اجر یاران بسبب پرسش مریض است اما اجر مریض
بچه سبب باشد گفت سبب آنکه مریض از برای یاران حسنات کسب مینماید
و اجر میبرد و پس از این سبب برای مریض ده حسنه می نویسند و ده درجه رفع میشود
و ده گناه رفع میگردد و باید که اولیاء میت را اعلام کنند که بجنازه او حاضر شوند
و برای میت دعا و استغفار کنند تا برای ایشان کسب اجر و برای میت کسب
استغفار شود و حضرت ابو الحسن علیه السلام روایت میکند که امیر المؤمنین
علیه السلام عیادت کرد صعصعة بن صوحان را و گفت یا صعصعة مفاخرت
مکن بر یاران خود که من ترا عیادت کردم و نظر بر خود کن که کار بتو رسیده
و باید که ترا اهل از راه نبرد و منقولست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت درد چشم را پرسش نیست و عیادت مریض بعد از سه روز نیست و

بعد از آن روزی عیادت کند و یکروز نکند • و چون مرض دراز کشید
بیمار را با عیالش بگذارد • امیر المومنین علیه السلام فرمود که هر که عیادت
مریض کند و در نشستن تخفیف کند او را از خدای حق سبحانه و تعالی اجر
عظیمست • مگر آنکه مریض او را دوست دارد و نشستن او را خواهد و از و
سوال کند • و نیز فرمود از تمام عیادت مریض است آنکه یکدست او را بر
دیگر یا بر پیشانی نهند • و منقولست از حضرت امام جعفر علیه السلام که
گفت چون روز قیامت شود خدای تعالی بنده را از بندگان خطاب
کند و گوید یا مومن چه منع ترا که عیادت بنده من نکردی • وقتی که مریض شده بود
پس آن بنده گوید که تو خدای منی و من بنده توام • تو حی و قیومی که ترا
درد و الم نمیرسد • پس خدای گوید که هر که مومنی از برای من عیادت کند
مرا عیادت کرده است • پس گوید آیا می شناسی فلان را بنده گوید بلی •
گوید چه مانع شد ترا از عیادت او • تو اگر او را عیادت میکردی مرا عیادت
کرده بودی • و مرا نزد او می یافتی • و اگر از من سوال میکردی حاجت ترا
روا میکردم و رد نمیکردم • و حضرت ابوالحسن علیه السلام فرمود چون یکی
از شما مریض شود باید که اجازت دهد که مردم نزد او در آیند • که هیچکس نیست
که او را دعای مستجاب نیست • مرویست از نبی صلی الله علیه و آله که عیادت
سلمان رضی الله عنه کرد و گفت یا سلمان کشف الله ضرک و غفر ذنبک

و حفظ دینک

و حفظ دینک و بدنک الی منتهی اجلک • منقولست از امام جعفر علیه السلام
که روایت میکند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله عیادت سلمان فارسی
کرد و گفت یا سلمان در علت تو خصلتست تو بذکر خدای مشغولی و دعای تو
مستجابست و این علت بر تو گناهی نمیگذارد الا آنکه محو میکند • متعک الله
بالعافیه الی انقضاء اجلک • مرویست از نبی صلی الله علیه و آله که گفت
عیادت سه نوبتست و تعزیت یکنوبت • و منقولست از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت مومنی که عیادت برادر خود کند پس اگر در صباح بود هفتاد و هشت هزار
ملک مشایعت او کنند • و چون نشیند پیش مریض غرق رحمت خدای شود
و تا شبانگاه ملائکه از برای او استغفار کنند • و اگر شبانگاه بود همچنین تا
صباح • منقولست از امام محمد باقر علیه السلام که گفت موسی نبی الله
علیه السلام در مناجات با خدای گفت یا رب مزد عیادت بیمار چیست
پس خدای تعالی گفت هر کس عیادت مریض کند ملکی را بر و موکل گردانم
در قبر تا وقت قیامت عیادت او کند • و امام جعفر علیه السلام فرمود که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که عیادت مریض کند منادی از آسمان
بنام او ندا کند که ای فلان خوش باش • و نیز فرمود که اجر بزرگست
در عیادت مریض کسی را در نشستن پیش مریض تخفیف نماید • و نیز فرمود
که چون عیادت مریض کنند دعا کنند که دعا را آنگاه مثل دعای ملایکه است

و نیز فرموده که هر که مؤمن مریضی را عیادت کند هر دعایی که مریض از برای او کند
او مستجاب گردد • و امیر المؤمنین علیه السلام که آنچه در مرض بکوید که بیمار
کفارت گناهان پدر و مادر اوست • روایت میکند غلامی از غلامان امام
جعفر صادق علیه السلام که غلام دیگر خسته شده بود با جمعی از غلامان بعیادت
میرفتیم خواجه با امام جعفر علیه السلام مقابل شد و گفت کجا خواهید رفتن
گفتند بعیادت غلام خسته • آنحضرت فرمود که توقف کنید • توقف کردیم
فرمود که آیا سیبی یا بهی یا ترنجی یا قدری از بوی خوش یا قطعه از عود هست
گفتیم با ما از اینها هیچ نیست • فرمود که نمیدانید که مریض راحت می
که از برای او چیزی میبرند • در علاج خسته • حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرموده که گفته‌اند که خدای تعالی فرموده که هیچ دردی نازل نشده که با او
دوایی نازل نشده • و هم فرمود که موت مرد بگناه بیشتر است از موت
باجل • و حیات مردم به نیکویی بیشتر است از حیات به عمر • و هم مرویست که
هیچ علتی نیست مگر از گناه • و عفو خدا از گناه بیشتر است • و هم مرویست که
دو کس معلول شدند تندرستی که مداوا کرده باشد • و خسته که در دوا خطا
کرده باشد • و هم مرویست که از دوا پرهیز کن آنقدر که بدن تحمل کند و
درد را چون تحمل نتوانی پس دوا کن • منقولست از ابو عبد الله علیه السلام
فرمود که پیغمبری از پیغمبران علیهم السلام مرضی عارض شد گفت دوا نکنیم

تا آن

تا آنکه آنکس که مرا مریض کرده است شفا کرامت کند • پس خدای وحی فرستاد
که شفا از منست تا دوا نکنی شفا نیابی هم • منقولست از حضرت امام رضا
علیه السلام که اگر مردم طعام اندک خورند بدن ایشان صحیح بود • منقولست
از ابی عبد الله علیه السلام که پرهیز کردن از چیزی ترک آن نیست بلکه پرهیز
کردن کم کردنست • منقولست از امام محمد باقر علیه السلام که پرهیز کردن
رئیس دواست و معده خانه دواست و بدن را بآنچه معتاد گردانی معتاد
میشود • منقولست از رسول صلی الله علیه و آله فرمود که کسی که بمیرد و وصیت
نکند آنچنانست که کافر مرده باشد • و هم منقولست از رسول صلی الله
علیه و آله که نباید کسی را شب خواب کند الا آنکه وصیت او در زیر سر او
و نیز منقولست از حضرت رسول صلی الله علیه و آله هر کس که نیکو وصیت نکند
در عقل و مروت او نقصانست • منقولست از امیر المؤمنین علی علیه السلام
فرموده که وصیت کند و از آن بترسد و مغفرت بکسی نرساند همچنانست که
بآن وصیت تصدق کرده باشد • منقولست از امام جعفر صادق علیه السلام
که فرمود هر مسلمانرا وصیت کردن حق است • و هم فرمود که هر کس در
وقت مردن برای خویشانی که میراث نمی‌برند وصیت نکند هر آینه ختم عمل خود
بمعصیت کرده باشد • فصل دویم در شفا بقرآن مجید • رسول صلی الله
علیه و آله فرمود که هر که بسبب قرآن شفا نطلبد خدای تعالی او را شفا ندهد

منقولست از امام جعفر علیه السلام که هرکه صد آیه قران بخواند از هر آیتی که
خواهد پس هفت بار بگوید یا الله اگر بر سنگ خاره دعا کند کشف شود
منقولست از امام ابو الحسن علیه السلام که هرگاه از کسی بترسی صد آیه
از قران بخوان از هر جا که خواهی پس سه نوبت بگوی اللهم اکشف عنی البلاء
منقولست از امام موسی کاظم علیه السلام که در قران شفا از هر دردی هست
در فضیلت سورهای قران منقولست از امام محمد باقر علیه السلام
که هرکه را علتی عارض شود هفت نوبت سوره ام الکتاب بخواند و اگر ساکن
نشود هفتاد بار بخواند ساکن گردد و دیگر مرویست از رسول صلی الله
علیه و آله که خواندن فاتحة الکتاب شفای تمام دردهاست پس اگر کسی
صد نوبت بخواند اگر روح از بدنش رفته باشد حق تعالی روحش را بازگرداند
منقولست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت اگر هفتاد نوبت الحمد را بر
مرده بخوانی روح در بدن او باز آید عجب نباشد و دیگر منقولست از امام محمد
علیه السلام که هرگاه نفس ترا علتی باشد و از آن ترسی سوره انعام بخوان
که ترا از آن علت مکروهی نرسد دویم از آنحضرت منقولست که هرگاه
سوره نحل را هر ماه بخواند کسی هفتاد نوع از انواع بلا که آسانترش جنون
جذام و برص است از و دور گردد و روایت دیگر است که از برای اختر ابلیس و
لشکر و تابعان او بخواند و دیگر منقولست که هرکه هر شب بخواند حق تعالی

در آن شب ملایکه را بر او موکل گرداند که او را محافظت نمایند از ابلیس و لشکر او
تا شب دیگر و همچنین مرویست از ابی عبد الله علیه السلام که هر چیزی را دلیست
و دل قران یس است هرکه یس را بخواند پیش از خواب و یا در روز بخواند
از آنکه شب شود تا شب از جمله محفوظان و مرزوقان بود و هرکه در شب پیش
از خواب بخواند خدای تعالی هزار ملک را بر او موکل گرداند که او را محافظت نمایند
از شیطان رجیم و از هفت آیه منقولست از ابی عبد الله علیه السلام که
گفت بنویسید از برای تب و صداع و ببندید و هفت گره بزنید و بر
گرهی فاتحة الکتاب بخوانید و ببندند بر سر کسی که تب دارد و یا درد و بیاویزند
بر بازوی راست بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین
تا آخر سوره و معوذتین و قل هو الله احد بتمام بخواند رب الناس اذهب
الباس اذهب الباس و اشفه یا شافی فانه لا شفاء الا شفاؤک شفاء
لا یغادر سقما بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر و ننزل من القران ما هو شفاء
و رحمة للمؤمنین بسم الله الرحمن الرحیم قلنا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم
کذلک صاحب کتابی هذا و کرمک یا اکرم الاکرمین برحمتک یا ارحم الراحمین
بسم الله الرحمن الرحیم وله ما سکن فی اللیل و النهار و هو السمیع العلیم اسکن
ایها الصداع و الالم بعزة الله و سبحانه اسکن بقدرة الله اسکن بجلال الله
اسکن بعظمة الله اسکن بلا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم فسیکفیکهم الله و

هو السمیع العلیم و ذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی
فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له
ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
وحسبنا الله ونعم الوکیل وصلی الله علی محمد وآله از برای دفع تب و غیر آن
منقولست که بعضی از اصحاب ابو عبدالله را علیه السلام چیزی یا تب عارض
شده بود ابو عبدالله علیه السلام فرمود که خسته را بگو که جای تکمه پیراهن را
و سر خود را در گریبان فرو برد و بانگ نماز و قامت بگوید و هفت نوبت
الحمد بخواند گفت چنین کردم گویا از بند خلاص شدم و نیز برای تب هم
ابو عبدالله علیه السلام گفت فرو بر سر خود را در جیب خود و بگوی بانگ
نماز را و قامت را و بخوان فاتحة الکتاب و قل هو الله احد و قل اعوذ
برب الفلق و قل اعوذ برب الناس سه بار و بگوی اعیذ نفسی بعزة الله
و قدرة الله و عظمة الله و سلطان الله و جمال الله و جمیع الله و برسول الله
و بعترته صلی الله علیه و آله و علیهم و بولاة امر الله من شر ما اخاف و احذر
و نشهد ان الله علی کل شیء قدیر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و
صلی الله علی محمد و آله اللهم اشفه بشفائک و داوه بدوائک و عافه
من بلائک و در روایتی دیگر است که گفت منقولست از حماد که او
گفت چون تب من دراز کشید ابو عبدالله علیه السلام فرمود که بنویس

بجوشی

آیة الکرسی را در ظرفی و بجرعه آب بشوی و بخورد و همچنین منقولست از
بعضی صادقین که قدری از تربت امام حسین علیه السلام را با آب حل کرده
در جام زجاج بقلم آهن بنویسد و بکسی که او را المی حادث شده باشد بدهد تا
بخورد سلام قولا من رب رحیم حسبی الله و نعم الوکیل طه ما انزلنا
علیک القرآن لتشقی ان الله یمسک السموات والارض یرید الله ان یخفف
عنکم قلنا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم اردد عن فلان بن فلان
الحر والبرد والبلیة وجمیع الالام والاسقام والامراض والاعراض و
الاوجاع الصداع طه طسم یاسما الله حم عسق کذلک یوحی الیک و
الی الذین من قبلک الله العزیز الحکیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
والحمد لله رب العالمین و صلواته علی نبینا محمد النبی و آله الطاهرین
یا من یزول الجبال و لا یزول صل علی محمد و آل محمد و ازل کل ما بفلان بن فلان
من مرض و سقم و الم انک علی کل شیء قدیر و حسبنا الله وحده و صلوته
علی سیدنا محمد و آل محمد مثل این بنویس بر کاغذ و بیاویز بر مریض
و بالحق انزلناه و بالحق نزل و ما ارسلناک الا مبشرا و نذیرا و ننزل
من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله
الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم و من ینقلب علی عقبیه و آمنوا
بما نزل علی محمد و هو الحق من ربهم کفر عنهم سیئاتهم و اصلح بالهم ما کان محمد

ابا احد من رجالکم ولکن رسول الله وخاتم النبیین وکان الله بکل شیء علیما
محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تریهم رکعا سجدا
یبتغون فضلا من الله ورضوانا سیماهم فی وجوههم من اثر السجود
ذلک مثلهم فی التوریة ومثلهم فی الانجیل ومبشرا برسول یاتی من بعدی
اسمه احمد فلما جاءهم بالبینات قالوا هذا سحر مبین ولو ان قرانا سیرت
به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا الملک
الواحد القهار • پس بگوید که بسم الله المکتوب علی ساق العرش
جهة تب بنویسد و بپاویزد بر بازوی راست • بسم الله الرحمن الرحیم
ولو ان قرانا سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله
الامر جمیعا یا شافی یا کافی یا معافی و بالحق انزلناه و بالحق نزل • بنویسد بر نان
بسم الله الرحمن الرحیم الم نشرح تا آخر لا باس لا باس رب الناس
اشف وانت الشافی لا شفاء الا شفاءک قال رب انی وهن العظم
منی واشتعل الراس شیبا ولم اکن بدعائک رب شقیا • باسم فلان بن فلانه
بسم الله مرج البحرین یلتقیان بینهما برزخ و بحر المسجور یا نار **تب برد**
کونی بردا و سلاما علی ابرهیم ان حزب الله هم الغالبون • دیگر ولقد
سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین انهم لهم المنصورون وان جندنا لهم الغالبون
تب ربع امام حسن عسکری علیه السلام فرمود که بنویس بر ورقه یا نار کونی

بردا و سلاما علی ابرهیم • و بپاویزد بر کسی که تب دارد • قل الله اذن
لکم ام علی الله تفترون طلطلط طلطلیطلط • و بگوید بسم بنام خدای تب
فلان بن فلان او بر ساق چپ او ببندد • و دیگر بسم الم تر الی ربک کیف مد الظل و
لو شاء لجعله ساکنا ثم جعلنا الشمس علیه دلیلا **از برای درد سر و شقیقه** از
ابی عبد الله علیه السلام منقولست که • ولو ان قرانا سیرت به الجبال
او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا تکاد السموات والارض
وتخر الجبال هدا او جعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا
فاغشیناهم فهم لا یبصرون وقیل یا ارض ابلعی ماءک ویا سماء اقلعی و
غیض الماء وقضی الامر واستوت علی الجودی وقیل بعدا للقوم الظالمین
مثل آن فمن کان منکم مریضا او به اذی من راسه ففدیة من صیام او
صدقة او نسک ید الله فوق ایدیهم فمن نکث فانما ینکث علی نفسه
ومن اوفی بما عاهد علیه الله فسیؤتیه اجرا عظیما اسکن سکنتک یا ریح
بالذی سکن له ما فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم **منقولست** که مردی
شکایت کرد نزد امام جعفر علیه السلام گفت بنه کف دست خود را
بر موضعی که درد میکند • و بخوان آیة الکرسی و فاتحة الکتاب • و بگوی الله اکبر
الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر اجل و اکبر مما اخاف و احذر و اعوذ بالله
من عرق نعار واعوذ بالله من حر النار **از برای درد سر** روایت کرد

از آیات قرانی بخوانند

میگوید بر سر خود بنه و قرصهای که بر سر کودکان تیر نهند که نافع است باذن الله
راوی گوید که چنان کردم درد ساکن شد وهم از وی منقولست که چون درد
سر شوند سر را انجبار تنگ کنند افسون شقیقه بسم الله الرحمن الرحیم
ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک
انت الوهاب اگر خوش شود بگیرد تخم سفید نیم کوب بکوب چنانکه نرم شود
و بخوان بر و قل هو الله احد سه نوبت و بمریض ده تا بخورد • شکایت کرد
شخصی از اهل مرو نزد ابو عبد الله علیه السلام از درد سر گفت نزدیک شو
بمن پس دست راست بر سر من مالید و بخواند • ان الله یمسک السموات
و الارض ان تزولا و لئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا
پسر عمار گفت شکایت کردم نزد امام ابی عبد الله علیه السلام از
باد شقیقه گفت چون از فریضه فارغ شوی انگشت سبابه راست را
میان دو چشم خود بنه و هفت نوبت بگوی که • یا منان اشفنی و
انگشت را برابروی راست بمال بعد از آن بگوئی یا منان اشفنی هفت
را برابروی چپ بمال بعد از آن کف دست بر میان سر خود بنه و بگوی
یا من یسکن له ما فی اللیل و النهار و ما فی السموات و الارض صل علی محمد و آله
درد چشم از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که هر کرا درد
چشم باشد آیة الکرسی بر چشم خواند و در دل خود بگذراند که صحت یابد

عمر بن حنظله که شکایت کردم در پیش امام جعفر علیه السلام از درد سری
که مرا هست گفت بنه دست خود را بر میان سر خود و بگوی که • لو کان معه آلهة
کما یقولون اذا لابتغوا الی ذی العرش سبیلا و اذا قیل لهم تعالوا الی
ما انزل الله و الی الرسول رایت المنافقون یصدون عنک صدودا
از برای درد شقیقه منقولست از حضرت امام رضا علیه السلام بسم الله
الرحمن الرحیم ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک
رحمة انک انت الوهاب ربنا انک جامع الناس لیوم لا ریب فیه
ان الله لا یخلف المیعاد و بنویسد که • اللهم انک لست باله استحد
ثناه تا آخر رو و باشد که این دعا در فصل رابع مذکور شود انشاء الله
منقولست از امام جعفر علیه السلام که هر کرا درد سر و غیر درد سر باشد
پس دست خود را بر آن موضع نهد و بگوید که • اسکن سکنتک بالذی سکن
له ما فی اللیل و النهار و هو السمیع العلیم • منقولست از امام جعفر صادق
علیه السلام وقتی که درد سری یا چشمی رسیده باشد دستها بگشاید و سوره
فاتحة الکتاب و معوذتین بخواند پس دست خود بر روی خود بمالد هر دردی که
داشته باشد زایل شود • عمرو بن ابراهیم گفت شکایت کردم پیش
حضرت امام رضا علیه السلام از درد بسیار از امری که عارض شده
مرا شبیه جنون فرمود که از این علف که برگ او پهن است و آن البلا

یا

بدرستی که برکت آن صحت می یابد منقولست که هر کس که هر روز این آیت
بخواند فجعلناه سمیعا بصیرا چشم او از آفات سالم باشد
منقولست که حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله نظر بسلیمان کرد و سلیمان را
درد سر بود فرمود خرما مخور و بجانب چپ خواب مکن و همچنین هر کس که آیه
الله نور السموات والارض تا آیه وان یکاد الذین کفروا تا آخر سوره
بتربت امام حسین علیه السلام و آب زمزم بر جایی نویسد و از آن جام بشوید
و در شیشه کند و میل در چشم کشد شفا یابد و همچنین اگر سه نوبت آیه فکشفنا عنک
غطاءک فبصرک الیوم حدید و آیه ولو نشاء لطمسنا علی اعینهم فاستبقوا الصراط
فانی یبصرون بر آب بخواند و روی خود را با آن بشوید چشم او از آفات سالم باشد
از برای دفع کوری منقولست از ابو یوسف مصعب که گفت بحضرت
مرتضی علی علیه السلام از جهت شب کوری شکایت کردم و التماس کردم
که بمن چیزی تعلیم کند که دفع شبکوری کند آنحضرت فرمود که آیه الله
نور السموات والارض تا آخر آیه بر جامی بنویس و بشوی و در شیشه کن و در
چشم کش چنان کردم کمتر از صد میل کشیده بودم که چشم من بهتر از آن شد که
در اول بود و همچنین است که اگر آیه کان لم یسمعها کان فی اذنیه وقرا ان السمع
والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنه مسئولا هفت نوبت بر روغن بادام تلخ
بخواند و در گوش چکاند درد گوش را نافع باشد از برای دفع درد دندان

نوبت فاتحة الکتاب و سه نوبت قل هو الله احد بخواند و بگوید یا حجر
ابا الحار سکنین ام بالسم الله سکنین اسکن سکنتک بالذی سکن له ما فی
السموات و ما فی الارض و هو السمیع العلیم قال من یحیی العظام و هی رمیم
ولد که بکل خلق علیم اخرج منها فانک رجیم و نخرجنهم منها تا آخر آیه فخرج منها خائفا
یترقب و همچنین بنویسد بر نان تنک و دندانی که درد میکند بران نهد
بسم الله کل نا به مستقر فسوف تعلمون اتی امر الله فلا تستعجلوه سبحانه
وتعالی عما یشرکون فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحیی الله الموتی و یریکم آیاته
لعلکم تعقلون قال من یحیی العظام و هی رمیم قل یحییها الذی انشاها اول
مرة و هو بکل خلق علیم از برای بستن درد دندان [illegible] فاتحة الکتاب
[illegible] و ذرب الناس بر میخ آهنی بخواند بعد از آن
آیه من یحیی العظام و هی رمیم را تا علیم بخواند بعد از آن بگوید یا مسمار
فلان بن فلان اکلت الحار البارد اما الحار سکنین ام بالبارد سکنین
بعد از آن بخواند وله ما سکن فی اللیل والنهار و هو السمیع العلیم سکنت
داء بد الضرس من فلان بن فلان باسم الله العظیم بعد از آن بر دیواری
زند و بگوید یا الله یا الله یا الله و همچنین یک برگ سبزی بر دارد و
بر آن نویسد الذی جعل لکم من الشجر الاخضر نارا فاذا انتم منه توقدون
و بعد از آن بر دندانی نهد که درد میکند و چند قدمی رود و آنگاه

سر را بر پای سر خود اندازد و بار پس نگاه نکند درد دندان ساکن شود
انشاء الله • از برای دفع خون از بینی منها خلقناکم تا آخر • و بنویسد
یتبعون الداعی تا هباء قیل یا ارض ابلعی ماءک و یا سماء اقلعی تا آخر و من
یتق الله یجعل له مخرجا تا آخر بر پیشانی آنکس که خون از بینی او آید بهمان
خون یا بزعفران بنویسد ساکن گردد انشاء الله • از برای دفع زکام مرویست
از حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله که آنحضرت فرمود که زکام لشکریست از
لشکرهای خدای تعالی او را بر سر زحمتها میفرستند • و زکام زحمتها را
فرود می آورد • منقولست از ابی عبد الله علیه السلام که روغن بنفشه را
در پنبه برده اندازد و در محل خواب در مقعد نهند از برای دفع زکام نافع باشد •
درد سپرز دل بگوید فاذا قرأت القرآن فاستعذ فاذا قرأت القرآن
جعلنا بینک و بین الذین لا یؤمنون بالآخرة حجابا مستورا و قل اعوذ
برب الفلق و قل اعوذ برب الناس نافع باشد • و حضرت امیر المؤمنین
علی علیه السلام فرمود که هر کس را شیطان وسوسه دهد اعوذ بالله من الشیطان
الرجیم بگوید و زبان و دل بگوید • آمنت بالله و رسوله مخلصا له الدین
افیون از برای درد دل بخواند در آب و بنویسد آیه لئن انجیتنا من
هذه لنکونن من الشاکرین سیهزم الجمع تا ادهی و امر ان الله یمسک السموات
والارض تا غفورا • و همچنین این آیات را در آب خواند و بنوشد • و بنویسند در

گردن آویزد • بسم الله الرحمن الرحیم ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا تا لا
تخلف المیعاد الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذکر الله تا حسن مآب لئن انجیتنا
من هذه لنکونن من الشاکرین • از برای ثقل هفده روز هر روز صباح بخوانند و
شب بخوانند سوره الم نشرح تا آخر • و منقولست از حضرت امام حسن علیه السلام
که شخصی از درد دل نزد آنحضرت شکایت کرد • آنحضرت فرمود که قرآن بخوان
و شفا از آن بطلب که حضرت حق سبحانه فرموده در قرآنست شفاء
لما در دلها • و همچنین آیه و اذ قتلتم نفسا فادارأتم فیها والله
مخرج ما کنتم تکتمون فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحیی الله الموتی و یریکم آیاته
لعلکم تعقلون نافع باشد • از برای درد شکم سوره قل هو الله احد
و بسم الله الرحمن الرحیم قل یحییها الذی انشأها اول مرة و هو بکل خلق علیم
و لو ان قرآنا سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی
بل لله الامر جمیعا • بنویسد و بر وی آویزد و این آیه بخواند • بسم الله
الرحمن الرحیم • ما اصاب من مصیبة فی الارض و لا فی انفسکم الا فی
کتاب من قبل ان نبرأها ان ذلک علی الله یسیر هذان خصمان اختصموا
فی ربهم فالذین کفروا قطعت لهم ثیاب من نار یصب من فوق رؤسهم
الحمیم یصهر به ما فی بطونهم والجلود و تعالی الله الملک الحق لا اله الا هو
رب العرش الکریم لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد

یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر • و همچنین • بسم الله
الرحمن الرحیم • و ذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی
فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین • و فاتحة الکتاب
هفت نوبت بخواند نافع باشد و همچنین بخواند • لئن انجیتنا من هذه لنکونن من
الشاکرین ان الله بالناس لرئوف رحیم و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة
للمؤمنین • از برای درد پشت شهد الله انه تا سریع الحساب بخواند از برای حبس
کردن پیشاب پای خود را بشوید و بر ساق های چپ خود بنویسد •
ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر و فجرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد
قدر و حملنا [illegible] ذات الواح و دسر تجری باعیننا جزاء لمن کان کفر •
نافع باشد • نقلست از پیران که گفته [illegible]
که جان من فدای تو باد نزد ما شخصی پیدا شده و پیشتر از آن شما نام او حبس
و حبس بول دارد و التماس معالجه دارد از شما که ببرکت آن شفا یابد • حضرت
دعا فرمود که خدای تعالی دفع مضرت تو بکند و از تو مکروهات دنیا بردارد
و مبالغه بسیار نمود در نفس که باید قرآن بسیار بخواند که ببرکت آن شفا یابد •
افسون درد بچه دان • بسم الله و بالله الذی باذنه قامت السموات و الارض
قالت مریم بنت عمران لم تضر تا وجع الارحام کذلک یشفی الله فلانه بنت
فلان من وجع الارحام تسلم تسلم بسم الله الحی القیوم بسم الله الشافی

بالله علی ما یرکاین و ... علی ما کان
اشهد ان الله بکل شیء علیم
بسم الله الرحمن الرحیم محمد رسول الله و الذین معه اشداء
علی الکفار رحماء بینهم تریهم رکعا سجدا تا آخر سوره • اجیبوا بعزت جمیع
یا معشر الکلام بعزایم الله الشداد التی ترهبن الارواح و الاجساد و لا
روح و لا فؤاد اجیبوا بسم الله الذی طوعا او کرها قالتا اتینا طائعین
صل علی محمد النبی الامی و آله الطاهرین و اقوماتت من نفسک و بیتک
ان شاء الله تعالی • از برای دفع غلبه پیشاب در خواب روایتست از
ائمه علیهم السلام که بستانند دو قدر سپید و یکقدر زعفران • و هر یک را جدا
جدا بکوبند • و سپید را با آرد سفیده بپزند و بهم بیامیزند • و عسل صاف
خمیر کند و گلولها ازان بسازد و در جام آهنی بزعفران بنویسد • بسم الله
الرحمن الرحیم ان الله یمسک السموات و الارض ان تزولا و لئن زالتا ان
امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا • تا می جام را ازین آیه بنویسد
دو سه نوبت و بآب بپزد و بشوید • و بریزد در شیشه پاک • و رق آهو بستانند
و بعد از بر و بنویسد این آیه را • و فاتحة الکتاب • و قل هو الله احد • با
معوذتین • و آیة الکرسی • و آخر سوره حشر • و آخر سوره بنی اسرائیل بعد
ازان بنویسد • بسم الله الرحمن الرحیم ان الله یمسک السموات و الارض

ان تزولا تا آخر آیه نویسد یا من هو یکفی لا یکفی غیره امسک عن فلان
بن فلانه ما یجد من غلبة البول و این تعویذ بر زانو های وی بندد و اگر زن باشد و اگر
مرد باشد بر زهار و بر ذکر او بندد و از ان کلوخها که از زمین بسعد و عمران
پیدا شده بود در وقتی که بجای خواب میرود بقدری از ان آب که انهار از ان
شسته حل کند و بپاشد و در آن وقت بگوید که من شرب الماء فاذا او
ما یجد من غلبة البول ان شاء الله تعالی و تعویذ از خود بگشاید تا بول زر شود
از برای خلاصی دشوار زهیدن نویسد در سیاق چپ زن حامله
بسم الله الرحمن الرحیم محمد رسول الله کانهم یوم یرونها لم یلبثوا
الا عشیة او ضحیها اذا السماء انشقت و اذنت لربها و حقت و
اذا الارض مدت و القت ما فیها و تخلت و لبثوا فی کهفهم ثلث مائة
سنین و ازدادوا تسعا اخرج باذن الله من البطن الطیبة منها خلقناکم
و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تارة اخری اخرج باذن الله و قدرته و
بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض و لا فی السماء و هو السمیع
العلیم العزیز الوهاب کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها
و کانهم یوم یرون ما یوعدون الا ساعة من نهار بلاغ فهل یهلک
الا القوم الفاسقون او لم یر الذین کفروا ان السموات و الارض کانتا
رتقا تا افلا یؤمنون انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون

فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء و الیه ترجعون و سورة اذا جاء نصر الله
و الفتح تا آخر و اولات الاحمال اجلهن ان یضعن حملهن و همچنین نویسد
ورق آهو و بر ران زن حامله بندد و وقت نوبت آیه ان مع العسر یسرا ان
مع العسر یسرا و یکنوبت یا ایها الناس اتقوا ربکم ان زلزلة الساعة شیء عظیم
یوم ترونها تذهل کل مرضعة عما ارضعت و تضع کل ذات حمل حملها و تری الناس
سکاری و ما هم بسکاری و لکن عذاب الله شدید نافع باشد و همچنین نویسد
بر پهلوی زن حامله بسم الله و بالله اخرج باذن الله منها خلقناکم
و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تارة اخری و صلی علی النبی و آله صلی الله علیه و آله
و همچنین نویسد بسم الله الرحمن الرحیم ان مع العسر یسرا یرید الله بکم الیسر
و لا یرید بکم العسر و یهیئ لکم من امرکم مرفقا و یهیئ لکم من امرکم رشدا
و علی الله قصد السبیل و همچنین نویسد بر کاغذی او لم یر الذین کفروا ان السموات
و الارض تا افلا یؤمنون و آیة لهم اللیل نسلخ منه النهار فاذا هم مظلمون
و نفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث الی ربهم ینسلون کانهم یوم یرونها
لم یلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ و ببندد در میان زن حامله و چون وضع حمل شود
بگشاید و مرویست که انا انزلناه فی لیلة القدر نویسد و آن آب بخورد
و بر فرج آن نیز از ان آب بپاشد نافع بود و نقلست که زر در زن حامله در وقت
زاییدن انا انزلناه بخواند زود وضع حمل شود از برای دفع سپرز بخورد

برکفهای دست صاحب سپر زسوره اذا جاء نصر الله سه نوبت بعد
ازان آیه ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکة الا
تخافوا و لا تحزنوا و ابشروا بالجنة التی کنتم توعدون سه نوبت بعد ازان بر
دست و ابر سرش مالد هفت نوبت نافع باشد و همچنین بنویسد ان الله یمسک
السموات و الارض ان تزولا و لئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده
انه کان حلیما غفورا انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم و در گل
بند و نافع باشد از برای دفع قولنج روایت میکنند از ائمه علیهما السلام
ابراهیم بن یحیی که سوره فاتحة الکتاب و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس بنویسد و در پای آن اعوذ بوجه الله الکریم و
بعزة التی لا ترام و بقدرت التی لا تمنع من شر هذا الوجع و من شر ما فیه
و من شر منه را در لوحی یا شانه و با آب آسمان بشوید و بنوشد نافع و
مبارک باشد ان شاء الله از برای قبض شکم بخواند بر روغن و بر شکم خود اندازد
و بر خود مالد بسم الله الرحمن الرحیم ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر و
فجرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر و حملناه علی ذات الواح
و دسر ففتحنا علیهم ابواب کل شیء باسم فلان بن فلان او لم یر الذین کفروا
ان السموات و الارض کانتا رتقا ففتقناهما و جعلنا من الماء کل شیء حی
افلا یؤمنون و همچنین روایت از ابی عبد الله علیه السلام که فرمود بسته

ازبرای

از برای پیچ شکم بسم الله المتعلین الذین لا یعلمون فاعدونم ق علیهن یاکلون
و ناظر نا یسألون صاحبهم من النور العلوی کذلک یشفی فلان ابن فلانه او
لم یر الذین کفروا ان السموات و الارض تا آخر آیه هفت نوبت افسون کند
و بعد ازان روغن بران بریزد و بجهه مالد و بخورد صاحب وجع رحمت دهد
نافع باشد و همچنین مرویست از حضرت ابی عبد الله علیه السلام که و دو
اذا السماء انشقت تا القت ما فیها و تخلت یکوبت و اذ قالت امرأة عمران
تا آخر آیه و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین بر و بخواند نافع باشد
همچنین مرویست از ائمه علیهما السلام افسون مذکور را بر آب خواند بر روغن
و بخورد صاحب رحمت دهد بعد ازان دست بر شکم او مالد و سه نوبت بگوید
یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر ثم السبیل یسره ان السموات و الارض
کانتا رتقا ففتقناهما فاجاءها المخاض الی جذع النخلة و الله اخرجکم من
بطون امهاتکم لا تعلمون شیئا کذلک اخرج الموتی باذن الله عز و جل از
برای دفع بواسیر مرویست از حضرت امام رضا علیه السلام که شخصی بآنحضرت
از بواسیر شکایت کرد فرمود که سوره یس با عسل بنویس و با آب بشوی و بخور
از برای دفع افلاج و غیر آن منقولست که شخصی نزد امام محمد باقر علیه السلام
و گفت مرا دختری است که گاهی در بازوی وی سستی و بیخبری میشود که
چند آنحضرت فرمود که وقتی که حایض باشد بشوید بگیرد و غسل سه روز بخورد

نافع باشد • و آنحضرت فرمود که بر فالج و قولنج و بادها از بهر رحمتی فاتحة الکتاب و
قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخواند بعد از ان
اعوذ بوجه الله العظیم و عزته التی لا ترام و قدرته التی لا یمتنع منها شیء من شر هذا الوجع
و من شر ما فیه و من شر ما احذر منه • بر شانه یا بر لوحی نویسد و با آب باران بشوید
و ناشتا بیاشامد و خواب کند نافع باشد ان شاء الله تعالی • از برای دفع جرب
بخواند و بنویسد بر آن بسم الله الرحمن الرحیم و مثل کلمة خبیثة تا آخر منها خلقناکم
و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تارة اخری الله اکبر و لا تکبر الله حیّ و
انت لا تحیی والله علی کل شیء قدیر • کسی را که پیدا شود دردی در شانه
او یا شقیقه یا زحمتی بنویسد و لقد خلقنا السموات والارض فی ستة ایام
و ما مسنا من لغوب • و بنویسد بر محل بهق و ان من شیء الا عندنا خزائنه و ما
ننزله الا بقدر معلوم هل یسمعونکم اذ تدعون او ینفعونکم او یضرون •
منقولست از حضرت امام رضا علیه السلام که خوردن خربزه ناشتا
فالج می آرد • و منقولست که بخوانند بر و بنویسند و بر و بندند بسم الله
الرحمن الرحیم یمحو الله ما یشاء و یثبت و عنده ام الکتاب الحمد لله فاطر
السموات والارض جاعل الملائکة رسلا اولی اجنحة مثنی و ثلاث و رباع
باسم فلان بن فلان • از برای دفع برص و جذام شخصی نزد امام ابی
عبد الله علیه السلام شکایت کرد از برص فرمود که از گل قبر امام حسین علیه السلام

باب باران

با آب باران بخورد آنکس چنین کرد نافع بود • مرویست از بعضی اصحاب که در من اثر سفیدی
برص ظاهر شده بود حضرت ابو عبد الله علیه السلام امر کرد مرا که سویق عدس بعسل
در جای نویس و بشوئی و بنوشی چنین کردم اثر آن تمام بر طرف شد • مرویست از
حضرت امام موسی کاظم علیه السلام که شوربای گوشت گاو با سیب حسک
دفع زحمت برص میکند • یونس بن عمار شکایت کرد نزد آنحضرت از سفیدی که
در اندام او پیدا شده بود آنحضرت فرمودند که مویز را در آب بخیسانند و آن آب
بنوشد چنین کرد نافع بود • از برای دفع دانهها که بر اعضا ظاهر میشود و صله
نمک بردارد و بر آن بمالد و سه نوبت بر آن خواند که • لو انزلنا هذا القرآن
علی جبل لرأیته خاشعا • تا آخر سوره و در تنوری اندازد و علی الفور بار کرده
دفع آن زحمت شود ان شاء الله تعالی • و منقولست که بر سه جو بخواند که • و
مثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار • و سه جو
بر آن دانهها گرداند بعد از آن در محلی دفن کند در آخر ماه هر گاه که آن جوها
گنده شود آن زحمت بر طرف شود • و همچنین مرویست که شخصی از حضرت
امام رضا علیه السلام التماس کرد که چیزی بدو تعلیم فرماید که دفع
دانهها اعضا کند • آنحضرت فرمود که از برای هر یک از آن هفت جو بردارد
و هفت نوبت • اذا وقعت الواقعة • تا کاذبة خافضة رافعة تا هباء منبثا بخواند بعد از آن
بخواند • و یسألونك عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا • و لا امتا • و بعد از آن یک یک

ازان جوهر را بران و انهار و ان اعضا بمالند و در وصله اگر با پس نوبند و
پیسنگ بران بند و در جاه آن خانه اندازد میگوید که چنان کردم و نظر کردم
در روز ششم و هشتم تمام خوب شده بود و چون کف دست پاک شده
از برای رگ ها و الکن بخواند او لم یر الذین کفروا ان السموات و الارض تا آخر
و یک انگشت از انگشتهای خود در آب و ازو در آرد باهم صاحب درد نافع باشد
جهت عرق مدنی بنویسد بران جهه وقت خارش آن قبل از آنکه بیرون آید و
یسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا
ولا امتا و صبر بران طلا کند و این آیه را نیز بنویسد او کالذی مر علی قریة
وهی خاویة علی عروشها قال انی یحیی هذه الله بعد موتها فاماته الله مائة عام
از برای دفع صرع و ما لنا الا نتوکل علی الله و قد هدینا سبلنا و لنصبرن
علی ما آذیتمونا و علی الله فلیتوکل المؤمنون از برای چشم زخم سوره و اذ اوی
تا آخر فضربنا علی آذانهم فی الکهف تا عددا و آیه شهد الله و قل ادعوا الله
تا آخر سوره و لقد جاءکم رسول من انفسکم تا آخر سوره و من یتوکل علی الله
تا آخر نافع باشد و همچنین روایت کرده معمر بن خلاد که گفته من با حضرت
امام رضا علیه السلام بودم در خراسان پس بمن امر کرد که غالیه از جهة او
بسازم و چون غالیه بساختم و نظر کرد در ان تعجب فرمود و گفت یا معمر عین
حق است بنویس در رقعه الحمد و قل هو الله احد و معوذتین و آیة الکرسی

بگیرد و همچنین مرویست از امام ابی عبدالله علیه السلام که فرموده عین
حق است و ایمن نیستی تو از چشم زخم تو بر تو و از چشم زخم تو بر غیر تو و هرگاه
که بترسی از چیزی بگو ما شاء الله لا قوة الا بالله العلی العظیم سه نوبت و
فرمود که هرگاه یکی از شما مهماتش مرتب و مهیا شود و نوعی که ازان تعجب کند
باید که در محلی که از خانه بیرون آید معوذتین بخواند بدرستی که هیچ مضرت بدو نرسد
باذن خدای تعالی و همچنین فرمود که هرکس از برادر مومنی چیزی ببیند که
او را عجب آید و باید که بارک الله بگوید که عین حق است و حضرت مصطفی صلی الله
علیه و آله فرموده که چشم زخم مرد را بقبر میفرستد و شتر را بقدر و همچنین فرموده
افسونی نیست الا در زهر گزدم و چشم زخم از برای دفع علقها و لما جاء موسی
لمیقاتنا و کلمه ربه قال رب ارنی انظر الیک قال لن ترانی و لکن انظر الی
الجبل فلما تجلی ربه للجبل جعله دکا و خر موسی صعقا فلما افاق سبحانک تبت الیک
و انا اول المؤمنین بخواند بر آب و بر روی و سر و دستها خود بمالد
از برای گریخته و گم شده مرویست از حضرت امام رضا علیه السلام که
آنحضرت فرمود که هرگاه از تو چیزی گم شود پس بگوی و عنده مفاتح الغیب
لا یعلمها الا هو و یعلم ما فی البر و البحر و ما تسقط من ورقة الا یعلمها و لا حبة
فی ظلمات الارض و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین بعد ازان بگوید
اللهم انک تهدی من الضلالة و تنجی من العمی و ترد الضالة صل علی محمد و آله اجمعین

شفاء مرضها مرویست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود
جبرئیل علیه السلام بمن دوائی تعلیم کرده که با آن بدوای دیگر محتاج نشوم
پرسیدند یا حضرت آن دوا کدامست فرمود که آب باران قبل از آنکه
بر زمین رسد بگیرند و در ظرف پاک کنند و سوره الحمد را هفتاد بار بخوانند
و قل هو الله احد و معوذتین هفتاد بار بعد از آن قدحی از آن در صباح
قدحی در وقت شب بنوشند بحق آنکس که مرا به پیغمبری فرستاده که خدای تعالی
آن زحمت را از بدن و استخوان و رگهای او ببرد و همچنین هفت دانه
سیاه تخم و هفت دانه مرچ و نمک و گل قبر امام حسین علیه السلام و قطره
عسل در آب باران و غنی کند و فاتحة الکتاب و قل هو الله احد و معوذتین و
آیة الکرسی و اول سوره حدید تا و الی الله ترجع الامور و آخر سوره حشر
بر آن بخواند نافع باشد و مرویست از امام جعفر علیه السلام که و ننزل
من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و حضرت حق سبحانه و تعالی
فرموده که یخرج من بطونها شراب مختلف الوانه فیه شفاء للناس و
حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله فرموده که سیاه تخم از هر مرضی شفاست
الا از مرگ و ما در کوفه اظهار فقری میکنیم که هیچ صاحب زحمتی نباشد
که پناه بدان برد الا که خدای تعالی برکت آن او را شفا دهد و آن فرمودهٔ حضرت
امیر المؤمنین علی است علیه السلام فصل سیم در شفا جستن بصدقه و دعا

و نماز و غیر آن مرویست از حضرت امام جعفر علیه السلام که آنحضرت از
پدران خود روایت میکند که حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله فرموده که صدقه
مردن بد را منع میکند و همچنین فرموده که صدقه و صله رحم را آبادان
میکند و عمر را زیاده میگرداند و مرویست از امام جعفر صادق علیه السلام
که فرموده که هر کس در روز صدقه بدهد در آن روز از برکت آن صدقه
در زیر دیوار خانه که فرود آید نماند و از درندها ایمن گردد و ببدی نمیرد
و اگر در شب صدقه کند در آن شب از بلاها محفوظ باشد و مرویست
که حضرت امام ابی جعفر علیه السلام فرموده که نیکوئی و صدقه درویشی میبرد
و عمر را زیاده میکند و هفتاد علت را دفع میکند و مرویست از معاذ
بن مسلم که گفته من نزد حضرت امام ابی عبدالله علیه السلام بودم که
جمعی نزد آنحضرت گفتند مردم ما درد دارند آنحضرت فرمود که بیماران خود
را بصدقه علاج کنید و همچنین فرمود که بیماران خود را علاج کنید بصدقه
و نیت بر شما که جمع قوت روز خود را که مالک همان باشید بصدقه
دهید و بدرستی که برات قبض روح شخصی بملک الموت داده میشود
و چون آن شخص صدقه دهد رد آن برات میشود و اموال خود را نگاه دارید
بزکات دادن و هر کس که زکوة مال خود داده باشد و بغیر زمین خشک
یا دریا رود ضامنست مال او را از تلف گشتن مرویست از امام موسی کاظم علیه السلام

که فرموده صدقه بلاء مبرم را که از آسمان متوجه باشد دفع میکند مرویست
از داود بن زربی که گفته مرا در مدینه تب شدیدی پیدا شد خبر با امام جعفر صادق
رسید آنحضرت بمن مکتوبی نوشت مضمون آنکه بمن رسید که ترا تب پیدا
شده یک صاع گندم بخر بعد از آن بر پشت خواب کن و آن گندم بر سینه خود
بیفشان و بگو اللهم انی اسئلک باسمک الذی اذا سئلک به المضطر
کشفت ما به من ضر و مکنت له فی الارض و جعلته خلیفتک ان تصلی علی
محمد وان تعافینی من علتی بعد از آن بنشین و گندم را از اطراف خود
جمع کن و همین دعا بخوان و آن گندم به هر مسکینی یک مد صدقه کن و همین دعا
بخوان داود گفته که چنین کردم گویا که از بند خلاص گشتم و بسیاری از
مردمان بدین دستور عمل کردند نافع بود منقولست که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله فرموده که هیچ چیز رد قضا نمیکند مگر دعا منقولست که
حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود که دعا بلا را رد میکند اگرچه بلای
مبرم باشد منقولست از امام ابی الحسن موسی علیه السلام که فرمود
بر شما باد که دعا کنید بدرستی که دعا و طلب از حضرت حق جل و علا رد بلا میکند
و بلا بر شخصی مقدر گشته و باقی مانده الا جاری شدن آن هرگاه که آن شخص
دعا کرد رد آن بلا از او میشود منقولست از سلمان فارسی رضی الله عنه
که نقل کرده از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که آنحضرت فرموده که هیچ چیز

عمر را زیاده نمیکند مگر نیکوئی و هیچ چیز رد قضا نمیکند مگر دعا و حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هر کس بپوشاند از خلایق بلایی را که
بدو رسیده باشد و بحق عز و علا شکایت کند از آن بر حضرت عزت
لازمست که او را از آن بلا خلاص کند منقولست از حضرت امام
ابی عبد الله علیه السلام که فرمود هر کس پیش از نزول بلا دعا کند چون بلا
نازل شود دعاء او مستجاب گردد و ملایکه گویند این آوازیست که می شناسیم
و دعاء او از آسمان محجوب نگردد و هر کس که قبل از نزول دعا نکرده باشد
در وقت نزول بلا دعاء او مستجاب نگردد و ملایکه گویند ما این آواز را
نمی شناسیم مرویست از امام موسی کاظم علیه السلام که فرموده هر جمعی
را دو ادبیست و فرموده هر جمعی را دعاییست و فاضلترین دعا صلوات فرستادنست
بر حضرت مصطفی و آل او صلوات الله علیهم اجمعین بعد از آن دعا از برای
برادران مومن خود بعد از آن دعا از برای خود در آنچه دوست داری
و نزدیکتر وقتی که بنده بخدا نزدیک باشد وقتیست که در سجده باشد و
فرموده که دعا فاضلترست از خواندن قرآن بجهة آنکه حق سبحانه و تعالی دعاء
مومن را در مستجاب میکند بجهة شوقی که بدعاء مومن دارد و در قرآن مجید
میفرماید قل ما یعبؤا بکم ربی لولا دعاؤکم و میفرماید که آوازیست که بدی آید
مرا شنیدن آن منقولست از حضرت امام ابی عبد الله علیه السلام که

کسی که از بلایی ترسد و پیش از آمدن آن بلا دعا کند حق سبحانه و تعالی آن دعا
بد و نماید **دعای بیمار** از برای خود مستحب است که بیمار بسیار بگوید
لا اله الا الله یحیی و یمیت و هو حی لا یموت سبحان الله رب العباد
والبلاد الحمد لله حمداً کثیراً طیباً مبارکاً فیه علی کل حال والله اکبر
کبیراً کبریاء ربنا و جلاله و قدرته بکل مکان اللهم ان کنت امرضتنی
لقبض روحی فی مرضی هذا فاجعل روحی فی ارواح من سبقت لهم منک
الحسنی و باعدنی من النار کما باعدت اولیائک الذین سبقت لهم
منک الحسنی **دعای دیگر** منقولست از حضرت امام ابی عبد الله علیه السلام که
فرموده است دست بنهید بر موضعی که درد میکند و سه بار بگوید که الله
الله الله ربی حقا لا اشرک به شیئا اللهم انت لها و لکل عظیمة ففرجها عنی
دیگر منقولست از آن حضرت فرموده دست بر محلی که درد میکند بنهد و بگوید که
اللهم انی اسالک بحق قرآن العظیم الذی نزل به روح الامین و هو عندک
فی ام الکتاب علی حکیم ان تشفینی بشفائک و تداوینی بدوائک و تعافینی
من بلائک و صلی الله علی محمد و آل محمد **دیگر منقولست** از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام که بگوید بسم الله و بالله کم من نعمة الله عز و جل فی عرق ساکن
علی عبد شاکر **و بعد از نماز فریضه** دست راست ریش خود را بگیرد و بگوید اللهم
فرج کربی و عجل عافیتی و اکشف ضری سه بار و چهار نماز کند و این دعا را مکرر کند

دعا

دیگر منقولست از بعضی اصحاب ائمه علیهم السلام که گفت شکایت کردم
بحضرت ابی عبد الله علیه السلام از دردی که داشتم آنحضرت فرمود بگو
بسم الله و دست خود را بر آن بمال و بگوی هفت نوبت اعوذ بعزة الله
و اعوذ بجلال الله و اعوذ بعظمة الله و اعوذ بجمع الله و اعوذ برسول الله
و اعوذ باسماء الله من شر ما احذر و من شر ما اخاف علی نفسی ناقل میگوید که
چنین کردم خدای تعالی مرا از آن درد خلاصی داد **دیگر منقولست** از
آنحضرت که فرموده دست بنهید بر جایی که درد میکند و بگوید که بسم الله
و بالله محمد رسول الله لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم امسح عنی
ما اجد و سه بار دست بر آن بمالید **دیگر منقولست** از آنحضرت که فرموده
دست بر سر بیمار بنهید و بعد از آن بگوید بسم الله و بالله و من الله
و الی الله و ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله ابراهیم خلیل الله
موسی نجی الله عیسی روح الله محمد رسول الله (صلی الله علیه وآله) و علیهم من الارواح والاوجاع
بسم الله و بالله و عزائم من الله لسلطان من فلانة لا یقربه الا کل
سلم و عیذه بکلمات الله التامات کلها التی سال بها آدم فتاب
علیه انه هو التواب الرحیم ایتها الارواح والاوجاع باذن الله
عز و جل لا اله الا الله له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین بعد از آن
آیة الکرسی و معوذتین و فاتحة الکتاب و قل هو الله احد و ده آیه از اول

سوره یس بخواند بعد از آن بخواند که اللهم اشفه بشفائک وداوه
بدوائک وعافه من بلائک وبنیاله بحق محمد وآل محمد دیگر منقولست از
امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت رسول صلی الله علیه وآله را
تب گرفت حضرت جبرئیل بعیادت آنحضرت آمد وگفت بسم الله
ارقیک وبسم الله اشفیک وبسم الله من کل داء یعنیک بسم
الله شافیک بسم الله خذها فلتهنیک بسم الله الرحمن الرحیم
فلا اقسم بمواقع النجوم لتبران باذن الله دیگر نقل میکند سید ناصح الدین
ابی البرکات مشهدی رحمة الله علیه که از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام شنیدم که فرمود گل قبر امام حسین علیه السلام شفاهاست از
هر زحمتی هرگاه که کسی خورد بگوید بسم الله وبالله اللهم اجعله رزقا واسعا
وعلما نافعا وشفاء من کل داء انک علی کل شیء قدیر وهم آنحضرت فرموده
که هر کس را علتی پیدا شود ابتدا علاج آن بگل قبر امام حسین علیه السلام
بنماید حضرت حق سبحانه وتعالی او را شفا کرامت فرماید از آن علت
مگر آنکه علت مرگ باشد دیگر منقولست از حضرت ابی جعفر علیه السلام
که فرموده از اهل بیمار کسی که مشفق تر باشد برود کف دست بر دهن خود
نهد وبگوید بسم الله سه بار بجلال الله سه بار بکلمات الله التامات سه بار
بعد از آن دست بر سر وروی بیمار بمالد ببرکت آن شفا یابد دیگر نقل میکند

زراره

زراره از امام محمد باقر علیه السلام وامام جعفر صادق علیه السلام
که فرموده هرگاه بر سر بیماری روی بگوی هفت نوبت اعیذک بالله
العظیم رب العرش العظیم من کل عرق نعار ومن شر حر النار دیگر نقل میکند
حسین بن ابی نعیم از امام ابی عبد الله علیه السلام که بعضی از اولاد آنحضرت
را بیماری بود آنحضرت فرمود که بگوی ای پسر من اللهم اشفنی بشفائک
وداونی بدوائک فانی عبدک وابن عبدک دیگر روایت از حضرت مصطفی
صلی الله علیه وآله بعضی از اصحاب خود تعلیم فرموده که دست بر جای
رنجی که درد میکند بنهد وبگوید که بسم الله بعزة الله وقدرته من شر
ما اجد وهمچنین فرموده که هر کس که بیماری را عیادت کند بگوید که اللهم
اشف عبدک ینکی عدوا ویمشی لک الی الصلوة وهمچنین منقولست
از آنحضرت که هرگاه بر سر بیماری میرفت میفرمود که اذهب الباس رب الناس
بیدک الشفاء ولا کاشف للبلاء الا انت وهمچنین اذهب الباس
رب الناس واشف انت الشافی لا شفاء الا شفاؤک شفاء لا یغادر
سقما اللهم اصلح القلب والجسم واکشف السقم واجب الدعوة وهمچنین فرموده
که بعضی از اصحاب مصطفی صلی الله علیه وآله بیمار شده بودند آنحضرت
افسونی که جبرئیل علیه السلام بآنحضرت تعلیم فرموده بود بدو تعلیم فرموده
وافسون اینست بسم الله ارقیک بسم الله اشفیک من کل

رب یو دیک ومن شر النفاثات فی العقد ومن شر حاسد اذا حسد
وهمچنین فرمود که دست خود در دهن نهد و سه بار بگوید بسم الله
بجلال الله بعظمة الله بکلمات الله التامات باسماء الحسنی بعد از ان
دست بر جایی نهد که درد میکند و بگوید که بسم الله بسم الله بعد
از ان هفت بار بگوید اللهم امسح ما بی شفا یابد و چون شفا یابد بگوید
الحمد لله الذی خلقنی فهدانی واطعمنی وسقانی له الحمد وله الشکر دعا
از برای دفع خنازیر منقولست که امام رضا علیه السلام فرموده
که کنیزی داشتم خنازیر از گردن او بیرون آمد شخصی نزد من امد و گفت بفرمای
گوی او که بسیار بگوید یا رؤف یا رحیم یا رب یا سیدی
وان کنیزک گفت که خدای تعالی برکت آن او را شفا داد دعا از برای
دفع چشم زخم روایت میکند محمد بن جعفر از پدرش که گفت مرا درد چشم
بسیار میشد شکایت کردم بحضرت امام ابی عبد الله علیه السلام
انحضرت فرمود که آیا ترا دعایی تعلیم کنم که در دنیا و آخرت ترا نافع باشد و
درد چشم نبرد گفتم بلی فرمود که در عقب نماز صبح و شام بخوان اللهم
انی اسالک بحق محمد وال محمد ان تصلی علی محمد وال محمد ان تجعل النور فی بصری
والبصیرة فی دینی والیقین فی قلبی والاخلاص فی عملی والسلامة فی نفسی
والسعة فی رزقی والشکر لک ابدا ما ابقیتنی و در روایت دیگر منقولست که دعا

بخواند

بخواند بعد از نماز صبح بعد از انکه برخیزد از مقام خود دعا از برای
دشوار زاییدن هر زن را که زاییدن دشوار شود این دعا را
بر کوزه آب بخواند و آن زن از ان آب بخورد و بعضی بر پستانهای
او افشانند زاییدن بر او آسان شود و دعا اینست بسم الله الذی
لا اله الا هو الحلیم الکریم سبحان الله رب السموات ورب العرش
العظیم والحمد لله رب العالمین کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او
ضحیها کانهم یوم یرون ما یوعدون دعا از برای دشواری پیشاب
ربنا الله الذی فی السماء تقدس اللهم اسمک فی السماء والارض
اللهم کما رحمتک فی السماء والارض واجعل رحمتک فی الارض اغفر لنا
حوبنا وخطایانا انت رب الطیبین انزل رحمة من رحمتک وشفاء من
شفائک علی هذا الوجع فلیبرا دعا از برای دفع سنگ مثانه منقولست از
امام جعفر صادق علیه السلام که فرموده در حینی که نماز شب میگذارد
در سجده بگوید اللهم انی ادعوک دعاء الذلیل الفقیر الحقیر العلیل و دعاء من
اشتدت فاقته وقلت حیلته وضعف عمله والح علیه البلاء دعاء
مکروب ان لم تدرکه هلک ان لم تستنقذه فلا حیلة فلا تخلنی بـ
مکرک ولا تثبت علی غضبک ولا تضطرنی الی الیاس من روحک
والقنوط من رحمتک وطول الصبر علی البلاء اللهم انه لا طاقة لی ببلائک و

بر پستان او بعضی

[illegible]

لا تخیبنی عن رحمتک و بهذا ابن حبیبک اتوجه الیک به ضریح
خلصنی من هذه البلیه واعذنی باعوذتی من رحمتک وعافیتک
یا هو یا هو یا هو انقطع الرجاء الا منک نماز از برای شفای علتها
سه روز روزه بگیرد و در روز سیم غسل کند در وقت زوال آفتاب
و دو صله کرباس پاک همراه داشته باشد و چهار رکعت نماز بگذارد و
آنمقدار که تواند قرآن در آنها بخواند بتضرع و چون از نماز فارغ شود
جامه خود را بیندازد و جانب راست روی خود را بر زمین نهد و بعد
از آن بگوید یا واحد یا ماجد یا کریم یا حنان یا وهاب یا ارحم الراحمین
وصلی الله علی محمد و آل محمد واکشف ما بی من ضر و معرة والبسنی العافیة
فی الدنیا والآخرة وامنن علی بتمام النعمة واذهب ما بی فانه قد آذانی
و غمنی حضرت امام جعفر علیه السلام فرموده که نافع نیست الا از برای کسی
یقین کند که نفع میدهد برکت آن از آن زحمت خلاص میشود نماز از برای
دفع بیماریها روایت کرده ابو امامه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
که فرموده که بنویسید دعاها و آیات چند را که بعد از این نوشته میشود
بزعفران و در ظرف پاک بعد از آن بشوید سه بار و وضو سازد همچون وضوئی که
از برای نماز میکرده و سه کف آب از آن بردارد و بر روی بدن خود مالد
بعد از آن دو رکعت نماز بگذارد و طلب شفا از خدا کند و سه روز بدین طریق

عمل کند شفا یابد حسان گفته تجربه کردیم نافع بود و دعا و آیات اینست اعوذ
بکلمات الله التامات واسمائه ومن شر ما یحذرا و احذر بسم الله الرحمن
الرحیم کلها عامة من شر السامة والهامة والعین اللامة الحمد لله
رب العالمین تا آخر سوره و سوره اخلاص و معوذتین و سه آیه
از سوره بقره از الهکم اله واحد تا یعقلون و آیة الکرسی و
آمن الرسول تا آخر سوره و دو آیه از اول آل عمران و دو آیه
از آخر آل عمران و اول آیه از سوره نساء و اول آیه از سوره مائده
و اول آیه از سوره انعام و اول آیه از سوره اعراف و ان
ربکم الله الذی تا رب العالمین قال موسی ما جئتم به السحر ان الله
سیبطله الی آخر والق ما فی یمینک تلقف ما صنعوا تا حیث اتی
و ده آیه از اول و الصافات نماز بیمار نقل میکند اسمعیل بن حجاج
از ابی عبد الله که گفت من بیمار شدم مرتبه که از من نومید شدند حضرت
ابو عبد الله آمد و جزع و فزع مادر مرا دید فرمود که وضو بگیر و دو
رکعت نماز بگذار و در سجود بگوی اللهم انت وهبته لی ولم یک
شیئا فهبه لی هبة جدیدة مادرم چنین کرد و صباح شد در من
بیماری نماند مرتبه که هر سه بچه بودند من با مردم از آن برخیزیدم
نماز از برای دفع تب محمد بن حسن صفار گفته روایتی ابی عبد الله علیه السلام

رقم و مراتب گرفته بود از من پرسید که چیست ترا که ملول می بینم
ترا گفتم جان من فدای تو باد تب دارم فرمود که هر کس که از شما تب
دارد تنها بخانه رود و دو رکعت نماز بگذارد و طرف راست روی
خود را بر زمین نهد و بگوید یا فاطمه بنت محمد صلی الله علیه وآله و سلم
اشفع لی الی الله فیما نزل بی بدرستی که شفا می یابد انشاء الله تعالی

شفعی

و همچنین دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی سوره فاتحه پنج بار و آیه
الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم اشفع نبیک محمد صلی الله علیه وآله یا محمد استشفع بک علی ربی فی
قضاء حاجتی و هو شفاء هذا المریض یا الله یا الله یا الله یا رحمن
یا رحیم یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام برحمتک یستغیث الان
خفف الله عنکم یرید الله ان یخفف عنکم ذلک تخفیف من ربکم و رحمة
بنویسند و بشویند و بخورد تب دار دهند نافع باشد نماز دفع درد سر
دو رکعت در هر رکعتی یکبار فاتحه و پنج بار قل هو الله احد و آیه رب انی
وهن العظم منی واشتعل الراس شیبا نماز از برای دفع درد چشم دو رکعت
در هر رکعتی یکبار فاتحه و قل یا ایها الکافرون سه بار و آیه و عنده
مفاتح الغیب تا آخر آیه نماز از برای دفع کوری از حمزه کوفی نقل کرد
از حضرت ابی جعفر علیه السلام که گفت کوری میگذشت حضرت رسول صلی الله

علیه وآله

علیه وآله فرمود که وضوی تمام بگیر و دو رکعت نماز بگذار و بگوی که
اللهم انی اسالک وارغب الیک واتوجه بنبیک نبی الرحمة یا محمد انی
اتوجه بک الی الله ربی و ربک ان ترد علی بصری میگوید هنوز حضرت
رسول صلی الله علیه وآله نشسته بود که آن کور عود کرد و حضرت حق سبحانه
و تعالی بینایی او را باو داد و حضرت رسول صلی الله علیه وآله سلمان فرمود
که یا سلمان شکمت درد دارد در خبر است نماز بگذار که در نماز شفا هست
نماز از برای درد گردن در هر رکعتی یکبار الحمد و سه بار اذا زلزلت بخواند
نماز از برای درد سینه چهار رکعت در هر رکعتی الحمد یکبار و در رکعت اول
الم نشرح یکبار و در دویم قل هو الله احد سه بار و در رکعت سیم والضحی یکبار
و در چهارم یعلم خائنة الاعین و ما تخفی الصدور نماز از برای قولنج دو رکعت
در هر رکعتی الحمد یکبار و آیه ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر نماز از
برای باز آمدن گریخته دو رکعت در هر رکعت بعد از الحمد از
اول سوره حدید چهار آیه و آخر سوره حشر از لو انزلنا هذا القرآن تا
آخر سوره بخواند و بگوید من هذا ولا هذا غیره اجعل الدنیا علی فلان
اضیق من مسک جمل حتی یرده علی نماز از برای درد پا دو رکعت در هر
رکعتی یکبار الحمد و آمن الرسول تا آخر سوره بقره بخواند نماز در وجع روی
دو رکعت بگذارد و دو دست خود را بر روی خود نهد حضرت رسول صلی الله

علیه وآله را وسیله شفاعت سازد بحضرت حق جل وعلا و سه بار بگوید که
بسم الله اخرج علیک یا وجع من عین انس و من عین جن اخرج علیک
بالذی اتخذ الله ابراهیم خلیلا وکلم موسی تکلیما وخلق من روح القدس
لما هدات وطفیت کما طفیت نار ابراهیم باذن الله نماز برای
پیدا شدن گم شده منقولست از امیر المومنین علی علیه السلام که دو
رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت سوره یس بخواند و چون فارغ شود
از نماز دستها بردارد بجانب آسمان و بگوید که اللهم راد الضالة
والهادی من الضلال صل علی محمد وال محمد واحفظ علی ضالتی واردد ها
علی ضالتی واردد ها الی سالمة یا ارحم الراحمین من فضلک وعطایک
یا عباد الله فی الارض ردوا علی ضالتی فانها من فضل الله وهمچنین منقولست
از آن حضرت که فرموده است بخوانید اللهم لا اله الا انت لک السموات
ولک الارض وما بینهما فاجعل الارض علی کذا اضیق من جلد جمل حتی تمکنی منه انک
علی کل شی قدیر ومنقولست در روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام
که فرموده هر کس را بنده بگریزد آیة الکرسی مدور بر کاغذی بنویسد
و در میان این دعا را بنویسد اللهم السماء لک والارض لک
وما بینهما لک فاجعل ما بینهما لک اضیق علی فلان من جلد جمل حتی یرده
علی وتظفرنی به و این دعا را بخوانند و آن کاغذ در محلی که آن بنده گریخته گا[?]

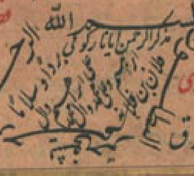
الم

داشته دفن کند و سنگی بر بالای آن نهد و همچنین بنویسد و بخواند
اللهم انت جبار فی السماء وجبار فی الارض وملک فی الارض واله
فی السماء واله فی الارض رد علی فلان ضالته وحفظه از برای
دفع تب بسم الله ذی العزة والکبریاء والنور را بر سه پاره کاغذ
بنویسد بقلم باریک چنانکه بتوان خواندن و آن کاغذ را بخورد [?] هر صباح
تب هر روز ناشتا یکی از آن بخورد نافع باشد و همچنین بر یک وصله
قند بنویسد عقدت باذن الله وصاحب تب هر روز ناشتا
یک وصله از آن قند بخورد و همچنین بر پای راست صاحب تب بسم الله
یا حمی الماضیة المستمضیة بالذی فی السماء عرشه وبالذی کلم موسی تکلیما
واتخذ الله ابراهیم خلیلا وبعث محمدا بالحق نبیا کما خرجت من العظم
الی اللحم ومن اللحم الی الجلد ومن الجلد الی الارض فسکن فیها ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی محمد وآله وسلم تسلیما و
همچنین بنویسد بر کاغذی و بر پیشانی ببندد و هفت گره بر آن ببندد این
آیات را بسم الله الرحمن الرحیم وبالحق انزلناه وبالحق نزل و
ننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمومنین یا نار کونی بردا وسلاما علی
ابراهیم وارادوا به کیدا فجعلناهم الاخسرین یا الله یا الله یا الله
یا رحمن یا رحمن یا رحیم اسکن بقدرة الجبار العظیم بقدرة السلطان الکریم

دی حرارت [?]

العظم

ومعوذتین نیز بنویسد و همچنین منقولست از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام که فرمود که حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله تب داشت
جبرئیل علیه السلام نزد آنحضرت آمد و گفت بسم الله ارقیک یا محمد
بسم الله اشفیک بسم الله من کل داء یعییک بسم الله و بالله
شافیک بسم الله احد ما فیهمک بسم الله الرحمن الرحیم
فلا اقسم بمواقع النجوم تبرا الی باذن الله عز و جل منقولست از امام رضا
علیه السلام که فرمود که کنیزکی نزد من قدر و منزلتی داشت بمن شکوه کرد از
تب من در خواب شخصی را دیدم که آمد و با من گفت که بگوی تا آن کنیزک
بگوید یا رباه و یا سیداه صل علی محمد و آله و اکشف عنی یا احد بدرستی که
فلان بن فلان از آتش این خلاص شد و همچنین مرویست از آنحضرت که
سه روز در روز اول بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم لا تخف نجوت
من القوم الظالمین و در روز دوم لا تخف انک انت الاعلی و در روز
سیم بسم الله الا له الخلق و الامر تبارک الله رب العالمین سه روز بخورد
و بخواند شفا یابد و منقولست از امام رضا علیه السلام این تعویذ جهة
دفع تب



فصل چهارم از
برای بیماری مرویست از ائمه علیهم السلام
که بنویسند بر ورق آهو و بر بیمار بندند

اللهم انی اسألک بعزتک و قدرتک و سلطانک و بما احاطه بعلمک
ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان لا تسلط علی فلان ابن فلانه شیئا مما خلقت بسوء
و ارحم جلده الرقیق و عظمه الدقیق من فوره الحریق یا ام ملدم یا آکلة اللحم
و شاربة الدم حرة و بردها من جهنم ان کنت امنت بالله الاعظم و
لا تاکلی لفلان بن فلانه لحما و لا تمصی له دما و لا تنهکی له عظما و لا تثوری علیه
غما و لا تهیجی علیه صداعا و اشتغلی عن شعره و بشره و لحمه و دمه الی من زعم
ان مع الله الها آخر لا اله الا هو سبحانه و تعالی عما یشرکون افسون از
برای تب یومی بنویسد بر کاغذ و بر ریسمانی ببندد و از جانب راست
ریسمان چهار گره کند و از جانب چپ سه گره کند و بر گردن صاحب
تب بندد این دعا را اعیذ بما استعاذ به موسی و ابراهیم و محمد
رسول الله صلی الله علیه و آله من الحمی و النافض و الغب و الرق
و الریح و الصداع اللهم کما لم تلد مریم بنت عمران غیر عیسی فلا تذر علی
بدن الانسان من هذه الاورام و الاوجاع الا ترفعه عنه فلا اقسم بما تبصرون
و ما لا تبصرون انه لقول رسول کریم اقیمت علیک لما ترکته و لا تأخذه
به و سوره قل هو الله احد و معوذتین بخواند بعد از آن بگوید که
اللهم اشف فلان بن فلانه من حمی یوم و یومین و ثلثه ایام و حمی ربع
فانک تفعل ما ترید و تشاء و انت علی کل شیء قدیر کتبت و بسم الله حجبت

وعلیه توکلت وهو رب العرش العظیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
وهمچنین ریسمانی از پنبه هفت تار بسازد و فاتحة الکتاب وقل هو الله احد
ومعوذتین بران خواند وهفت گره بران کند و بر گردن صاحب تب بندد
وبعضی گفته بر هر گرهی این سوره را بخواند وهمچنین حضرت مصطفی صلی الله علیه وآله
فرموده که هر کسی که تب داشته باشد سه روز غسل کند و در وقت غسل گوید
اللهم انی بما اغتسلت التماس شفائک وتصدیق نبیک انشاء الله شفا یابد وهمچنین
نقل کرده است ابن عباس از حضرت مصطفی صلی الله علیه وآله که گفته حضرت
نبی صلی الله علیه وآله ما را جهة دفع دردها و تب و درد سر تعلیم میداد
بسم الله اعوذ بالله العظیم من شر کل عرق نعار ومن شر حر النار
هر گاه دست بر دارد بگوید که بسم الله وبالله محمد رسول الله
اعوذ بالله وقدرته علی ما یشاء من شر ما اجد حرز حضرت مصطفی صلی الله
علیه وآله جهة فاطمه علیها السلام خاصه از برای او واز برای هر کسی
که اقرار بحق داشته باشد وله ما سکن فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم
یا ام ملدم ان کنت آمنت بالله العظیم ورسوله الکریم فلا تهشمی العظم
ولا تاکلی اللحم ولا تشربی الدم اخرجی من حامل کتابی هذا الی من لا یؤمن بالله
العظیم ورسوله الکریم وال محمد وفاطمه والحسن والحسین صلوات الله
علیهم اجمعین تب ربع نقل میکنند وشاید شخصی نزد حضرت امام رضا علیه السلام

طاقت آن ندارند این امت یکی مدارا ومواسا ویاری کردن با برادران
مومن در مال دویم انصاف دادن مردم را از نفس خود سیم ذکر خدای
در همه حال و ذکر خدا آن نیست که کسی سبحان الله والحمد لله ولا اله
الا الله والله اکبر گوید بلکه ذکر خدا آنست که چون وارد شود بر چیزی
از خدا بترسد و ترک آن کند یا علی سه کس اند که اگر انصاف با ایشان کنی
ظلم کنند بر تو یکی مردمان دنی واز رذال دوم اهل تو سیم خادم تو یا علی
انصاف نمیگیرند سه کس از سه کس آزاد از بنده عالم از جاهل قوی از ضعیف
یا علی هفت خیر است که هر کس با او همراه باشد این هفت خیر تمام کرده است
حقیقت ایمان را و درهای جنت گشاده شده است از برای او اول تمام کردن
وضو دویم نیکو کردن نماز سوم دادن زکوة مال خود چهارم منع کردن غضب
خود از مردمان پنجم زبان خود از بد گفتن نگاه داشتن ششم استغفار از برای
گناه خود کردن هفتم نصیحت کردن اهل بیت خود را یا علی لعنت کرده است
خداوند عالم سه کس را اول کسی که توشه خود تنها خورد دویم کسی که در
بیابان تنها رود سیم کسی که در خانه تنها خواب کند یا علی سه کس اند که
میترسم از دیوانگی ایشان اول کسی که نجاست کند در میان گورستان دویم
کسی که براه رود و در یک پای او کفش باشد و در دیگری نه سیم کسی که
خواب کند در خانه تنها و کسی پیش او نباشد یا علی سه خیر است که نیکو است

دروغ گفتن در آن اول در حرب کید کردن با دشمنان دویم وعده دادن
با زنان از جهة صلاح ایشان سیم از جهة صلاح میان دو کس که عداوت باشد
یا علی سه کس اند که مصاحبت ایشان دل را تباه و سیاه کند اول
نشستن با مردم ارذال دویم نشستن با مردم غنی سیم سخن بسیار گفتن با زنان
یا علی سه چیز است که از حقایق ایمان است اول انعام کردن بفقرا در تنگیها
دویم انصاف دادن مردمان از نفس خود سیم علم بمردم تعلیم کردن
یا علی سه چیز است که در هر کس نیست تمام نیست عمل او یکی پرهیزگاری
که منع کند آنکس را از معاصی دویم خلق نیکو که مدارا کند سیم حلم که
اجتناب کند با آن از جاهلان یا علی سه چیز است که سبب راحت
مومن است در دنیا یکی ملاقات کردن با برادران مومن دویم روزه گشودن
با طالبان سیم نماز تهجد گذاردن در آخر شب یا علی نهی میکنم ترا از سه
خصلت حسد و حرص و کبر یا علی سه چیز است که سبب نجات این
کس است و سه چیز است که سبب کفارت گناهان این کس است و سه چیز است
که سبب بلاکی این کس است و سه چیز است که سبب نجات این کس است
اما آن سه چیز که سبب نجات است اول تمام کردن وضو است در سرما
دویم انتظار صلوة است سیم رفتن شب و روز بجماعت اما آن سه چیز که
کفارت گناهانست یکی افشای سلام است دویم طعام دادن سیم

نماز تهجد گذاردن وقتی که مردمان در خواب باشند اما آن سه چیز که
مهلکات است یکی بخیلی دویم هوای نفس سیم عجب کردن مرد بخویش
اما آن سه چیز که سبب نجات است اول ترسیدن از خدا است در نهان و
آشکارا دویم میانه بودن در توانگری و درویشی و در جمیع کارها
سیم سخن گفتن در رضا و غضب یا علی شیرخوارگی نیست کسی را که شیر بازگیرد
و یتیم نیست کسی که بالغ شد یا علی برو دو ساله راه جهة نیکی کردن بمادر
و پدر و برو یکساله راه جهة صله رحم و برو یک فرسخ راه جهة پرسش بیماران
و برو یک میل راه جهة مشایعت جنازه و برو سه میل راه از جهة اجابت
کسی که ترا طلبد و برو چهار میل راه جهة برادر مومن و برو پنج میل راه جهة
کار بیچاره ی متحیری در مانده و برو شش میل راه از برای یاری کردن
مظلومان و برتو باد طلب آمرزش کردن از خداوند عالم یا علی
مومن را سه علامت است اول نماز دویم زکوة سیم روزه و منافق را
سه علامت است گاهی که حاضر باشد تملق میکند و گاهی که غایب باشد
غیبت میکند و شادی میکند وقتی که مصیبت رسید بمومنان و ظالم را
سه علامت است اول آنکه قهر میکند بر زیردستان خود دویم آنکه گناه
میکند با آن کسانی که از او بزرگترند سیم آنکه ظاهر میکند ظلم را
و اهل ریا را سه علامت است اول آنکه نشاط کند در طاعت نزد مردمان

دویم کاملی میکند در طاعت وقتی که تنها باشد سیم دوست میدارد
که مدح کنند او را در جمیع کارها یا علی منافق را سه خصلت است یکی
هرگاه که سخن کند دروغ گوید دویم آنکه وعده دهد خلاف کند سیم آنکه
امانت بدو سپارند خیانت کند یا علی نه چیز است که فراموشی
می آورد یکی خوردن سیب ترش دویم خوردن گشنیز سیم خوردن
چهارم پنیر خورده موش پنجم خواندن کتابهای که بر سنگ قبور نوشته اند
ششم از میان دو زن گذشتن هفتم شپش زنده انداختن هشتم
حجامت کردن بر قفای سر نهم بول کردن ایستاده یا علی عیش مردمان
در سه چیز است اول خانه فراخ دویم کنیزک خوش شکل سیم اسب خوش رفتار
یا علی بخدا سوگند که اگر مردمان نسل دون مرتبه در بن چاهی باشند
هر آینه حق سبحانه و تعالی برانگیزد بادی که ایشان را از ان قعر چاه بیرون
آرد و مسلط کند بر مردمان بزرگ و عالی مرتبه در وقتی که دولت و سلطنت
و پادشاهی بمردمان شریر افتد یا علی آنکس که نسبت خود به غیر
مولای خود کند بر وست لعنت خدا و آنکسی که مسلمان را کشد ناحق یا حمایت
کند کشنده مومنی را بر وست لعنت خدا یا علی مومن آنکس است که
امن باشند مسلمانان از دست و زبان او و مهاجر آنکس است که دور
شود از گناهان خود یا علی محکمترین ایمان کسی دارد که دوست دارد

هر چه دوست داشتنی است از برای خدا و دشمن دارد هر چه دشمن
داشتنی است از برای خدا یا علی آنکس که مطیع زن خود باشد
حق سبحانه و تعالی بر روی بکشد او را در دوزخ پس علی علیه السلام
گفت چه چیز است طاعت زن حضرت رسالت صلی الله علیه و آله
فرمود اجازت دادن بحمامات و عروسیها و تعزیتها و پوشیدن
جامههای تنک بحیثیتی که اندام او تمام نماید یا علی بدرستی که الله سبحانه
و تعالی برده است بسبب اسلام تکبری که در میان مردمان بود
در زمان جاهلیه و تفاخر ایشان بر پدران خود بدان و آگاه باش که
مردمان از آدم اند و آدم از خاک است و گرامی ترین ایشان متقیانند
یا علی حرام است بهای چیز مرده و بهای سگ و شراب و مهر زن زانیه و
رشوه گرفتن در حکم و اجره کاهن یا علی آنکس که بیاموزد علمی را که تا
کنند بر سفیهان جدل کند با عالمان یا دعوت کند خلق را بسوی خود
که معتقد او باشند و تعظیم کنند پس او از اهل دوزخ است یا علی
هرگاه که بمیرد بنده و مردم گویند که چه چیز گذاشته ملائکه گویند که آنچه
پیش فرستاده از عمل صالح یا علی دنیا زندان مومن است و جنت کافران
یا علی مردن بلکه راحت است از برای مومن و حسرت است از برای کافر
و حکم کرده است الله تعالی بسوی دنیا که ای دنیا خدمت کن آنکس را که

خدمت تو کند یا علی اگر چنانچه دنیا را قدری میبود پیش خدا هرگز کسی
نمیخورد از دنیا کافر یکدم آب یا علی هیچکس نیست از اولین و آخرین
الا آنکه او نماز کند در روز قیامت کوید که کاشکی غیر از قوت هیچ دنیا
نمیبود مرا یا علی بدترین مردمان آنکس است که راضی نباشد بقضا
خدای تعالی یا علی ناله مومن تسبیح [illegible] و تهلیل است و خواب
او عبادت است و کردیدن او از [illegible] یا علی [illegible]
یا علی اگر هدیه آرند پیش من پاچه گوسفندی هر آینه قبول کنم و اگر بخوانند
از برای پاچه اجابت کنم یا علی بر زنان نماز جمعه نیست و جماعت نیست
و بانگ نماز و قامت نیست و عیادت مریض و اتباع جنازه نیست
و دویدن میان صفا و مروه نیست و بوسیدن حجر الاسود و تراشیدن
سر نیست و نه تولیت قضا و نه مشورت کردن بدیشان و ذبح کردن
مگر از ضرورت و نه بلند گفتن لبیک در حج و نه اقامت کردن نزد
قبور و نه شنیدن خطبه و نه وکیل شدن از برای نکاح و نه بیرون
رفتن از خانه مگر باذن شوهر پس اگر بیرون رود بی اذن شوهر
لعنت میکنند او را خدای و جبرئیل و میکائیل تا آنکه باز آید بخانه شوهر
چیزی را بکسی مگر باذن شوهر و می باید که شب نکذراند زن که شوهر
با او بغضب باشد اگر چه شوهر با او ظلم کرده باشد یا علی اسلام برهنه است

ولباس

و لباس او حیاست و زینت او وفاست و مروت او عمل صالح و
ستون او ورع است و هر چیزی را که می بینی اساسی و بنیادیست
و بنیاد اسلام دوستی اهل بیت مصطفی صلی الله علیه و آله یا علی
بدخلقی شومست و اطاعت کردن زنان ندامت و پشیمانی یا علی
اگر شومی بودی در چیزی در زبان زنانست یا علی نجات یافته اند سبکباران
[illegible] من بند و پس مهیا کند جای خود را در
[illegible] دوزخ یا علی سه چیز است که زیاده میکند حفظ را و میبرد بلغم را خاییدن
کندر و مسواک و خواندن قرآن یا علی مسواک سنت است و پاک
کننده دهنست و روشن کننده چشمست و راضی کننده رحمانست و سفید کننده
دندانست و میبرد زردی را و سخت میکند بیخ دندانها را و اشتها آورد
از برای طعام خوردن و میبرد بلغم را و زیاده میکند حفظ را و دو چندان
میسازد حسنات را و شاد میکرداند ملائکه را یا علی خواب بر چهار نوعست
اول خواب انبیا علیهم السلام که ایشان بر قفا خواب کنند دویم خواب
مومنان که ایشان بر پهلوی راست خواب کنند سیم خواب کافران
و منافقان که بر پهلوی چپ خواب کنند چهارم خواب شیاطین که
بر روی افتند و خواب کنند یا علی نفرستاد خدای هیچ پیغمبر را الا آنکه
کردانید فرزندان او و ذریت او را در پشت او و کردانید فرزندان

مرا در پشت تو و اگر تو نبودی مرا هیچ فرزند نبودی یا علی چهار
چیز پشت که شکسته و پشت پشت اول امامی که عاصی شده باشد
خدا را و مردم مطیع او باشند دویم زنی که شوهر او محافظت کند
و او با شوهر خود خیانت کند سیم درویشی که کسی ... انکند
چهارم همسایه بد یا علی بدرستی که عبد المطلب ... هیچ خیر را
سنت و طریق خود ساخته بود که خداوند عالم در قرآن ... بر
طبق آن ثابت ماند اول آنکه جایز نمیداشت که زن ... جد
خود را بنکاح درآورد و این آیت بر طبق آن آمده و لا تنکحوا ما نکح آباؤکم
من النساء دویم آنکه گنجی یافت و بیرون کرد از آن خمس و بتصدیق رسانید
و بر طبق آن این آیت آمده و اعلموا انما غنمتم من شیء فان لله خمسه
تا آخر آیه سیم چون چاه زمزم کند نام او را نهاد سقایة الحاج بر طبق
آن آیه آمده اجعلتم سقایة الحاج الی آخر چهارم در روایت است که بنا حق کشند
چند شتر نذر کرده بود الله تعالی آنرا جاری داشت و تغییر نکرد در اسلام
پنجم از برای طواف عددی مقرر نبود نزد قریش پس او مقرر نمود که
هفت بار طواف کنند خدای تعالی جاری داشت و تغییر نکرد در اسلام
یا علی بدرستی که عبد المطلب قمار نباخت و بت نپرستید و
گوشت حیوانی نخورد که بنام بتان کشته میشد و میگفت من بر دین پدرم

ابراهیم علیه

ابراهیم علیه السلام یا علی عجیبترین مردمان از روی ایمان و عظیمترین
ایشان از روی یقین قومی اند که می آیند در آخر الزمان پیغمبر را ندیده و حجت
از ایشان پوشیده پس ایمان آورده اند بانچه پیغمبر از آن آمده است
یا علی ... چیزیست که سخت میکند دل را یکی کلام بیفایده شنیدن دوم
صید ... سلطان سیم ... یا علی نماز مگذار در پوست
چیزی ... نخورند و ... گوشت آن چیز را و نماز مگذار در
زمینی ... نجا و لشکر جنگ کرده باشند و در زمینی که قوم ثمود
و قوم عاد و هلاک شده اند یا علی بخور از تخم مرغ آنچه دو طرفش مختلف باشد
و بخور از ماهی که او را پوستی باشد که پولک داشته باشد و بخور
از مرغ آنچه در پریدن بال خود را بسیار جنباند و مخور گوشت مرغی
را که در پریدن بال خود را کم جنباند و بخور از مرغ آبی آنچه باشد او را سنگدان
و چلغدان یا علی هر چیز که صاحب نیش باشد از درندها و یا صاحب
چنگال باشد از مرغها پس حرامست اکل او یا علی قتل کرده نمیشود پدری
را که پسر خود کشته باشد یا علی قبول نمیکند الله تعالی دعا دلی که فراموشی
دارد یا علی خواب عالم فاضلترست از عبادت عالم غیر عابد یا علی
دو رکعت نماز عالم بهترست از هزار رکعت نماز عابد یا علی درست
نیست روزه زن که بر و واجب فرض نباشد و از روی تبرع و بخشش باشد

مگر باذن شوهر خویش و نیز درست نیست روزهٔ غلام و کنیزک که بر ایشان
واجب نباشد مگر باذن مالک ایشان و درست نیست روزهٔ مهمان
که بر او واجب نباشد و سنت روزه نماید مگر باذن آنکس که مهمانی کند
یا علی روزهٔ عید رمضان و روزهٔ عید قربان حرام است و در روزه
داشتن و افطار نکردن حرام است و روزه داشتن از برای معصیت
و کاری که در گناه باشد حرام است و تمامی روزهای سال روزه داشتن
حرام است یا علی در زنا کردن شش خصلت است سه از آن در دنیا واقع میشود
و سه در آخرت پس آن سه خصلت که در دنیا واقع میشود یکی آنست که
حسن و عزت زناکننده را میبرد دویم فقر از زود می آورد در او سیم
قطع رزق او میکند و آن سه که در آخرتست یکی آنست که حساب او را
بد میکند دویم مغضوب خدای تعالی است سیم آنکه او دایم در دوزخ است
یا علی سود نامشروع گرفتن هفتاد جزو دارد و کمترین و کوچکترین آن مانند
که شخصی با مادر زنا کند در کعبه یا علی یکدرم سود را گناه عظیمتر است
نزد الله تعالی از گناه هفتاد زنا که با مادر و خواهر خود زنا کرده باشد
یا علی آنکه اندکی مالش را بستی ببرد او بی ایمانست و مسلمان نیست
خالق و خلایق یا علی کسی که زکوة مال خود نداده باشد در آخرت طلب کند
که مراجعت کند بدنیا و ادای آن نماید و برنمی‌گردد هیهات قوله تعالی

و روزه داشتن از برای آنکه با کسی سخن نگوید حرام است

حتی اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون لعلی اعمل صالحا ترضاه واصلح
لی فی ذریتی انی تبت الیک و انا اول المسلمین یا علی ترک کند حج
استطاعت داشته باشد کافر است چنانکه الله تعالی فرموده است
ولله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا ومن کفر فان
الله غنی عن العالمین یا علی هر که استطاعت حج رفتن داشته باشد و
کاهلی نماید خدای تعالی او را برانگیزاند یهودی یا نصرانی یا علی صدقه
دادن رد میکند قضا را اگرچه آن قضا محکم باشد یا علی بخشش کردن
بخویشان خود و خاطرجویی ایشان نمودن سبب درازی و زیادتی
عمر است یا علی کسی که ابتدا نماید بخوردن نمک و ختم کند بخوردن آن
او از هفتاد و دو بیماری شفا یابد یا علی اگر من در جنت بمقام علی برسم
البته شفاعت کنم پدر و مادر و عم و برادر خود را که با من بوده‌اند پیش از زمان
نبوت یا علی من پسر دو کسم که قربان شده اند یکی عبدالله و یکی دیگر
اسمعیل و من دعا کرده پدر خود هم که ابراهیم است علیه السلام که در
مکه دعا کرده که از نسل من نبی و پیغمبر باشد یا علی عقل چیزیست که سبب
یا علی او حاصل میشود جنت و طلب رضای حق سبحانه و تعالی بتحقیق اول
چیز که خدای تعالی خلق کرده عقل است و الله تعالی مر او را گفت که
پیش آمد و گفت برو رفت بعد از آن گفت الله تعالی بعزت و جلال من

که من خلق نکرده ام چیزی را که عزیزتر و بهتر پیش من از تو پیش از تو کن
بسبب تو بگیرم و بسبب تو می بخشم و بسبب تو می آمرزم و بسبب تو
عقوبت میکنم یا علی صدقه دادن بغیر خویشان درست نیست اگر که
ایشان محتاج باشند یا علی یکدرم صرف کردن در خضاب بهتر
از هزار دینار بذل و صدقه کردن در راه خدای تعالی و در خضاب
چهارده خصلت است یکی آنکه باد گوشها میبرد دویم روشنی چشم زیاده
میکند سیم دماغ را تر میدارد چهارم بوی دهن خوش میدهد
پنجم بیخ دندانها سخت و محکم میکند ششم بوی بغل را زایل میکند هفتم
وسوسه شیطان از او کم میشود هشتم ملائکه از او خشنود و فرحناک
می باشند نهم آنکه مؤمنان بسبب آن عمل طلب بشارت میکنند دهم
آنکه کافران از او ترسناک میشوند یازدهم آنکه از زینت مروت
دوازدهم آنکه پاکیست سیزدهم آنکه منکر و نکیر از او حیا میکنند چهاردهم آنکه در
قبر سلامت و ایمن باشد یا علی چیزی نیست در گفتن مگر آنکه آنرا
بفعل و عمل آورند و چیزی نیست در مجرد دیدن چیزی مگر آنکه از احوال او
صاحب وقوف باشد و چیزی نیست در دوستی مگر آنکه او وفادار
باشد و چیزی نیست در عفت مگر آنکه او پرهیزکار باشد و چیزی نیست
در صدقه مگر آنکه نیت کند و چیزی نیست در وطن مگر آنکه او در رحمت و

خوشدل باشد یا علی در گوسفند هفت چیز حرامست اول خون
دویم ذکرش سیم آبدنش چهارم مغزی که در میان پشت است
پنجم آن ماده که در گوشت می باشد ششم سپرز هفتم زهره یا علی
در خریدن چهار چیز مبالغه مکن اول در خریدن حیوان از جهت قربان دویم
در خریدن کفن سیم در خریدن غلام و کنیز چهارم در کرایه راه مکه یا علی
آیا ترا خبر نکرده ام از آن کسی که مشابه ترست بمن از مردم گفت بلی
یا رسول الله بعد از آن حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرمود
که آن کسی است که خلق او بهتر باشد از خلق مردم و حلم او بیشتر باشد
از حلم مردم و احسان و کرم او بخویشان خود بیشتر باشد از مردم یا علی
هرگاه که امت من در کشتی نشینند و خواهند که غرق نشوند این دعا
بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم و ما قدروا الله حق قدره
والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات بیمینه سبحانه
وتعالی عما یشرکون بسم الله مجریها و مرسیها ان ربی لغفور رحیم
یا علی هرگاه که امت من خواهند که از دزد و گوش بسلامت باشند
این آیه بخوانند قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا
فله الاسماء الحسنی تا آخر سوره یا علی مگر که امت من خواهند که بسلامت
باشند از فرود آمدن خانه و دیوار بر ایشان این آیه را بخوانند

ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما
من احد من بعده انه کان حلیما غفورا یا علی هرگاه که امت من
خواهند که از غم خلاص باشند این کلمات را بخوانند • لا حول ولا قوة
الا بالله ولا ملجا من الله الا الیه یا علی هرگاه امت من خواهند که
بسلامت باشند از سوختن این آیه بخوانند • ان ولی الله الذی نزل الکتاب
وهو یتولی الصالحین وما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته
یوم القیمة والسموات مطویات بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون یا علی
هر که از امت من ترس داشته باشد این آیه بخواند • لقد جاءکم رسول
من انفسکم • ترس از وی برطرف شود یا علی کسی که چهارپای او رام نشود
این آیه کلام الله در گوش راست او بخواند رام شود • وله اسلم
من فی السموات والارض طوعا وکرها والیه ترجعون یا علی کسی که در شکم
آب زرد داشته باشد بنویسد بر شکم آیة الکرسی را بعد از آن بشوید
و بخورد او را دهند از آن خلاص گردد باذن الله تعالی یا علی کسی که از جن
و شیطان ترسد این آیه بخواند • ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض
ترس او برطرف شود یا علی حق پدر بر پسر آنست که او را نام نیک نهد
و ادب کند و او را در موضع خوب بنشاند • و حق پسر بر پدر آنست که
با همش نام نبرد و او را پهلوی خود ننشاند و پیش او ننشیند و با او

حمام زرد و یا علی سه چیز است که وسوسه می آرد اول خوردن
گل و خاک دویم پاره کردن ناخنها بدندان سیم خوردن ریش
یا علی لعنت خدای بر پدر و مادر است که سبب بله و مسامحه کرده
باشند با فرزند که او بر ایشان عاق و نافرمان بردار باشد
یا علی آنچیزی که از عقوبت و بدی لازم فرزند میشود بسبب عاق
شدن بر پدر و مادر همان لازم پدر و مادر است بسبب عدم تعلیم
آداب و ارکان با او یا علی رحمت الله تعالی بر پدر و مادر است که فرزند
ایشان با ایشان با ادب باشد و نیکوئی کند اگرچه ایشان سبب بله نموده باشند
در تعلیم ادب با او یا علی کسی که ملول گرداند پدر و مادر خود را مستحق عاق
شده است بر ایشان یا علی کسی که غیبت کند مسلمانی را پس مسلمانی
او استطاعت منع کردن داشته باشد و منع نکند نزد الله تعالی
مخذول است در دنیا و آخرت یا علی کسی که کفایت کند در نفقه یتیم
بمال او تا آنکه او غنی شود از اهل جنت است البته یا علی کسی که دست
بر سر یتیمی مالد از روی ترحم الله تعالی او را عطا میکند بعدد هر موی
از یتیم نوری در روز قیامت یا علی فقری سخت تر از جهل نیست • و مالی
بهتر از عقل نیست • و وحدتی بدتر از عجب و تکبر نیست • و ورعی مثل منع کردن
نفس خود از چیزهای بد نیست • و حسبی مثل حسن خلق نیست • و عبادتی مثل

نکر در امور نیست یا علی آفت سخن گفتن دروغ است و آفت علم نسیان است
و آفت عبادت فترت است و آفت جمال عجب و تکبر است و آفت علم
حدیث است یا علی چهار چیز ضایع است اول طعام خوردن کسی که سیر باشد
دویم چراغ بر کردن پیش مهتاب سیم زراعت در زمین شوره
چهارم کاری کردن پیش کسی که از اهل آن کار نباشد یا علی کسی که فراموش
کند صلوات بر من تحقیق که گم کند راه بهشت یا علی انگشترین در دست
راست کن که فضیلت است از الله تعالی و منقول است از امیر المومنین علیه
السلام سوال نمودند که چه انگشترین در دست کنیم فرمودند عقیق سرخ
بدرستی که عقیق اول کوهیست که اقرار کرد بوحدانیت خداوند و
به نبوت من و امامت تو و فرزندان تو و به بهشت رفتن شیعه تو
و بدوزخ رفتن اعدای تو یا علی حق تعالی مشرف شد بر دنیا پس از آن
مرا برگزید بر خلق عالم نوبتی دیگر مطلع شد و برگزید فاطمه زهرا را علیها السلام
بر زنان عالم یا علی من نیستم ماننده ترا از دیگر نام خود در چهار محل پس
یافتم نظر کردن در آن شبی که مرا بآسمان میبردند چون به بیت المقدس
رسیدم دیدم که بر صخره نوشته اند لا اله الا الله محمد رسول الله
ایدته بوزیره و نصرته بوزیره پس از جبرئیل علیه السلام پرسیدم که وزیر من کیست
گفت علی ابن ابی طالب علیه السلام و چون بسدرة المنتهی رسیدم دیدم بران

نوشته

نوشته انی انا الله لا اله الا انا وحدی محمد صفوتی من خلقی ایدته بوزیره
و نصرته بوزیره پس از جبرئیل سوال کردم که وزیر من کیست
گفت علی ابن ابی طالب علیه السلام پس چون بعرش رسیدم دیدم
که نوشته اند بر ستونهای آن انا الله لا اله الا انا وحدی و محمد نبی و
حبیبی ایدته بوزیره و نصرته بوزیره یا علی بدرستی که حق تعالی فضل و
رحمت کرده مرا بهفت خصلت که ترا هست بدرستی که نوبت
اول کسی که از قبر بیرون آید با من و اول کسی که بر صراط بایستد با من و
اول کسی که خلعت گرامت بپوشد با من و اول کسی که زنده شود با من
و نوبت اول کسی که با من بنشیند در منزلهای بهشت و اول کسی که
بیاشامد با من شراب طهور در ظرفها سر مهر از مشک بعد از آن
پیغمبر صلی الله علیه و آله بسلمان فارسی رضی الله عنه گفت چون بیمار
شوی سه چیز هست اگر خدا یاد تو میکند و دعا تو قبول میفرماید و
مرض گناه ترا میبرد و خدا عافیت تو کرامت میفرماید تا وقت اجل
بعد از آن فرمودند بابی ذر رضی الله عنه که اجتناب کن از جوش حرص
از مردمان که در دنیا سبب خواریست و در قیامت سبب حساب
بیشمار ای اباذر خواهی زیستن و خواهی مردن شهادت و بهشت خواهی یافت
شها و قومی از عراق بسبب تو سعادت خواهند یافت که ترا غسل کنند و

دفن نمایند، یا اباذر از کسی چیزی مخواه، اگر چیزی تو دهند قبول کن
بعد از آن پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که خبر دهم که مردمان بد
در میان شما کیانند، حاضران گفتند بلی فرمودند بدترین آنکسانند که سخن
چینی کنند در میان دوستان جدائی افکنند و عیب کنند کسان را
که عیب نداشته باشند فصل چهارم در مواعظ حضرت
رسالت صلی الله علیه و آله با ابن مسعود رضی الله عنه مرویست که
فرمود من با چند کس دیگر روزی بخدمت حضرت رسالت صلی الله علیه و آله
رفتیم بغایت گرسنگی بر ما غلبه کرده بود چنانچه چهار ماه غیر از آب
شیر و برگ درخت نخورده بودیم گفتیم یا رسول الله ما را تا کی این گرسنگی
خواهد بود فرمود که دایم درین گرسنگی خواهید بود پس بشکر خدا مشغول شوید
پس بدرستی که کتابهای خدای بر انبیا پیشین آمده و تمام خوانده ام
نیافته ام که کسی بهشت رود الا صابران، پس سوال کردیم که یا رسول الله
صابران کیانند فرمودند آنکسانی که صبر کنند بطاعت خدا و از معصیت
اجتناب کنند، و کسب کار پاکیزه کنند و در معاش میانه حال باشند
و صدقه کنند پس ایشان رستگارانند ای پسر مسعود علامت صابران
آنست که خشوع دارند و آرام و تفکر در امور، نرمی و پرهیزکاری و نیکوئی
با مردم و دوستی و خشم از جهة خدا و ادای امانت و گواهی دادن و معاونت

اهل حق نمودن و عفو کردن از کسی که بر ایشان ظلم نموده باشد ای پسر مسعود
صابران چون مبتلا میشوند صبر میکنند و چون نعمتی می یابند شکر میکنند
و حکم براستی میکنند و در آیت میگویند و دو فاتحه میکنند و از بدی توبه
میکنند و به نیکوی جزا میکنند و چون جاهلان با ایشان تعرض میکنند روان میکنند
و اعراض میکنند و شب نماز و دعا میکنند و بمردمان نصیحت میکنند و سخن
نیک میگویند سوگند بخدایی که مرا بحق فرستاده که این جماعت صابرانند
ای پسر مسعود خدای فرموده افمن شرح الله صدره للاسلام فهو علی
نور من ربه، بدرستی که نور چون بر دل افتد منشرح میشود و گشاده میگردد
سوال نمودند که نور دل نشانه دارد، فرمودند که بلی کنده شدن از دنیاست
و بازگشت باخرت و مهیا شدن جهة مرگ پیش از آنکه فوت شود فرصت
هر کس که ترک دنیا کرد کوتاه میشود امید او از دنیا و دنیا باهل دنیا میگذارد
ای پسر مسعود آیه لیبلوکم ایکم احسن عملا، اینست که شما را آزمایش
میکنم که کدام ترک دنیا بیشتر میکنید که آن خانه غرورست، و خانه کسی
که خانه ندارد و خانه کسی که عقل ندارد جمع آن میکند، و احمق مردم کسی است
که طلب دنیا میکند، و حق تعالی فرموده در شان عیسی علیه السلام که
و آتیناه الحکم صبیا، یعنی ما در کودکی دادیم باو زهد و ترک دنیا و
فرموده مر موسی را که بهترین زینتها در نظر من زهد است چون [illegible]

نکوکند مدح کن • و اگر توانگری روی نکوکند بترس ای پسر مسعود هر کسی
بشناخت بهشت باید که شتاب کند بخیرات • و هر کس که بترسید از
آتش باید که شهوات ترک کند • و هر کس که مردن یقین دارد باید که از لذات درگذرد
و هر کس که در دنیا زاهد شد مصیبتها بر او آسان شد ای پسر مسعود الله تعالی
برگزید موسی علیه السلام را بکلام خویش • و مناجات کرد با او و در وقتی که رنگ سبزی
از شکم او پیدا بود از لاغری ای پسر مسعود اگر خواهی بیان کنم جهت تو حال
نوح نبی علیه السلام را که هزار سال الا پنجاه سال در دنیا زیست چون صباح میکرد در آن
نبود که شب خواهد بود • و چون شب میشد در آن نبود که صباح خواهد
بود • و لباس او از موی بود و طعام از جو میخورد • و طعامهای خوب بمردم
میداد • و لباس از موی میپوشید • و چون شب میشد تا صباح نماز میایستاد
و ابراهیم خلیل را علیه السلام لباس از لیف خرما بود • و طعام او از جو
و اگر خواهی بیان کنم حال یحیی علیه السلام را لباس او از لیف خرما بود
و طعام او برگ درخت • و اگر خواهی بیان کنم حال عیسی بن مریم علیه السلام
و آن عجب حالیست که میگفت نانخورش من گرسنگی است • و شعار من ترس
و لباس من پشمست • و مرکوب من پایهای منست • و چراغ من در شب ماهتاب
و آتش من در زمستان روشنی آفتاب • و میوه و ریحان من سبزیهای
زمینست که جانوران میخورند • شب میکنم هیچ ندارم و صبح میکنم هیچ ندارم

و در روی زمین هیچکس از من توانگری بیش ندارد ای پسر مسعود تمام
این انبیا بخشم اند و صغیر میدانند آنچه نزد خدای صغیر است و حق تعالی
در کتاب خود مدح ایشان بسیار نموده و از عذاب ترسانیده ای پسر مسعود
آتش جهت آنکس است که حرام خورد • و بهشت جهت آنکس است که از حلال
نیز بگذرد • ای پسر مسعود خواهند آمد جماعتی بعد از این که طعامهای خوب
خورند • و بر چهارپایان خوب سوار شوند • و زینتها زنانه خود را آرایند
و زنان بیرون آیند بطور ملکان جبار بتجمل ساختن این امت اندر
آخر الزمان شراب خورند • و قمار بازند • و بشهوت مشغول باشند • و ترک
نماز بجماعت کنند • عداوت بسیار ورزند • مثل ایشان مثل گیاه دفلی است
که شکوفه او نیکوست و طعمش تلخ • عملهای ایشان درد ناکست که دوا ندارد
ای پسر مسعود سخن ایشان از برای زبان ایشانست • و شرف ایشان
درهم و دینارست همتهای ایشان شکمهای ایشانست • اینجماعه بدترین
مردمند همه از ایشان بگریزد و بدیشان باز گردد ای پسر مسعود اسلام
چون پیدا شد غریب بود • و زود باشد که باز گردد غریب • و مرحبا
مر کسانی را که غریب اند • پس از فرزندان شما کسی که بیابد زمان اسلام
نکند بر ایشان و مشایعت نکند با جنازه ایشان • و پرسش نکند
خستگان ایشان را • پس بدرستی که ایشان اظهار طریقه شما میکنند و معاشران

بخلاف شما پست و بیمیر ندبر غیر ملت شما ایشان نیشند از من و من
نیستم از ایشان پس باید که نترسید کسی غیر از خدا ای پسر مسعود بر ایشان
باد لعنت من و تمام رسولان و ملایکه مقربان و بر ایشان باد غضب
خدا و سختی حساب در دنیا و آخرت ای پسر مسعود خواهد آمد بر مردم زمانی
که صبر کردن بر دین همچون بر داشتن آتش است بکف دست ای پسر مسعود
علمای ایشان و فقهای ایشان خاین اند و بدکردار و بدترین خلق خدا
و پیروان ایشان و کسانی که ایشان را دوست دارند و با ایشان همنشین شوند
و با ایشان مشورت کنند بدترین خلق خدا اند میگویند که بر دین منند و
بر سنت و شریعت و طریقت من لیکن من از ایشان بیزارم و ایشان از
من بری ای پسر مسعود با ایشان همنشین مشو و خرید و فروخت مکن و آب
بدیشان مده سوگند بخدای که مرا بحق بخلق فرستاده که خدای ایشان را
بمیمون مسخ گرداند و در زمین فرو برد ای پسر مسعود کسی که علم بیاموزد از
جهت دنیا و غالب شود بر دوستی دنیا و زینت آن مستحق عذاب و
عقاب خدا شود و در درک اسفل با یهودان و نصرانیان در رود ای
پسر مسعود کسی که بیاموزد علمی و بآن عمل نکند در قیامت کور باشد
و کسی که علم بیاموزد بریا و جهت دنیا الله تعالی برکت از و بردارد و
معاش بروی تنگ گرداند و خدا او را بخود واگذارد پس هلاک شود

ای پسر مسعود باید که همنشینان و برادران تو متقیان و زاهدان باشند
ای پسر مسعود اینجماعت منکر را نیکو میدانند و نیکو را منکر پس حق نمی بینند
ای پسر مسعود بر تو باد که از خدای ترسی و واجبات بجای آوری ای پسر مسعود
ترک کن انچه ترا بکار نمی آید و قصد کن انچه ترا بکار می آید ای پسر مسعود
بپرهیز از انکه ترک طاعت کند و قصد معصیت ای پسر مسعود پرهیزگاری
کن از دنیا و لذتها و شهوتها و زینتها آن و خوردن آن از حرام و طلا و
نقره و مرکوبها و زنان و فرزندان و خروار بار طلا و نقره و گاو و گوسفند
و شتر و زراعت و بدرستی که اینها متاع دنیاست و نزد الله تعالی
ثواب و بازگشت نیکوتر از ینهاست ای پسر مسعود چون قرآن خوانی و بآیتی
برسی که در و امر و نهی باشد مکرر بخوان و ملاحظه معانی آن کن و از آن پند
و اعتبار گیر و غافل مشو از آن ای پسر مسعود سوگند بخدا که مرا بحق بخلق فرستاد
که زمانی در آید که مردم شراب حلال کنند و نام او نبید نهند و لعنت
خدای تعالی و ملایکه و جمیع خلایق بر ایشان باد و ایشان از من دور و من
از ایشان بری و بیزار ای پسر مسعود زنا با مادر خود سهلتر است نزد الله تعالی
از خوردن ربا اگرچه بمقدار دانه خردل باشد و خوردن سبب کننده خواه
اندک باشد و خواه بسیار زیرا که ربا کلید همه شرهاست ای پسر مسعود
اینجماعت کنند عیب بر کسی که بر روش سنت منست و فرض خدای ای

پسر مسعود بپرهیز از مستی گناه بدرستی که گناه در مستی هست مانند مستی شراب
بلکه بیش از آن ای پسر مسعود دنیا ملعونست و آنچه در دنیاست هر کس که آنرا
بخورد و دوست میدارد ای پسر مسعود چون کاری کنی از برای خدا کن
نه از جهة عرض دیگر زیرا که حق تعالی قبول نمیکند از بندگان الا آنچه خالص لوجه الله
باشد ای پسر مسعود بگذار نعمت دنیا را و شیرینی آن و کرم و سیر دان
و لازم ساز بر نفس خود صبر از آن زیرا که حق تعالی در آخرت از شما سؤال
خواهد نمود ای پسر مسعود چون کار نیک کنی و قصد تو از آن چیزی باشد غیر خدا
امید مدار از آن کار ثواب آخرت ای پسر مسعود زمانی که مردمان مدح تو کنند
و گویند تو روز روزه میداری و شب بیداری و نماز میگذاری و تو
چنان نباشی بدان خرم مشو ای پسر مسعود کار نیکو بسیار کن بدرستی که در
روز قیامت نیکوکار و بدکار هر دو پشیمانند نیکوکار گوید ای کاش که
بیشتر میکردم نیکوکاری و بدکار گوید ای کاش که نمیکردم آن بدی ای
پسر مسعود یاد کن قرنهای پیشین و ملوک و حکام و جبابره که پیشتر بودند رفتند
چون عاد و ثمود و فرعون و از حال ایشان اعتبار گیر ای پسر مسعود
تقوای حق التزام کن در ظاهر و نهان در بر و بحر و در شب و روز زیرا که
خدای با شماست هر جا که هستید ای پسر مسعود خیانت مکن با هیچکس در
مالی که نزد تو نهند یا امانتی که ترا بران امین دانند چه حق تعالی میفرماید ان الله یأمرکم

ان تؤدوا الامانات الی اهلها یعنی خدای تعالی امر میکند شما را که
برسانید هر امانتی را بصاحب آن ای پسر مسعود سوگند بانکه مرا بخلق
فرستاده که هر کس که از دنیا بگذرد و بگذارد و روی تجارت آخرت
کند حق تعالی خیر بسیار باو دهد و نفع بیشمار کرامت کند پس ابن مسعود
گفت مادرم و پدرم فدای تو باد یا رسول الله چیست مرا تجارت
آخرت آنحضرت فرمودند که زبان تو رنج و سود میکند از ذکر خدا بگو
سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر پس بدرستی که
این تجارت سود کننده است ای پسر مسعود هر چیزی که چشمان تو ببیند
و دل تو آنرا پسند کند آنرا از برای خدا صرف کن که تجارت آخرت است
چه حق تعالی میفرماید ما عندکم ینفد و ما عند الله باق یعنی آنچه نزد شماست
فانی و نیست میشود و آنچه نزد خدای تعالی باقیست ای پسر مسعود چون
بگویی لا اله الا الله و ندانی حق آنرا باز گردانند بسوی تو ای پسر مسعود
دوست دار صالحان را پس بدرستی که هر چه هر کس دوست دارد محشور
شود با آن پس اگر توانایی نداشته باشی بر اعمال نیکو دوست دار علما را
ای پسر مسعود پرهیزکاری کن از شرک بخدا و اگرچه پاره پاره ازتو ببرند [illegible]
توجه کنند یا ترا بحلق آویزند یا باتش بسوزند ای پسر مسعود صبر کن در
صحبت کسانی که ذکر خدای و تسبیح و تهلیل و تحمید میکنند و عمل میکنند بطاعت

او و در صبح و شام خدا را میخوانند ای پسر مسعود هیچ چیز را اختیار مکن و
مگزین بر ذکر حق تعالی چه میفرماید و لذکر الله اکبر یعنی ذکر خدای بزرگتر است
از همه اشیا ای پسر مسعود بر شما باد که التزام کنید سکینه و آرام و
وقار پس باش تو سهل و نرم سخن و پرهیزکار و مسلمان و متقی و نیکوکار
و طاهر و پاکیزه کننده و صادق و خالص و سلیم و صحیح و عاقل و صالح
و صابر و شاکر و مومن و متورع و زاهد و رحیم و دانا زیرا که هر که
بدین صفات موصوف است مستحق بهشت است و بهشت میراث او
چنانچه حق تعالی میفرماید والذینهم علی صلوتهم یحافظون اولئک هم
الوارثون الذین یرثون الفردوس هم فیها خالدون ای پسر مسعود
شفقت مکن بر اهل و فرزند خود بحیثیتی که داخل شوی بسبب آن در معصیتها و
حرام و در قیامت شرمنده باشی و باید که یاری حق کنی و بعمل صالح
مشغول شوی که عمل نیکو پسندیده خداست ای پسر مسعود مباش از قبیل
آنکسی که راه نماید مردمان را بکار نیک و امر کند ایشان را بکار نیک و حال آنکه
خود غافل باشد از نیکی کردن ای پسر مسعود نگاه دار زبان خود را از بد گفتن
تا شرمنده نشوی در آخرت ای پسر مسعود افشای سر مکن که افشا را جزا داده
نمیشود در آخرت ای پسر مسعود بترس از خدای در حال غیبت و نادیدن او
و چنان بترس که گویا او را می بینی اگر تو او را نمی بینی پس بدرستی که او ترا

بیند

می بیند ای پسر مسعود انصاف بده مردمان را از نفس خود و نصیحت کن ایشان را
و رحم کن بر ایشان پس اگر تو همچنین باشی و خدای تعالی غضب کرده باشد
بر اهل شهری که تو در آن شهر باشی و خواهد که بر ایشان عذاب فرستد
نظر کند بسوی تو و بسبب تو رحمت کند بر ایشان و عذاب نفرستد
ای پسر مسعود حذر کن از آنکه خود را ظاهر گردانی در میان مردمان بتواضع
و فروتنی حال آنکه در خلوت که تو باشی و خدای را اصرار و مبالغه نمایی
در معصیتها و گناهها و خدای تعالی عالم است بانها و مخفی تر از نهانها ای
پسر مسعود مباش تو مثل کسانی که سخت نمایند چیزها بر مردمان و آسان گیرند بر
خود ای پسر مسعود اگر عمل و کاری کنی آنرا از روی علم و عقل کن ای پسر مسعود
حذر کن از کاری بی اندیشه و دانش ای پسر مسعود راست گوی باش
و بیرون میا و ربط نطق از دهان خود بدروغ زبانرا و انصاف ده مردمانرا
از نفس خود و نیکوی کن با ایشان و دعوت کن مردم را به نیکی کردن و
نیکی کن با خویشان و مکر و حیله مکن با مردم و وفا کن بعهد و پیمان کرده

فصل نهم در وصیت حضرت رسالت صلی الله علیه و آله با ابا ذر غفاری رحمة الله علیه

مرویست که ابو ذر گفت که رفتم در اول
روز بخدمت حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و ایشان در مسجد بودند
و در مسجد کسی نبود غیر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت امیرالمومنین علیه السلام

که هر یک بر یکطرف وی نشسته بود پس غنیمت دانستم خلوت مسجد را
گفتم یا رسول الله پدر و مادرم فدای تو باد وصیت کن مرا وصیتی که
نفع دهد خدای تعالی مرا بآن پس فرمود که ای اباذر بتحقیق که از مایی و
و اهل بیت مایی وصیت میکنم ترا بوصیتی چند نگاه دار آنرا که ترا سود دهد
در دنیا و آخرت ای اباذر عبادت کن و بندگی نمای خدای را آنچنانکه
گویا تو او را می بینی اگر تو او را نمی بینی بتحقیق او ترا می بیند بدان ای اباذر
که اول بندگی کردن خدای تعالی دانستن است و دانستن آن است که
خدای تعالی اول است پیش از هر چیزی و پیش از وی هیچ چیز نبوده و اوتعالی
یکی است و او را دوم نیست و باقی است که او را آخر و نهایت نیست
آفریننده آسمان و زمین است و آنچه در ایشان و میان ایشان است و خدای
تعالی لطف کننده بر خلق و آگاه است بر جمیع چیزها و قدرت دارد بر هر چیزی
که ممکن است بعد از ایمان آوردن بمن یعنی اعتقاد کردن بجمیع آنچه من بآن
آمده ام و اقرار کردن باینکه خدای تعالی مرا فرستاده است بر جمیع مردمان
از جهة بشارت رسانیدن بایشان و ترس دادن ایشان را بعذابها و بدیها و
طلب کردن ایشان را بخدای باذن او و من چراغم نور دهنده بعد از آن
دوستی اهل بیت من که خدای تعالی دور کرده از ایشان چرکنیها و پاک گردانیده
ایشان را آنچنان پاک کردنی که می باید و بدان ای اباذر بتحقیق الله تعالی

گردانیده

گردانیده است اهل بیت مرا در امت من مثل کشتی نوح که هر کس که
سوار شد بران نجات یافت از طوفان و غرق و هلاک و هر کس که اعراض
کرد از ان غرق گشت و هلاک شد و محبت اهل بیت من مثل خانهٔ حطه است که
در بنی اسرائیل بوده که هر کس داخل شد دران ایمن شد از بلاها و عذابها ای
اباذر نگاهدار آنچه وصیت میکنم تو با تا سعادتمند باشی در دنیا و آخرت
ای اباذر دو نعمت است که مغبون مانند اکثر مردمان از ان یکی تندرستی و دیگری
فراغت ای اباذر غنیمت دان پنج چیز را پیش از پنج چیز جوانی را پیش از
پیری و صحت را پیش از بیماری و مالداری را پیش از بی چیزی و فراغت
را پیش از گرفتاری و زندگی را پیش از مردن ای اباذر حذر کن از تقصیر
در کارها و کار امروز بفردا میفکن طاعت و حیاتی که امروز می باید کرد آن
بکن و بفردا موقوف مدار زیرا که اگر فردا باشی طاعت و عبادت و
احیانی که باید کردن کمی مثل روز گذشته و اگر نباشی ندامت نکشی در
روز قیامت از چیزی که کرده در روز گذشته ای اباذر بسیار کسانند
که روز حاضر را غنیمت نمیدانند و استکمال نمیکنند و انتظار فردا میکشند
و بفردا نمیرسند ای اباذر اگر تو نظر کنی باجل و مسافت آن هر آینه
ترک کنی امید و غرور را ای اباذر باش تو در دنیا مثل غریبی یا راهگذری
و بشمار خود را از اهل گورستان ای اباذر اگر در صباح باشی

باخود که درشب این کار را و آن کار کنم • و اگر در شب باشی مگو که در صباح چنین و
چنان کنم • و فرا گیر در حالت صحت آنچه مقتضی صحت است از اعمال صالحه
پیش از آنکه بیمار شوی • و اخذ کن در زمان حیوة از افعال پسندیده پیش از
موت • زیرا که معلوم نیست که فردا حال تو چیست و بچه نام میخوانند ترا
سعید میخوانند یا شقی • ای اباذر اگر در یابد ترا کشتی گیری پیش از افتادن
فال بگیر و در دل خود میاور که من می افتم و مغلوب میشوم • ای اباذر تو قدرت
نداری که مراجعت کنی بعد از مردن پس باید که اعمال نیک پیش از مردن
بجای آری و فایده نمیدهد ترا کسی که اموال و اسباب خود جهت وی
گذاشته باشی و عذر تو نمیخواهد کسی که جمع کرده بهرا و چیزی که بآن مشغول گشته
ای اباذر بر عمر خود حریص تر باش از خود بر طلا و نقره • بدرستیکه بدترین
بحسب منزلت بخدای تعالی در روز قیامت عالمیست که منتفع نشود
بعلم خود و هر کس طلب علم کند بواسطه آنکه مردمان روی بدو کنند • و او را
بزرگ خوانند نمیشنود او بوی جنت • ای اباذر اگر کسی از تو سوال کند
چیزی را که ندانی تو بگوی آنرا نمیدانم • تا نجات یابی از عذاب خدای تعالی
در روز قیامت • ای اباذر مطلع میشوند قومی از اهل جنت بر احوال قومی از
اهل دوزخ در آتش • و حال آنکه ما داخل شده ایم بواسطه قصد ادب کردن
و تعلیم کردن شما • ما را ایشان گویند داخل شده ایم بواسطه آنکه امر میکردیم

مردم را بچیزهای نیک • و حال آنکه بدان عمل نمیکردیم • ای اباذر حقهای خدای
تعالی بزرگتر است از آنکه بندگان بگزاردن آن قیام توانند نمود • و نعمتهای خدای تعالی
بیشتر از آنست که بندگان در شمار توانند در آورد • ولیکن باید که در صباح
و مسا توبه کنند • ای اباذر بتحقیق در گذشتن شب و روز و عدهٔ عمر پست
و کم میشود و عملها را حفظ میکنند • و مرگ ناگاه می آید • و هر کس که زراعت
نیک میکند و زراعت بد میکند زود باشد که درو کند پشیمانی و ندامت
را و از برای هر زراعت کننده حاصلیست مثل آن چیزی که زراعت کرده •
و هر کس که بجهد خیری رسانید خدای تعالی نیز بدو خیر رساند • و هر کس که نگاه دارد
بنده خدای را از بدی خدای او را از بدی نگاه دارد • ای اباذر پرهیزکاران
قوم بزرگند • و فقیهان راه نماینده مردمانند بجنت و نشستن با ایشان
موجب زیادتی درجه است در دنیا و آخرت • بتحقیق مومن می بیند گناه
خود را مثل سنگی که گویا آن در شیب آن نشسته است • و میترسد که آن سنگ
برو واقع شود • و کافر می بیند گناه خود را گویا مگسی است که بر بینی او نشسته
ای اباذر بتحقیق خدای تعالی هر گاه که با بنده نیکی خواهد میکند
گناه او را نزد دو چشم او مجسم • و بر و گران و سخت میگرداند تا دیگر گناه
نکند • و هر که با بنده بد است و بدی او میخواهد میگرداند گناه او را در دو جانب او
هر گناه او را از و فراموش میکند • و نظر مکن بخوردی گناه خود ولیکن نظر کن که

باکه عاصی میشوی ای اباذر تحقیق که نفس مومن مضطرب تر است از رسن چاهی
بسبب گناه کردن از گنجشکی که انداخته شود در دام ای اباذر کسی که موافق
باشد قول او با فعل او پس ایمن فردای قیامت میرسد بر نصیب و رزق خود
و کسی که مخالف باشد قول او با فعل او بدرستی و راستی که سرزنش کرده میشود
او را فردای قیامت در میان مردم منکر بسبب ریا ای اباذر تحقیق که
مردم محروم میکردند از رزق خود بسبب گناهی که میکنند ای اباذر منع کن
نفس خود را از چیزی که در آن چیز فایده نباشد و سخن مگوی در چیزی که
بمعنی است و نگاه دار زبان خود را از زیادی همچنانکه نگاه میداری نقد و
جنس خود را از تلف ای اباذر تحقیق که خدای تعالی داخل میگرداند قومی را
در جنت و عطا میکند بدیشان نعمتهای گوناگون تا آنکه ایشان سیر میشوند و
بالای ایشان قومی باشند در درجه عالی پس هرگاه که نظر کنند بدیشان بشناسند
ایشان را گویند پروردگارا اینها برادران ما بودند و باهم بودیم در دنیا
پس بچه جهة تفضیل کرده اند ایشان را بر ما پس جواب داده شود که هیهات
هیهات تحقیق که ایشان گرسنه میبودند در زمانی که شما سیر بودید و
تشنه میبودند در زمانی که شما سیراب بودید و بر پای ایستاده بودند در
حینی که شما خفته بودید و در تشویش و مشقت بودند در ساعتی که شما در راحت بودید
ای اباذر گردانیده است الله تعالی روشنی چشم مرا در نماز گذاردن و محبت

نماز در دل من نهاده همچنانکه محبت گرسنه بطعام و تشنه بآب لیکن گرسنه
سیر میشود هرگاه که طعام میخورد و تشنه سیراب میشود هرگاه که آب می
آشامد و حال آنکه من سیر نمیشوم از نماز گذاردن ای اباذر هر آدمی که
دوازده رکعت نماز سنت در شبانه روزی بگذارد سوای آنچه برو
فرض شده هر آینه باشد او را حقی واجب و ثابت در بهشت ای اباذر مادام
که نماز گذاری تحقیق که میکوبی در ملک جبار را و هر کس که در ملک جبار بسیار
کوبد هر آینه گشاده شود از برای او ای اباذر هیچ مومنی نیست که نماز گذارد
مگر آنکه نثار کنند بر وی نیکی آنقدار که در میانه او و عرش است و موکل
گردانیده شده بر وی ملکی را که ندا میکند و میگوید ای پسر آدم اگر تو میدانستی که
چه فایده دنیوی و اخروی از برای توست در نماز گذاردن و با که
مناجات میکنی التفات نمیکردی بهیچ چیزی غیر از آن ای اباذر نیکی
مر اصحاب عملهای را که ایشان برداشته اند آن عملها را در روز قیامت
و در پیش مردم میروند بجنت گفت سوال نمودند که ایشان چه کسانند
جواب داده اند که ایشان آنکسانند که پیش از مردمان در سحرها و غیر سحرها
بمساجد میروند و بطاعت مشغول میگردند ای اباذر سکون و نیت و زبان
بزرگتر از آنست و صدقه محو میکند گناه را و زبان بزرگتر از آنست و روزه
داشتن سپر است از آتش و زبان بزرگتر از آنست و غزا کردن با کفار سنت

وزبان بزرگتر از انست یعنی هرکه زبان خود را بذکر خدای تعالی گویا کند و گوش
باز دارد و جاری دارد به نیکی گفتن ثواب آن بزرگتر هست و زیاده تر هست از
ثواب انها ای اباذر مرتبه و درجه در جنت بالای درجه و مرتبه می باشد
همچنانکه در میان آسمان و زمین درجه بالای درجه هست و بتحقیق که بنده از
بندگان هرآینه در آخرت چشم خود بگشاید و ظاهر و درخشان شود در برابر
او نوری که نزدیک باشد که ببرد نور چشم او را پس آن بنده مشغول شود
بالکلیه بآن نور و خود را از دیگر چیزها باز دارد و بعد از ان گوید که این چه
نور هست جواب داده شود که این نور برادر تست و او گوید که برادر من
فلان هست و ما با یکدیگر عمل میکردیم در دنیا بیکدیگر عمل میکردیم چون هست که تفضیل
کرده شد او را بر من همچنین پس گفته شود او را که برادر تو فاضلتر بود از
جهة عمل و او از همین مکدر شود و بعد از ان الله تعالی میکند در دل او راضی
شدن تا او راضی شود ای اباذر دنیا زندان مومنست و جنت کافر
و صباح نمیکند مومن در دنیا مگر انکه حزین و اندوهناک می باشد چگونه اندوهگین
نباشد که خدای تعالی او را بداخل شدن در جهنم وعده نموده و همیشه مومن
در دنیا طولیست تا انکه مفارقت کند از دنیا و چون مفارقت کرد از دنیا
میرسد برحمت ای اباذر گرامی نیست نزد خدای تعالی چیزی بهتر از درازی
حزن و اندوه ای اباذر کسی را که حاصل شده باشد علمی که او را گریان نسازد

هرآینه آن نیز او را هست که باشد از قبیل کسی که علمی حاصل نموده باشد و انتفاع
نگیرد و بدان بتحقیق که خدای تعالی صفت کرده علما را بدین نوع که ان الذین اوتوا
العلم من قبله اذا یتلی علیهم یخرون للاذقان سجدا ویقولون سبحان ربنا ان کان وعد
ربنا لمفعولا ویخرون للاذقان یبکون ویزیدهم خشوعا ای اباذر کسی که
استطاعت آن دارد که گریه کند باید که گریه کند و کسی که استطاعت
آن ندارد که گریه کند باید که دل خود را آگاه کند و اندوهگین سازد و خبر میدهم
ترا که دلی که زنگ دارد او دور هست از خدای تعالی ای اباذر خدای تعالی
میفرماید که جمع نمیکنم بر بنده دو ترس یعنی ترس دنیا و آخرت و جمع نمیکنم
از برای او دو امن یعنی امن در دنیا و آخرت پس اگر کسی ایمن باشد از من
در دنیا میترسانم من او را در آخرت ای اباذر اگر مردی را عملی باشد مثل
عمل هفتاد پیغمبر میباید که آن عمل را حقیر داند و بترسد که نجات نیابد
از عذاب روز قیامت ای اباذر بتحقیق عرض میکند بر بنده گناهان
او را در روز قیامت هر نوع گناهی که کرده باشد پس او بگوید که
در دنیا من ترسان بودم و بر بندگان خدای مشفق خدای تعالی او را
پاک سازد و عفو کند ای اباذر بتحقیق که مردی که عمل نیک کند و تکیه و اعتماد
بران نماید و ارتکاب کند بگناهان صغیره هرگاه که نزد خدای تعالی آید
بر او خشمگین و غضبناک باشد ای اباذر هست بنده که گناه کند و بسبب آن

گناه بهشت رود پس گفتم من چگونه می باشد این که پدر و مادرم فدای تو باد
یا رسول الله فرمود که بنده که گناهی کند و آن گناه همیشه برابر چشم او باشد
و فراموش نکند و تایب باشد از آن و گریزان از آن گناه بسوی خدای تعالی
تا محلی که به بهشت رود ای اباذر زیرک کسی است که نفس خود را به نیکی وادارد
و کاری کند که نتیجه آن بعد از موت بدو رسد و مرد عاجز کسی است که نفس او
تابع لذات و شهوات باشد و طلب کند از خدای تعالی که او را بمقاصد
لذات دنیوی برساند ای اباذر اول چیزی که برداشته میشود ازین امت
امانت است و تواضع تا آنکه بمرتبه رسد که یافت نشود متواضعی ای اباذر بحق
آنکسی که نفس محمد در ید قدرت اوست که اگر دنیا نزد خدای تعالی اعتباری
میداشت برابر پشه یا پر مگسی هر آینه یک شربت آب از آن بکافران نمیداد
ای اباذر دنیا ملعون است مگر کسی که در دنیا طلب کند خدا را و توجه او
بخدای باشد و هیچ چیز نزد خدای تعالی دشمن تر و بدتر از دنیا
آفرید دنیا را و نظر کرد بدو و نظر نمیکند بدنیا تا روز قیامت و نیست
هیچ دوستتر نزد خدای تعالی از ایمان آوردن بدو و ترک کردن چیزی که
امر فرموده بترک آن ای اباذر تحقیق که خدای تعالی وحی کرد به برادرم
عیسی علیه السلام و فرمود که ای عیسی دوست مدار دنیا را از برای آنکه
من دوست نمیدارم او را و دوست دار آخرت را زیرا که آخرت خانه است که

بازگشت همه بدو است ای اباذر جبرئیل آمد بسوی من با خزاین دنیا بر استر
سفید و سیاه پس گفت مرا ای محمد اینها خزاین دنیاست و نقصان
نمیرسد تو را در مرتبه و درجه که داری نزد الله تعالی بواسطه فایده که تو
ازین خزاین بگیری بعد از آن گفتم که ای جبرئیل مرا حاجت نیست باینها هر گاه
که سیر میشوم شکر میکنم پروردگار خود را و هر گاه گرسنه میشوم از
خدای تعالی طلب میکنم چیزی ای اباذر اگر خدای تعالی خیر بنده خواسته باشد
دانا میگرداند او را در دین و زاهد میگرداند در دنیا و بینا میگرداند
ویرا بعیبهای خود ای اباذر زاهد نمیشود بنده در دنیا مگر که ثابت میگرداند
خدای تعالی حکمت را در دل او و گویا میگرداند بآن حکمت زبان او را
بعیبهای دنیا و دردها او و دواها او و بیرون میبرد او را بسلامت
بهشت ای اباذر اگر بینی برادر خود را که او زاهد است در دنیا پس نزدیک او شو
و استماع سخنان او کن زیرا که تحقیق القاء حکمت میکند و افادت حکمت مینماید
پس گفتم من که یا رسول الله کیست زاهدتر در میان مردم فرمود که کسی که
فراموش نکند قبرها را و پوسیدن جسدها را و ترک کرده باشد زیادتی
زینت دنیا را و اختیار کرده باشد چیزی که او باقیست بر چیزی که او
فانیست و خود را در سلک مردگان عدد کند ای اباذر وحی نکرده خدای تعالی
بمن که جمع کنم مال را اما لیکن وحی کرده مرا که تسبیح کنم بثنای پروردگار تو و

باش تو از سجده کنان و بندگی کن خدای تعالی را تا آنکه ترا یقین حاصل شود
ای اباذر می پوشم من آلتهاء درشت و سطبر و می نشینم بر روی خاک و
می لیسم انگشتان خود را و سوار میشوم بر حمار بی زین و کسی را بر قفای خود
سوار میکنم و اینها سنت منست و هر کس که اعراض کند از سنت من او
از من نیست ای اباذر دوست داشتن مال و شرف برنده تر است دین مرد را
از دو گرگ که بروند بر گله گوسفند و کشش کنند آن دو گرگ در آن گله
تا صباح پس میکذارند از آن گوسفندان یعنی مطلقا چیزی نمیکذارند
از گوسفندان حب مال و شرف با دین مرد چنین میکند که گرگان در گله گوسفند
گفت اباذر که گفتم یا رسول الله کیستانی که خوف دارند از خدا و فروتنی
میکنند و متواضعند و ذکر الله تعالی بسیار میکنند ایشان سابقند در جنت
بعد از آن رسول صلی الله علیه و آله فرمود که نه و لیکن سابق در جنت فقرا اند
بتحقیق که ایشان پای می نهند بر گردن مردمان و در جنت میروند
ای اباذر بتحقیق که دنیا مشغول کننده است دلها و بدنها را آنچه تا که موجب
لذات دنیوی است و میباید که هر که مسلمانست خود را نگاه دارد از محرمات
تا فردای قیامت از عهده جواب تواند بیرون آمدن ای اباذر خدای تعالی
سوال خواهد کرد از ما نعمتهای حلال را پس چگونه سوال نکند ما را از نعمتهای حرام
ای اباذر بتحقیق که من طلب کرده ام از حضرت عزت که بدهد رزق کسی که

او دو چیز دارد

او دو چیز دارد مرا که بقدر کفاف او یعنی آن مقدار که او را کافی باشد
و زیاده نباشد و طلب کرده ام از خدا که بدهد بکسی که دشمن دارد مرا مال
بسیار و فرزندان بسیار ای اباذر خوشا حال کسانی را که دوری گزیده اند
از دنیا و رغبت بدنیا ندارند و رغبت دارند در آخرت یعنی از لذات
دنیوی و شهوات متنفرند و راغب اند باسباب آخرت و ایشان آنجماعت اند
که زمین را زیلوی خود ساخته اند و خاک را بستر خود ساخته و آب را پاک
و حلال آشامیده و کلام حق تعالی را شعار خود ساخته اند و بدان عمل میکنند
و دعا و خدای تعالی را دثار خود ساخته یعنی همیشه طالب خدا اند و منقطع اند
از دنیا انقطاع تمام ای اباذر زرع آخرت نیکوست و زراعت دنیا
مال بسیار است ای اباذر بتحقیق که پروردگار من خبر داده است مرا
گفته که بحق عزت و بزرگی من نرسیده اند عابدان بدرجه گریه کنان
بدان درجه رسیده اند و بتحقیق که من هر اینه بنا کرده ام جهت گریه کنان در
جنت در درجه علیا قصری که در آن قصر شریک نمیشود هیچ کس با ایشان
بعد از آن گفت که گفتم یا رسول الله کدام مومن دانا و زیرک تر است فرمود
آنکه ذکر مرگ بسیار کند و نیکوتر از برای تهیه مرگ باشند ای اباذر
وقتی که داخل شود نوری در دل مومن فراخ میشود دل مومن تا علوم و حکم
ظاهر شود و در آن چیزها میگنجاند بعد از آن گفتم یا رسول الله چیست

علامت این کفت نار شتیست بدرا از بدی و دوری کزیدن از دنیا
وخود را مستعد مرک ساختن است پیش از آمدن مرک ای اباذر بترس از
خدای و ستمهای خود را با مردم که تو میترسی از خدا آنکه کرامی دارند مردم ترا
وحال آنکه دل تو بد باشد با خدای ای اباذر البته می باید که باشد از برای تو
در هر چیزی که بعمل می آوری نیت خوبی حتی در طعام خوردن و خواب کردن
ای اباذر البته باید که بزرک داری بزرکی خدا را پس بزبان میاور چنانکه
جهال و کفار بزبان می آورند نزد سک دیدن میکویند اللهم اجره
و نزد خوک دیدن اللهم اجره ای اباذر بتحقیق که خدای تعالی را ملائکه هست
که ایشان ایستاده اند همیشه از ترس خدای تعالی و مستغرق حق اند و
سرهای خود بالا نمیکنند تا آن زمان که نفخ در صور دمیده شود در نفخه آخر
بعد از آن جمیع ملائکه کویند سبحانک و بحمدک ما عبدناک کما ینبغی لک
ان تعبد و اکر مردی را مثل عمل هفتاد نبی باشد هر آینه عمل آن اندک مینماید
نزد او از بسیاری چیزی که می بیند در روز قیامت و بتحقیق که اکر دلوی را بریزند
از چرک و ریم جهنم در موضع طلوع آفتاب هر آینه بجوش می آید از حرارت
و شدت کرمی آن مغزها و ظرفها که در موضع غروب آفتاب است و اکر جهنم
یکزبانه از آتش بزند نمیماند باقی ملک مقرب و نه نبی مرسل مکر بیفتند و بنشینند
بر دو زانوی خود بی اختیار و بکویند هر یک از ایشان که رب نفسی

نفسی

نفسی ای پروردکار بر نفس من رحم کن و غفران کن بر نفس من بفریاد رس بغیر از
نفس خود هیچ چیز را وا نکند تا آنکه ابراهیم علیه السلام فراموش کند فرزند خود
اسحق علیه السلام را و بکوید که ای پروردکار من منم خلیل تو ابراهیم فراموش
مکن مرا ای اباذر بتحقیق که اکر یک زنی از زنان اهل جنت ظاهر شود از
آسمان دنیا در شبی که در غایت تاریکی بوده باشد هر آینه روشن میشود از نور او
زمین زیاده تر از روشنی که حاصل شود بقمر که ماه بدر باشد و می آید بوی
خوش او را جمیع اهل زمین و بتحقیق که اکر یک جامه از جامهای اهل جنت را
کشاده و پراکنده کرده باشند یکروز در دنیا هر آینه بیهوش شود
هر کس که نظر باو کند و نتوانند نکریستن بسوی او ای اباذر بلند مکن آواز خود را
نزد جنازها و در جنک و نزد قرآن خواندن ای اباذر وقتی که تو تابع شوی
بجنازه باید که عقل خود را متوجه باو کردانی و تفکر بحال خود کنی و کریه کنی و خود
بدان تو که بتحقیق لاحق میشوی باو ای اباذر بدانکه هر چیزی که آن فاسد شود
نمک آنرا باصلاح می آورد و دوای او نمک است و هر کاه که نمک فاسد شود
یعنی علما و پرهیزکاران بمنزله نمک اند در میان مردم که مردم خوض مینمایند در دنیا
و فساد و علما و بزرکان دین محمدی اصلاح حال ایشان میکنند و ایشانرا بر
راه راست می آورند و هر کاه که علما و بزرکان از اهل صلاح نباشند
ایشانرا کسی بصلاح نمی آورد و دوا ندارد و بدانکه در شما دو عادت

بدرستی یکی خنده بی تعجب دیگر کاهلی در طاعت پیشه ای اباذر سخن حق گران
و تلخست بر مردم و سخن باطل سبک و بامزه است و بسیار شهوت ساعت
موجب حزن طویلست ای اباذر کسی که دو رکعت نماز معتدل گذارد که
دل او متوجه بآن باشد بهترست از قایم داشتن شبی که دل او غافل باشد
از آن ای اباذر دانا نمیشود مرد بجمع دانائی تا آنکه پند مرد ما را در حب الله تعالی
بامثال شر عظیم و علم بعد از آن رجوع کند بر نفس خود و خود را اکثر و نادان تر
داند از آنها بحسب علم ای اباذر نمیرسی بحقیقت ایمان تا آنکه بدانی که مردمان
همه احمقند در کار دین و عاقل دانی ایشان را در کار دنیا یعنی مردم در دنیا
آنچه مقتضی دین است بجای نمی آورند و آنچه مقتضی دنیاست بجای می آورند
ای اباذر محاسبه نفس خود کن قبل از آنکه حساب کرده شوی تو و حساب
نفس تو امروز آسانترست از حساب کردن تو فردای قیامت و وزن
کن نفس خود را قبل از آنکه وزن کرده شود نفس ترا یعنی اعمال حسنه کن و
از سیئات مجتنب باش تا فردای قیامت میزان تو ثقیل باشد و مهیا
گردان خود را از برای عرض اکبر که روز قیامتست و آن روزیست که
مخفی نیست بر الله تعالی هیچ چیزی ای اباذر حیا کن از خدای تعالی بحق آنکه
که نفس من در ید قدرت اوست در وقتی که من بقضاء حاجت میروم میپوشم
خود را بجامه خود و حیا میکنم از دو ملک که با من اند ای اباذر آیا دوست داری

که در جنت داخل شوی گفتم بلی یا رسول الله گفت منقطع شو و کوتاه
کن امید خود را و مرگ را همیشه برابر چشم خود دار و حیا کن از خدا آنچه
حق حیاست گفت ای اباذر گفتم یا رسول الله ما همه از خدا حیا میکنیم حضرت
رسالت صلی الله علیه و آله فرمود که حیا اینچنین نیست بلکه حیا از خدای
آنست که فراموش نکنی مقبرها را و پوسیدن در مقبره و دیگر تو فراموش
نکنی شکم خود را و چیزهایی که در آنجاست و فراموش مکن سر خود را و
چیزها که در وست و کسی که خواهد کرامت آخرت را باید که ترک کند
زینت دنیا را و اگر تو چنین باشی میرسی به الله تعالی ای اباذر کافیست از
دعا که مقارن باشد با نیکی آنقدر که کافیست طعام از نمک ای اباذر
مثل کسی که طلب کند چیزی بی عمل مثل کسیست که تیر خواهد انداز دار کمان بی چله
ای اباذر بتحقیق که الله تعالی بصلاح می آورد بسبب صلاح بنده پسر او
و پسر پسر او و نگاه میدارد او را در دویره او و دویره عبارتست از
گرداگرد او و مادام که او در آنجا باشد ای اباذر بتحقیق که پروردگار تو
مباهات میکند با ملایکه خود بسه نفر اول بمردی که تنها واقع شود و هیچکس آنجا
نباشد اذان بگوید و قامت کند و نماز گذارد و میگوید پروردگار تو
از برای تو ملایکه که نظر کنید ای ملایکه بر بنده من که نماز میگذارد و نمی بیند
هیچ یک او را غیر از من بعد از آن نازل میشوند از آسمان هفتاد هزار ملک

و نماز میکنند در پس او و طلب آمرزش میکنند از برای او از خدا از امروز
تا فردا او دویم در مردی که شب نماز کردن قایم شود تنها و سجده کند و در
سجده خواب برد او را بعد از ان میفرماید الله تعالی ملایکه خود را که نظر کنید
به بنده من که روح او نزد منست و بدن او بسجده است و سیم مردی که
او در غزا باشد فرار نمایند مصاحبان او و او بایستد و جنگ کند تا آنکه کشته
شود ای اباذر نیست از مردی که بنهد مرد پیشانی خود را در بقعه از بقعهای
زمین مگر که شهادت کند از برای او در قیامت بآنکه او سجده کرده و
نماز گذارده و نیست از منزلی که نازل شود و آید در ان منزل قومی مگر آن منزل
دعا میکند از برای آن قوم یا لعنت میکند آن قوم را ای اباذر نیست هیچ
صباح و شامی که بقعهای زمین منادی میکنند بعضی بعضی را که ای همسایه من
آیا گذر کرده است بر تو کسی که ذکر الله تعالی کند یا بنده که نهاده باشد
پیشانی خود را بر تو از سجده الله تعالی پس بعضی از ان بقعها گویند نه و بعضی
گویند بلی و آنکه گوید بلی شادان شود و نشاطی در وی پیدا شود و منشرح
گردد و داند که از برای او است زیادتی بر همسایه اش ای اباذر بتحقیق که
الله تعالی چونکه آفرید زمین را و آفرید چیزی را که در ان زمین است از درخت
نیست در زمین درختی که بنی آدم آید نزد آن درخت مگر که برسند ایشان
بآن درخت بشفقت همیشه ارض و درخت همچنین می باشند تا آنکه گوید فجره

وبدان

و بدان بنی آدم بآن کلمه عظیم که اتخذ الله ولدا یعنی الله تعالی از کبر
چون بنی آدم بآن کلمه تکلم نماید لرزه بر زمین پیدا شود و بلرزد و بروند سقف
درختان ای اباذر بتحقیق که زمین گریه میکند بر مرد مومن که بمیرد چهل صباح ای
اباذر اگر بنده در جای تنها باشد و هیچکس نزد او نباشد وضو سازد یا تیمم
بعد از ان اقامت کند و نماز گذارد امر کند الله تعالی ملایکه خود را تا صف
بندند در پس او بحیثیتی که دیده نشود طرف آن صف را ملایکه رکوع برکوع
آن مرد کنند و سجده کنند بسجده آن بنده و آمین گویند بر دعا که او
میکند ای اباذر کسی که او اقامت نکند و بانگ نماز نگوید نماز میگذارد با
او مگر دو ملک که با او می باشند ای اباذر نیست بر کسی که جوان باشد
ترک کرده باشد از برای رضاء خدا دنیا را و لذت دنیا را و پیر گردیده
باشد جوانی خود در طاعت و عبادت الله تعالی مگر که بدهد او را ثواب
هفتاد و دو صدیق و دوستان از ای اباذر کسی که ذکر الله تعالی کند در
میان غافلان مثل کسی که او مقاتله کند در میان گریختگان ای اباذر همنشینی
صالحان بهتر است از تنهائی و تنهائی بهتر است از همنشین بد و گفتن خیر نیک
بهتر است از سکوت کردن و سکوت بهتر است از بد گفتن ای اباذر مصاحب
مشو مگر با مومن و مده طعام خود را مگر بکسی که او متقی باشد و مخور طعام فاسقان را
ای اباذر طعام بده تو بکسی که او را دوست داری خاص از برای خدای تعالی

ای اباذر تحقیق که الله تعالی حاضر است نزد زبان هر گوینده پس باید که تدبیر
و حذر کند از بد گفتن و داند که چه می باید گفتن بگوید و بد نگوید زیرا که حضرت
عزت هر چیز را که او میگوید ای اباذر ترک کن زیادی کلام را و سخن زیاده
گفتن و بس است ترا از گفتن آن مقدار که حاصل شود بآن حاجت تو ای اباذر کافیست
مرد را دروغ گویی گفتن هر آنچه که شنوده باشد ای اباذر نیست هیچ چیز لایق تر
بانکه بسیار در زندان باشد از زبان ای اباذر تحقیق که بعضی از تعظیم و بزرگ
داشتن و گرامی داشتن سفید ریش مسلم است و گرامی داشتن حافظ قرآن که
عمل بان کند و گرامی داشتن پادشاه عادل ای اباذر نیست عمل نیک را
فاید کسی را که نگاه ندارد زبان خود از بد گفتن ای اباذر مباش تو عیب
کننده مردم و مباش مدح کننده مردم و بدخوی ای اباذر همیشه بنده را
زیاده میشود دوری از الله تعالی و دوری آنست که مردم در پس او روند
و او خواهد که مردم در پس او روند ای اباذر یک کلمه چون صدقه است و
هر خطوه قدم جهه شهادت و حضور نماز صدقه ایست ای اباذر کسی که قبول
کند اذان را یعنی آواز نماز بشنود بنماز روند و میگویند عمارت الله تعالی
را می باشد ثواب او از الله تعالی جنت گفتم من که پدر و مادرم فدای تو باد
چگونه عمارت کرده شود مساجد الله تعالی را فرمود که آواز خود در مساجد بلند
مکن و خوض مکن در مساجد بچیزهای باطل و خرید و فروخت در مساجد مکن و ترک کن

سخن بیمعنی و بیفایده دنیوی در مساجد مادام که در آنجایی پس اگر چنین میکنی
ملامت میکنی تو در روز قیامت مگر خود را ای اباذر تحقیق که الله تعالی
عطا میکند ترا مادام که تو در مسجد نشسته هر نفسی که میزنی در مسجد درجه بهشت
و دعا و استغفار میکنند از برای تو ملائکه و کتابت میکنند هر نفسی که در مسجد
میزنی ده نیکی از برای تو و نیست میشود از تو ده بدی ای اباذر آیا میدانی که
در حق که این آیه آمده است اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله
لعلکم تفلحون گفتم نه فدای تو باد مادر و پدرم گفت در حق آنکس است که
انتظار کشد از پس نماز دیگر ای اباذر تمام وضو در مکروهات در محلهای مضیق
از کفارات است و بسیار در مسجدها مختلف رفتن بهمه طاعت و عبادت
رباطست یعنی حفظ میکند مرد را از ترک طاعات ای اباذر میگوید حضرت
عزت که تحقیق دوست ترین مردمان بمن آنکسانند که با همدیگر محبت و
مودت ورزند خاص از برای عظمت و جلال من و دیگر آنکه متعلق است
دلهای ایشان بمساجد و استغفار کنند در وقت سحرها اینها آنچنان
کسانند که وقتی که خواهم من که عقوبت و عذاب فرستم اهل جایی را نگاه کنم
ایشان را و بگردانم عقوبت و عذاب را از اهل آن محل بواسطه خاطر ایشان
ای اباذر نشستن در مسجد لغو و بیفایده است مگر از جهه سه چیز اول قرآن
خواندن و نماز گذاردن دویم ذکر کردن از برای خدای تعالی سیم

سوال کردن از عملی که باشد ای اباذر باش تو در عمل کردن مقارن تقوی حریص تر
از روی اهتمام تو در عمل زیرا که کم نیست عمل بتقوی و چگونه کم باشد عمل مقارن
بتقوی با آنکه قبول کرده اند بقوله تعالی انما یتقبل الله من المتقین ای اباذر
نمی باشد مردی از متقیان تا آنکه حساب کند خود را سخت تر از محاسبه شریک
و بداند که از کجاست طعام او و از کجاست شراب او و از کجاست پوشش او
یا از حلالست یا از حرام ای اباذر کسی که باک ندارد الله تعالی او را از چه محل
داخل کرداند در آتش دوزخ ای اباذر کسی که شاد شود با آنکه نزد الله تعالی
گرامی ترین مردم باشد باید که متقی باشد ای اباذر بتحقیق که محبوب ترین شما
نزد الله تعالی انست که بسیار تر باشد ذکر او از برای خدای تعالی گرامی
ترین شما نزد الله تعالی متقی ترین شماست از برای خدا و بسیار نجات یابنده
ترین از عذاب خدای تعالی انست که خوف و ترس خدای تعالی در دل او
بسیار باشد ای اباذر بتحقیق متقیان کسانی اند که پرهیز نمایند از چیزی که از وی پرهیز
نباشد از داخل شدن در شبهه ای اباذر کسی که اطاعت کند خدای را
پس بتحقیق ذکر الله تعالی کند اگر چه کم باشد نماز او و روزه او و خواندن
قران او ای اباذر باش تو پرهیزکار و عابدترین مردم و بهترین چیزی در دین
شما تقوی است ای اباذر نیکی و زیادتی علم بهترست از نیکی و زیادتی عبادت
و اگر نماز کنید شما بآنقدار که شوید دو تا و خم و روزه دارید آنقدار که

شوید از ضعف مثل تارها نفع نمیدهد شما را این نوع نماز و روزه مگر که
مقارن باشد با ورع ای اباذر اگر بتحقیق جمیع این امت بگیرند پیروی این آیه
را که ومن یتق الله یجعل له مخرجا ویرزقه من حیث لا یحتسب ومن یتوکل
علی الله فهو حسبه ای اباذر میگوید الله تعالی که بحق عزت و عظمت من
اختیار نکند بنده آرزوی مرا بر آرزوی خود مگر که گردانیده شود عن
چشم او غنی بعیوب خودش و گردانیده شود مقصود ها را او در آخرت
نه در دنیا و ضامن میشود آسمان و زمین رزق او را و منع کردم تنگی را از او
و میشوم من از برای او و ورای تجارت هر تاجری ای اباذر آیا تعلیم کنم ترا کلمه
چند که نفع دهد الله تعالی ترا بآن کلمها گفتم بلی یا رسول الله فرمود نگاه دار
خدا را که خدا ترا نگاه دارد و چیزی که طلب کنی از خدای تعالی طلب کن
و اعانت و یاری از و خواه بدرستی که جاری شده قلم در لوح محفوظ بهر چیزی
که باشد اگر جمیع خلایق جهد نمایند که دفع کنند از تو چیزی را که مقرر شده
قدرت ندارند بر آن و اگر خواهند تو مضرت رسانند بی تقدیر الله تعالی
نتوانند پس بدرستی که نصرت با صبرست و فرج و شادی با غم و با عسر یسری
آسانی هست ای اباذر غنی شو بغنای الله تعالی گفتم غنای الله تعالی چیست
خورش صباح و شب هر کس که قناعت کند او غنی ترین مردم است ای اباذر
بتحقیق الله تعالی نظر نمیکند بصورت شما و اموال شما لیکن نظر میکند بدلهای

شما و عملها را شما و فرموده که تقوی درینجاست و اشارت کرد به سینهٔ
مبارک خود ای اباذر چهار چیزست که نمیرسد بدان مگر مومن اول گم گشتن دویم
تواضع سیم فروشی چهارم یاد خدا در همه حال ای اباذر نیت کن بکار نیک
اگرچه نکنی تا نباشی از غافلان ای اباذر ویل بر کسی که سخن دروغ گوید تا مردم
خنده کنند پس سه نوبت فرمود ویل ای اباذر کسی که بسخن نیکو گوید بنجات یابد
پس لازم کن بر خود راست گفتن ای اباذر حذر کن از غیبت مسلمانان
که غیبت سخت ترست از زنا بتحقیق که اگر ذکر کنی بچیزی که در وی هست غیبت کرده
تو او را و اگر ذکر کنی بچیزی که در وی نیست تهمت کرده باشی برو ای اباذر
کسی که منع کند از برادر مسلمان غیبت واجب میشود بر الله تعالی که او را آزاد
کند از آتش دوزخ ای اباذر داخل میشود در قیامت سخن چین بجنات
ای اباذر کسی که او را در دنیا دو روی و دو زبان باشد عذاب او
سخت تر باشد ای اباذر عرض کرده میشود عملهای اهل دنیا بر الله تعالی
از جمعه تا جمعه روز دوشنبه و پنجشنبه بعد از ان می آمرزد هر بنده مومن را
مگر کسی که میانهٔ او و برادر مسلمان عداوت باشد ای اباذر حذر کن از دور شدن
بخشم از برادر مسلم زیرا که عمل نیک را خدای قبول نمیکند ای اباذر کسی که دوست
دارد که مردم بنزد او بپای ایستند پس مهیا سازد نشستگاه او در آتش دوزخ
ای اباذر کسی که بمیرد و در دل او بمثقال ذره از نخوت و تکبر باشد نمی یابد بو

بوی جنت مگر که توبه کند قبل از موت ای اباذر بیشتر کسانی که داخل میشوند در آتش
دوزخ متکبرانند پس گفت آن مرد نجات یابند گفت کسی که پشمینه پوشد
و بر حمار سوار شود و شیر بدوشد و با مساکین نشیند یا اباذر کسی که بر گیرد
متاع خود را بتحقیق که بری میشود از کبر یعنی چیزی که از بازار بخرد خود
بر گیرد ای اباذر کسی که بالا کرد دامن خود را و بدوزد کفش و نعلین خود را
و خاک آلوده سازد روی خود را بتحقیق که او بریست از کبر یا اباذر زود
باشد که مردمی موجود شوند از امت من زاییده شوند در نعیم و تربیت
و غذا کنند بنعمتهای خوب و قصد ایشان نعمت های گوناگون ممدوح
نشوند بگفتن مردم آن جماعت از بدان امت منند ای اباذر کسی که ترک کند
پوشش زیبا و قادر باشد بران از جهت انقیاد و مذلت خود از برای خدا
در غیر محل نقص و ذلیل کرد اند خود را در غیر مسکنت یعنی قادر باشد مسکین
باشد و نفقه کند مالی که جمع کرده باشد در غیر معصیت و رحم کند بر اهل معصیت
و مذلت مسکنت و مخالطه کند با اهل فقه و حکمت این جماعت نیکوترین امت منند
خوش باد آنکس که بصلاح است خفیهای او و نیکوست آشکارهای او و دور
کند از مردم بدی خود را خوش باد آنکس که عمل کند و نفقه کند زیادتی مال
خود را با مساکین و نگاه دارد زیادتی سخن را ای اباذر می باشد در آخر الزمان
قومی که می پوشند پشم در تابستان و زمستان می نمایند آن قوم خود را

بردم که به تحقیق از برای ایشان زیادتی هست بسبب پوشیدن پشم غرور
ایشان آن قوم را لعنت می کنند ملائکه آسمان و زمین ای اباذر خبر دهم
ترا باهل جنت گفتم بلی یا رسول الله فرمود که هر کسی ژولیده موی و گرد آلود
روی و کهنه پوش که هیچ باک نداشته باشد از اینها و مردم طمع او نداشته باشند
اگر او قسم یاد کند بخدا و چیزی و مرادی که داشته باشد طلبد هرآینه خدای
تعالی آنرا قبول کند پس حضرت فرمود ای اباذر به تحقیق از برای مسجد تحیتی هست
گفتم تحیت چیست گفت دو رکعت نماز بکند از پس گفتم کدام عملست که دوستر
میدارد آنرا الله تعالی گفت ایمان آوردن بخدا بعد از آن جهاد کردن
در راه خدای گفتم کدام مومن اکمل ایمانست فرمود که نیکوتر باشد خلق و
عادت او گفتم کدام مومن فاضلترست فرمود کسی که دور شود از بدی
کردن گفتم کدام شب فاضلترست فرمود که میان شب تاریک گفتم
کدام نماز فاضلترست فرمود که فقیری بقدر طاقت خود چیزی بفقیری دهد
در خفیه گفتم چیست روزه فرمود که روزه فرضیست جزا و ثواب آن
مقررست گفتم کدام زکوة فضیلت گفت آنکه بها او گران باشد
نزد اهل زکوة گفتم کدام آیه بزرگترست گفت آیة الکرسی گفتم یا رسول الله
چه بود در صحف ابراهیم علیه السلام فرمود صحف ابراهیم امثال بوده امثال
اینست که ای ملک مسلط آزموده شد به تحقیق که من ترا نفرستاده ام

جمع کنی دنیا را بر بعضی لیکن من ترا بعث کردم تا رد کنی از من دعوت مظلوم را
یعنی نگذاری که بر کسی ظلمی واقع شود که او بمن متوجه شود و دعا کند پس به تحقیق
رد نمیکنم دعاء مظلوم را اگرچه کافر باشد و ماکینه کاری که بدی بر نفس خود
کرده باشد و بود درین صحف امثال چند و لازمست بر عاقل مادام که
عقلش مغلوب نباشد که از برای او ساعات هست که مناجات کند در آن ساعت
با پروردگار خود و ساعتی هست که در آن تفکر کند در صنع الهی و ساعتی که
در آن حساب نفس خود کند از نیک و بد که از و صادر شده و لازمست بر عاقل که
طعن نکند بر مردم مگر در سه چیز یکی توشه آخرت و یکی در ساختن معاش و
و یکی لذت گرفتن در غیر محرم و لازمست مر عاقل را که نگاه دارد زبان خود
و ضایع نکند در چیزهٔ او و حساب کند کلام خود را گفتم یا رسول الله چیست صحف
موسی فرمود آنهمه عبرتست و صحف اینست عجبست مرکسی که یقین داشته باشد
باتش دوزخ بعد از آن خنده کند عجبست مرکسی را که یقین دارد بمرگ را چگونه
شاد باشد عجبست مرکسی که بیند دنیا را و گردش او را چگونه طمینان و
سکون داشته باشد و عجبست که کسی یقین داشته باشد بحساب روز
قیامت چگونه عمل نیک نکند گفتم یا رسول الله آیا هست در دنیا چیزی که
آن چیز بوده باشد در صحف ابراهیم و موسی که الله تعالی آنرا فرستاده
باشد بتو فرمود که بخوان قد افلح من تزکی و ذکر اسم ربه فصلی تا آخر سوره

یعنی وکر این چهار آیت در آیه صحف ابراهیم و موسی است علیهما السلام
گفتم یا رسول الله وصیت کن مرا فرمود که وصیت میکنم ترا بتقوی که
تقوی سر همه کارهاست پس گفتم زیاده کن فرمود لازم کن بر خود تلاوت
قرآن را و یاد خدا را زیرا که این تلاوت و ذکر مذکور میشود برای تو در آسمان و
نور میشود از برای تو در زمین گفتم یا رسول الله زیاده کن فرمود که لازم کن بر
خود غزا زیرا که عبادت ... گفتم زدنی فرمود که حذر کن از بسیاری خنده
کردن زیرا که میمیراند دل را و میبرد نور را گفتم زدنی فرمود که نظر کن
بکسی که کمتر از تست و نظر مکن بر کسی که زیاده از تست زیرا که این الیق است
بایا خوار نکنی نعمتی را که بتو داده است و بهر نعمت قلیل و کثیر شکر باید کرد
گفتم یا رسول الله زدنی فرمود صله رحم کن و دوست دار مسکینان را و
با ایشان مجالست و همنشینی کن گفتم یا رسول الله زیاده کن فرمود که بگو حق
اگرچه تلخ است گفتم یا رسول الله زیاده کن فرمود مترس تو در راه خدا از
ملامت ملامت کننده از اعمالی که از برای خدا کنی یا اباذر نیست عقل
مثل تدبیر و نیست ورع و زهدی مثل منع کردن خود از چیزهای بد و نیست
حسبی مثل خلق نیکو **فصل ششم در اختیارات روزهای** منقول است
از امام جعفر علیه السلام که اول روز از ماه مبارک است و صلاحیت دارد
از برای ملاقات کردن با امرا و طلب حاجتها و خرید و فروخت و

زراعت و سفر روز دویم از برای سفر و طلب کردن حاجتها روز سیم
بد است از برای همه چیز روز چهارم صلاحیت دارد از برای زن خواستن
و مکروه است از برای سفر روز پنجم نحس است روز ششم مبارک است
از برای نکاح و طلب کردن حاجتها روز هفتم مبارک و مختار است از
برای هر چیز که خواهد و سعی کند در آن روز هشتم خوب است از برای هر حاجت
بغیر از سفر روز نهم مبارک است از برای هر چیزی که خواهد کسی که سفر کند
درین روز برسد بمال و به بیند در آن سفر خیر بسیار روز دهم
صلاحیت دارد از برای هر حاجت غیر ملاقات با سلطان و کسی که درین
روز از سلطان گریزد گرفته شود و اگر چیزی گم شود پیدا شود و این روز خوب است
از برای خرید و فروخت و کسی که درین روز خسته شود خوب شود روز
یازدهم نیک است از برای خرید و فروخت و جمیع حاجتها و از برای سفر
بغیر ملاقات با سلطان اگر درین روز از خانه بیرون نباید نیک است روز
دوازدهم نیک است پس طلب کنید درین روز حاجتها خود را و سعی
کنید در حوایج بتحقیق که حاصل میشود روز سیزدهم نحس است حذر کنید
درین روز از جمیع عملها روز چهاردهم خوب است از برای حاجت
خواستن و از برای هر کار روز پانزدهم صلاحیت دارد از برای هر
حاجت که خواهد پس طلب کنید درین روز حاجتهای خود را زیرا که حاصل میشود

روز شانزدهم بد است از برای هر چیزی روز هفدهم طلب کنید هر چه
خواهید و نکاح کنید و خرید و فروخت و زراعت دنیا و ملاقات با سلطان
از جهت حاجتهای شما زیرا که حاصل میشود روز هیجدهم روز خوب است صلاحیت
دارد از برای سفر و طلب حاجتها و هر کس که مخاصمت کند درین روز با او هم
مخاصمت کند غالب و مظفر میشود و در خم بقدرت الله تعالی روز نوزدهم
روز خوب است از برای هر عمل و فرزندی که درین روز متولد شود مبارک باشد
روز بیستم نیک است از برای حاجتها و سفر کردن و بنا و درخت نشانیدن
و ملاقات با بزرگان مبارک است روز بیست و یکم نحس و مستمر است
روز بیست و دویم روز خوب است از برای خرید و فروخت و ملاقات با سلطان
و سفر روز بیست و سیم نیکو است خاصه از برای نکاح و تجارت و ملاقات
با سلطان روز بیست و چهارم نحس است روز بیست و پنجم بد است حذر
باید کرد از هر چیز روز بیست و ششم صلاحیت دارد و برای هر حاجت
غیر نکاح و سفر و بر شما لازم است درین روز صدقه دادن بتحقیق که شر دفع میشود
بسبب صدقه روز بیست و هفتم نیکو است از برای حاجتها و از برای هر چه
خواهد روز بیست و هشتم میانه است روز بیست و نهم نیک است از
از برای هر حاجت که خواهد غیر کتابت به تحقیق که مکروه است و نمی باید
سعی کند در هر حاجت الا که قادر شود بر آن و کسی که بیمار شود زود بهتر شود

درین روز هم

دعا

و صحت یابد و کسی که سفر کند درین روز میرسد بدو مال بسیار و بنده که
بگریزد از صاحب خود باز گردد باو روز سی ام نیک است از برای
حاجت از خرید و فروخت و زراعت و نکاح و کسی که درین روز بیمار شود
صحت یابد و فرزندی که درین روز متولد شود حلیم باشد و مبارک و
رفیع الشان و روایت کرده اند از گفته شده است وقتی که مضطر شود
انسان در توجه کردن بچیزی در یکی ازین روزها که نهی کرده شده در آن روز
باید در عقب هر فریضه بخواند این دعا فرج را لا حول و لا قوة الا بالله
افرج بها کل کربة و لا حول و لا قوة الا بالله احل بها کل عقدة و لا حول و لا قوة
الا بالله اجلو بها کل ظلمة و لا حول و لا قوة الا بالله افتح بها کل باب
و لا حول و لا قوة الا بالله استعین بها علی کل شدة و مصیبة لا حول و لا قوة
الا بالله استعین بها علی کل امر نزل بی لا حول و لا قوة الا بالله اعتصم
بها من کل محذور احاذر لا حول و لا قوة الا بالله استوجب بها العفو
و العافیة و الرضا من الله لا حول و لا قوة الا بالله تفرق اعداء الله و
غلبت حجة الله و بقی وجه الله لا حول و لا قوة الا بالله اللهم رب الارواح
الفانیة و رب الاجساد البالیة و رب الشعور المتخطفة و رب الجلود
المتمزقة و رب العظام النخرة و رب الساعة القائمة اسئلک یا رب
ان تصلی علی محمد و اهل بیته و ذریته الطاهرین و افعل لی ذلک بحق لطفک

یا ذا الجلال والاکرام آمین یا رب العالمین **فصل هفتم در خاتمهٔ این کتاب**
چون ابتدا و افتتاح کردم این کتاب را بخطبهٔ امیر المؤمنین علیه السلام
از جهة تبرک باین خطبه و از برای آنکه این خطبه احاطه کرده جمیع آداب و
اخلاق را خواستیم که ختم کنم بخطبهٔ امیر المؤمنین که نام نهاده شده است
بهمام المؤمنین و رقم کرده شده بصفات المتقین زیرا که حضرت امیر المؤمنین
امام است از برای مؤمنان و بلیغ ترین موعظه ایست از برای کسانی که قبول
کنندهٔ وعظ اند پس ختم کردم باین خطبه کتاب را پس گردید مختوم و خاتمه
مسک روایت کرده شده که یکی از اصحاب رسول صلی الله علیه و آله
که او را همام میگفتند مرد عابدی بود گفت یا امیر المؤمنین صفت کن برای من
متقیان را همچنانکه گویا من می بینم ایشان را پس گرانی کرد از جواب دادن او
و بعد از ان گفت ای همام حذر کن از خدا و نیکوئی کن زیرا که الله تعالی
با متقیان است و با نیکوکاران قناعت نکرد
و ثنا میکرد او را و صلوات میفرستاد
بر نبی و آل او و بعد از ان گفت اما بعد بتحقیق که خدای تعالی آفرید
خلق را در حینی که آفرید ایشان را غنی بود از طاعت ایشان و ایمن بود
از معصیت ایشان زیرا که مضرت نمیرساند او را معصیت ایشان کسی که
عاصی است باو و نفع نمیدهد او را طاعت کسی که اطاعت او کرده و قسمت

که

کرد در میان ایشان معیشتهای ایشان را و وضع کرد و معین ساخت از دنیا
از برای ایشان موضعهای ایشان را پس کسانی که متقی اند در دنیا اهل فضیلتها
گفتن ایشان بحقست و پوشیدن ایشان متوسط است یعنی نه کوتاه و نه دراز
و رفتن ایشان بتواضع و فروتنی است پوشیده اند چشمها خود را از چیزی که
حرام کرده الله تعالی بر ایشان و وقف و حبس کرده اند شنودن خود را بر
علم نافع نفع دهنده و نزول کرده نفسهای ایشان در بلا همچنانکه نزول
کرده از آسانی یعنی نزد ایشان تفاوت نمیکند سختی که اگر نمیبود اجل که مقدر
کرده الله تعالی از برای ایشان قرار نمیگرفت روحها ایشان در
جسدها ایشان بچشم زدنی از جهة شوق بثواب و ترس و بیم از عقوبت
و عذاب عظیم بزرگست خالق در نفسهای ایشان و کوچک و صغیرست
غیر خالق در چشمهای ایشان و نسبت ایشان با جنت همچنانست که بتحقیق
می بینند ایشان جنت را و ایشان در جنت مکرم و منعم اند و می بینند بتحقیق
آتش دوزخ را و ایشان را که در ان معذبند و دلهای ایشان محزونست و
غمناک و شر از ایشان نمی آید و جسدهای ایشان ضعیف و نحیف است و
حاجتهای اندکست و نفسهای ایشان عفیف یعنی باز داشته از حرامست
و نصرت ایشان در اسلام بزرگست صبر میکنند روزها قلیل و اندک
و در آخرت میسر کرده الله تعالی از برای ایشان دنیا میخواهد ایشان را و

ایشان میخواهند دنیا را و طلب میکنند دنیا ایشان را و ایشان حاضر ساخته اند
دنیا را و اقبال میکنند دنیا به ایشان و ایشان خصومت میکنند با دنیا
و فارغند از دنیا اما در شب پس قایم می باشند و قرائت میکنند جزوها از قرآن
و میخوانند قرآن را بترتیل یعنی نگان نگان میخوانند و اندوهناک میسازند
بان نفسهای خود را و تدبیر میکنند باین دوا درد خود را پس وقتی که برسند
بآیتی از قرآن که در وی تشویق باشد بلقاء خدا میل کنند بآن آیه از جهت طمع
حق و چشم میدارند نفسهای ایشان بآن آیه از جهت شوق بجمال خدا و گمان برده اند که
آن نصب عین ایشانست و در وقتی که برسند بآیتی که در وی تخویف باشد گوش
میدارند بآن آیه گوش دلها و گمان میبرند که شداید جهنم را از اهل ایشان
در اصل گوشهای ایشانست پس ایشان بلا کنند در میان ایشان تمجید و تعظیم کنند
جبار بزرگ را و می اندازند روی خود را و دست خود را و زانوهای خود را
و اطرفها و قدمها خود را بر زمین طلب میکنند از الله تعالی آزاد کردن ایشان را
از عذاب دوزخ اما را حکیمان و عالمان اند و خیار و متقیانند بتحقیق
لاغر میسازد ایشان را مثل بری القداح یعنی چوب تیر که در غایت باریکست
نظر میکنند بسوی ایشان ناظری پندارد که خسته اند ایشان و حال آنکه
خسته نیستند و میگویند که بتحقیق بآنها رسیده است ملالت عظیم که ایشان
چنین لاغر شده اند و راضی نیستند از عملهای اندک و بسیار نمیشمرند عملهای را

وایشان

و ایشان تهمت کنندهٔ نفس خودند با آنکه عمل نیک میکنند و از عملهای خود
میترسند که چگونه باشد و وقتی که تزکیه کرده شود یکی را از اینها که نیکی او
گویند و او را نسبت بصلاح دهند میترسند از آن گفتن پس میگوید
من داناترم بنفس خود از دیگری و رب من عالمترست از من بنفس من و از
پس از علامت یکی از اینها آنست که بتحقیق تو می بینی از برای او قوتی در دین و حزم
در دین قوی باشند و حازم باشد در ترقی و یقین و از برای او حرص باشد
در علم و از برای او علم باشد در حلم یعنی حلیم باشد و دانا بحلم باشد و از برای او
یعنی غنی باشد از ما سوی الله و از برای
او خشوع باشد در عبادت و از برای او تحمل باشد در بیچیزی و صبر باشد
در سختی و طلب باشد در چیز حلال و نشاط و بشاشت باشد در راه راست و
ایمان و بیرون باشد از طمع و طمع نوشته باشد بامور دنیوی عمل کنند
بصلاح و عمل بد نکنند و ترسان باشند و شب که آید قصد او شکر باشد و
صبح که آید قصد او ذکر خدا باشد شب که خواب کند حذر کند از غفلت
و صباح که برخیزد شادی کند بچیزی که رسیده است بدو از فضل و رحمت
حق و از غفلت خلاص شده اگر دشواری کند بر وی نفس او در کردن
و سوال کند از چیزی که محبوب او باشد نمیدهد بدانکس مقصود نفس را و
نزد او خوبست و محبوبست و روشنی چشم او در چیزیست که زایل نمیشود

هرگز یعنی واجب الوجود • و دوری او در چیزیست که باقیست یعنی حکمت
و آمیخته باشد حلم او با علم یعنی هم حلم داشته باشد و هم علم • و قول او با عمل
می‌پیچی ترا که نزدیک باشد امید او و اندک باشد ذلت ترسان و خاشع باشد
دل او • قناعت کننده باشد نفس او • و اندک باشد خوردن او • و آسان باشد
کار او • محکم باشد دین او • مرده باشد شهوت او •
اندک باشد بدی او • بسیار باشد ذکر او • راست باشد گفت او • بخیل نبود
امید داشته باشد • و شر او مأمون باشد یعنی بدی از وی نیاید •
اگر او در میان غافلان باشد کتابت کرده میشود او را در لوح محفوظ
در سلک ذاکران • و اگر او در میان ذاکران باشد عفو میکند کسی را که بر او ظلم کند
و میدهد به کسی چیزی که او را محروم کرده • و وصلت میکند به کسی که قطع کرده باشد از او
نیکی میکند با او • و دورست فحش و بدی از او • نرم و آهسته می‌باشد گفتن او
و درشت نمی‌باشد • و غایب می‌باشد منکر او یعنی بدی او • و در زلزله او حلیم
صاحب وقار است • در مکروهات صابر است • و در خوشی و فراخی شاکر
انتقام نمیکند بر کسی که با او عداوت میکند • و منع نمیکند کسی که دوست دارد
او را طلب میکند چیزی را که نیست از وی • و انکار حق نمیکند که آن حق بر او باشد
و معترف می‌باشد به حق پیش از آنکه گواهی دهند بر وی • ضایع نمیکند چیزی را که
نگاه داشته است آن را • و فراموش نمیکند چیزی را که یاد گرفته و گفته شده

الخ

و لقب نمیدهد کسی را به لقب بد • و ضرر نمیرساند به همسایه • و شادی نمیکند
به مصیبتهای مردم • زود میرود و نمازها ادا میکند امانتها را • کاهلست در منکرات
امر میکند به معروف • و نهی میکند از منکر و بدی • و داخل نمیشود در باطل • و بیرون نمی‌رود
از حق • هرگاه که خاموش شود او غمگین نمیسازد او را خاموشی او • و هرگاه
سخن گوید خطا نگوید • و هرگاه که خنده کند تجاوز نمیکند آواز او • و بگوش کسی قانع
باشد به چیزی که آن جز از برای او نیست • و شرکت نمیکند با او چشم و رام او
و غالب نشود بر او هوا و هوس و آرزوی نفس • و مقهور نمیسازد او را بخل مخالطه
میکند با مردم به واسطه آنکه عالم شود • و سخن نگوید به واسطه آنکه بسلامت باشد
و سؤال میکند تا فهم کند • و تجارت میکند تا غنیمت برد • یعنی اعمال صالحه
میکند تا ثمره آن در قیامت گیرد • و کار نیک و خیر نمیکند تا فخر کند بدان
سخن نمیگوید به واسطه آنکه تعظیم کنند غیر او • و هرگاه که میخندد بلند نمیکند
آواز خود را • و هرگاه که کسی ظلمی و ستمی کند بر او صبر میکند تا آنکه الله تعالی
انتقام از او کشد • از برای او نفس او از او در شدت و بلاست • و مردم از او
در راحت و فرخند • بتعب و زحمت میدارد نفس خود را از برای آخرت خود •
و در راحت میرساند مردم را از نفس خود • و دوری او از کسی که دوری میکند
از آنکس زهد و پاکی • و نزدیکی او به کسی است که نزدیک است با آنکس نرمی و رحمت
و دوری از مردم از جهت تکبر و عظمت نیست • و نزدیکی او از برای مکر و

حیله و فریب نیست بعد از آن بتمام بیهوش شد و بمرد و امیر المؤمنین علیه السلام
گفت بخدا سوگند که میترسیدم من ازین پس فرمود که همچنین تاثیر میکند [illegible]
با اهل آن کلمه میشود پس گفت مر حضرت علیه السلام را شخصی که چه خواهد
بود حال تو یا امیر المؤمنین پس فرمود ویل باد بر تو بتحقیق که از برای هر اجل
وقتی هست از آن که تجاوز نمیکند از آن وقت و سببی هست که در نمیگذرد
از آن خاموش باش و دیگر مثل این سخنان مگوی که بدرستی این دمیده شیطانست
بر زبان تو. هذا ما اردنا ان نجمع من السیر النبویة والآداب المرضیة
وقد وفینا بما شرطناه ونسأل الله سبحانه وتعالی ان یوفقنا للعمل به
خالصا لوجهه وموجبا لرضوانه ومغفرته موصلا الی جنابه وکرامته بمنه
وفضله وجوده ورحمته وما توفیقی الا بالله علیه توکلت والیه انیب
وصلی الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین والحمد لله رب العالمین
قد تم تحریر هذا الکتاب علی ید العبد المذنب الجانی الفانی الذی اکثر الخلایق
زللا وقللهم عملا تراب عتبة الروضة الغرویة المرتضویة محمد اشرف

فی غره شهر الله الاعظم ذی قعده الحرام
سنه سبع وخمسین بعد الالف
من الهجرة النبویة علیه
الف الف التحیه